



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



پولیسٹریک



پولیسٹریک  
پولیسٹریک

# مہدویت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# مهدویت

نویسنده:

محمد علی رضایی اصفهانی

ناشر چاپی:

انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

## فهرست

فهرست	۵
مهدویت	۹
مشخصات کتاب	۹
اشاره	۱۰
اهدا	۱۶
«فهرست مطالب»	۱۸
درآمد	۲۵
فصل اول: مهدی شناسی	۲۷
اشاره	۲۷
طول عمر حضرت مهدی (عج) و ارتباط آن با زنده بودن حضرت الیاس و خضر و عیسی علیهم السلام چیست؟	۲۹
حضرت مهدی چند سال دارند و هنگام ظهور با چه قیافه ای ظاهر می شوند؟	۳۷
آثار و برکات وجودی حضرت حجت (عج) چیست؟	۳۹
تعدادی از اسامی و القاب حضرت مهدی (عج) در قرآن و سایر کتب آسمانی را بیان کنید؟	۴۷
آیا نجات بخش آخرالزمان در ادیان دیگر نیز مطرح است؟	۵۷
اگر هر امامی را امام معصوم غسل می دهد و نماز او را می خواند، پس بر حضرت مهدی علیه السلام چه کسی نماز خواهد خواند؟ و آیا رجعت ممکن است؟	۷۳
پیشینه مسجد مقدس جمکران	۸۰
فصل دوم: جهان قبل از عصر مهدوی	۸۴
اشاره	۸۴
آیا تا زمان ظهور امام عصر (عج) قرآن و اسلام تحریف می شود؟	۸۶
آیا اگر فساد تمام جهان را فراگیرد امام زمان (عج) ظهور خواهند کرد؟	۹۴
نشانه های آخرالزمان چیست؟	۱۰۸
آیا اگر جنگ جهانی سوم رخ دهد امام زمان ظهور خواهند کرد؟	۱۱۰
آیا عوامل طبیعی مانند پاره شدن لایه اوزون و کم شدن آب شیرین در تعجیل فرج امام زمان تاثیر دارد؟	۱۱۵
نشانه های ظهور امام عصر (عج) چیست؟	۱۱۷

- ۱۲۷ ..... چگونه خود را برای ظهور آماده کنیم؟ و وظایف منتظران ظهور چیست؟
- ۱۴۰ ..... فصل سوم: جهان در عصر مهدویت
- ۱۴۰ ..... اشاره
- ۱۴۲ ..... دیدگاه قرآن در مورد جهانی شدن چیست؟ و جهانی سازی مطلوب کدام است؟
- ۱۶۷ ..... تشکیل حکومت جهانی توسط حضرت مهدی چه آثاری دارد؟
- ۱۷۲ ..... امام زمان، به چه صورت مبارزه می کنند؟
- ۱۷۷ ..... وظیفه ما در زمان ظهور (حضرت حجت) چیست؟
- ۱۸۰ ..... فصل چهارم: کتاب شناسی مهدویت
- ۱۸۰ ..... اشاره
- ۱۸۲ ..... تعدادی از مهمترین کتابهای مهدویت را برایم بیان کنید؟
- ۱۸۲ ..... اشاره
- ۱۸۲ ..... الف. کتابشناسی برای کودکان
- ۱۸۳ ..... ب: کتابشناسی برای نوجوانان
- ۱۸۸ ..... ج: کتابشناسی برای جوانان
- ۱۹۳ ..... د. کتابشناسی برای پژوهشگران:
- ۱۹۸ ..... ه : کتاب شناسی امام مهدی (عج) و قرآن:
- ۲۰۲ ..... ز. معرفی نرم افزار و سایت های مهدویت
- ۲۰۷ ..... ح. شرق شناسان و مسئله مهدویت
- ۲۱۰ ..... فصل پنجم: مهدویت در قرآن
- ۲۱۰ ..... اشاره
- ۲۱۲ ..... در قرآن چه تعداد آیات در مورد مهدویت وجود دارد؟
- ۲۳۹ ..... آیات مربوط به ظهور و انتظار کدامند؟
- ۲۴۵ ..... آیا در قرآن نشانه های آخر الزمان آمده است؟ چند آیه بیان کنید.
- ۲۵۰ ..... فصل ششم: تفسیر آیات مهدویت
- ۲۵۰ ..... اشاره
- ۲۵۲ ..... رفع فتنه ها از جهان با قیام مهدوی

- ۲۵۴ ----- جهانی سازی مطلوب (=مهدوی)
- ۲۵۶ ----- مهدی علیه السلام ذخیره الهی
- ۲۵۷ ----- مهلت به ابلیس تا قیام مهدی علیه السلام
- ۲۵۹ ----- یاران مهدی یاری می شوند
- ۲۶۱ ----- یاران مهدی، وارثان صالح زمین
- ۲۶۴ ----- مهدی (عج) اجازه جنگ دارد
- ۲۶۵ ----- مهدی علیه السلام هدایت نور الهی
- ۲۶۹ ----- خلافت زمین بدست مهدی علیه السلام
- ۲۷۳ ----- مهدی (عج) مضطر حقیقی
- ۲۷۵ ----- حکومت مهدوی حکومت مستضعفان
- ۲۷۷ ----- نورانی شدن زمین با نور مهدوی
- ۲۷۹ ----- قیام مهدی (عج) تاویل حروف مقطعه
- ۲۸۱ ----- جهانی سازی مهدوی
- ۲۸۳ ----- ندای آسمانی در هنگام قیام مهدی (عج)
- ۲۸۵ ----- مهدی علیه السلام تکمیل کننده نور الهی
- ۲۸۹ ----- امام مهدی آب حیات ملت ها
- ۲۹۱ ----- روز قیام مهدی، روز موعود
- ۲۹۶ ----- فصل هفتم: روش شناسی روایات - تفسیر آیات مهدویت
- ۲۹۶ ----- اشاره
- ۳۰۳ ----- پیشینه روایات تفسیری مهدویت
- ۳۰۳ ----- اشاره
- ۳۰۶ ----- ۱. روش تفسیر قرآن به قرآن:
- ۳۱۳ ----- ۲. روش تفسیر روایی:
- ۳۱۹ ----- ۳. روش تفسیر عقلی:
- ۳۲۵ ----- ۴. روش تفسیر علمی:
- ۳۳۶ ----- ۵. روش تفسیر اشاری (عرفانی - باطنی)

۳۵۷ ----- ۶. روش تفسیر به رأی

۳۶۷ ----- فهرست منابع

۳۸۱ ----- درباره مرکز



عنوان و نام پدیدآور: مهدویت/ جمعی از پژوهشگران قرآنی [مؤسسه فرهنگی پژوهش های قرآنی المهدی]؛ زیر نظر محمدعلی رضایی اصفهانی.

مشخصات نشر: قم: انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۹۱ ش.

مشخصات ظاهری: ۳۵۲ ص.

فروست: پرسش های قرآنی جوانان؛ [ج. ۶].

شابک: دوره: ۳-۸۸-۲۵۳۴-۹۶۴-۹۷۸؛ ج ۱: ۶-۸۲-۲۵۳۴-۹۶۴-۹۷۸

قیمت: ۵۵۰۰۰ ریال.

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: قرآن - پرسش ها و پاسخ ها موضوع: مهدویت.

شناسه افزوده: رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۴۱ - شناسه افزوده: مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی.

رده بندی کنگره: ۱۳۹۱ ج. ۶۴ پ/ ۶۵/۲ BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۰۷۶

شماره کتابشناسی ملی: ۲۶۶۵۸۰۶

مؤسسه فرهنگی پژوهش های قرآنی المهدی (عج)

ناشر: انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن

عنوان: پرسش ها و پاسخ های قرآنی جوانان (ج ۶) - مهدویت

تألیف: جمعی از پژوهشگران قرآنی زیر نظر دکتر محمد علی رضایی اصفهانی

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۱ ش

شمارگان: ۳۰۰۰ جلد / قطع رقعی

قیمت: ۵۵۰۰۰ ریال

چاپخانه و لیتوگرافی:

مراکز پخش:

۱. قم، انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن: قم، میدان رسالت، بلوار سمیه، خیابان شهید رجایی، کوچه ۴، پلاک ۷۷،

تلفن: ۰۲۵۱-۷۷۳۴۰۹۴

ص: ۱

**اشاره**







پژوهشگران همکار

سید مهدی اعتصامی؛

سید احمد بطحائی؛

نصرالله سلیمانی؛

نعمت الله صباغی؛

عباس صنعتکار؛

حامد عبداللهی؛

سید حسین فخر زارع؛

محسن ملاکاظمی؛

سید مجید موسوی؛

سید جواد نبوی؛

بانو انصاری.

ص: ۵



به ساحت مقدس امام عصر، حضرت مهدی علیه السلام

و به جوانان پرسشگر و حق جو!

سپاسگزاری

از همه پرسشگران که زمینه ساز این اثر شدند و نیز از پژوهشگران

مؤسسه فرهنگی پژوهش های قرآنی المهدی که یاور ما در این جلد بودند بویژه حجت الاسلام سید حسن آیت تشکر می  
کنیم.

ص: ۷





فصل اول: مهدی شناسی

طول عمر حضرت مهدی (عج) و ارتباط آن با زنده بودن حضرت الیاس و خضر و عیسی علیه السلام چیست؟ ۱۷

حضرت مهدی چند سال دارند و هنگام ظهور با چه قیافه ای ظاهر می شوند؟ ۲۴

آثار و برکات وجودی حضرت حجت (عج) چیست؟ ۲۶

اسامی و القاب حضرت مهدی ۳۴

نجات بخش آخرالزمان در ادیان دیگر ۴۴

چه کسی بر امام زمان نماز می خواند ۶۰

پیشینه مسجد جمکران ۶۷

فصل دوم: جهان قبل از عصر مهدوی

آیا تا زمان ظهور امام عصر (عج) قرآن و اسلام تحریف می شود؟ ۷۳

آیا اگر فساد تمام جهان را فرا گیرد امام زمان (عج) ظهور خواهند کرد؟ ۸۱

نشانه های آخرالزمان چیست؟ ۹۲

ارتباط جنگ جهانی سوم با ظهور مهدی (عج) ۹۴

ارتباط پاره شدن لایه اوزون با ظهور مهدی (عج) ۹۹

نشانه های ظهور امام عصر (عج) چیست؟ ۱۰۱

چگونه خود را برای ظهور آماده کنیم؟ و وظایف منتظران ظهور چیست؟ ۱۱۰

فصل سوم: جهان در عصر مهدویت

ارتباط جهانی شدن و جهانی سازی با مهدویت ۱۲۱



آثار و برکات حکومت مهدوی ۱۴۶

روش مبارزه مهدی (عج) ۱۵۱

وظیفه مردم در زمان ظهور ۱۵۶

فصل چهارم: کتاب شناسی مهدویت

تعدادی از مهمترین کتابهای مهدویت را برایم بیان کنید؟ ۱۶۱

الف. کتابشناسی برای کودکان ۱۶۱

ب: کتابشناسی برای نوجوانان ۱۶۲

ج: کتابشناسی برای جوانان ۱۶۵

د: کتابشناسی برای پژوهشگران ۱۶۹

ه: کتاب شناسی امام مهدی (عج) و قرآن ۱۷۳

ز. معرفی نرم افزار و سایت های مهدویت ۱۷۷

ح. شرق شناسان و مسئله مهدویت ۱۸۰

فصل پنجم: مهدویت در قرآن

در قرآن چند آیه در مورد مهدویت وجود دارد؟ ۱۸۵

آیات مربوط به ظهور و انتظار کدامند؟ ۲۱۲

آیات قرآن و نشانه های ظهور ۲۱۸

فصل ششم: تفسیر آیات مهدویت

رفع فتنه ها از جهان با قیام مهدوی ۲۲۵

جهانی سازی مطلوب (= مهدوی) ۲۲۷

مهدی علیه السلام ذخیره الهی ۲۲۹

مهلت به ابليس تا قيام مهدي عليه السلام ۲۳۰

ياران مهدي يارى مى شوند ۲۳۲

ياران مهدي، وارثان صالح زمين ۲۳۴

مهدي (عج) اجازه جنگ دارد ۲۳۷

ص: ۱۰

مهدی علیه السلام هدایت نور الهی ۲۳۸

خلافت زمین بدست مهدی علیه السلام ۲۴۲

مهدی (عج) مضطر حقیقی ۲۴۶

حکومت مهدوی حکومت مستضعفان ۲۴۸

نورانی شدن زمین با نور مهدوی ۲۵۰

قیام مهدی (عج) تاویل حروف مقطعه ۲۵۲

جهانی سازی مهدوی ۲۵۴

ندای آسمانی در هنگام قیام مهدی (عج) ۲۵۶

مهدی علیه السلام تکمیل کننده نور الهی ۲۵۸

امام مهدی آب حیات ملت ها ۲۶۲

روز قیام مهدی، روز موعود ۲۶۴

فصل هفتم: روش شناسی روایات تفسیری آیات مهدویت

پیشینه روایات تفسیری مهدویت ۲۷۶

۱. روش تفسیر قرآن به قرآن ۲۷۹

۲. روش تفسیر روائی ۲۸۶

۳. روش تفسیر عقلی ۲۹۲

۴. روش تفسیر علمی ۲۹۸

۵. روش تفسیر اشاری (عرفانی - باطنی) ۳۰۸

۶. روش تفسیر به رأی ۳۲۹

فهرست منابع ۳۹۱







قرآن کریم نوری همواره تابان است که بر اندیشه بشر تایید و راه انسان ها را روشن ساخت، این کتاب منبع عظیم معرفتی و سفره ای الهی است (۱) که می تواند نسل های بشر را از زلال معرفت خویش سیراب سازد و مقام دانش و دانشمندان را ارج می نهد و عالمان و جاهلان را مساوی نمی داند (۲)، بلکه با اشارات متعدد به مباحث علوم تربیتی، کیهان شناسی، زیست شناسی، رویان شناسی و روح و روان انسان بلکه با اشاره به مسائل فرا روانشناسی، حس کنجکاو و پرسشگری انسان را تحریک می کند و زمینه رشد علوم را فراهم می سازد (۳). پرسش کلید دانش است (۴) و ذهن پرسشگر ارجمند است و وظیفه دانشمندان، دریافت پاسخ از منابع قرآن، حدیث، عقل و علوم تجربی و ارائه آن به تشنگان حقیقت است.

از این رو جمعی از پژوهشگران حوزه و دانشگاه گردهم آمده و با تأسیس «واحد پاسخ به پرسش های تخصصی قرآن و علم» و ارسال پرسشنامه به دانشگاه های مختلف، به گردآوری پرسش ها و ارائه پاسخ پرداخته اند که حاصل تلاش این عزیزان در این مجموعه گردآوری شده است.

بنده که از آغاز با این عزیزان همراهی داشته ام، شاهد تلاش علمی همراه با تعهد آنها بوده ام، که در حد توان کوشیده اند پاسخ های مناسب و متین ارائه نمایند. البته برخی پرسش ها نیز از طریق شنوندگان محترم رادیو قرآن دریافت شده و در برنامه پرسش و پاسخ قرآنی آنجا پاسخ داده ایم که به این مجموعه اضافه شده است.

ص: ۱۳

---

۱- (۱) عن النبي صلى الله عليه و آله: القرآن مأدبه الله فتعلموا مأدبه ما استطعتم. (بحار، ج ۹۲، ص ۱۹)

۲- (۲) هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ. (زمر / ۹)

۳- (۳) نک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، محمد علی رضایی اصفهانی.

۴- (۴) عن علي عليه السلام: العلم خزائن و مفاتيحها السئوال (غررالحکم، میزان الحکمه، ج ۴، ص ۳۳۰)

امیدوارم خدای متعال این خدمت علمی و قرآنی را از همه ما بپذیرد و این اثر مورد عنایت خاص حجه بن الحسن العسگری علیه السلام قرار گیرد.

در ضمن از خوانندگان محترم درخواست داریم که ما را از راهنمایی و پیشنهادات و انتقادات خویش محروم نفرمایند و از جوانان عزیز می خواهیم که اگر پرسش هایی در زمینه «قرآن و علم» دارند به نشانی ما ارسال فرمایند (۱).

با سپاس

دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی

قم - ۱۳۸۷/۳/۱۹

ص: ۱۴

---

۱- (۱) نشانی: قم، خیابان سمیه، خیابان شهید رجایی، کوچه ۴، پلاک ۷۷. تلفکس: ۰۹۴-۷۷۳۴-۰۲۵۱. ص. پ: ۴۱۶-۳۷۱۸۵ -  
قم WWW.quransc.com t info@quransc.com Email: quran@quransc.com





## طول عمر حضرت مهدی (عج) و ارتباط آن با زنده بودن حضرت الیاس و خضر و عیسی علیهم السلام چیست؟

(۱)

پاسخ:

یکی از مباحث مهم پیرامون شخصیت حضرت مهدی (عج)، طول عمر آن بزرگوار است، که برای هر کسی ممکن است این سوال مطرح شود که چگونه حضرت مهدی (عج) فرزند امام حسن عسکری علیه السلام هستند و با بیش از هزار سال سن زنده می باشند. قرآن و روایات معصومین علیهم السلام به پاسخ این پرسش اشاره کرده اند که به بیان برخی از آنها می پردازیم:

۱. عمر نوح علیه السلام: قرآن کریم وقتی سخن از حضرت نوح علیه السلام به میان می آورد، می فرماید:

(وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ) ۲؛ «و به یقین نوح را به سوی قومش فرستادیم؛ و در [میان] آنان هزار سال جز پنجاه سال، درنگ کرد؛ و (سرانجام) سیلاب آنان را فراگرفت در حالی که آنان ستمکار بودند.»

بنابراین خداوند در قرآن کریم که سراسر نور و هدایت و راستی است می فرماید: «حضرت نوح ۹۵۰ سال بین قوم خود درنگ داشته و مردم را هدایت می کرد.» و جای هیچ شکی نیست که چون قرآن عمر ۹۵۰ ساله را برای یک نفر تأیید کرده طولانی بودن عمر حضرت مهدی علیه السلام نیز قابل قبول خواهد بود.

ص: ۱۷

---

۱- (۱) در پرسش «الیسع» آمده بود اما به نظر می رسد «الیاس» مقصود است، همانطور که در پاسخ روشن می شود.

۲. زنده بودن حضرت الیاس علیه السلام: حضرت الیاس علیه السلام از رسولان الهی است که ۲ مرتبه هم در قرآن از ایشان یاد شده است (۱). ایشان از پیامبران بنی اسرائیل و از اولاد هارون بن عمران بوده و عموزاده حضرت الیسع علیه السلام می باشد. الیسع علیه السلام همان یسع بن اخطوب بن عجوز است که الف و لام آن زائده و برای زینت است مانند الحسین، وی نیز از پیامبران بنی اسرائیل می باشد و حضرت الیاس علیه السلام هنگامی که به آسمان رفت حضرت الیسع علیه السلام را جانشین خود بین مردم قرارداد. از حضرت امام رضا علیه السلام حکایت شده که می فرمایند: الیسع همان کارهایی را که حضرت عیسی انجام می داد انجام داد، روی آب راه می رفت، مرده زنده می کرد، کر و لامل شفا می داد ولی مردم او را خدا نخواندند (۲).

علامه مجلسی زنده بودن حضرت الیاس علیه السلام را از طریق ۲ روایت اعلام می کند:

۱. امام محمد تقی علیه السلام از امام صادق علیه السلام نقل می کنند که روزی پدرم امام محمد باقر در حال طواف بود که ناگاه با مردی برخورد کرد که چیزی به خود بسته بود و طواف پدرم را قطع نمود و آن حضرت را به خانه ای در جوار کوه صفا برد و مرا نیز طلب کرد و غیر از ما ۳ نفر کسی در آنجا نبود. [سؤالاتی پرسید و سخنانی میان آنها گذشت که می توانید به اصل حدیث مراجعه کنید] تا اینکه شمشیر خود را بیرون آورد و گفت: این هم یکی از آن شمشیرهایی است که در زمان حضرت مهدی (عج) کشیده خواهد شد؛ سپس گفت: منم الیاس و آنچه از تو پرسیدم همه را می دانستم و شما را می شناختم ولی می خواستم باعث قوت ایمان اصحاب تو شود و بعد ناپدید شد (۳).

ص: ۱۸

---

۱- (۱) انعام / ۸۵ و صافات / ۱۲۳.

۲- (۲) بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۴۰۱ و معارف و معاریف ج ۱۰، ص ۵۹۵.

۳- (۳) ر. ک: حیوه القلوب، ج ۲، ص ۸۴۳.

۲. از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام حکایت شده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به زید بن ارقم سخنانی گفتند از جمله آنها این بود که فرمودند: حضرت خضر و حضرت الیاس در موسم حج همدیگر را ملاقات می کنند و زمانی که می خواهند از همدیگر جدا شوند فلان دعا را می خوانند و بعد از همدیگر جدا می شوند(۱).

۳. حضرت خضر علیه السلام: ایشان از پیامبران مرسل می باشد که بر قومش مبعوث شد و معجزه اولش این بود که هرگاه بر چوبی خشک یا زمین بی سبزه ای می نشست فوراً چوب دارای برگ می شد و زمین سرسبز می شد و به همین خاطر او را «خضر» می گویند. خضر به معنای سبز و سبزه می باشد(۲). نام اصلی و نسب او چنین است: «تالیا بن ملککان بن عابر بن ارفخشذ بن سام بن نوح» و مدت عمر او حدود ۶ هزار سال تخمین زده شده است(۳).

طبق روایاتی که علامه مجلسی رحمه الله در بحارالانوار(۴) و حیوه القلوب(۵) آورده حضرت خضر علیه السلام به همراه حضرت ذوالقرنین علیه السلام که قرآن در اواخر سوره کهف از او سخن به میان آورده به سوی ظلمات رفت و آب حیات خورد و تا دمیده شدن صور از دنیا نمی رود.

از امام رضا علیه السلام حکایت شده: حضرت خضر از آب حیات خورد و تا نفخ صور زنده است، نزد ما می آید و بر ما سلام می کند ما صدایش را می شنویم و خودش را نمی بینیم او در مراسم حج شرکت می کند و همه ی مناسک حج را انجام می دهد. در روز عرفه در سرزمین عرفات می ایستد و بر دعای مؤمنان آمین می گوید، خداوند به وسیله او در زمان غیبت، از قائم ما رفع غربت می کند و به وسیله او تنهایی و خلوتش را به انس تبدیل می کند(۶).

ص: ۱۹

۱- (۱) ر. ک: حیوه القلوب، ج ۲، ص ۸۴۵.

۲- (۲) فرهنگ جامع عربی فارسی، ص ۳۵۰، ج ۲.

۳- (۳) یوم الخلاص، ص ۱۵۷.

۴- (۴) بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۱۷۲.

۵- (۵) حیوه القلوب ج ۲، ص ۸۴۴.

۶- (۶) کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۹۰ و بحار، ج ۱۳، ص ۲۹۹.

از امام صادق علیه السلام حکایت شده:... اما آن بنده صالح خدا خضر، خداوند عمر او را نه به خاطر رسالتش طولانی کرده و نه به خاطر کتابی که بر او نازل کرده و... بلکه خدای جهان آفرین برای آن که اراده فرموده بود عمر گرامی قائم علیه السلام را در دوران غیبت او بسیار طولانی سازد و می دانست که بندگانش بر طول عمر او ایراد و اشکال خواهند نمود، به همین دلیل عمر این بنده ی صالح خویش «خضر» را طولانی ساخت که بدان استدلال شود و عمر قائم بدان تشبیه گردد و بدین وسیله اشکال و ایراد دشمنان و بداندیشان باطل گردد(۱).

البته همانطور که از جزئیات زندگی حضرت مهدی (عج) اطلاعاتی در دست نداریم از زندگی حضرت خضر علیه السلام و لباس علیه السلام و اینکه چگونه و کجا زندگی می کنند و به چه اعمالی مشغول هستند اطلاعاتی نداریم و ظاهراً این گونه مسائل جزء اسرار است و علم آن بما واگذار نشده است.

۴. زنده بودن حضرت عیسی علیه السلام: آنچه در مورد حضرت عیسی علیه السلام قطعی است و قرآن هم بدان تصریح دارد آن است که حضرت عیسی علیه السلام به دار آویخته نشده است و به تعبیر قرآن امر بر دشمنان آن حضرت مشتبه شد (وَ قَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا قَتَلُوهُ وَ مَا صَلَبُوهُ وَ لَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَ إِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَ مَا قَتَلُوهُ يَقِيناً)؛ «و (بخاطر) گفتارشان: «که ما، مسیح، عیسی پسر مریم، فرستاده خدا را کشتیم.» (از رحمت خدا دور شدند.) و حال آنکه وی را نکشتند، و او را بر دار نیاویختند، و لیکن (امر) بر آنان مشتبه شد. و قطعاً کسانی که در (باره قتل) او اختلاف کردند، از آن در شکند، و برای شان هیچ علمی به آن جز پیروی از گمان نیست. و یقیناً او را نکشتند»؛

ص: ۲۰



و آن که خداوند حضرت عیسی را به آسمان بالا- برد (بَلِّغْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَ كَانَ اللَّهُ عَزِيزاً حَكِيمًا)؛ «بلکه خدا او را به سوی خود، بالا برد؛ و خدا، شکست ناپذیری فرزانه است.» که بسیاری از مفسرین این بالا رفتن حضرت عیسی علیه السلام را به صورت زنده می دانند نه این که حضرت عیسی علیه السلام از دنیا رفته باشد.

بلکه طبق احادیث، حضرت عیسی علیه السلام زمان ظهور حضرت مهدی (عج) هنگامی که مردم در بیت المقدس برای نماز صبح به امامت حضرت مهدی علیه السلام صف کشیده اند از آسمان فرود می آید و با حضرت بیعت می کند و امام زمان علیه السلام به حضرت عیسی می فرمایند: شما امام جماعت باشید که حضرت عیسی علیه السلام می فرماید نه هرگز! شما باید نماز را برای مردم بخوانید و همگی به شما اقتدا نمایند چرا که شما بنده شایسته خدا و حجت او هستید و خدا از شما خشنود است و من به عنوان وزیر شما مبعوث شده ام نه امیر(۱) و پس از فتح غرب توسط آن حضرت و اسلام آوردن بیشتر مردم آن سامان، حضرت عیسی علیه السلام رحلت نموده و حضرت مهدی علیه السلام و مسلمانان آشکارا بر پیکر مطهر ایشان نماز می گذارند تا مثل بار اول کسی سخن ناروا نگوید و او را خدا نداند. و در پارچه ای که دستباف مادرش حضرت مریم علیها السلام است او را کفن نموده و کنار مزار مادرش او را دفن می کنند(۲).

در نتیجه حضرت عیسی علیه السلام نمرده بلکه زنده است و در آسمان بسر می برد که از چگونگی حیات حضرت در آسمان چهارم یا آسمانی دیگر و نحوه زندگی ایشان اطلاعاتی در دست نیست.

نکته:

در روایاتی بین زنده بودن حضرت الیاس علیه السلام و خضر علیه السلام با زنده بودن حضرت مهدی علیه السلام شباهت ذکر شده است اما روایتی که دلالت کند بر

ص: ۲۱

---

۱- (۱) الملاحم و الفتن، سید بن طاووس باب ۱۷۸، معجم احادیث امام مهدی، ج ۱، ص ۵۲۷.

۲- (۲) عصر ظهور (علی کورانی)، ص ۲۹، فرهنگ نامه مهدویت، ص ۵۰۹.

اینکه حضرت مهدی علیه السلام شبیه حضرت عیسی علیه السلام زنده است نداریم و اساساً چنین تشابهی غلط است چرا که زنده بودن حضرت عیسی علیه السلام با زنده بودن حضرت مهدی علیه السلام تفاوت دارد و نوع زنده بودن حضرت مهدی علیه السلام از نوع زنده بودن حضرت عیسی علیه السلام نیست. حضرت مهدی علیه السلام بین مردم زندگی می کنند نه اینکه به آسمان بالا رفته باشند. طبق روایت شخص امام از ما غائب است (۱). در حدیث امام رضا علیه السلام آمده: «جسم او دیده نمی شود» (۲) یا در حدیث دیگر می فرماید:

«مردم امامشان را گم می کنند. پس او در مراسم حج حاضر می شود و مردم را می بیند ولی آنان او را مشاهده نمی کنند» (۳).  
اما حضرت عیسی علیه السلام در آسمان ها هستند نه در روی زمین و بین مردم.

۵. وجود افرادی با عمر طولانی: مانند:

۱. لقمان حکیم: ۴۰۰۰ سال

۲. لقمان بن عاد علیه السلام: ۳۵۰۰ سال عمر داشته است.

۳. نوح پیامبر علیه السلام: ۲۵۰۰ سال عمر داشته است.

۴. شیث فرزند آدم علیه السلام: ۹۱۲ سال عمر داشته است.

۵. حضرت آدم علیه السلام: ۹۳۰ سال عمر داشته است.

۶. حضرت ادریس علیه السلام: ۸۶۲ سال عمر داشته است.

۷. سلیمان نبی علیه السلام: ۷۱۲ سال عمر داشته است.

۸. سام پسر نوح علیه السلام: ۶۰۰ سال عمر داشته است.

۹. فرعون معاصر موسی: ۶۰۰ سال

۱۰. مریم مادر حضرت عیسی: ۵۰۰ سال

۱۱. سلمان فارسی: ۴۰۰ سال و افراد دیگر... (۴)

ص: ۲۲

---

۱- (۱) بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۲.

۲- (۲) کمال الدین، ص ۳۷۰.

- ٣- (٣) بحار، ج ٥٢، ص ١٥١ و كمال الدين، ص ٤٤٠.
- ٤- (٤) المستطرف، ج ٢، ص ٣٣ و كامل ابن اثير، ج ١، ص ١٩.

تذکر: امکان طول عمر از نظر علم و عقل

از نظر علمی هیچ گونه قاعده و قانونی که مانع وقوع و تحقق عمر طولانی باشد، وجود ندارد.

«برنارد شو» می گوید: از اصول علمی ثابت نزد تمام دانشمندان «بیولوژی» آن است که عمر انسان ممکن نیست که برای او حد ثابتی باشد طول عمر مسئله ای است که حد نمی پذیرد(۱).

«فلوکر» فیزیکدان معروف می گوید: حدّ طبیعی عمر انسان ۶۰۰ سال است و «روجر پیکن» آن را ۱۰۰۰ سال می داند «دیمندوبرل» از اساتید دانشگاه «جونس هبکنس» می گوید: تمام اجزای اصلی انسان بدون استثناء با امتحان به اثبات رسیده که قابل خلود است و یا حداقل قابل عمری طولانی تر از این مقدار.

نتیجه آنکه:

به استناد قرآن و روایات و شهادت تاریخ و علم و عقل هیچ منعی برای عمر طولانی نیست و امام زمان علیه السلام هم اکنون که سال ۱۴۲۸ قمری است، ۱۱۷۸ سال دارند و با اولیاء خاصی مانند حضرت خضر علیه السلام و الیاس علیه السلام ارتباط و انس دارند و هر یک از این اولیاء الهی به وظیفه تعیین شده از طرف خداوند عمل می کنند. چنانچه حضرت عیسی علیه السلام در آسمان زنده است.

ص: ۲۳

---

۱- (۱) موعودشناسی، ص ۵۱۰ به نقل از عمرالمهدی بین العلم و الادیان، ص ۶.

### حضرت مهدی چند سال دارند و هنگام ظهور با چه قیافه ای ظاهر می شوند؟

پاسخ:

اول: حضرت مهدی (عج) اکنون چند ساله دارند؟

حضرت مهدی (عج) در سال ۲۵۵ هـ. ق به دنیا آمدند و با توجه به اینکه الآن در سال ۱۴۲۸ هـ. ق هستیم عمر حضرت در نیمه شعبان امسال ۱۱۷۳ سال می باشد.

دوم: شکل و شمایل حضرت مهدی (عج)، موقع ظهور مثل انسان چند ساله است؟

در مورد قیافه و شکل و شمایل حضرت موقع ظهور به طور کلی دو دسته روایت وجود دارد:

الف. روایاتی که مطلق است و سنی را بیان نمی کند و فقط جوان بودن حضرت را متذکر می شود.

۱. «شابٌ بعد کبر السن» (۱) جوان است با اینکه سن اش زیاد است.

۲. «رجوعه من غیبه بشرخ الشباب» (۲) در بهترین مرحله جوانی ظهور می کند.

۳. «فی سن الشیوخ ومنظر الشباب» (۳) در سن کهن سالان و سیمای جوانان.

ب. روایاتی که علاوه بر تأکید بر جوانی، سن و سال را هم مشخص می کند.

۱. «فی صوره فتی موفق این ثلاثین سنه» (۴) با چهره جوانی کامل به سن سی سالگی.

۲. «فی صوره شاب دون اربعین سنه» (۵) با چهره جوانی کمتر از چهل سالگی.

ص: ۲۴

---

۱- (۱) کمال الدین، ج ۱، ص ۳۲۷.

۲- (۲) غیبت طوسی، ص ۴۲۱.

۳- (۳) کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۶.

۴- (۴) غیبت طوسی، ص ۴۲۰.

۵- (۵) کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۶.

۳. سن اش زیاد و چهره اش جوان است به گونه ای که در نظر بیننده چهل ساله یا کمتر می نماید و از نشانه های ایشان آن است که تا زمان وفات پیر نمی شود(۱).

نکات:

۱. می دانیم که سن حضرت بیش از هزار سال است و روایاتی که سن ایشان را بین ۳۰ تا ۴۰ سال بیان کرده منظور این است که در زمان ظهور چهره و سیمای نورانی حضرت در این سن است و اختلاف سن در این موضوع موجب تضاد نمی باشد. زیرا این اعداد نشانگر سن انسان کامل و جوان است.

۲. البته عمر طولانی مثل نوح (۹۵۰ سال) در قرآن آمده و یا حضرت خضر و عیسی علیه السلام سابقه دارد و در عالم حیوانات نیز عمر طولانی مشابه دارد و پیری و مرگ در اثر عوامل فرسایشی است که اگر آن عوامل نباشد شخص جوان می ماند(۲).

۳. آنچه مهم است شناخت و معرفت امام است و این اهمیت به قدری است که در روایات نشناختن امام برابر با بی دینی و جهالت شمرده شده.

«من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة»(۳)؛ «کسی که بمیرد و امام زمان خود را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است.» و این معرفت، مخصوص شناخت ظاهری نیست بلکه فراتر از آن است.

ص: ۲۵

---

۱- (۱) کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۲.

۲- (۲) ر. ک: عدالت گستر جهان، ابراهیم امینی.

۳- (۳) الصوارم المعرفه، ص ۲۶۳.

## آثار و برکات وجودی حضرت حجت (عج) چیست ؟

پاسخ:

حضرت مهدی علیه السلام در تاریخ پانزدهم شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری در شهر سامرا به دنیا آمدند. و تنها امامی هستند که در عراق متولد شدند چرا که یازده امام دیگر همگی در مکه یا مدینه متولد شدند. پدر بزرگوار ایشان امام حسن عسگری علیه السلام و مادر گرامیشان حضرت نرگس خاتون می باشد. از آنجا که، دشمنان زیادی داشتند و حتی درصدد قتل ایشان بودند حتی تولد ایشان همچون تولد حضرت موسی به صورت مخفی بود و به جز معدودی از شیعیان، دیگران نمی توانستند ایشان را زیارت کنند. تا اینکه در سال ۲۶۰ هجری پدر بزرگوارشان به شهادت رسیدند و در پنج سالگی قامت ایشان به ردای امامت و ولایت آراسته شد. اما به خواست خداوند متعال به کناره گیری از اجتماع مأمور شدند و تا سال ۳۲۹ در غیبت صغری به سر می بردند. در این مدت شیعیان و دوستان ایشان از طریق ۴ نایب خاصی که خود حضرت معرفی کرده بودند با حضرت در ارتباط بودند و مشکلات و سؤالات خود را مطرح می کردند. تا اینکه نوبت به غیبت کبری رسید. و از طریق آخرین نایب خود اعلان کردند که پس از ایشان نایب خاصی در بین مردم ندارند و مردم در مشکلات و حوادثی که برایشان پیش می آید به نایبان عام یعنی فقیهان جامع شرایط مراجعه کنند. و غیبت کبری برای مدت طولانی، همچون ابر بر خورشید جمال حضرتش افتاد و از این پس ناچاریم از پس ابر، از خورشید وجودش استفاده کنیم.

احادیث فراوانی از پیامبر اکرم و ائمه علیه السلام در پاسخ این گونه پرسش ها حکایت شده که در اینجا به عنوان نمونه حدیثی را از امام سجاد علیه السلام که بیانگر پاره ای از برکات وجودی امام علیه السلام است، ذکر می کنیم:

سلیمان از امام صادق علیه السلام و آن حضرت از پدر بزرگوارش امام باقر علیه السلام و آن حضرت از امام زین العابدین علیه السلام حکایت می کند:

«ما (اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله پیشوایان امت اسلام، حجت های خدا بر جهانیان، آقای اهل ایمان، پیشوای روسفیدان و سرپرست مؤمنانیم. ما امان برای اهل زمین هستیم، همچنان که ستارگان برای اهل آسمان امان هستند. خدا به واسطه ی ما آسمان را بر فراز زمین نگاه داشته و اهل زمین را از هلاکت نجات بخشیده است. به واسطه ی ما باران می بارد و رحمت خدا منتشر می شود و زمین برکاتش را بیرون می آورد و اگر در هر عصر و زمانی، امامی از ما اهل بیت، در زمین نبود زمین اهلش را فرو می برد و هلاک می کرد.»<sup>(۱)</sup>

سپس فرمودند: از هنگام خلقت آدم تا قیامت، زمین از حجت خدا خالی نبوده و نخواهد بود؛ خواه حجتش در میان مردم آشکار و معروف باشد یا غایب و ناپیدا. و اگر آن حجت نبود خدا در زمین عبادت نمی گردید.»

ص: ۲۷

---

۱- (۱) «نحن أئمة المسلمين، وحجج الله على العالمين، وساده المؤمنين وقاده الغر الم حجلين، وموالی المؤمنین ونحن أمان لأهل الأرض كما أن النجوم أمان لأهل السماء ونحن المذین بنایمسك الله السماء أن تقع على الأرض إلا بإذنه وبنا یمسك الأرض أن تمید بأهلها وبنا ینزل الغیث، وتنشر الرحمه، وتخرج برکات الأرض ولولا ما فی الأرض منّا لساخت بأهلها». ثم قال: ولم تخل الأرض منذ خلق الله آدم من، حجه الله فيها ظاهر مشهور أو غایب مستور، ولا تخلو إلى أن تقوم الساعه من حجه الله فيها، ولولا ذلك لم یعبده الله. قال سلیمان، فقلت للصادق علیه السلام: فكيف ینتفع الناس بالحجه الغای، بالمستور؟ قال: «كما ینتفعون بالشمس إذا سترها السحاب». کمال الدین، ص ۲۰۷، ح ۲۲.



سلیمان می گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم! مردم در زمان غیبت چگونه از امام غایب بهره مند می شوند؟!

آن حضرت فرمود: «همچنان که از خورشید هنگامی که در پشت ابرها است، بهره مند می گردند».

توضیح: بیان امام علیه السلام در این حدیث، به سه بخش عمده تقسیم می شود:

بخش اول: در مورد موقعیت ائمه علیه السلام از جهت مقام و منصب الهی است که پیشوایان راستین اسلام پس از پیامبر گرامی حجت های خدا بر تمام عالمیان و سید و آقای اهل ایمان هستند که به فرمان خدای سبحان به وسیله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به جامعه اسلامی معرفی شدند و برای هدایت و رهبری همه انسان ها در همه زمان ها تعیین گردیدند.

بخش دوم: پاره ای از برکات وجودی ائمه اطهار علیه السلام بیان شده است که اختصاص به زمان حضور امام علیه السلام ندارد. زیرا آثار و برکات آن حضرت چنان گسترده است که شامل زمان حضور و غیبت می شود.

بخش سوم: در این بخش به چند نکته ی اساسی اشاره شده است:

الف) خالی نبودن زمین از حجت خدا، یک سنت الهی است که از زمان حضرت آدم علیه السلام تا قیامت جریان دارد.

ب) اگر امامی از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله در زمین نباشد، زمین اهلش را نابود می کند.

ج) عبادت خدا در زمین، به وجود حجت خدا بستگی دارد.

د) در کلام حضرت به بهره مند شدن مردم از وجود امام علیه السلام در ایام غیبت تصریح شده است.

ما هنگامی می توانیم منظور کلام جامع و بلند امام سجاد علیه السلام را خوب درک کنیم که نسبت به خداوند متعال و اهداف وی از آفرینش انسان ها و سایر موجودات، شناخت صحیح داشته باشیم. زیرا شناخت صحیح خداوند متعال است که به انسان امکان شناخت پیامبر و امامان را می دهد.

از این رو سفارش شده: به هنگام دعا و کمک خواستن از خداوند چنین بگوییم: «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ، اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حَجَّتَكَ، اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حَجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حَجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنِ دِينِي» (۱).

در توضیح این دعا باید گفت: معرفت خداوند متعال دارای مراتب و درجاتی است که انسان می تواند تا حدی در پرتو نور «فطرت» و «عقل» به آن دست یابد؛ لکن معرفت صحیح و برتر و کامل را، باید به کمک پیامبران الهی و جانشینان راستین آنان، - بیانگران معارف دینی - به دست آورد.

وجود امام علیه السلام موجب آرامش اهل زمین

اگر شناخت صحیح نسبت به خداوند متعال از راه نزول وحی به وسیله ی امام بعد از پیامبر انجام گیرد، به خوبی روشن می شود که وجود امام معصوم در میان جامعه بشری از جهات گوناگون «موجب آرامش و امنیت» برای ساکنان زمین است.

اینک به برخی از آن جهات اشاره می کنیم:

#### ۱. امنیت فکری و روحی

امام علیه السلام بر اساس این که مسئولیت هدایت و ارشاد جامعه را بر عهده دارد، از مرزهای اعتقادی و فکری جامعه ی اسلامی نگهبانی می کند تا مورد هجوم افکار غلط و اعتقادات منحرف دشمنان خدا واقع نشود. در پرتو هدایت و ارشاد حجت خداست که انحرافات فکری و عقیدتی که موجب تزلزل فکری و روحی جامعه است، از بین رفته و «امنیت فکری و روحی» به وجود می آید.

ص: ۲۹

---

۱- (۱) «خداوندا! خودت را به من بشناسان، زیرا اگر خودت را به من شناسانی پیامبرت را نخواهم شناخت؛ خداوندا! فرستاده ات را به من بشناسان، زیرا اگر فرستاده ات را به من معرفی نمایی، حجت تو را نخواهم شناخت؛ خداوندا! حجت خود را به من بشناسان، زیرا اگر حجتت را به من شناسانی، از دینم من، حرف خواهم گشت!» (اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۷، ح ۵)

مسئولیت دیگر امام سرپرستی امور جامعه است که در صورت فراهم شدن شرایط و امکانات کافی، امام، زمام امور را به دست گرفته و قسط و عدالت همگانی را جایگزین بی عدالتی ها می نماید زیرا بی عدالتی هاست که نظم و آرامش فردی و اجتماعی را بر هم می زند؛ در نتیجه اهل زمین از آرامش و ثبات برخوردار می گردند.

اگر می بینیم که امام از تصرف ظاهری در اداره امور جهان خودداری می کند، به خاطر عدم وجود شرایط و مقدمات لازم است و خودداری از تصرف ظاهری در امور، چیزی نیست که منحصر به حضرت حجت علیه السلام باشد، بلکه امامان پیشین نیز چنین بودند، چنانکه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بیش از بیست و پنج سال در امور اجرایی دخالت و تصرف نکردند؛ در حالی که از اولین لحظه ارتحال پیامبر گرامی اسلام از طرف خدا و پیامبر نیز به مقام ولایت و امامت بر مردم انتخاب شده بودند، و واجد تمام شرایط زعامت و سرپرستی مردم بودند ولی به خاطر کوتاهی و سهل انگاری عده ای و کارشکنی عده ای دیگر جامعه اسلامی از برکات وجود امام و رهبری معصوم محروم ماند.

اگر امروز اجتماع ما از برکات تصرف مستقیم امام و حجت خدا محروم است، نه تنها مربوط به کوتاهی مسلمین صدر اسلام بلکه به خاطر غفلت های جامعه خود ما نیز می باشد.

امید است روزی فرا رسد که جامعه ی اسلامی و مردم جهان به این حقیقت پی ببرند که برای دست یافتن به عالی ترین مدارج تکامل انسانی، ناگزیرند از انسانی کامل و معصوم که واجد تمام شرایط رهبری در ابعاد مختلف زندگی انسان است، اطاعت و پیروی کنند؛ در این صورت است

که زمینه و شرایط برای تصرف مستقیم حجت و ولیّ خدا فراهم می گردد و امام، با اذن خداوند متعال ظاهر می شود و ظلم و بیداد را از بین می برد، و زمین را از عدل و قسط پر می کند. چنانکه امیرالمؤمنین علیه السلام پس از بیست و پنج سال کناره گیری از تصرف در امور مسلمانان، بعد از فراهم شدن شرایط، رسماً زمام امور را به دست گرفت و موفق گردید که در این مدّت کوتاه زعامت و رهبری خود، نمونه ای کامل از حکومت قرآنی و اسلامی را برای همه ی مسلمانان و انسان های جهان در طول تاریخ ترسیم کند.

محقق طوسی در این باره می نویسد: «وجوده لطف و تصرفه لطف آخر وعده منّا»<sup>(۱)</sup>؛ «وجود امام لطف است و تصرف و سرپرستی امام لطف دیگر است».

امّا اگر مردم از این لطف دوم برخوردار نیستند و امام در امور اجرایی به ظاهر تصرف نمی کند، به خاطر سهل انگاری و کوتاهی خود آن هاست. از این رو لازم است امت اسلام از خواب غفلت بیدار شوند و مقدمات حضور امام معصوم را در میان خود، به وجود آورند تا از برکات کامل الهی برخوردار گردند.

وجود امام، منشأ خیر و برکت

با توجه به آیات و روایات، وجود افراد مؤمن در بین مردم، منشأ خیر و برکت و موجب نزول باران و جلب منافع و دفع بسیاری از بلاها و خطرها از جامعه است، چنانچه در تفسیر آیه ۲۵۱ سوره بقره<sup>(۲)</sup> از امام صادق علیه السلام حکایت شده:

«إِنَّ اللَّهَ لِيُدْفَعُ بِنِصْرِهِ مَنْ يَصَلِّي مِنْ شِيعَتِنَا عَمَّنْ لَا يَصَلِّي وَلَوْ اجْتَمَعُوا عَلَيَّ تَرَكَ الصَّلَاةَ لَهَلَكُوا؛ به درستی که خداوند به واسطه نمازگزاران شیعه، بلا را از کسانی که نماز نمی خوانند، دفع می کند. زیرا اگر همه شیعیان نماز را ترک

ص: ۳۱

۱- (۱) کشف المراد فی شرح، تجرید الاعتقاد، ص ۲۸۵.

۲- (۲) ولو لا دفع الله الناس بعضهم ببعض لفسدت الأرض ولكن الله ذو فضل على العالمين.

کنند، هلاک می گردند»<sup>(۱)</sup>. آنگاه حضرت نسبت به سایر احکام، مانند پرداخت زکات و حج گزاردن همین مطلب را می فرماید.

وقتی وجود افراد مؤمن در اجتماع، چنین برکتی را به همراه داشته باشد، معلوم است که برکات وجود امام معصوم که ولی و حجت خدا بر مردم است، به مراتب بیشتر خواهد بود. زیرا امام و حجت خدا واسطه ی رسیدن فیض و برکت خداوند متعال به مردم و برطرف کننده ی بلاها از آنان است.

امدادهای غیبی امام زمان علیه السلام

روایاتی که از پیامبر اکرم و ائمه اطهار علیه السلام درباره غیبت حضرت مهدی علیه السلام رسیده، امکان بهره مندی از وجود آن حضرت را در عصر غیبت، مانند بهره مندی از نور خورشید، هنگامی که در پشت ابرها نهان است، دانسته است<sup>(۲)</sup> که این بهره مندی گاهی به شکل امدادهای غیبی از حضرت صادر می شود. از جمله امدادهای غیبی حضرت به جامعه شیعه، عنایت خاص آن بزرگوار به شیعیان است چنانکه در توقیعی از آن حضرت برای شیخ مفید رحمه الله، چنین آمده است:

«إنا غیر مهملین لمراعاتکم ولاناسین لذکرکم ولولا ذلك لنزل بکم اللأواء واصطلمکم الأعداء»<sup>(۳)</sup>؛ «ما امور شما را رها نمی گذاریم و همیشه شما را مراعات می نمایم و به یاد شما هستیم و گر نه، دشواری ها و گرفتاری ها بر شما فرو می ریخت و دشمنان، شما را لگدمال می کردند!»

از این جملات محبت آمیز حضرت استفاده می شود که پیوسته امدادهایی پر برکت از جانب آن بزرگوار به ما می رسد.

ص: ۳۲

- ۱- (۱) اصول کافی، ج ۲، ص ۴۵۱.
- ۲- (۲) کمال الدین، ص ۲۵۳ و ۴۸۴.
- ۳- (۳) احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۵۹۸.

با توجه به آنچه گذشت آثار وجودی امام زمان علیه السلام را می توان در دو بخش آثار تکوینی و تشریحی (۱) برشمرد که به نمونه هایی از آنها اشاره می شود:

الف. آثار تکوینی

۱. واسطه فیض.

۲. نفوذ روحانی و امدادهای غیبی.

ب. آثار تشریحی

۱. پاسداری از دین.

۲. امید بخشی.

۳. تصرف امام در کارها (به واسطه نائبان خاص و عام)

ص: ۳۳

---

۱- (۱) فایده تکوینی: به آن فایده ای گفته می شود که شناخت و عدم شناخت در بهره مندی از نعمت وجود امام دخالت ندارد. مثلاً برخورداری انسان از نعمت، حیات، آب زمین، هوا و..، نیازمند معرفت امام نیست و مسلمان و کافر همه بهره مند می شوند. هرچند شناخت تاثیر خود را دارد. فایده تشریحی: در این فایده معرفت به امام در بهره مندی از وجود امام دخالت مستقیم دارد یعنی هر چه انسان نسبت به امام معرفت و م، حبت بیشتری داشته باشد و بیشتر تسلیم او باشد از وجود ایشان بیشتر بهره مند می شود. (ر. ک: آفتاب در غربت، انتشارات میقات، ص ۱۱۵)

## تعدادی از اسامی و القاب حضرت مهدی (عج) در قرآن و سایر کتب آسمانی را بیان کنید؟

پاسخ:

هر انسانی را با ۳ عنوان اسم، کنیه و لقب می توان یاد کرد. اسم لفظی است که به وسیله آن شخص نام گذاری می شود و معرفی می گردد و غالباً در آن هیچ معنای دیگری غیر از اشاره بودن بر شخص مورد نظر منظور نمی گردد.

کنیه اسمی است که مزین به «ابن» یا «اب» یا «أم» یا «اخ» یا «أخت» باشد و به منظور تعظیم و تجلیل از فرد از کنیه استفاده می شود.

لقب نام دوم انسان است که در آن معنای مدح و ذم منظور می گردد به خلاف اسم علم چنان چه گفته شد (۱).

نام اصلی حضرت مهدی علیه السلام «محمد علیه السلام» می باشد و این نامی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای ایشان انتخاب نموده است و در اخبار متعدد شیعه و سنی آمده است که رسول خدا فرمودند مهدی هم نام من است (۲) و در حدیث لوح فاطمه که بسیاری از محدثین شیعه از جمله شیخ طوسی و شیخ مفید و شیخ صدوق و شیخ کلینی نقل کرده اند از ابوبصیر که امام صادق علیه السلام فرمودند پدرم علیه السلام به جابر بن عبدالله انصاری فرمود: من با تو کاری دارم چه موقع برای تو آسان تر است که در خلوت از آن موضوع سؤال کنم؟ جابر عرض کرد هر زمان شما دوست داشته باشید، تا این که روزی با جابر تنها نشست و به او فرمود ای جابر به من گزارش بده از آن لوحی که در دست مادرم فاطمه علیها السلام مشاهده نمودی و درخشندگی عجیبی

ص: ۳۴

۱- (۱) معارف و معاریف واژه های اسم و کنیه و لقب.

۲- (۲) ملاحم الفتن سید بن طاوس، ص ۷۴ یاتی علی الناس، ج ۱، ص ۳۵.

داشت... تا آن جا که گفت نام حضرت مهدی (عج) «ابوالقاسم محمد بن الحسن هو حجه الله القائم» ثبت و ضبط شده بود(۱). هم چنین در حدیثی مشهور از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وارد شده است که مهدی از فرزندان من است اسم او اسم من و کنیه او کنیه من است و شبیه ترین مردم است به من از جهت خَلق و خُلُق(۲).

در قرآن به این اسم تصریح نشده است چنان چه اسامی یازده امام دیگر نیز بیان نشده است. البته در بر زبان آوردن این نام حضرت اختلاف است و بعضی از فقها طبق بعضی از روایات که دلالت بر منع بردن نام حضرت در دوران غیبت می کند بر زبان آوردن آن را حرام می دانند که در جای خود باید مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

کنیه حضرت مهدی علیه السلام

کنیه حضرت مهدی علیه السلام به استناد روایات ابوالقاسم، ابو عبدالله، ابوجعفر، ابومحمد، ابوابراهیم، ابوالحسن، ابوبکر، ابوصالح و ابوتراب نقل شده است(۳).

ص: ۳۵

۱- (۱) کمال الدین، ج ۱، ص ۳۰۵ غیبت طوسی، ص ۹۲ نجم الثاقب باب دوم و...  
۲- (۲) کمال الدین، ج ۲، ص ۲۸۶ ینابیع الموده، ص ۴۳۹، یاتی علی الناس، ج ۱، ص ۳۶، در کتاب سنن ابی داود، ج ۲، ص ۳۰۹، حدیث ۴۲۸۲ روایتی نقل شده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند اسممه اسمی واسم ایبه اسم ابی، نام او همانم من است و نام پدرش نام پدر من است یعنی عبدالله و حال آن که می دانیم نام پدر حضرت مهدی (عج) حسن بن علی علیه السلام بوده است و علی الظاهر این حدیث توسط بنی العباس جعل شده است. زیرا دولت عباسی برای تأیید سلطنت خود و تشویق مردم به بیعت با محمد بن عباس ملقب به مهدی عباسی که سومین خلیفه دولت عباسی است دست به هر کاری می زدند و یکی از آن حيله ها آن بود که منصور عباسی که نامش عبدالله بود فرزندش را محمد نامید و او را ملقب به مهدی نمود و از مردم برای او به عنوان جانشین خود بیعت می گرفت و طوری وانمود کرد که مهدی عباسی همان مهدی امت است که پیامبر وعده او را داده است و چون کنیه او با کنیه پیامبر فرق می کرد حدیث را تحریف کرد و گفت اصل حدیث این است که اسممه اسمی و اسم ایبه اسم ابی چرا که نام پدر مهدی عباسی عبدالله بود و مؤید این نظریه آن است که این حدیث در هیچ ترمذی و سنن ابن ماجه و مسند احمد، حبل و... آمده ولی عبارت اسم ایبه اسم ابی نیامده و در کتب حدیثی شیعه نیز چنین حدیثی به چشم نمی خورد و با ادله قطعی و روایات متواتره دیگر که حضرت مهدی فرزند، حضرت امام، حسن عسکری علیه السلام است موافقت ندارد.

۳- (۳) نجم الثاقب باب دوم، فرهنگ الفبائی مهدویت، ص ۵۹۴.



و در قرآن اشاره ای به کنیه حضرت مهدی (عج) نشده است. القاب شریف حضرت مهدی (عج) که از قرآن و کتب سایر ادیان و روایات به دست می آید بسیار زیاد می باشد که هر یک بیان گر یک ویژگی ممتاز و مدح و تعریف حضرت به حساب می آید. حاجی نوری در کتاب نجم الثاقب این القاب را جمع آوری کرده که بیش از صد و هشتاد لقب می باشد، که بعضی از آن ها را از آیات قرآن و بعضی را از کتب دیگر ادیان و مذاهب و بعضی را هم از روایات و ادعیه برداشت نموده است (۱) که در این مجال چون اسامی و القاب حضرت در قرآن و سایر کتب ادیان را بررسی می کنیم به بعضی از این القاب اشاره می کنیم.

### القاب حضرت در کتب مذهبی ادیان دیگر

«صاحب و حاشر» در صحف ابراهیم «قائم» در زبور سیزدهم «قیدمو» در تورات به لغت ترکوم «ماشیع» مهدی بزرگ در تورات به لغت عبدانی «مهمید آخر» در انجیل «پسر انسان» در عهد جدید «فیروز» در کتاب اشعیای پیامبر «سروش ایزد» در زمزم زرتشت «پنده یزدان» در زند و پازند «لندیطارا» در هزار نامه هندیان «خسرو» در کتاب مجوس «پرویز» در کتاب برزین آذر فارسیان «منصور» در کتاب دید براهمه (۲).

### القاب حضرت مهدی در قرآن کریم

با توجه به آن که آیات متعددی پیرامون حضرت مهدی علیه السلام سخن گفته و مفسرین نیز به آن اعتراف دارند و در بخش آیات مهدویت به آن اشاره کردیم القاب متعددی را که حاکی از وجود آن صفات و القاب در حضرت مهدی دارد می توان نام برد که بعضی از آن ها را مختصراً توضیح می دهیم.

ص: ۳۶

---

۱- (۱) نجم الثاقب باب دوم.

۲- (۲) نجم الثاقب باب دوم، الزام الناصب، ج ۱، ص ۴۸۱، فرهنگ الفبائی مهدویت، ص ۹۴.

از مشهورترین القاب حضرت در قرآن است و به معنی بقیه و بازمانده خلفای خدا در زمین از انبیاء و اوصیاء می باشد. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام پیرامون آیه **بَقِيَّتُ اللّٰهِ خَيْرٌ لَّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ** (هود/ ۸۶) سوال شد، که این بقیه چیست و کیست؟ حضرت فرمودند اولیای خدا بقیه الله اند و مقصود مهدی علیه السلام است که در هنگام پایان پذیری این مهلت خواهد آمد و زمین را از عدل و داد پر خواهد کرد آن گونه که از علم و جور مملو گشته است و از آیات و نشانه های او غیبت است و پنهان شدن، آن گاه که طغیان گسترش یابد و انتقام فرا رسد(۱).

همچنین از حضرت صادق علیه السلام سوال شد آیا می شود به قائم آل محمد به عنوان امیرالمؤمنین سلام کرد؟ حضرت فرمودند: نه این اسمی است که خدا حضرت علی علیه السلام را به آن نامیده و قبل و بعد از او جز کافر به این نام نامیده نمی شود، راوی حدیث عرضه داشت فدای شما شوم پس به حضرتش چگونه باید سلام کرد؟ حضرت فرمود: باید گفت السلام علیک یا بقیه الله آن گاه آیه شریفه سوره هود را تلاوت فرمود که بقیه الله خیر لکم ان کنتم مومنین، در دعای ندبه نیز می خوانیم این بقیه الله التي لاتخلو من العتره الهادیه(۲).

البته چنان چه از اطلاق آیه قرآن و از متن زیارت جامعه کبیره(۳) به دست می آید همه اهل بیت بلکه جمیع حجج الهی بقیه الله و باقی و به جا گذارده شده روی زمین برای هدایت بشر هستند اما فرق حضرت مهدی با دیگر امامان آن است که بعد از هریک از ائمه دیگری می آمد و اگر بقیه الهی از

ص: ۳۷

۱- (۱) بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۱۰۶.

۲- (۲) مفاتیح الجنان، ص ۸۸۵ دعای ندبه.

۳- (۳) در زیارت جامعه می خوانیم السلام علی الائمه الدعاه والقاده الهداه... واولی الامر وبقیه الله وخیرته مفاتیح الجنان زیارت جامعه کبیره.

دنیا می رفت بقیه الله دیگری به جا می ماند ولی وجود مقدس صاحب الزمان بقیه الهی است که پس از او دیگر بقیه ای نیست و او آخرین بقیه الله است و با آمدن او دیگر بقیه ای باقی نمانده است که بیاید (۱).

## ۲. خلیفه الله

به معنای جانشین خداوند است و جزء القاب حضرت مهدی (عج) شمرده شده است، حضرت مهدی همان خلیفه باقی مانده ای است که قرآن شریف نیز به او اشاره دارد که انی جاعل فی الارض خلیفه (۲). حضرت مهدی خلیفه خدا به مفهوم حقیقی است و معانی واژه خلیفه را دارا است خداوند او را جانشین پیامبر قرار داده و او برگزیده خدا است نه منتخب مردم و خداوند او را به خلافت انتخاب کرده است چنان چه در زیارت آل یاسین می خوانیم السلام علیک یا خلیفه الله و ناصر حقّه، و پیامبر اکرم هم فرمودند خروج می کند مهدی علیه السلام و بر سر او ابری است و در آن منادی ندا می کند این مهدی خلیفه الله او را پیروی کنید (۳).

## ۳. حجت الله:

حضرت مهدی علیه السلام یکی از محبت های الهی که به وسیله او غلبه و سلطنت بر خلائق پیدا می کند، چنان چه در قرآن می خوانیم: (قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ) ؛ بگو: «پس فقط دلیل رسا برای خداست. و اگر (بر فرض خدا) می خواست، حتماً همه شما را (به اجبار) راهنمایی می کرد.»

حکیمه خاتون، خواهر حضرت امام حسن عسکری علیه السلام می فرماید وقتی حضرت مهدی علیه السلام متولد شد آن جناب را به نزد برادرش حسن بن علی علیه السلام

ص: ۳۸

---

۱- (۱) فرهنگ الفبائی مهدویت، ص ۱۷۲.

۲- (۲) بقره، آیه ۳۰.

۳- (۳) بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۱، فرهنگ الفبائی مهدویت، ص ۳۰۴.

آوردم پس حضرت با دست شریفش روی پر نور او را مسح کرد و فرمود: سخن بگو ای حجه الله و بقیه الانبیاء و... نقش انگشتر آن حضرت نیز انا الحجه الله و به روایتی انا حجه الله وخالصته می باشد(۱).

۴. منتظر:

انتظار یکی از کلیدی ترین واژه های مباحث مهدویت است که به فرموده رسول اکرم افضل اعمال امتی انتظار الفرّج بهترین اعمال امت من انتظار فرج است(۲) و حقیقت این انتظار عبارت است از ایمان استوار بر امامت و ولایت حضرت مهدی (عج) و امیدوار به ظهور مبارک آن واپسین حجت الهی و نگه داشتن ایمان و صبر و پایداری در برابر ناملایمات که جوهره انتظار را دربردارد و دعا برای تعجیل در فرج شریفش.

در قرآن می خوانیم: (فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ...۳)

این انتظار و منتظر بودن انبوهی از مردم نسبت به چه چیزی است؟ آیا بدون منتظر معنا دارد. آیا عقل می پسندد که ما منتظر باشیم اما کسی نباشد که منتظر او باشیم؟ پس این انتظار حقیقی و عشق سوزان و مقاومت بر سختی ها تا صبح امید و ظهور منجی عالم موجب شده است لقب منتظر را برای حضرت مهدی علیه السلام به وجود بیاورد که ما منتظر و انتظار کشنده باشیم و او کسی باشد که انتظارش را می کشند. بنابراین یکی از القاب مشهور حضرت که از آیات قرآنی هم می توان استفاده کرد منتظر بودن حضرت است و بسیاری در انتظار او به سر می برند تا پس از اذن ظهور پیدا کردن او از طرف خداوند متعال به یاری او بشتابند و او را در فراهم ساختن زمینه تشکیل حکومت عدل الهی و برچیدن بساط ظلم و تباهی از سرتاسر عالم و

ص: ۳۹

---

۱- (۱) نجم الثاقب باب دوم، فرهنگ الفبائی مهدویت، ص ۱۷۱.

۲- (۲) کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۷.

برقراری صلح و امنیت واقعی که آرزوی همیشگی انسان در طول تاریخ بوده است، یاری کنند. شخصی از امام باقر علیه السلام از دلیل منتظر نامیدن حضرت مهدی علیه السلام سوال کرد؟ حضرت فرمودند: او را منتظر می گویند چرا که آن حضرت دوره غیبت بسیار طولانی خواهد داشت و پیروان مخلص او در طول این دوره با وجود سختی های زیادی که دارد در انتظار ظهور او به سر خواهند برد و این در حالی است که بسیاری از افراد تردید کننده، قیام و ظهور او را منکر خواهند شد (۱). در دعای ندبه نیز این صفت اشاره شده است چنان چه می خوانیم این المنتظر لاقامه الاثمت العوج (۲) کجا است آن امامی که مردم به منظور برطرف ساختن اساس گزری و انحراف ها در انتظار او به سر می برند یا در زیارت صاحب الامر می خوانیم السلام علی القائم المنتظر والعدل المشتهر (۳).

## ۵. المضطر

یکی از لقب های مشهور امام عصر مضطر است چنان چه امام صادق علیه السلام درباره تفسیر آیه (أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يُكْشِفُ السُّوءَ) ۴ می فرماید سوگند به خدا منظور از مضطر در این آیه قائم آل محمد صلی الله علیه و آله است وقتی که در آخرالزمان ستم و بی داد و فساد در نتیجه سلطه پیدا کردن مستکبران و انحراف مردم از صراط مستقیم سرتاسر جهان را پراخت آن حضرت در بین رکن و مقام دو رکعت نماز می خواند و آن گاه دست به دعا برداشته از خداوند تعجیل در فرج خود را می خواهد و پروردگار عالم نیز دعای او را اجابت نموده و به او اذن ظهور می دهد و به دنبال این واقعه

ص: ۴۰

---

۱- (۱) بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۰ فرهنگ الفبائی مهدویت، ص ۶۹۹.

۲- (۲) مفاتیح الجنان، دعای ندبه.

۳- (۳) مفاتیح الجنان.

مبارک آن حضرت به برکت امدادهای غیبی و هم چنین یاری انسان های مؤمن و شجاع بساط ستم را از روی زمین برخواهد چید(۱).

در بسیاری از ادعیه و روایات نیز حضرت مهدی با لقب مضطر یاد شده است چنان چه در دعای ندبه می خوانیم این المضطرّ الذی یجاب اذا دعی کجا است آن مضطری که چون دعا کند خواست او به اجابت می رسد.

و در فلسفه این لقب که چرا حضرت مضطر نامیده شده است باید گفت: امام معصوم به عنوان حجّت الهی در خیرخواهی به بندگان خدا و محبت به آنان از پدر و مادر به آن ها مهربان تر است و کدام اضطرار از این سخت تر است که کسی حجت خدا باشد و مسئولیت حفظ و تبلیغ و ترویج و حاکمیت بخشی به همه احکام و ارزش های الهی را بر عهده داشته باشد، اما در شرایطی واقع شود که بیند حکام جور از یک طرف و منافقان و انسان های هواپرست از طرف دیگر احکام حیات بخش الهی را زیر پا می گذارند و بندگان خدا را از مسیر سعادت واقعی منحرف می سازند و آن ها را به بی راهه سوق می دهند و او هیچ راهی برای نجات آن ها ندارد جز آن که با اضطرار شدید از خداوند بخواهد که شرایطی فراهم کند تا بتواند داد مظلوم از ظالم بستاند و ارزش ها را حاکم کند(۲).

۶. نور

یکی دیگر از القاب حضرت حجّت (عج) در قرآن نور است که حضرت امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه (وَ اللَّهُ مُنِمْ نُورِهِ) ۳ می فرماید خدا به وسیله ولایت قائم و به ظهور آن حضرت این نور را به اتمام می رساند و هم چنین مراد از نور ربّ در آیه و اشرف الارض بنور ربّها روشن شدن زمین به نور

ص: ۴۱

۱- (۱) بحار الانوار، ج ۵۱، آیه ۴۸.

۲- (۲) فرهنگ الفبائی مهدویت، ص ۶۷.

آن حضرت است یا منظور از نور در آیه نور که می فرماید بهدی الله لنوره من یشاء حضرت مهدی علیه السلام است چنان چه جابرین عبدالله انصاری می گوید در مسجد کوفه داخل شدم در حالی که امیرالمؤمنین با انگشتان مبارک خود می نوشت و تبسم می کرد. عرض کردم یا امیرالمؤمنین چه چیز شما را به خنده آورده است؟ فرمود عجب دارم از آن که این آیه را می خواند ولی به حق به آن معرفت ندارد. گفتم کدام آیه فرمود الله نورالسّموات و الارض (۱) (که به آیه نور معروف است) که «مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ» مشکوه حضرت محمد است «فِيهَا مِصْبَاحٌ» منم آن مصباح زجاجه الزجاجه حسن و حسین هستند «كَانَهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ» علی بن الحسین است و «يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ» محمد بن علی است «زیتونه» جعفر بن محمد است «لاشرقیه» علی بن جعفر است و «لاغربیه» علی بن موسی الرضا است یکاد زیتها یعنی محمدبن علی است «لولم تمسه النار» علی بن محمد است «نور علی نور» حسن بن علی است و بهدی الله لنوره من یشاء قائم مهدی علیه السلام است (۲).

#### ۷. حق

بر حق بودن حضرت حجت هیچ جای شک و تردیدی نیست لذا امام باقر علیه السلام ذیل آیه خداوند در قرآن که می فرماید قل جاء الحق فرموده اند حق حضرت مهدی علیه السلام است و خداوند به جهت تأکید بر این که حتماً خواهد آمد با لفظ ما فی جاء (آمده است) تعبیر فرمود، گویا که محقق شده است چنان چه در زیارت حضرت حجت می خوانیم السلام علی الحق الجدید (۳).

#### ۸. ضحی

یکی دیگر از القاب شریف حضرت مهدی علیه السلام در قرآن ضحی می باشد

ص: ۴۲

۱- (۱) سوره نور.

۲- (۲) نجم الثاقب باب دوم.

۳- (۳) نجم الثاقب باب دوم، فرهنگ الفبائی مهدویت، ص ۲۸۰.

که در تفسیر آیه (وَ الشَّمْسِ وَ ضُحَاهَا) آمده است منظور از شمس (خورشید) رسول الله است و ضحای شمس (نور خورشید) قائم علیه السلام است و طبق بعضی از روایات ضحا و روشنائی خورشید خروج حضرت از پس پرده غیبت است و این مسلم است که پرتو نور رسالت و شعاع خورشید نبوت توسط حضرت مهدی (عج) بر شرق و غرب عالم خواهد تابید (۱).

۹. ناقور

ناقور به معنای صوری است که در آن دمیده می شود و صدا از او خارج می شود، امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه (فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ) ۳ می فرماید هر گاه خداوند اظهار امرش (حضرت حجت علیه السلام) را اراده کرد در دلش می افکند آن گاه ظاهر می شود و خروج می کند به امر خداوند (۲).

۱۰. خُنس

خُنس به معنای سیاره ای است که برای آن ها محل سیری مشخص است مانند مریخ، زهره و عطارد و یکی از القاب حضرت حجت به شمار می رود چون او ستاره ای است درخشان که سیر خود را می کند و زمانی پنهان می شود و به دور از دسترس است تا زمانی که خداوند بخواهد و آن ستاره بدرخشد چنان چه ام هانی می گوید حضرت امام محمد باقر علیه السلام را ملاقات کردم و از ایشان پیرامون آیه فلا اقسَمَ بالخُنسِ سوال کردم حضرت فرمود: خُنس آن امامی است که پنهان می شود در زمان خود (۳).

ص: ۴۳

۱- (۲) نجم الثاقب باب دوم.

۲- (۴) نجم الثاقب باب دوم.

۳- (۵) همان.



## آیا نجات بخش آخرالزمان در ادیان دیگر نیز مطرح است؟

پاسخ:

مقدمه:

امید به آینده و استقرار صلح و عدل جاویدان، امری فطری و طبیعی است که با ذات وجود آدمی سر و کار داشته و با آفرینش هر انسانی همراه است و زمان و مکان نمی شناسد و به هیچ قوم و ملتی اختصاص ندارد.

از این رو، همه افراد طبق فطرت ذاتی خود مایلند روزی فرارسد که جهان بشریت در پرتو ظهور رهبری الهی و آسمانی و با تأیید و عنایت پروردگار، از ظلم ظالمان و ستم ستمگران نجات یافته، شور و بلوا در جهان پایان پذیرد و انسان ها از وضع فلاکت بار موجود نجات یابند و سرانجام به کمال مطلوب و زندگی شرافتمندانه ای نایل آیند.

به همین دلیل، در تمام ادیان و مذاهب مختلف جهان، از مصلحی که در آخرالزمان ظهور خواهد نمود و به جنایت ها و خیانت های ضد انسانی خاتمه خواهد داد و شالوده حکومت واحد جهانی را براساس عدالت و آزادی واقعی بنیان خواهد نهاد - سخن به میان آمده و تمام پیامبران و سفیران الهی در این زمینه به مردم با ایمان جهان نویدهایی داده اند.

در این زمینه، یکی از نویسندگان معروف چنین می نویسد:

«موضوع ظهور و علایم ظهور، موضوعی است که در همه مذاهب بزرگ جهان واجد اهمیت خاصی است. صرف نظر از عقیده و ایمان که پایه این آرزو را تشکیل می دهد، هر فرد علاقه مند به سرنوشت بشریت، و طالب تکامل معنوی، وقتی که از همه ناامید می شود، و می بیند که با وجود

این همه ترقیات فکری و علمی شگفت انگیز، باز متأسفانه، بشریت غافل و بی خبر، رو به روز خود را به سوی فساد و تباهی می کشاند و از خداوند بزرگ بیشتر دوری می جوید و از اوامر او بیشتر سرپیچی می کند؛ بنا به فطرت ذاتی خود متوجه درگاه خداوند بزرگ می شود و از او برای رفع ظلم و فساد یاری می جوید.»

از این رو در همه قرون و اعصار، آرزوی یک مصلح بزرگ جهانی در دل های خداپرستان وجود داشته است و این آرزو نه تنها در میان پیروان مذاهب بزرگ، مانند: زرتشتی و یهودی و مسیحی و مسلمانان، سابقه دارد، بلکه آثار آن را در کتاب های قدیم چینیان و در عقاید هندیان، و در بین اهالی اسکانندیناوی و حتی در میان مصریان قدیم و بومیان و حتی مکزیکیک و نظایر آن ها نیز می توان یافت(۱).

ناگفته نماند که پیروان ادیان و مذاهب گوناگون، و دیگر ملل و اقوام گذشته و مکاتب مختلف جهان درباره نام آن بزرگوار با هم اختلاف نظر دارند، مسلمانان او را «مهدی موعود منتظر علیه السلام» و پیروان سایر ادیان و مکتب ها و ملت ها و توده های محروم وی را «مصلح جهانی یا مصلح غیبی یا رهاننده بزرگ یا نجات بخش آسمانی و یا منجی اعظم» می نامند؛ ولی درباره اوصاف کلی، برنامه های اصلاحی، تشکیل حکومت واحد جهانی براساس عدالت و آزادی، و ظهور او در آخرالزمان اتفاق نظر دارند(۲). اینک به بررسی مسئله مهدویت از دیدگاه ادیان مختلف و مهم جهان می پردازیم.

الف. نجات بخش آخرالزمان در مسیحیت

اندیشه بازگشت عیسی مسیح علیه السلام یکی از مهم ترین باورهای جامعه مسیحیت را تشکیل می دهد. از دیدگاه آنان مسیح علیه السلام به صلیب کشیده شده

ص: ۴۵

---

۱- (۱) مقدمه کتاب «مهدی موعود» ترجمه جلد ۱۳ بحار، ص ۱۷۷ و مهدی انقلابی بزرگ، ص ۵۷.

۲- (۲) او خواهد آمد، ص ۷۵.

و به شهادت رسیده است. سپس به آسمان ها رفته و در آخرالزمان برمی گردد و جهان را درخشان می سازد و آخرین نجات دهنده است، چنان که در انجیل آمده است:

خدای پدران ما آن عیسایی را که شما به صلیب کشیده و کشتید بر می خیزاند، او را خدا بر دست راست خود بالا برده سرور و نجات دهنده ساخت، تا اسرائیل را توبه و آمرزش گناهان بدهد<sup>(۱)</sup> ولیکن شنیده و دانسته ایم که این مرد (موعود) به راستی مسیح است و خلاصه کننده عالم<sup>(۲)</sup>.

درباره اندیشه مهدویت، در انجیل موجود، قطعه هایی وجود دارد که چراغ انتظار را در میان مسیحیان روشن می دارد، به عنوان نمونه به چند مورد اشاره می کنیم.

در انجیل لوقا آمده است:

کمرهای خود را بسته و چراغ های خود را فروخته بدارید، باید مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می کشند که چه وقت از عروسی مراجعت کند، تا هر وقت آید و در را بکوبد بی درنگ در را برای او باز کنند، خوشا به حال آن غلامانی که آقای ایشان چون آید آنها را بیدار یابد، پس شما نیز مستعد باشید زیرا در ساعتی که شما گمان نمی برید، پسر انسان می آید<sup>(۳)</sup>. در جای دیگر از انجیل لوقا به علائم ظهور اشاره شده است.

و چون اخبار جنگ ها و فسادها را بشنوید مضطرب مشوید زیرا که وقوع این امور ضرور است لیکن انتها، در ساعت نیست. پس به ایشان گفت قومی به قومی و مملکتی با مملکتی مقاومت خواهند کرد و زلزله های عظیم در جای ها و قحطیها و وباها پدید و چیزهای هولناک و علامات بزرگ از

ص: ۴۶

---

۱- (۱) اعمال رسولان، ج ۵، ص ۳۱.

۲- (۲) انجیل یوحنا، فصل ۸، باب ۴، ص ۲۵۳.

۳- (۳) انجیل لوقا، باب ۱۲، شماره ۳۵، ۴۰.

آسمان ظاهر خواهد شد. و قبل از این همه بر شما دست اندازی خواهند کرد و جفا نموده شما را بکنایس و زندان ها خواهد سپرد و در حضور سلاطین و حکام به جهت نام من خواهند برد.»(۱)

در انجیل متی آمده است:

اما چون پسر انسان در جلال خود با جمیع ملائکه مقدس خویش آید آنگاه بر کرسی جلال خود خواهد نشست و جمیع امت ها در حضور او جمع شوند و آنها را از همدیگر جدا می کند بقسمی که شبان میشها را از بزها جدا می کند. آنگاه پادشاه به اصحاب طرف راست گوید بیاید ای برکت یافتگان از پدر من و ملکوتی را که از ابتدای عالم برای شما آمده شده است به میراث گیرید... (۲) در جای دیگر انجیل متی آمده است:

آنگاه اگر کسی به شما بگوید اینک مسیح در این جا یا در آنجاست باور مکنید، زیرا که مسیحیان کاذب و انبیاء کذب ظاهر شده علامات و معجزات عظیمه چنان خواهند نمود که اگر ممکن بودی برگزیدگان را گمراه کردند.

اینک شما را پیش خبر دادم. پس اگر شما را گویند اینک در صحراست بیرون مروید یا آن که در خلوتست باور مکنید. زیرا هم چنان که برق از مشرق ساطع شده تا به مغرب ظاهر می شود ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد شد (۳).

در انجیل مرقس آمده:

پس بیدار باشید زیرا نمی دانید که در چه وقت صاحب خانه می آید، در شام یا نصف شب یا با بانگ خروس یا صبح مبادا ناگهان آمده شما را خفته یابد. اما آن چه به شما می گویم و به همه می گویم بیدار باشید (۴).

ص: ۴۷

---

۱- (۱) همان، باب ۲۱، شماره ۹، ۱۲، و نیز ر. ک: باب ۲۱ شماره ۸، ۱۶، ۲۰، ۲۱، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۳۲.

۲- (۲) انجیل متی، فصل ۲۵، شماره ۳۱، ۳۴ (به نقل از ادیان و مهدویت، محمد بهشتی، ص ۳۲).

۳- (۳) انجیل متی، باب ۲۴، شماره ۲۳ تا ۲۷ و نیز ر. ک: همان شماره ۲۷، ۴۲.

۴- (۴) انجیل مرقس، باب ۱۳، شماره ۳۵.

هم چنان که ملاحظه می شود این قطعه ها از انجیل، به صراحت مسیحیان را به انتظار سازنده و آمادگی برای آمدن منجی و مصلح جهانی دعوت می نماید و آنان را به این نکته متوجه می سازد که هرکس امید به آمدن پسر انسان دارد؛ باید بیدار و آماده باشد و آمادگی پذیرش او را در خود ایجاد کند.

مسیحیان به جهت شوق به بازگشت عیسی علیه السلام دچار توهماتی شدند و تاریخ هایی را برای این رویداد پیشگویی کردند. لذا فرقه های متعددی پدید آمد. مثلاً گروه آنباتیستها در قرن شانزدهم برای آماده کردن زمینه سلطنت هزار ساله حضرت عیسی علیه السلام به پا خاستند و برخی از شهرها را برای مدتی در اختیار گرفتند، ولی آنان را بی رحمانه سرکوب کردند و یا ابروینگیان برای سرعت بخشیدن به ظهور آن حضرت، دوازده حوری تعیین کردند ولی از این انتظار طرفی نبستند و یا اینکه گروه گواهان یهوه برای پذیرایی از حضرت عیسی علیه السلام و انبیای پیشین در آمریکا آپارتمان تهیه کردند (۱).

#### شوق انتظار در مسیحیت معاصر

در میان مسیحیت معاصر هم، شوق انتظار هنوز زنده است. برای اثبات این مطلب موارد زیر را به عنوان شاهد ذکر می کنیم: همان طوری که عده ای از مسیحیان بر این عقیده هستند که عیسی به زودی خواهد آمد و حکومت هزارساله تشکیل خواهد داد، از این رو از دیرباز گروه های کوچکی به هزاره گرایی در مسیحیت پدید آمده اند که همه سعی و تلاش خود را به آمادگی برای ظهور دوباره حضرت عیسی علیه السلام در آخرالزمان مصروف می دارند مثلاً فرقه ادونیستهای روز هفتم که قبل از سال ۱۸۴۳ به وجود آمدند و تا عصر ما باقی هستند (۲).

ص: ۴۸

---

۱- (۱)، حسین توفیقی، مجله موعود، ش ۱۷، مقاله هزاره گرایی در مسیحیت، ص ۱۹ و ۹۳ (به نقل از: معارف مهدوی، مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی، حوزه علمیه قم).

۲- (۲) همان.

یکی از رهبران مسیحی ایران، ملی مصاحبه ای چنین اظهار می دارد:

دین ما نیز مثل اکثر ادیان دیگر که به آمدن فردی اعتقاد دارند - به ظهور مجدد حضرت عیسی علیه السلام اعتقاد دارد، همه مسیحیان هم به این معتقدند چون حضرت ایشان اعلام کرده اند و در انجیل هم آمده است که حضرت عیسی علیه السلام فرمود: من اکنون می روم و باز خواهم گشت. حتی کلیسای ما نیز یکی از یکشنبه های عید خود را یکشنبه بازگشت (۱) نامیده است. (۲)

ب. یهودیت و مسئله منجی:

قسمت اول از کتاب مقدس به عهد عتیق معروف است که این قسمت همان کتاب تورات یهود و ملحقات آن است و در این کتاب بشاراتی در مورد مسئله مهدویت آمده است.

۱. در مزمور ۳۷ از مزامیر داوود نبی آمده است:

خداوند دارد نبی را به وسیله انتظار تسلی می دهد و او را به انتظار دعوت می نماید و به او وعده داده می شود که از اکثریت شروران واهمه نداشته باشد. با این بیان که ای داود! ذهنت را مشوش نساز که البته منتظران را خداوند وارث زمین قرار خواهد داد و آنان که لعنت شده اند پراکنده خواهند شد و صالحان از مردم همان کسانی هستند که زمین را به میراث برند و تا فرجام حیات جهان در آن زیست کنند (۳). مصداق همین توصیه چشم به راهی و انتظار نیز در قرآن کریم بیان شده است.

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ (۴)؛ و بیقین در «زُبُور» بعد از آگاه کننده [= تورات] نوشتیم که: «بندگان شایسته ام، آن زمین را به ارث خواهند برد.»

ص: ۴۹

---

۱- (۱) منظور از یکشنبه های عید، عشای ربانی است که در رأس شعائر هفتگانه مسیحیان قرار دارد که در آن نان و شراب می خورند، به عنوان جسم و خون، حضرت عیسی علیه السلام مسیحیان این مراسم را در یکشنبه ها برگزار می کنند. ر. ک: ادیان بزرگ جهان، هاشم رضی، ص ۵۵۶، ۵۵۷.

۲- (۲) مهدی تجسم امید و نجات، عزیزالله، حیدری، ص ۶۸ (به نقل از معارف مهدوی، ص ۲۵).

۳- (۳) کتاب مقدس، سفر مزامیر داود، مزمور ۳۷، همچنین ر. ک: همان مزمور ۲۷.

۲. در کتاب مقدس حیقوق نبی آمده است:

اگرچه تأخیر نماید برایش منتظر باش، زیرا که خواهد آمد و درنگ نخواهد نمود، بلکه جمیع امت ها را نزد خود جمع می نماید و تمام قوم ها را برای خویش فراهم می آورد(۱).

قرآن کریم نیز در دو مورد به این موضوع پرداخته است:

(فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَبِهُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ) ۲؛ «پس بگو: (آنچه از حَسَّ) پوشیده، تنها برای خداست؛ پس منتظر باشید، [چرا] که من (هم) با شما از منتظرانم.»

(قُلْ فَانْتَبِهُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ) ۳؛ بگو: «پس منتظر باشید که من (هم) با شما از منتظرانم!»

۳. در کتاب مقدس صفتیای نبی آمده است:

منتظر باشید زیرا هدف من این است که امت ها را جمع نمایم و ممالک را فراهم آورم، در آن زمان زبان پاک به امت ها باز خواهم داد تا جمع آنان اسم خدا را بخوانند و یک دل او را عبادت نمایند(۲).

۴. در کتاب مقدس دانیال نبی آمده است:

در آن وقت سرور بزرگ میکائیلی که از جانب پسران قومت قائم است، خواهد ایستاد و در آن زمان قوم تو هر کسی که در آن کتاب مکتوب یافت شده است نجات خواهد یافت(۳).

اما تو ای دانیال کلمات را مخفی کن و کتاب را به زمان انجام کار مختوم ساز حینی که بسیاری گردش کرده علم زیاد گردد(۴) و آن مرد ملبس

ص: ۵۰

---

۱- (۱) کتاب مقدس، حیقوق نبی، عهد قدیم، باب دوم.

۲- (۴) کتاب مقدس، صفتیای نبی، باب سوم، شماره ۸ و ۹.

۳- (۵) کتاب دانیال نبی، فصل ۱۲، شماره ۱.

۴- (۶) همان، شماره ۴.

شده به کتان را که بالای آبهای نهر می ایستاد، شنیدم در حالتی که دست راست و دست چپ خود را به سوی آسمان بلند کرده به حی ابدی سوگند یاد نمود که برای یک زمان و زمان ها و نیم زمان خواهد کشید و به محض تمام شدن پراکندگی قوت قوم مقدس همگی این حوادث به انجام خواهد رسید(۱).

۵. در کتاب اشعیا آمده است:

و نهالی از تندیشی برآمده شاخه از ریشه هایش قد خواهد کشید و روح خداوند که روح حکمت و فطانت و روح مشورت و جبروت و روح علم و خشیت از خدا است بر آن خواهد آرامید و او را در خشیت خداوند نیز هوش گردانید. موافق منظور نظرش حکم و مطابق مسموع گوش هایش تنبیه نخواهد فرمود بلکه ذلیلان را به عدالت حکم و برای مسکینان زمین به راستی نتیجه خواهد نمود و زمین را به عصای دهانش زده به روح لبهایش شریر را خواهد کشت. و کمر بند کمرش عدالت و وفا نطق میانش خواهد بود و گرگ با بزّه سکونت داشته، ببر با بزغاله و هم گوساله و پرواریها با شیرجوان هم خوابه خواهند شد و طفل کوچک راعی ایشان خواهد بود(۲).

یهودیت معاصر و مسئله مهدویت

چشم به راهی و انتظار آمدن شخصی فوق العاده در بحرانی ترین ایام روزگار و دادرسی او نسبت به بندگان خدا در منابع کنونی یهود با همه تحریفاتی که طی قرون متمادی در آن ها رخ داده است قابل توجه و عنایت است. به طوری که در عصر حاضر مشاهده می کنیم که ادعیه و عبادات جامعه یهود خالی از انتظار نیست و کاملاً این عقیده در آن ها ملموس است که در این جا به چند نمونه اشاره می کنیم:

ص: ۵۱

---

۱- (۱) همان، شماره ۷.

۲- (۲) کتاب اشعیا، فصل ۱۱، شماره ۶، ۱ و ر. ک: همان شماره ۱۰، ۷، فصل ۶۵، شماره ۲۵، ۱۶.



۱. در کلمات قدوشا(۱) از انتظار سخن به میان آمده است و این نمونه بارزی است بر این که یهودیان معاصر از جمله منتظرین می باشند و امید و چشم به راهی آنان را در اذهان متبلور می سازد، در آن جا که به منجی و موعود خود اشاره می کند و می گوید:

«ای پادشاه ما! از مقامت ظاهر شو و بر ما حکم فرمایی کن چون ما در انتظار تو هستیم.»(۲)

۲. یهودیان هم اکنون هر ساله در مراسم سالگرد بنیانگذاری اسرائیل(۳) مراسم باشکوهی برپا می کنند و در آن مراسم ادعیه ای خوانده می شود و از جمله آن ادعیه این دعا است: اراده خدای ما چنین باد که به لطف او شاهد سپیده دم آزادی باشیم و نفخ صور مسیحا گوش ما را نوازش دهد(۴).

۳. نمازنامه های یهود(۵) که در بند هفتم آن به انتظار اشاره شده است:

«چشمان ما ببیند که تو از در رحمت به صهیون(۶) باز می گردی»

و در فراز دیگری از آن نمازنامه آمده است:

«این اسیران بیچاره در سرزمین های بیگانه هم چون غلامان و کنیزان از روزی که آنان را ترک کرده ای منتظر تو هستند.»(۷)

همان گونه که مشاهده نمودید در عصر کنونی در جامعه یهودیت همانند گذشتگان به انتظار معتقدند و در مجموع کامل ترین و اصیل ترین بیان در انتظار مسیحائی در منابع یهود موج می زند.

ص: ۵۲

---

۱- (۱) قدوشا: نیایش و ادعیه هفتگی و اعیاد یهود می باشد که از کلمات مقدس تشکیل یافته است.

۲- (۲) انتظار مسیحا در آیین یهود، جولوس کرینستون، ترجمه، حسین توفیقی، ص ۷۷.

۳- (۳) پنجم ماه عیار عبری.

۴- (۴) انتظار مسیحا در آیین یهود، ص ۱۳.

۵- (۵) نمازنامه هیا یهود بیانی است از آرمان های بلند انبیاء و تأملات دانایان و فیلسوفان و تخیلات عارفان که عالمان دینی یهود آن را تنظیم نموده اند (معارف مهدوی، ص ۲۸).

۶- (۶) نام تپه ای در شهر اورشلیم است.

۷- (۷) انتظار مسیحا در آیین یهود، جولوس کرینستون، ترجمه، حسین توفیقی، ص ۱۸۳.

بیشتر پژوهشگران اسلامی بر وجود شخصیتی به نام زرتشت باور دارند و اگرچه در خصوصیات زندگی و پیغمبر بودن او دچار تردیدند، اما اغلب مورخان اسلامی او را شاگرد با واسطه ی ارمیای نبی و یا عزیز نبی می دانند(۱).

اما زرتشتیان بر این باورند که قرن ها قبل از میلاد مسیح(۲)، زرتشت به دنیا آمد و در ۳۰ سالگی پس از آن که مکاشفه ای به او دست داده از جانب اهورا مزدا - نام خدا در آیین زرتشت - به پیامبری مبعوث شد(۳) و اگرچه اوستا منشأ تضاد و تناقض بی شمار در ثنویت و توحید است(۴)؛ اما زرتشتیان امروزی خود را یکتاپرست می دانند. کتاب مقدس مزدیسنا - زرتشت - اوستا(۵) است.

احتمالاً آیین زرتشت، نخستین دینی بود که پیروزی نهایی خوش رفتاری بر بدرفتاری و بشارت آمدن منجی و آبادانی جهان را تعلیم داد(۶).

زرتشتیان با عنایت به بشارت های اوستا - بر این باورند که بعد از زرتشت و قبل از پایان جهان در سه فاصله هزار سال، سه منجی به نام های آشود، آشودرمه، سوشیانت (سوشیانس) خواهند آمد و یکی پس از دیگری جهان را پر از عدل و داد خواهند کرد(۷).

سوشیانت سوم(۸) هنوز زاده نشده و نوکننده و رهاننده جهان در پایان هزاره سوم است. او سومین پسر آینده زرتشت و آخرین آفریده و مخلوق

ص: ۵۳

۱- (۱) خدمات متقابل اسلامی و ایران، داوود الهامی، ص ۶۲.

۲- (۲) بین ۶۶۰ تا ۱۵۰۰ قبل از میلاد مسیح.

۳- (۳) گات ها، ابراهیم پورداد، ص ۲۸.

۴- (۴) آشنایی با ادیان بزرگ، حسین توفیقی، ص ۶۶.

۵- (۵) اوستا به معنی معرفت است و قسمت های آن عبارتند از: یسنا، و یسپرد، یشت ها، وندیدا، فرده اوستا، ر. ک: ادیان و

مذاهب بزرگ جهان، رابرت ۱. هیوم، ترجمه عبدالرحیم گواهی، ص ۳۳۱.

۶- (۶) همان.

۷- (۷) آشنایی با ادیان بزرگ، حسین توفیقی، ص ۶۶.

۸- (۸) سوشیانت سوم، استوت ارتد نام دارد.

اهورا مزدا شمرده شده است (۱). اینک به مواردی از کتاب اوستا و دیگر آثار زردشت و زردشتی که پیرامون مهدویت است اشاره می‌کنیم:

۱. کی ای مزدا (۲)، سپیده درخشان پیروزی، جهان را در بر خواهد گرفت. کی درخشندگی آفتاب دین، همه جا را تابان خواهد ساخت؟ کی سوشیانت‌ها فراوانی و زیادی خواهند یافت تا از پرتو کار و کردارشان دین گسترده شود (۳).

۲. در کتاب جاماسب که از کتب زرتشتیان است آمده است که:

مردی بیرون آید از زمین تا زیان از فرزندان هاشم مردی بزرگ سر و بزرگ تن و بزرگ ساق و بر دین جد خویش بود با سپاه بسیار و روی به ایران نهد و آبادانی کند و زمین پر داد کند... (۴)

۳. در کتاب گات‌ها که بخشی از اوستای زردشت می‌باشد گوید:

کی ای مزدا بامداد روز فراز آید جهان دین راستین فراگیرد با آموزش‌های فزایش بخش پر خرد رهانندگان کیانند آنانی که بهمین به یاریشان خواهد آمد از برای آگاه ساختن من ترا برگزیدم... (۵)

۴. در فروردین یشت قسمت دیگر اوستا فقره ۱۴۶ آمده است:

بشود فرهوشی‌ها - ارواح و قوای نیکان - به زودی در این جا به دیدار ما بشتابند، بشود که آنان به یاری ما آیند و هنگامی که به تنگنا افتاده ایم یاوری آشکار خویش نگهداریمان کنند، با پشتیبانی اهورا مزدا.

ص: ۵۴

---

۱- (۱) ر. ک: سوشیانت، علی اصغر مصطفوی، ص ۶۰.

۲- (۲) مزدا همان اهورا مزدا، یعنی خداوند است.

۳- (۳) اوستا بخش یسناها ۴۶.

۴- (۴) ادیان و مهدویت، ص ۱۹.

۵- (۵) گات‌ها، ابراهیم پورداود، ص ۹۸ تحت عنوان بامداد روز.

زرتشتیان در زمان معاصر با خواندن ادعیه و دیگر مراسم عملاً منتظر بودن خود را به اثبات می‌رسانند.

۱. خواندن سه بار دعای (اشم اهورا مزدا) که واژه‌های نخستین از بند اول کرده ۱۳ و یسپرد و دیگر اعمال آن، برای ظهور سه موعود مزدیناست و چنان چه این دعا به خوبی و درستی خوانده شود، ایشان زودتر به جهان می‌آیند و دنیا را آبادتر و امن‌تر می‌کنند(۱).

۲. بهترین مردمان در ایام سخت پیش از ظهور کسی است که علی‌رغم کمرنگ شدن و اضمحلال دین و دینداری هنوز کشتی نشان و کمر بند مخصوص آیین زرتشتی را در میان بسته باشد و به این آیین وفادار بماند و به خواندن دعاها و آمده مبادرت ورزد تا ظهور موعودها زودتر فرارسد(۲).

(د) هندوئیسم و مسئله منجی:

اندیشه منجی در آیین هند و با شخصیت کلکی یا کلکین شکل می‌گیرد. بنابر فکر هندویی، جهان از چهار دوره ی رو به انحطاط تشکیل می‌شود. در چهارمین دوره یعنی عصر کلی، سراسر جهان را ظلم و تاریکی فرا می‌گیرد، ناشایستگان بر جان و مال مردم مسلط می‌شوند، دروغ و دزدی و رشوه سایه سیاه خویش را بر دنیا می‌گسترانند. در این عصر که بنابر باورهای هندویی، ما اکنون در آن به سر می‌بریم فقط به یک چهارم دَرَمَه (نظم کیهانی یا دین) عمل می‌شود و سه چهارم آن به دست فراموشی سپرده می‌شود.

در پایان چنین دوران سیاهی دهمین و آخرین تنزل (اوتاره) ویشنو(۳) که کلکی یا کلین نام دارد، سوار بر اسبی سفید و با شمشیری آخته و

ص: ۵۵

۱- (۱) مهدویت در اسلام زرتشت، علیرضا ابراهیمی، ص ۱۱۳.

۲- (۲) همان، ص ۱۱۷.

۳- (۳) در آیین هندو سه خدا وجود دارد، برهما، شینوا و شیوا، «برهما» همان خدای پدر یا خدایی است که جسم نیست و غیر متناهی است و ازلی و ابدی می‌باشد. «ویشنو» خدایی است که خالق موجودات است و «شیوا» خدای میراننده موجودات و آورنده سیل و خشک کننده درختان است.

شهاب گون ظهور می کند تا شرارت و ظلم را ریشه کن کند و عدالت و فضیلت را برقرار سازد(۱).

این نکته شایان توجه است که هندویان براساس کتب مقدسشان منتظر حضرت ولی عصر هستند و کتاب های آنان اسم حضرت را برده و از قیام ایشان بشارت داده است(۲) که به نمونه هایی اشاره می شود.

۱. در کتاب دید که نزد هندویان کتب آسمانی است آمده:

پس از خرابی دنیا (هرج و مرج شدنش) پادشاهی در آخرالزمان ظاهر می شود که پیشوای خلائق شود و نامش منصور(۳) باشد و تمام عالم را بگیرد و تمام اشخاص را از مؤمن و کافر بشناسد.

۲. شاکموتی پیامبر هندوها در کتاب خود نسب یحیی را به سیر خلائق می رساند و چنین بیان می دارد:

پادشاهی دنیا به فرزند سیر خلائق دو جهان کشن(۴) بزرگوار تمام می شود. او کسی است که بر کوه های مشرق و مغرب دنیا حکم براند و بر ابرهایی سوار شود و فرشتگان کارکنان او باشند و جن و انس در خدمت او شوند و از سودان که زیر خط استوا است تا ارض تسعین که زیر قطب شمال است و ماوراء بحار را صاحب شود و دین خدا یک دین شود و دین خدا زنده گردد و نام او قائم است و خداشناس باشد(۵).

۳. در کتاب پاتکیل از اعظم هندوان که در نزد آنان صاحب کتاب آسمانی است راجع به منجی آخرالزمان بشارت داد که او از نسل پیامبر اسلام و صی او علی بن ابیطالب است که نام وی راهنما می باشد.

ص: ۵۶

---

۱- (۱) مجله هفت آسمان، ش ۱۲ و ۱۳، مقاله گونه شناسی موعود در ایان مختلف، ص ۱۱۶.

۲- (۲) معارف مهدوی، ص ۳۳ و ۳۴.

۳- (۳) منصور یکی از القاب و اسامی، حضرت ولی عصر (عج) است که در دعای ندبه نیز آمده است «این المنصور علی من اعتدی».

۴- (۴) کشن به لغت هندی نام پیامبر اسلام است.

۵- (۵) مصلح جهانی، سید هادی خسروشاهی، ص ۶۰.

که چون مدت روز تمام شود دنیای کهنه نو شود و زنده گردد و صاحب ملک تازه پیدا شود از فرزندان دو پیشوای جهان یکی ناموس آخرالزمان(۱).

و دیگری صدیق اکبر یعنی وصی بزرگتر وی که پشن(۲) نام دارد و نام آن صاحب ملک تازه راهنما است(۳) بحق پادشاه شود و خلیفه رام(۴) باشد و حکم براند و او را معجزه بسیار باشد هر که پناه به او برد و دین پدران او اختیار کند سرخ روی باشد در نزد رام و دولت او بسیار کشیده شود و عمر او از فرزندان ناموس اکبر زیاد باشد و آخر دنیا به او تمام شود...(۵)

بنابراین روشن است که اعتقاد به آمدن یک منجی و مصلح جهان عقیده ای قطعی در نزد هندوها است و این اعتقاد به طور وسیع و گسترده ای در میان آنان رواج دارد، چنان که در بسیاری از کتاب های مقدسشان به آن بشارت داده اند.

ه) بودیسم و مسئله منجی:

آیین بودا یکی از شاخه های کیش هندوست که از هندوستان بیرون آمده و سراسر مناطق خاوری را در نور دیده است و به علت گسترش در مناطق پر جمعیت جهان، پیروان زیادی دارد(۶).

اندیشه موعودگرایی در آیین بودائیان با مفهوم میتیره تبیین می گردد، میترویه(۷) در الهیات بودایی او را بودای پنجم و آخرین بودا از بودائیان زمین

ص: ۵۷

---

۱- (۱) ناموس آخرالزمان یعنی حضرت محمد صلی الله علیه و آله.

۲- (۲) پشن نام هندی علی بن ابی طالب علیه السلام است.

۳- (۳) راهنما نام، حضرت مهدی علیه السلام و نامش نیز هادی و مهدی و قائم بالحق است.

۴- (۴) رام به لغت سانسکریتی نام خداست.

۵- (۵) ر. ک: ادیان و مهدویت، محمد بهشتی، ص ۲۰.

۶- (۶) پیروان این آیین در کشورهای چین، کره و ژاپن، مغولستان، تبت، هند و چین، تایلند، یاسیام و برمه زندگی می کنند (ر. ک: خلاصه ادیان، محمد جواد مشکور، ص ۷۰).

۷- (۷) واژه میترویه در زبان سانسکریت به معنای «مهربان» است.

می دانند که هنوز نیامده است اما خواهد آمد تا همگان را نجات دهد. او را در نماد نگاری بودایی به هیبت مردی در وضعیت نشسته آمادهٔ برخاستن نمایش می دهند تا نمادی از آمادگی وی برای قیام باشد(۱).

اندیشه انتظار و اعتقاد به موعود، تا آن جا در میان بودائیان رواج داشته و دارد که در آرزوی به سر آمدن انتظار، بعضی اوقات افرادی را مصداق منجی موعود پنداشته اند. به عنوان نمونه در شمال برمه مردم عقیده دارند بودا از رهبران دینی معاصر پادشاه جهان و همان بودای آینده یعنی میتریه بوده است و یا در میان بودائیان آسیا فراوان پیش آمده که رهبران آینده یعنی میتریه بوده است و یا در میان بودائیان آسیا فراوان پیش آمده که رهبران و پایه گذاران جریان های دینی اجتماعی را، همان میتریه می انگاشته اند(۲).

جالب توجه است که بودائیان نیز براساس بعضی از کتاب های مقدسشان مانند مسلمانان منتظر ظهور شخصیتی هستند که از نسل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است چنان که بودائیان در کتاب دادانگ از قول بودا نقل می کنند که او گفته:

آن وقت (بعد از پر شدن عالم از فسق و گناه) دست راستین جانشین ماما ظهور کند خاور و باختر عالم را بگیرد، آدمیان را به راه خوبی ها رهبری کند. او تنها حق و راستی را قبول کند و بسیار کسان را بکشد و خلائق را هدایت کند... (۳).

روشن است که موعود گرایی و عقیده منجی آخرالزمان در میان بودائیان عقیده ای اصیل و قطعی است علاوه بر این که با اثبات قطعی بودن عقیده به

ص: ۵۸

---

۱- (۱) مجله هفت آسمان، ش ۱۲ و ۱۳، مقاله گونه شناسی موعود در ادیان مختلف، ص ۱۱۸، ۱۱۷.

۲- (۲) همان، ص ۱۱۹.

۳- (۳) ادیان و مهدویت، محمد بهشتی، ص ۲۲.

ظهور منجی، مسئله انتظار و منتظر بودن آنان نیز ثابت می شود زیرا انتظار از آثار و نتایج عقیده به ظهور منجی است که در آیین هندو روشن گردید (۱).

### نتیجه گیری

بنابراین روشن می شود که در تمام ادیان و مذاهب مختلف جهان، از مصلحتی که در آخرالزمان ظهور خواهد نمود و به جنایت ها و خیانت های ضدانسانی پایان خواهد داد و شالوده حکومت واحد جهانی را براساس عدالت و آزادی واقعی بنیان خواهد نهاد - سخن به میان آمده است و تمام رسولان و سفیران الهی در این زمینه به مردم با ایمان جهان نویدهایی داده اند هرچند مذاهب مختلف در مورد نام آن مصلح و ویژگی های او و علائم ظهور او تفاوت هایی با یکدیگر دارند.

ص: ۵۹



**اگر هر امامی را امام معصوم غسل می دهد و نماز او را می خواند، پس بر حضرت مهدی علیه السلام چه کسی نماز خواهد خواند؟ و آیا رجعت ممکن است؟**

پاسخ:

آنچه از روایات معصومین استفاده می شود آن است که حضرت امام حسین علیه السلام در زمان حکومت حضرت مهدی علیه السلام زنده می شوند و هنگامی که حضرت مهدی علیه السلام از دنیا رفتند عهده دار غسل و نماز و دفن حضرت می شوند.

رسیدگی به کفن و دفن امام معصوم با چه کسی است؟

مشهور است که امام معصوم را غیر از امام معصوم غسل نمی دهد و اکثر کتب تاریخی نیز این قضیه را نقل نموده اند و در منابع روایی هم روایاتی بیان شده که اجمالاً این مطلب را ثابت می کند و مرحوم کلینی در کتاب شریف کافی (۱) بابی را تحت عنوان «امام را جز یکی از ائمه غسل نمی دهند» آورده است. اما فقط ۳ روایت از حضرت امام رضا علیه السلام نقل می کند که دلالت آنها صریح نیست و احتمالات دیگری نیز داده می شود مثلاً:

ابو معمر می گوید از امام رضا علیه السلام پرسیدم که امام را امام غسل می دهد؟ حضرت فرمودند: سنتی (= شیوه نیکو و مستحب) است از موسی بن عمران، یکی از شیعیان نیز به حضرت امام رضا علیه السلام عرض می کند «واقفیه» (۲) با ما مشاجره می کنند و می گویند: امام را جز امام، غسل نمی دهد (کنایه از اینکه امام کاظم علیه السلام در بغداد شهید شده و فرزند او علی بن موسی علیه السلام در مدینه

ص: ۶۰

---

۱- (۱) کافی، ج ۱، ص ۳۸۴ و اصول کافی با ترجمه (۴ جلدی)، ج ۲، ص ۲۲۴.

۲- (۲) فرقه ای هستند که از زمان شهادت امام کاظم علیه السلام به وجود آمدند و عقیده داشتند امام کاظم علیه السلام از دنیا نرفته است.

بودند چگونه ممکن است ایشان را غسل داده باشند. پس پدر خود را غسل نداده اند و چون امام را باید غسل دهد پس علی بن موسی الرضا علیه السلام امام نیستند.)

امام رضا علیه السلام فرمودند: آنها چه می دانند که چه کسی او را غسل داده است؟! بعد، از آن شخص پرسیدند: تو چه جوابی دادی آن شخص می گوید گفتم: اگر مولایم بگوید: خودم او را در زیر عرش پروردگار غسل داده ام، راست گفته و اگر بگوید: در دل زمین غسل داده ام راست گفته. امام رضا علیه السلام فرمودند: این چنین نیست. او گفت: پس چه بگویم؟ حضرت فرمودند: بگو من غسلش داده ام. گفتم: بگویم شما غسل داده اید؟ فرمودند: آری (۱). با توجه به این روایت معلوم می شود در زمان خود ائمه علیه السلام نیز این که امام باید امام را غسل بدهد از مسلمات بوده و به آن استناد می شده است.

در مورد اینکه چه کسی عهده دار امر نماز و دفن حضرت امام حسین علیه السلام شده اختلاف بسیار است و محدث قمی علیه السلام می نویسد: در کتب معتبر کیفیت دفن امام حسین علیه السلام و اصحاب او به تفصیل بیان نشده است (۲). آنچه مسلم است آن است که قبیله بنی اسد آمدند و شهدا را دفن کردند و از روایتی که «شیخ کشی» (از بزرگان علم رجال) در کتاب رجال کشی نقل کرده، به دست می آید که امام سجاد علیه السلام به قدرت امامت از حبس عیدالله بن زیاد در کوفه خارج شدند و در کربلا حاضر شده و به کفن و دفن پدر بزرگوار خود و دیگر شهدای کربلا رسیدگی کردند و اگر این صحیح باشد آمدن امام رضا علیه السلام نیز از مدینه به بغداد مؤیدی خواهد داشت چرا که امام رضا علیه السلام در حبس هم نبودند (۳). هر چند محدث قمی ادعا می کند کیفیت دفن امام حسین علیه السلام در کتب معتبر بیان نشده اما در کتاب نفس المهموم می نویسد:

ص: ۶۱

---

۱- (۱) کافی، ج ۱، ص ۳۸۴.

۲- (۲) نفس المهموم، ترجمه علامه شعرانی، ص ۳۴۹.

۳- (۳) رمز المصیبه، ج ۳، ص ۶۹.

در محل خود ثابت است که بر معصوم ولایت ندارد مگر امام معصوم؛ و امام را باید امام غسل دهد و اگر امام در مشرق باشد و وصی او در مغرب، خداوند میان آنها جمع می کند (۱). اما علامه شعرانی در توضیح آن می نویسد: در رسیدگی به امور امام قبلی، ولایت با وصی اوست هر چند آن وصی، پسر کوچک تر باشد و آن امام، پسر بزرگ تری داشته باشد؛ چنانچه هنگام شهادت امام صادق علیه السلام امام کاظم علیه السلام - که از برادر خود عبدالله افطح کوچک تر بودند - بر او مقدم شدند و کفن و دفن حضرت امام صادق علیه السلام را انجام دادند.

اما اینکه آیا امام، خودش باید بی واسطه تجهیز نماید یا می تواند دیگری را مأمور کند یا راضی شود به عمل دیگری؟ اینها از اختیارات خود امام است. شیخ طوسی رحمه الله در احکام غسل میت حدیثی روایت کرده اند از معاویه بن عمار که از خواص اصحاب امام صادق علیه السلام است که آن حضرت وصیت کرد: معاویه بن عمار او را غسل دهد. و شیخ طوسی از این حدیث تعجب ننموده و تأویل نکرده، از این رو معلوم می شود علمایی مانند شیخ طوسی و شیخ مفید علیه السلام جایز می دانستند غیر معصوم عهده دار غسل معصوم گردد البته با وصیت امام و یا رخصت یا رضایت ولی او.

و اینکه باید حتماً مباشر غسل معصوم، معصوم باشد بین متأخرین، معروف شده و میان علمای سابق که عارف به مسائل کلام و عقاید این فرقه بوده اند ثابت نبوده و این همه کتاب، که علمای سابق در علم کلام و عقائد یا در خصوص امامت نوشته اند غسل دادن امام توسط امام بعدی را جزء شرایط امامت نام نبرده اند (۲).

البته در خصوص نماز امام معصوم بر امام معصوم می توان به روایتی که مرحوم حاج شیخ عباس قمی از ابن بابویه قمی نقل می کند استشهاد کرد که بخشی از روایت این است که جعفر کذاب عموی امام زمان علیه السلام به همراه

ص: ۶۲

---

۱- (۱) نفس المهموم، ص ۳۴۵.

۲- (۲) نفس المهموم با ترجمه علامه شعرانی، ص ۳۴۷.

تعدادی از شیعیان به صحن خانه امام حسن عسکری وارد شد، دید بدن مطهر امام حسن عسکری علیه السلام را کفن کرده اند و آماده نماز است، آنگاه جلو ایستاد تا بر برادر خود نماز بخواند، همین که خواست تکبیر بگوید طفلی گندم گون، پیچیده موی، گشاده دندان، مانند پاره ماه بیرون آمد و ردای جعفر را کشید و فرمود: ای عمو بایست که من سزاوارترم از تو به نماز بر پدر خود! در آن هنگام جعفر عقب رفت و رنگش متغیر شد و آن طفل پیش ایستاد و بر پدر بزرگوار خود نماز خواند...<sup>(۱)</sup>

شیخ حرعاملی نیز از کتاب «کشف الغمه» نقل می کند که امام سجاد علیه السلام به حضرت امام باقر علیه السلام وصیت کرد که ایشان را غسل دهد و فرمود: امام را جز امام نباید غسل بدهد.<sup>(۲)</sup>

نتیجه گیری:

آنچه از دلایل و روایات مشهور به دست می آید این است که امام معصوم نسبت به رسیدگی به امور معصوم مانند غسل و کفن و نماز و دفن از دیگران اولی است و در کیفیت اقدام امام که آیا:

۱. به طور مستقیم خود متکفل این امر می شود؛

۲. یا دیگری را مأمور می کند؛

۳. یا اینکه به عمل دیگری رضایت می دهد؛

۴. یا اینکه خود مستقیماً ولو به صورت مخفی عمل غسل و نماز را انجام می دهد ولو اینکه به علت تقیه اجازه بدهد دیگری هم یک بار دیگر غسل دهد یا نماز بخواند.

ص: ۶۳

---

۱- (۱) منتهی الامال، ص ۱۰۳۵.

۲- (۲) الايقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرجعه، ص ۳۳۳.

چنانچه برخی محققین نوشته اند: تحقیق درباره این موضوع در این زمان نتیجه عملی، بلکه اعتقادی خاصی ندارد و از ضروریاتی هم نیست که با اقرار یا انکار آن اثر مهمی ثابت شود(۱).

«رجعت» و بازگشت کسانی که مرده اند چگونه ممکن است؟

رجعت به معنای بازگشت است و در منابع اسلامی نیز به کار رفته و به این معنا است که امامان معصوم علیه السلام و تعداد زیادی از کسانی که جهان را بدرود گفته اند بار دیگر پس از حضرت مهدی علیه السلام و پیش از شهادت او به خواست خداوند و اراده حکیمانه او به این جهان باز می گردند و نخستین رجعت کننده امام حسین علیه السلام هستند و پس از ایشان همه امامان یکی پس از دیگری رجعت خواهند کرد(۲). رجعت از عقاید مسلم شیعه است و آیات و روایات زیادی بر آن دلالت دارد.

لازم به ذکر است که این بازگشت و زنده شدن بعضی افراد، اختصاص به امت پیامبر ندارد، و در قرآن موارد متعددی از امت های گذشته نقل شده است مانند آیه ۲۴۳ سوره بقره که می فرماید:

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَمَدُّو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ)؛ «آیا اطلاع نیافتی از کسانی که از بیم مرگ، از خانه هایشان خارج شدند و حال آنکه آنان هزاران نفر) بودند؟! و خدا به آنان گفت: «بمیرید!» سپس آنان را زنده کرد؛ قطعاً خدا نسبت به مردم دارای بخشش است؛ و لیکن بیشتر مردم، سپاسگزاری نمی کنند.»

یا آیه ۲۵۹ سوره بقره که به داستان مردن حضرت عزیر علیه السلام به مدت صد سال و زنده شدن ایشان اشاره دارد...

ص: ۶۴

۱- (۱) اصول کافی، ترجمه جناب آقای مصطفوی، ج ۲، ص ۲۲۵.

۲- (۲) امام مهدی از ولادت تا ظهور، سید کاظم قزوینی، ص ۷۹۲.

(أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَ هِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعِيدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ فَانظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَ شَرَابِكَ لَمْ يَتَسَيَّرْ لَكَ وَ انظُرْ إِلَى حِمَارِكَ وَ لِنَجْعَلَك آيَةً لِلنَّاسِ وَ انظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوها لَحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ)؛ «(اطلاع نیافتی از) همچون کسی که از کنار آبادی عبور کرد، در حالی که [دیوارهای] آن، به روی سقف هایش فرو ریخته بود! (آن پیامبر با خود) گفت: «چگونه خدا این [ها] را پس از مرگش [ان]، زنده می کند؟!» و خدا او را صد سال میراند؛ سپس او را بر انگیخت؛ (و به او) فرمود: «چقدر درنگ کردی؟» (پیامبر) گفت: «یک روز؛ یا بخشی از یک روز را درنگ کردم.» (خدا) فرمود: «بلکه صد سال درنگ کردی! پس به غذایت و نوشیدنی ات بنگر، که هیچ گونه تغییر نیافته است! و [لی] به الاغ خود نگاه کن که چگونه از هم متلاشی شده، و این امور برای این است که تو یقین پیدا کنی)، و برای اینکه تو را نشانه ای برای مردم (در مورد رستاخیز) قرار دهیم. و به استخوان ها بنگر که چگونه آنها را برداشته، [به هم یوند می دهیم،] سپس گوشت بر آن می پوشانیم!» پس هنگامی که (این حقایق) بر او روشن شد، گفت: «می دانم که خدا بر هر چیزی تواناست.»

حدود ۷۶ آیه از قرآن پیرامون رجعت تفسیر و تأویل شده است. علامه مجلسی رحمه الله می فرماید اگر احادیث رجعت متواتر نباشد دیگر در هیچ مورد دیگری نمی توان ادعای تواتر کرد (۱). شیخ حر عاملی ۵۲۰ روایت در این زمینه در کتاب «الایقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرجعه» نقل کرده است.

همچنین در بحارالانوار مرحوم مجلسی از این روایات فراوان به چشم می خورد مانند اینکه امام صادق علیه السلام فرمودند: ایام الله ۳ روز است روز قیام قائم و روز رجعت و روز رستاخیز (۲).

ص: ۶۵

۱- (۱) بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۲۲.

۲- (۲) بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۶۳.

در ادعیه و زیارت نامه ها هم اشارات فراوانی به رجعت شده است مثلاً- در زیارت جامعه کبیره می خوانیم: «معترف بکم، مؤمن بایابکم مصدق برجعتکم، منتظر لامرکم...»؛ «به شما ایمان دارم، بازگشت شما را باور دارم رجعت شما را تصدیق می کنم، امر شما را انتظار می کشم»(۱).

و طبق روایات، ائمه علیه السلام نیز یکی پس از دیگری بازخواهند گشت و اولین کسی که رجعت می کند حضرت امام حسین علیه السلام هستند و آنقدر در زمین حکومت می کند تا موی ابروهایش بر روی چشم مبارکش بیفتد(۲).

و در روایتی حکایت شده: امام حسین علیه السلام با اصحاب خود که شهید شدند رجعت می کنند. و در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام نقل شده هفتاد پیامبر با امام حسین علیه السلام بیرون می آیند در حالی که حضرت حجت - عجل الله تعالی فرجه - در میان مردم می باشد و وقتی معرفت امام حسین علیه السلام در دل های مؤمنان قرار گرفت حضرت مهدی علیه السلام از دنیا می روند و حضرت امام حسین علیه السلام ایشان را غسل می دهند و کفن می کنند و بر او نماز می خوانند و در لحد می گذارند. زیرا که امام را، غیر از امام دیگری غسل نمی دهد و بر او نماز نمی خواند(۳).

ص: ۶۶

---

۱- (۱) مفاتیح الجنان، ص ۹۰۷.

۲- (۲) بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۳.

۳- (۳) کافی، ج ۸، ص ۲۰۶ و بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۳.

## پیشینه مسجد مقدس جمکران

۱. پیشینه مسجد مقدس جمکران را بنویسید؟

۲. اعمال مسجد مقدس جمکران چیست؟

۳. چرا شب های چهارشنبه افراد به این مسجد می روند؟

پاسخ:

مرحوم حاج میرزا حسین نوری در کتاب کلمه طیبه به نقل از کتاب تاریخ قم تألیف حسن بن محمد بن حسن قمی به نقل از کتاب مونس الحزین فی معرفه الحق والیقین محمد بن بابویه قمی (شیخ صدوق) نقل می کند که در زمان غیبت صغری سال ۳۹۳ (ه. ق) شخصی به نام شیخ حسن بن مثله جمکرانی می گوید (۱):

شب سه شنبه ۱۷ ماه مبارک رمضان در خانه خود خوابیده بودم که ناگاه جماعتی از مردم به در خانه من آمدند و مرا از خواب بیدار کردند و گفتند: برخیز و دعوت حضرت مهدی (عج) را اجابت کن که تو را می خواند.

حرکت کردیم، آنها مرا به محلی که اکنون مسجد (جمکران) است آوردند، نگاه کردم دیدم فرش زیبا بر روی تختی گسترده شده و جوانی که حدود ۲۳ سال داشت بر آن تخت بر بالش تکیه زده و پیر مردی هم در کنار ایشان نشسته که آن پیر حضرت خضر علیه السلام بود آنگاه آن پیر مرا نشانید.

حضرت مهدی (عج) مرا به نام خواند و فرمود:

نزد کشاورز این زمین (مکان مسجد) برو و بگو این زمین شریف و مقدسی است و خداوند آن را از زمین های دیگر برگزیده است و دیگر در این زمین کشاورزی نکند.

عرض کردم:

ص: ۶۷



سیدی و مولای من، لازم است که من دلیل و نشانه ای داشته باشیم و گرنه مردم حرف مرا قبول نمی کنند. حضرت فرمودند: «تو آن رسالت را انجام بده ما خودمان نشانه ای برای آن قرار می دهیم.» و در ادامه حضرت فرمودند: «به مردم بگو به این مکان رغبت کنند و آن را عزیز دارند و اعمال مسجد را چنین فرمودند: «چهار رکعت نماز در آن گذارند، دو رکعت اول به نیت نماز تحیت مسجد، در هر رکعت یک حمد و هفت «قل هو الله» و در رکوع و سجود هم، هفت مرتبه ذکر مخصوصش را تکرار کنند.

و در رکعت دوم به نیت نماز صاحب الزمان (عج) خوانده شود، به این صورت که حمد شروع شود و آیه «ایاک نعبد و ایاک نستعین» را ۱۰۰ مرتبه تکرار کنند و بعد ادامه داده تا سوره حمد تمام شود بعد یک سوره خوانده شود و ذکر رکوع و سجود هفت مرتبه تکرار شود و رکعت دوم را هم مثل رکعت اول بخوانند، و بعد از سلام پایان نماز، یک مرتبه «لا اله الا الله» و به دنبال آن تسیحات حضرت زهرا علیها السلام را بگویند، و بعد از آن سجده رفته و ۱۰۰ بار صلوات بفرستند.

سپس حضرت فرمود: هر کس این دو رکعت نماز را در این مکان بخواند همانند کسی است که دو رکعت نماز در کعبه خوانده باشد(۱). بنابراین گزارش تاریخی واقعه اتفاق افتاده و در تاریخ مکتوب شده و این ملاقات در بیداری انجام شده و اعمال مسجد هم در بیداری به حسن بن مثله گفته شده است.

توجه بزرگان دین نسبت به مسجد مقدس جمکران

بزرگان دین و مراجع تقلید و اولیاء الله توجه والائی نسبت به این مسجد مقدس داشته و دارند، از جمله اینکه آیه الله العظمی محمد تقی خوانساری با مرحوم آیه الله العظمی اراکی رحمه الله پیاده به مسجد مقدس جمکران می رفتند.

ص: ۶۸

و از آیه الله العظمی نجفی مرعشی رحمه الله نقل شده: «حقیر خودم مکرر کراماتی در مسجد مقدس جمکران مشاهده کرده ام، چهل شب چهارشنبه مکرر موفق شدم که در آن مسجد بیتوته کنم و جای تردید نیست که از امکانه ای [مکان هایی] است که مورد توجه و نزول برکات الهی می باشد و بعد از مسجد سهله (واقع در کوفه که منسوب به امام زمان (عج) است) بهترین مقام و بهترین جایی است که منتسب به حضرت ولی عصر می باشد.»

و مقام رهبری حضرت آیه الله العظمی خامنه ای هم در طی دیدار با دبیر کل حزب الله لبنان به ایشان توصیه می کند به مسجد مقدس جمکران مشرف شوند، چرا که تشریف به مسجد مقدس جمکران برای حل مشکلات کشور ما راه گشا بوده است (۱).

اما در مورد بخش سوم که: «چرا شبهای چهارشنبه افراد به این مسجد می روند ظاهراً تفاوتی میان ایام هفته نمی باشد.»

کتب معتبری که در مورد مسجد مقدس جمکران نوشته شده در خصوص شب چهارشنبه را متذکر نشده اند و در همه اوقات می توان به مسجد مقدس مشرف شد و اعمال را انجام داد.

البته مسجد سهله که منسوب به امام زمان است اعمالش در شب چهارشنبه فضیلت دارد از این رو احتمال دارد چون این مسجد هم منسوب به آن حضرت است مردم در طول زمان به خاطر تبرک و تیمم و یا به خاطر این که یادی از مسجد سهله کرده باشند سعی می کردند در این مسجد نیز شب های چهارشنبه حاضر شوند که در طول تاریخ ماندگار شده است. ضمناً حسن مثله جمکرانی مأمور می شود که گوسفندی را در شب چهارشنبه قربانی کند و در روز چهارشنبه ۱۸ ماه مبارک رمضان اتفاق می افتد که بیمارانی به سبب آن قربانی شفا پیدا کردند لذا شب چهارشنبه از اهمیت بیشتری برخوردار شد.

ص: ۶۹

پیشینه تاریخی این مسجد مقدس را می‌توانید در کتاب‌های ذیل بیشتر مطالعه بفرمائید:

الف. تاریخ قم، شیخ صدوق.

ب. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۲۳۰.

ج. هدایه شیخ صدوق، ص ۲۰۱.

د. معارف و معاریف واژه جمکران، ج ۴، ص ۱۹۶.

ص: ۷۰





## آیا تا زمان ظهور امام عصر (عج) قرآن و اسلام تحریف می شود؟

پاسخ:

مقدمه

قرآن کتاب هدایت و اسلام دین جاوید خداوند است و اصلی ترین سرمایه ی بشر برای یافتن قوانین دینی قرآن است و این کتاب الهی ریسمان محکمی است که در تمام زمان ها و مکان ها و در هر شرایطی اگر به آن چنگ زده شود گمراهی در پیش نخواهد داشت. قرآن کتابی است که به صورت متواتر نسل به نسل به دست ما رسیده است. بنابراین خداوند این کتاب مهم و دین جاوید را به دست ناهلان و معاندان نمی سپارد تا از صراط مستقیم الهی منحرف کنند و آیات متعددی نیز بدین مطلب اشاره دارد. بنابراین چه از نظر عقل و چه از نظر نقل تحریف قرآن و آموزه های دینی محقق شدنی نیست و اگر هم در طول تاریخ سستی و ضعفی دیده می شود مربوط به مقام عمل به دین اسلام توسط انسان ها می باشد.

بنابراین قرآن تحریف ناپذیر و دین اسلام جاوید است و تضمین شده اما مسلمانی مردم و حفظ دینداری آنها تضمین شده نیست؛ و در هر زمانی ممکن است اشخاص از فتنه ها و آزمایش های الهی موفق خارج نشوند، چنانچه زمان حضرت نوح فتنه ها مردم را فرا گرفت و عدّه ی معدودی به همراه حضرت نوح سوار بر کشتی شدند یا زمان حضرت موسی «فتنه گوساله سامری» موجب شد تا بسیاری از مردم بنی اسرائیل گوساله پرست شوند و از این فتنه ها در امت پیامبر هم بوده و هست.

ص: ۷۳

عدم تحریف قرآن:

در اینجا به طور اختصار چند دلیل بر عدم تحریف قرآن می آوریم:

۱. مهمترین دلیل عدم تحریف قرآن، «تواتر قرآن» است که نسل به نسل توسط تعداد زیادی حفظ و نقل شده است.

۲. خداوند تبارک و تعالی در قرآن مجید می فرماید: (إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ) ۱؛ «ما قرآن را فرو فرستادیم و ما آن را نگهبانیم.»

در این آیه خداوند خود ایمنی قرآن را از هرگونه تحریفی تضمین نموده است. برای مطالعه بیشتر در این مورد به کتاب «سلامه القرآن من التحریف» دکتر نجارزادگان و «صیانه القرآن عن التحریف» آیت الله معرفت و کتاب «البیان» آیت الله خوئی مراجعه شود.

بررسی روایات:

اکنون به بررسی روایاتی می پردازیم که دلالت دارد بر این که عمل به دین در آخرالزمان دست خوش حوادث می شود و مردم در فتنه ها از دین خارج می شوند (اما در عین حال اصل دین و قرآن در همه زمان ها وجود دارد و تحریف شدنی نیست)

روایات مربوط به این موضوع را می توان به دو دسته تقسیم کرد:

دسته اول: روایات مربوط به قبل از ظهور حضرت مهدی (عج)

دسته دوم: روایات مربوط به بعد از ظهور حضرت مهدی (عج)

دسته اول: روایات مربوط به قبل از ظهور حضرت مهدی (عج)

این روایات نیز خود به دو گروه تقسیم می شود:

۱. روایاتی که به طور مستقیم این معنا را می رساند.

۲. روایاتی که به طور غیرمستقیم این معنا را می رساند.

روایات گروه اول مانند:

۱. امام صادق علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حکایت می کنند که «به زودی بر مردم زمانی برسد که باقی نماند از قرآن، مگر رسمش و از اسلام مگر اسمش؛ می گویند: مسلمانیم، ولی دورترین مردمند به اسلام...» (۱)

۲. از امام صادق علیه السلام حکایت شده: «یکی از علامات فرج، آن است که بینی شنیدن قرآن بر مردم سنگین است و شنیدن باطل آسان، و بینی که قرآن کهنه شده و...» (۲)

۳. از حضرت علی علیه السلام نقل شده: «زود است بیاید بر شما بعد از من زمانی که نباشد در آن زمان چیزی مخفی تر از حق و آشکارتر از باطل، و زیاد دروغ بستن به خدا و رسولش، و نباشد نزد اهل آن زمان متاعی بی ارزش تر از کتاب خدا وقتی به حق تلاوت شود، و نباشد متاعی رواج تر و پر استفاده تر از کتاب خدا، وقتی که بر خلاف حق تفسیر شود؛ و نباشد در شهرها و آبادی ها، و نه در بندگان خدا چیزی که منکرتر باشد از معروف، و معروف تر باشد از منکر...» (۳)

روایات گروه دوم مانند:

روایاتی که در آن آمده: نماز ضایع می شود، خوردن ربا علنی می شود، هرج و مرج زیاد می شود، ریختن خون سبک شمرده می شود، امانت ها ضایع می شود، شراب می خورند، کتاب خدا و احکامش معطل می ماند و کسی به آن عمل نمی کند، مؤمن حقیر شمرده می شود و منافق امین، به اسباب لهو و لعب و ساز و آواز چنگ می زنند و احدی کسی را منع نکند و جرأت بر منع هم نداشته باشد و... که در روایات زیادی نقل شده است (۴).

ص: ۷۵

۱- (۱) روضه کافی، ح ۴۷۹ و بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۰.

۲- (۲) روضه کافی، ح ۷.

۳- (۳) روضه کافی، ح ۵۸۶.

۴- (۴) ر. ک: روضه کافی، ح ۷ و بحارالانوار، ج ۶، ص ۳۰۶، حدیث سلمان فارسی.



چنانچه از متن روایات مذکور به خوبی بدست می آید «اصل دین و متن قرآن» منحرف یا مندرس یا کهنه نمی شود بلکه دین و آموزه های آن امری است روشن، همیشه و همه جا هر کسی می داند نماز جزء دین است و رباخواری حرام است اما آنچه که دست خوش حوادث و فتنه ها می شود «عمل به دین» است و روایات هم ناظر به مقام عمل مردم به دین می باشد، اگر هم ناظر به «مقام علم دین» باشد این گونه معنا می شود که حرف های باطل و تفسیرهای غلط از قرآن در فضای جامعه رواج می یابد. اما چنین نیست که اصل قرآن یا آموزه های دین از بین برود. قرآن، و علم آن موجود است، کسی عمل به آن نمی کند و سراغ آموزه های قرآنی نمی رود، به عبارت دیگر دین خریدار ندارد، و این مدعای ما را دو امر تأیید می کند:

۱. ادله عقلی و نقلی که تحریف قرآن را رد می کند و محفوظ بودن قرآن از تحریف را به اثبات می رساند، چنانچه بیان شد.

۲. روایاتی مانند روایت مفضل که می گوید:

«خدمت امام صادق علیه السلام بودم و در اطاق، افراد دیگری هم بودند که من گمان کردم روی سخن حضرت با دیگری است آنگاه فرمودند: همانا به خدا صاحب این امر از شما پنهان و غائب می شود و از یاد برود به طوری که گفته شود مرد، هلاک شد، در کدام دره افتاد! و شما وارو شوید مثل کشتی که در موج دریا وارو شود و برگردد! نجاتی نباشد مگر برای کسی که خدا از او میثاق گرفته باشد و ایمان در قلبش نوشته باشد و به واسطه روح خود، او را تأیید کرده باشد. و البته ۱۲ پرچم مختلف بلند می شود که دانسته نشود کدام حق است و کدام باطل، مفضل می گوید: (در این هنگام) به گریه افتادم حضرت فرمود: چرا گریه می کنی؟ عرض کردم: چگونه گریه نکنم و حال آنکه شما می فرمایید دوازده پرچم مشتبه و مختلف بلند می شود که

شناخته نشود کدام حق و کدام باطل است؟! مفضل می گوید: در مجلس حضرت پنجره ای بود که نور خورشید داخل آن تابیده بود حضرت فرمود: آیا این روشن است؟ عرض کردم: بلی، حضرت فرمودند: امر ما روشن تر از این خورشید است.» (۱)

طبق این روایت و مانند آن حق همیشه روشن است بهتر از خورشید. اما اگر طالب حق نباشد و بازار بی دینی رواج داشته باشد بحث دیگری است مربوط به ابتلا و آزمایش مردم.

دسته دوم: روایات مربوط به بعد از ظهور حضرت مهدی (عج)

در کتاب های روایی به روایاتی بر می خوریم که تعبیری در آنها به کار رفته که از آنها برداشت می شود که حضرت مهدی (عج) با امر جدیدی ظهور می کنند و ممکن است کسی به اشتباه گمان کند که قبل از ظهور حضرت، دین تحریف شده و قابل شناسائی نیست که این مطلب نیاز به نقد و بررسی دارد.

آن تعابیر عبارتند از:

۱. امر جدید؛ ۲. کتاب جدید؛ ۳. سنت جدید؛ ۴. حکم جدید.

که مجموعه این ۴ تعبیر در روایتی از امام باقر علیه السلام حکایت شده که «هر گاه مهدی خروج کند، به امر جدید و کتاب جدید و سنت جدید و حکم جدید قیام خواهد کرد.» (۲)

ابو بصیر نیز از امام صادق علیه السلام نقل می کند که حضرت فرمودند: «به خدا سوگند گویا نظر می کنم به مهدی در بین رکن و مقام که با مردم بر کتاب جدید بیعت می کند!» (۳)

چند روایت دیگر نیز به این مضمون حکایت شده است.

ص: ۷۷

---

۱- (۱) کافی، ج ۱، ص ۳۳۸.

۲- (۲) غیبت نعمانی، ص ۲۵۵ و بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۰، ح ۹۶.

۳- (۳) همان، ص ۲۹۴، ح ۴۲.

۱. اصلی ترین حدیثی که این ۴ تعبیر در آن به کار رفته همان روایتی است که از امام باقر علیه السلام نقل شده است و در سند این روایت هم محمد بن علی کوفی معروف به ابوسمینه قرار دارد که علمای علم رجال مانند «نجاشی» و «شیخ طوسی» و «کشی» و دیگران او را ضعیف شمرده اند نجاشی در شرح حال او می نویسد:... او وقتی به قم آمد مدتی بر «احمد بن محمد بن عیسی اشعری» وارد شد سپس به غلو مشهور شد و محمد بن عیسی اشعری او را از قم بیرون کرد(۱).

بنابراین روایت فوق اعتبار ندارد.

۲. از مجموع این تعابیر موجود در این روایت یا روایات دیگر، تجدید و احیاء دین بدست می آید و اصلاً تعبیر «دین جدید» در روایات وجود ندارد.

و از پیامبر حکایت شده: «سنت مهدی سنت من است.»(۲)

از این رو تجدید و احیاء دین بیانگر نوعی اندراس و کهنگی در عملکرد مردم به دین است و تجدید و احیاء گری به معنای تصحیح انحراف ها و آشکار کردن فراموش شده های دینی و شرح احکام واقعی و فهم درست دین متناسب با زمان می باشد و در این راستا از حضرت علی علیه السلام حکایت شده:

«او - مهدی (عج) - هواپرستی را به خداپرستی باز می گرداند پس از آنکه خداپرستی را به هواپرستی باز گردانده باشند، رأی ها را به قرآن باز می گرداند پس از آنکه قرآن را به رأی های خود باز گردانده باشند حضرت مهدی (عج) کتاب و سنت مرده و از میان رفته را زنده می کند.»(۳)

ص: ۷۸

---

۱- (۱) رجال نجاشی، ص ۳۳۲، ش ۸۹۴ و مجله انتظار، ش ۱۴، مقاله بررسی چند، حدیث شبهه ناک درباره عدالت آفتاب عالمتاب.

۲- (۲) بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۷۳، ح ۱۹.

۳- (۳) نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸.

پس در زمان غیبت بدعت‌هایی در دین گذاشته می‌شود و برخی حدود و احکام چنان به فراموشی سپرده می‌شود که گویا اصلاً جزء اسلام نبوده است (مانند زکات و...) و برخی آداب و رسوم و خرافات توسط برخی افراد چنان اهمیت داده می‌شود که افراد گمان می‌کنند جزء دین است.

در این میان حضرت مهدی (عج) احیاء گر دین به حساب می‌آید چنانچه از امام صادق علیه السلام سؤال شد: سیره و رفتار حضرت مهدی (عج) چگونه است؟ حضرت فرمودند: همان کاری را که رسول اکرم صلی الله علیه و آله انجام داد مهدی انجام می‌دهد، بدعت‌های موجود را خراب می‌کند چنانچه رسول خدا نیز اساس جاهلیت را منهدم نمود و اسلام را از نو بنا کرد. (۱)

در پایان جهت تکمیل بحث چند واژه ای که در حدیث امام باقر علیه السلام آمده بود را به توضیح مختصری می‌پردازیم که اگر بر فرض این حدیث هم صحیح باشد بر معانی زیر قابل حمل است: (۲)

۱. امر جدید

الف. این که حکایت شده: «حضرت مهدی با امر جدید قیام خواهد کرد.» یعنی با دستورات و اوامر و نواهی جدید قیام می‌کند چرا که حضرت به واقع عمل می‌کند و احکام و دستورات جدیدی می‌آورند.

ب. «امر جدید» یعنی: «امارت»، «خلافت» و «امامت». چنانچه آیه «اولی الامر» به آن اشاره دارد. (نساء / ۵۹)

۲. کتاب جدید

الف. اگر معنا شود که قرآن جدید می‌آورند؛ که این احتمال قطعاً باطل است. چرا که امت اسلامی اتفاق دارند که قرآن نقصان و اضافه ندارد و تحریف نشده و نخواهد شد.

ص: ۷۹

---

۱- (۱) بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲.

۲- (۲) برگرفته از موعودشناسی و پاسخ به شبهات، علی اصغر رضوانی، ص ۶۳۱.

ب. کتاب جدید همان قرآنی است که حضرت علی علیه السلام تدوین کردند که متن آن متن همین قرآن موجود فعلی است به همراه بیان شأن نزول ها و تفسیر آیات.

ج. مقصود از کتاب جدید تفسیر و برداشت جدید، به دور از تفسیر به رأی همراه با بیان معارف بلندی که امام از آیات بدست می آورند و برای مردم تازگی خواهد داشت بنابراین، گویا کتاب جدید است.

۳. سُنت جدید

الف. سُنت و روشی که حضرت می آورند نسبت به روش های مردمی که قبل از حکومت حضرت بوده اند جدید به حساب می آید.

ب. چون حضرت مأمور به واقع هستند و عالی ترین شکل دین را پیاده خواهند نمود. سُنت جدید است (در عین حالی که نسبت به اصول و چهارچوب احکام اسلامی با سُنت پیامبر یکی است)

۴. حکم جدید (قضاء جدید)

الف. حکم جدید یعنی قوانین و خطوط جدید با برنامه های بسیار متنوع و پیشرفته برای بشر در عصر ظهور.

ب. حکم جدید یعنی اسلوب جدید در قضاوت و فصل خصومت بین مردم؛ چنانچه از امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده است: «او وقتی قیام کند به علم خود بین مردم حکم می کند و مانند داود پیامبر بینه و شاهد نمی خواهد.»<sup>(۱)</sup>

ص: ۸۰

## آیا اگر فساد تمام جهان را فراگیرد امام زمان (عج) ظهور خواهند کرد؟

پاسخ:

حضرت مهدی (عج) تنها فرزند حضرت امام حسن عسکری علیه السلام در سن پنج سالگی پس از شهادت پدر به مقام امامت رسیدند، ولی بدستور الهی از نظرها پنهان شد و ظهور آن حضرت از وعده های الهی است (۱).

برخی از روایات (۲) در مورد ظهور امام زمان حکایت از آن دارد که قبل از ظهور آن حضرت جهان از فساد و تباهی پر خواهد شد، و به برکت ظهور آن رهبر بزرگ سرتاسر جهان از عدالت پر خواهد شد.

«فساد» به معنای تباهی و ضد آن «صلاح» است و به معنای خارج شدن از حد اعتدال نیز معنا کرده اند (۳) و قرآن کریم بندگان شایسته را اینگونه معرفی می کند: (لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فُسَادًا)؛ «آن را برای کسانی قرار می دهیم که هیچ برتری و فساد در زمین نمی خواهند» (۴).

فساد و تباهی هم در شخص امکان بروز دارد هم در جامعه که فساد شخصی موجب خروج شخص از حد اعتدال می شود و فساد اجتماعی خارج شدن جامعه از حد اعتدال را در پی دارد و هرچه از زمان غیبت امام زمان دور می شویم این فساد ظهور و بروز بیشتری پیدا می کند و در روایات حکایت شده که این فزونی و فراگیری فساد تا جایی خواهد رسید که زمین از فساد پر خواهد شد، چنانچه وقتی حضرت ظهور فرمودند از عدالت پر خواهد شد.

ص: ۸۱

---

۱- (۱) (إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ)؛ «که خدا از وعده (خود) تخلف نمی کند». رعد / ۳۱

۲- (۲) ر. ک: ملاحم سید بن طاووس، ص ۱۴۴، ۱۴۹.

۳- (۳) مفردات راغ، ب ماده ی فسد.

۴- (۴) ق، صص / ۸۳.

از امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه (اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا) ۱ حکایت شده: خداوند زمین را به واسطه ی قائم علیه السلام زنده می کند او با عدالت رفتار می کند، آنگاه زمین بواسطه عدالت زنده می شود بعد از مردن آن بواسطه ظلم (۱).

روایات متعددی با این مضمون که «یملأ الارض بعون الله عدلاً كما ملئت جوراً» از معصومین حکایت شده است (۲) و معنای فراگیر شدن فساد و ظلم و ستم این است که بدی ها بر خوبی ها و ضد ارزش ها بر ارزش ها غلبه یابد و شعله ی آتش فتنه، دامن همه را بگیرد و جامعه انسانی را در باتلاق فساد فرو رود که یکی از مهم ترین مظاهر این فساد گسترش حاکمیت استکبار، و محرومیت و ضعیف شدن اهل دین می باشد (۳).

استاد شهید مطهری رحمه الله نیز به استناد روایتی از شیخ صدوق می نویسد: فراگیر شدن ظلم و فساد آن است که هر یک از سعید، شقی، گروه حق و باطل، به اوج کار خود می رسند، ستمکاران به نهایت ستمکاری و صالحان در نهایت مظلومیت و استضعاف (۴).

یادآوری:

منشاء این ظلم و فساد اعمال و رفتار ناشایست و انتخاب غیر صحیح خود مردم است. خداوند در قرآن کریم می فرماید:

(ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ) ۶؛ «بخاطر دستاورد مردم، در خشکی و دریا فساد و تباهی آشکار شد».

ص: ۸۲

---

۱- (۲) ینابیع الموده، ص ۴۲۹.

۲- (۳)، حضرت حجت به کمک خدا زمین را از عدل پر می کند همان طوری که از جور و ستم پر شده بود. ر. ک: ملاحم

سید بن طاووس، ص ۱۴۴، ۱۴۹ و معجم الملاحم والفتن، ج ۳، ص ۲۰۰.

۳- (۴) فرهنگ الفبائی مهدویت، ص ۵۳۴.

۴- (۵) قیام و انقلاب، حضرت مهدی، ص ۶۶.

وقتی مردم بدهی ها را بر نیکی ها بر می گزینند فساد در زمین جاری می شود و این فساد علامت آن است که مردم بفهمند در انتخاب و عملکرد خود اشتباه کرده اند و به صلاح برگردند از این رو در ادامه آیه می فرماید: (لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ)؛ «تا (سزای) بعضی از آنچه انجام داده اند را به آنان بچشانند! باشد که آنان باز گردند.»

نتیجه:

فراگیر شدن فساد، و ظلم و ستم از نشانه های قبل از ظهور است چنانچه فراگیری عدالت از نشانه های اصلی حکومت حضرت مهدی (عج) می باشد. اما این فراگیری ظلم و فساد علت ظهور نمی باشد بلکه نشانه ی قبل از ظهور است که بدنبال آن ظهور صورت می گیرد بلکه می توان گفت محرومیت ما از امام زمان علیه السلام به علت همین فسادها و انتخاب بدی ها بر خوبی هاست اگر ما با کردار خوب و شایسته، منتظر اصلاح جامعه توسط حضرت مهدی (عج) باشیم، ظهور زودتر صورت می گرفت.

آنچه روایات بر آن تاکید دارد پر شدن از «ظلم» است نه پر شدن از «ظالم» پس ممکن است تعداد ظالمین کم باشد ولی تعداد مظلومین بسیار باشد؛ اما همان تعداد اندک زمین را از فساد پر خواهند کرد، بنابراین گمان نشود وظیفه ما آن است که همه مردم را به ظلم سوق دهیم و با افزودن به ظالمین بخواهیم به امر ظهور کمک کنیم بلکه وظیفه ما مقابله با ظلم و ظالم و حمایت از مظلوم است چنانچه انقلاب اسلامی در همین راستا قدم برداشت و با ظلم ظالم به مقابله پرداخت و از مظلومیت مظلوم در جهان دفاع کرد.

پس آنچه در آیات و روایات آمده خبر از امری است که حتماً محقق می شود و از طرف دیگر همین قرآن و روایات وظیفه ی فرد فرد مردم را در

ص: ۸۳



کمک نکردن به ظالم و حمایت از مظلوم تبیین کرده است (۱) و برای ظالم و ایجاد فساد توسط هر کسی مجازات های دنیوی و اخروی شدیدی را خبر داده است. به امید اینکه با تلاش و انتظار صحیح و سازنده، شاهد عدالت گستره و برچیدن فساد از روی زمین توسط حضرت مهدی (عج) باشیم.

## مفاسد آخرالزمان

مفاسدی که در آستانه انقلاب حضرت مهدی علیه السلام فراگیر می شود، بسیار است. از امام صادق علیه السلام این مفاسد حکایت شده است، نوع مفاسدی که در آخرالزمان رایج می شود و بعضی از آن ها جنبه ی اجتماعی و سیاسی، و بعضی جنبه اخلاقی دارد. در این روایت حضرت می فرماید:

۱. آن گاه که دیدی حق مرده و اهل حق از میان رفتند.

۲. ستم همه جا را فرا گرفته است.

۳. قرآن فرسوده شده، و بدعت هایی از روی هوا و هوس در مفاهیم آن آمده است.

۴. دین بی محتوا شده، همانند ظرفی که آن را واژگون می سازند.

۵. اهل باطل بر اهل حق بزرگی می جویند.

۶. و دیدی که شر آشکار است و از آن نهی نمی شود، و هر که کار زشت انجام دهد، معذورش می دارند.

۷. فسق آشکار گردیده و مردان به مردان و زنان به زنان اکتفاء می کنند.

۸. شخص مؤمن، سکوت اختیار کرده و سخنش را نمی پذیرند.

۹. شخص فاسق دروغ می گوید، و کسی دروغ و افترایش را بر او باز نمی گردانند.

۱۰. بچه کوچک، مرد بزرگ را خوار می شمارد.

۱۱. پیوند خویشاوندی بریده می شود.

ص: ۸۴

---

۱- (۱) (تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ)، مائده / ۲.

۱۲. هرکه را به کار بد بستایند، خوشحال می گردد.

۱۳. پسر بچه همان می کند که زن می کند.

۱۴. زنان با زنان تزویج می نمایند.

۱۵. مداحی و چاپلوسی فراوان شده است.

۱۶. مرد، مال خود را در غیر راه طاعت خدا خرج می کند و کسی از او جلوگیری نکند.

۱۷. چون شخص مؤمنی را ببیند از کوشش و تلاش او به خدا پناه برد.

۱۸. همسایه، همسایه خود را اذیت می کند و مانعی برای او در این کار نباشد.

۱۹. کافر خوشحال است، از آن چه در مؤمن می بیند و شاد است از این که در روی زمین فساد و تباهی بیند.

۲۰. آشکارا شراب بنوشند و برای نوشیدنش گرد هم آیند، کسانی که از خدای عزوجل نمی ترسند.

۲۱. امر به معروف کننده خوار است.

۲۲. فاسق در آن چه خدا دوست ندارد، نیرومند و ستوده است.

۲۳. اهل قرآن و هرکه آنان را دوست دارد، خوار است.

۲۴. راه خیر بسته شده و راه شر مورد توجه قرار گرفته است.

۲۵. خانه کعبه تعطیل شده و دستور به ترک آن داده می شود.

۲۶. مرد به زبان می گوید، آن چه را که عمل به آن نمی کند.

۲۷. مردان خود را برای استفاده مردان فربه می کنند و زنان برای زنان.

۲۸. زندگی مرد از پس او اداره می گردد و زندگی زن از فرج او.

۲۹. زنان مانند مردان برای خود انجمن ها ترتیب می دهند.

۳۰. در میان فرزندان عباس کارهای زنانگی آشکار گشته (و خود را مانند زنان زینت می کنند، همان طور که زن برای جلب نظر شوهرش خود را آرایش می کند)

۳۱. به مردها پول می دهند که با آن ها یا زنانشان عمل نامشروع انجام دهند.

ص: ۸۵

۳۲. شخص متمول از شخص باایمان عزیزتر است.
۳۳. رباخواری آشکار است و رباخوار مورد ملامت قرار نمی گیرد.
۳۴. زن ها به عمل زنا افتخار می کنند.
۳۵. زن برای نکاح مردان با شوهر خود همکاری می کند.
۳۶. بیشتر مردم و بهترین خانه ها آن باشد که به زنان در هرزگی شان کمک می کنند.
۳۷. مؤمن به خاطر ایمانش غمناک و پست و خوار می گردد.
۳۸. بدعت و زنا آشکار می گردد.
۳۹. مردم به شهادت ناحق اعتماد می کنند.
۴۰. دستورات دینی طبق تمایلات اشخاص تفسیر می گردد.
۴۱. حلال تحریم شود و حرام مجاز.
۴۲. مردم چنان در ارتکاب گناه جری شده اند که منتظر رسیدن شب نیستند.
۴۳. مؤمن نمی تواند کار بد را نکوهش کند، جز با قلب.
۴۴. مال کلان در راه غضب الهی خرج می شود.
۴۵. زمامداران به کافران نزدیک می شوند و از نیکان دوری می گزینند.
۴۶. والیان در داوری رشوه می گیرند.
۴۷. پست های حساس دولتی به مزایده گذارده می شود.
۴۸. مردم با محارم خود نزدیکی می کنند.
۴۹. به تهمت و سوءظن مرد به قتل می رسد.
۵۰. مرد به مرد پیشنهاد عمل زشت می کند و خودش را در اختیار او می گذارد.
۵۱. مرد به خاطر آمیزش با زنان مورد سرزنش قرار می گیرد (که چرا با مردان آمیزش نمی کند).

۵۲. مرد از کسب زنش از هرزگی نان می خورد و آن را می داند و به آن تن می دهد.

ص: ۸۶

۵۳. زن بر مرد خود مسلط می شود و کاری را که مرد نمی خواهد انجام می دهد، و به شوهر خود خرجی می دهد.

۵۴. مرد، زن و کنیزش را (برای زنا) کرایه می دهد و به خوراک و نوشیدنی پستی تن در می دهد.

۵۵. سوگندهای به ناحق به نام خدا بسیار می گردد.

۵۶. قمار آشکار می گردد.

۵۷. شراب را بدون مانع علناً می فروشند.

۵۸. زنان مسلمان خود را در اختیار کافران می گذارند.

۵۹. لهو و لعب آشکار می گردد و کسی که از کنار آن عبور می کند از آن جلوگیری نمی کند (و کسی جرأت جلوگیری را ندارد)

۶۰. مردم شریف را خوار می کند، کسی که مردم از تسلط و قدرتش ترس دارند.

۶۱. نزدیک ترین مردم به فرمانروایان کسی است که به دشنام گویی ما خانواده ستایش شود.

۶۲. هر کس ما را دوست دارد، دروغ گویش می داند و شهادت او را نمی پذیرند.

۶۳. برگفتن حرف زور و ناحق مردم با همدیگر رقابت می کنند.

۶۴. شنیدن قرآن بر مردم سنگین و گران می آید و در عوض، شنیدن سخنان باطل بر مردم آسان است.

۶۵. همسایه، همسایه را گرامی می دارد از ترس زبانش.

۶۶. حدود خدا تعطیل شده و در آن طبق دلخواه خود عمل می کنند.

۶۷. مساجد طلاکاری می شود.

۶۸. راستگوترین مردم پیش آن ها، مفتریان دروغگو می باشند.

۶۹. شر و سخن چینی آشکار می گردد.

۷۰. ستمکاری شیوع یافته.
۷۱. غیبت را سخن نمکین می شمارند و مردم همدیگر را بدان مژده می دهند.
۷۲. برای غیر خدا به حج و جهاد می روند.
۷۳. سلطان به خاطر کافر، مؤمن را خوار می کند.
۷۴. خرابی و ویرانی بیش از عمرانی و آبادی است.
۷۵. زندگی مرد از کم فروشی اداره می شود.
۷۶. خونریزی را آسان می شمارند.
۷۷. مرد برای غرض دنیایی ریاست می طلبد و خود را به بدزبانی مشهور می سازد تا از او بترسند و کارها را به او واگذار کنند.
۷۸. نماز را سبک می شمارند.
۷۹. مرد مال بسیار دارد، ولی از وقتی که آن را پیدا کرده زکات آن را نپرداخته است.
۸۰. قبر مرده ها را می شکافند و آن ها را می آزارند و کفن های شان را می فروشند.
۸۱. آشوب بسیار می شود.
۸۲. مرد روز خود را به نشئه (شراب) به شب می برد و شب را به مستی صبح می کند.
۸۳. با حیوانات عمل زشت انجام می دهند.
۸۴. حیوانات همدیگر را می درند.
۸۵. مرد به مصلی می رود، ولی چون برمی گردد جامه در تن ندارد.
۸۶. دل مردم سخت و چشمان شان خشک شده و یاد خدا بر آنان سنگین می آید.
۸۷. کسب های حرام شیوع یافته و بر سر آن رقابت می کنند.
۸۸. نماز خوان برای ریا و خود نمایی نماز می خواند.

۸۹. فقیه برای غیر دین فقه می آموزد و دنیا و ریاست طلب می کند.

۹۰. مردم دور کسی را گرفته اند که قدرت دارد.

ص: ۸۸



۹۱. هرکس روزی حلال می جوید، مورد سرزنش قرار می گیرد و جوینده حرام، مورد ستایش و تعظیم است.
۹۲. در مکه و مدینه کارهایی می کنند که خداوند دوست ندارد و کسی هم نیست که مانع شود و هیچ کس آن ها را از این اعمال زشت باز نمی دارد.
۹۳. آلات لهو و لعب (حتی) در مکه و مدینه آشکار می گردد.
۹۴. مرد سخن حق می گوید و امر به معروف و نهی از منکر می کند؛ دیگران او را نصیحت می کنند و می گویند: این کار بر تو لازم نیست.
۹۵. مردم به همدیگر نگاه می کنند و به مردم بدکار اقتداء می نمایند.
۹۶. راه خیر به کلی خالی است و کسی از آن راه نمی رود.
۹۷. مرده را به مسخره می گیرند و کسی برای مرگ او غمگین نمی شود.
۹۸. هر سال بدعت و شرارت بیشتر می شود.
۹۹. مردم و انجمن ها پیروی نمی کنند مگر از توانگران.
۱۰۰. به فقیر چیزی می دهند، در حالی که به او می خندند و برای غیر خدا به او ترحم می نمایند.
۱۰۱. نشانه های آسمانی پدید می آید، ولی کسی از آن هراس ندارد.
۱۰۲. مردم در حضور جمع، همانند بهائم مرتکب اعمال جنسی می شوند و هیچ کس از ترس، کار زشت را انکار نمی کند.
۱۰۳. مرد در غیر اطاعت خدا زیاد خرج می کند، ولی در مورد اطاعت خدا از کم هم دریغ می ورزد.
۱۰۴. آزار به پدر و مادر آشکار می گردد و مقام آن ها را سبک می شمارند و حال آن ها در پیش فرزند از همه بدتر باشد، و از این که به آن ها افترا زده شود، خوشحال می شوند.
۱۰۵. زنها بر حکومت غالب گشته و پست های حساس را قبضه می کنند، و کاری پیش نمی رود، جز آن چه طبق دلخواه آنان باشد.
۱۰۶. پسر به پدر خود افتراء می زند و به پدر و مادر خود نفرین می کند و

از مرگ شان خوشحال می شود.

۱۰۷. اگر روزی بر مردی بگذرد که در آن روز گناهی بزرگ مرتکب نشده باشد، مانند هرزگی یا کم فروشی یا انجام کار حرام یا میخوارگی، آن روز غمگین است و خیال می کند که روزش به هدر رفته و عمرش در آن روز بی خود تلف شده است.

۱۰۸. سلطان مواد غذایی را احتکار می کند.

۱۰۹. حق خویشاوندان پیامبر (خمس) به ناحق تقسیم می شود و بدان قمار بازی می کنند و میخوارگی می نمایند.

۱۱۰. با شراب مداوا می کنند و بدان بهبودی می جویند.

۱۱۱. مردم در مورد ترک امر به معروف و نهی از منکر و بی عقیدگی یکسان می شوند.

۱۱۲. منافقان و اهل نفاق سر و صدایی دارند و اهل حق بی سر و صدا و خاموشند.

۱۱۳. برای اذان گفتن و نماز خواندن مزد می گیرند.

۱۱۴. مسجدها پر است از کسانی که ترس از خدا ندارند و برای غیبت و خوردن گوشت اهل حق به مسجد می آیند و در مساجد، از شراب مست کننده توصیف می کنند.

۱۱۵. شخص مست که از خرد تهی گشته بر مردم پیشنمازی می کند و به مستی او ایراد نمی گیرند و چون مست گردد، گرامیش می دارند.

۱۱۶. هر که مال یتیمان را بخورد، شایستگی او را می ستایند.

۱۱۷. قضات به خلاف دستور خدا داوری می کنند.

۱۱۸. زمامداران از روی طمع خیانتکاران را امین خود می سازند.

۱۱۹. میراث (یتیمان) را فرمانروایان به دست و افراد بدکار و بی باک نسبت به خدا داده اند، از آن ها حق و حساب می گیرند و جلوی آن ها را می سازند تا هر چه می خواهند انجام دهند.

۱۲۰. بر فراز منبرها مردم را به پرهیزکاری دستور می دهند، ولی خود گوینده به آن دستور عمل نمی کند.

۱۲۱. وقت نمازها را سبک می شمارند.

۱۲۲. صدقه به وساطت دیگران به اهل آن می دهند و به خاطر رضای خدا نمی دهند، بلکه از روی درخواست مردم و اصرار آن ها می پردازند.

۱۲۳. تمام هم و غم مردم شکم و عورت شان است. باکی ندارند که چه بخورند و با چه آمیزش کنند.

۱۲۴. دنیا به آن ها روی آورده است.

۱۲۵. نشانه های حق مندرس گشته است.

امام صادق علیه السلام پس از پیش بینی این حوادث خطاب به راوی فرمود:

در چنین موقعی مواظب خود باش. نجات خود را از خداوند بخواه (فرج نزدیک است) و بدان که مردم با این نافرمانی ها مستحق عذابند. اگر عذاب بر آن ها فرود آمد و تو در میان آن ها بودی، باید به سوی رحمت حق بشتابی تا از کیفری که آن ها به واسطه ی سرپیچی از فرمان خدا می بینند، بیرون بیایی. بدان که خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی گرداند (إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ) ۱.

تذکر: لازم به یادآوری است که وجود این مفاصد بدان معنا نیست که ما آن ها را انجام دهیم تا امام عصر علیه السلام زودتر ظهور کند، بلکه وظیفه ما پاک ماندن و مبارزه با مفاصد و آماده شدن برای یاری امام عصر علیه السلام است.

## نشانه های آخرالزمان چیست؟

پاسخ:

۱. با توجه به برداشتی که از روایات معصومین علیه السلام می شود. آخرالزمان به زمانی گفته می شود که علائم ظهور امام زمان در آن آشکار شود که با توجه به این علائم و آشکار شدن بعضی از آنها آخرالزمان شامل زمان ما نیز می شود البته این را که آخرالزمان چند سال طول می کشد خداوند می داند و بستگی به آشکار شدن همه نشانه های آن دارد چرا که نشانه های ظهور امام زمان به دو گونه است:

الف. نشانه های متصل به ظهور: نشانه هایی که به طور مطمئن و حتماً اتفاق می افتد و آنگاه امام زمان ظهور می کنند و تا این نشانه ها واقع نشود امام عصر علیه السلام ظهور نخواهند کرد. از جمله آن علائم «خروج سفیانی» و «کشته شدن نفس زکیه (انسان بی گناه) در کنار کعبه»، «قیام سید حسنی» است که هنوز اتفاق نیفتاده است.

ب. نشانه های غیرمتصل به ظهور: نشانه هایی هستند که قبل از نشانه های متصل به ظهور واقع می شوند مانند اینکه امر به منکر و نهی از معروف می شود و کار خوب زشت و کار زشت خوب شمرده می شود (۱) دروغ گفتن حلال می شود و ربا و رشوه رواج پیدا می کند و زنان به مردها و مردها به زنان شباهت پیدا می کنند و (۲)...

۲. از نشانه های آخرالزمان این است که آلات لهو نواخته می شود و یک نفر نیست که نهی از منکر [کند] و کسی جرات بر نهی آن نمی کند و نیز در

ص: ۹۲

---

۱- (۱) کتاب مهدی موعود، ص ۹۴۴، علی دوانی، چاپ ۲۰، سال ۱۳۶۱، انتشارات افست.

۲- (۲) همان کتاب، ص ۹۶۳.

شریف ترین مکان ها یعنی مکه معظمه و مدینه منوره آشکارا آلات لهو نواخته می شود.»<sup>(۱)</sup> البته یکی از علائم آخر الزمان این است که امر به معروف و نهی از منکر نمی شود و معروف، منکر، و منکر، معروف می شود شاید نشانه ای هم که شما نوشته اید یکی از مصداق ها (و مثال های) این علامت در آخر الزمان باشد.

۳. در پایان یک سوال باقی می ماند و آن اینکه با توجه به نوع موسیقی و مداحی و شعرخوانی و به طور کلی با توجه به محتوای این جلسات آیا شرکت در این مجالس یا گوش دادن به صدای آن جایز است یا خیر؟

در جواب این سوال باید گفت که در این گونه موارد هر کس باید به فتوای مرجع تقلید خود عمل کند.

معرفی کتاب:

دوست گرامی: برای اطلاعات بیشتر در مورد علائم ظهور و امام زمان می توانید مراجعه فرمایید به کتاب های:

۱. مهدی موعود - از استاد علی دوانی.

۲. دادگستر جهان - آیت الله امینی.

۳. مهدی علیه السلام انقلابی بزرگ - آیت الله مکارم شیرازی.

ص: ۹۳

---

۱- (۱) کتاب گناهان کبیره، ج اول، ص ۲۶۲ از آیت الله شهید دستغیب انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، حوزه علمیه قم، چاپ هفتم، زمستان ۱۳۷۳.

## آیا اگر جنگ جهانی سوم رخ دهد امام زمان ظهور خواهند کرد؟

پاسخ:

یکی از مباحثی که امروز در ذهن مردم جهان بویژه مسلمانان و شیعیان مطرح است موضوع مهدویت و ظهور منجی است و تقریباً تمام ادیان طبق مدارک و شواهد متون دینی منتظر یک مصلح و منجی می باشند و نشانه هایی را برای فرارسیدن آن روز موعود برمی شمارند، حتی در باستانی ترین و دست نخورده ترین اقوام جهان، یعنی اسکیموها و سرخ پوستان آمریکای شمالی که به علت وضعیت نابسامان جوی از حملات و سیطره قدرت های بزرگ و فرهنگ های بیگانه محفوظ بوده است، آوازی به نام «شعر پایان دنیا» به چشم می خورد که کشته شدن انسان ها و سبک شمرده شدن خون مردم، از نشانه های آن است، و بعد از محقق شدن آن نشانه ها در جانب خورشید، صورت مردی هویدا می شود که جهان را برای همیشه نجات خواهد داد(۱)، ولی مصداق آن منجی و مصلح عدالت گستر کسی جز حضرت حجت بن الحسن العسکری (عج) نیست.

یکی از نشانه هایی که برای این منجی و مصلح کل بیان شده جنگ و کشتار و هرج و مرج قبل از ظهور می باشد که این قتل و غارت در واقعه «قریسا» یا «آرماگدون» به تعبیر مسیحی ها به اوج و نهایت خود می رسد و به ظهور حضرت مهدی (عج) می انجامد. لذا لازم است قبل از پاسخ واقعه «آرماگدون» و «قریسا» را توضیح دهیم:

آرماگدون (Armageddon) یا هر مجدون واژه ای یونانی است که بنابر واژه نامه های آمریکائی مانند «وبستر» به نبرد نهائی حق و باطل در آخر الزمان

ص: ۹۴

معنا شده است. همچنین این واژه نام شهری است در منطقه ی عمومی شام که بنا بر آنچه در باب شانزدهم مکاشفات یوحنا در عهد جدید (انجیل) آمده، جنگی عظیم در آن جا رخ خواهد داد و مرحله فعلی زندگی بشر در آن زمان پایان می یابد، «آرماگدون» یا نبرد نهایی آخرالزمان از علائم ظهور منجی (طبق عقیده ی مسیحیت بازگشت مجدد حضرت عیسی علیه السلام می باشد که قدرت های بزرگ جهان سیاست خارجی خود را بر مبنای آن جهت می دهند و نقشه های نظامی خود را به شکلی سامان داده اند که آمادگی لازم برای این حادثه را داشته باشند. مؤسسات دینی غرب، بویژه آمریکا نیز از دهه ی هشتاد میلادی مردم خود را برای استقبال از این حادثه آماده می سازند. این مؤسسات دینی پیوسته مردم خود را به ایمان به این نکته فرا می خوانند که به زودی لشکری از دشمنان مسیح که بدنه اصلی آن را میلیون ها نظامی که از عراق و ایران و سودان و قفقاز و جنوب روسیه خواهند بود (۱) تشکیل می دهد و پس از گذشتن از رود فرات که در آن زمان به خشکی گرائیده است به سوی قدس رهسپار می شوند، اما نیروهای مومن به مسیح راه این لشکر را سد کرده و همگی در «آرماگدون» با یکدیگر برخورد خواهند کرد و در این مکان درگیری و نبردی هسته ای رخ خواهد داد که صخره ها ذوب می شوند، دیوارها بر زمین می غلطند، پوست تن انسان ها در حالی که ایستاده اند ذوب می شود و میلیون ها نفر از بین خواهند رفت؛ آنگاه حضرت مسیح برای بار دوم از جایگاه رفیع و بلند خویش به زمین خواهد آمد و پس از چندی زمام امور را به دست گرفته و صلح جهانی را بر زمینی نو و زیر آسمانی تازه برقرار خواهد کرد و قدس را مقرر فرماندهی خود قرار خواهد داد.

ص: ۹۵

مؤسسه تلسن در اکتبر ۱۹۸۵ به بررسی موضوع آرماگدون در جامعه خود پرداخت و اعلام کرد: در حال حاضر (سال ۱۹۸۵) ۶۱ میلیون آمریکایی در انتظار واقعه «آرماگدون» بسر می برند و مدارس انجیلی در آمریکا سال هاست بر پایه این تحلیل که واقعه «آرماگدون» تنها حادثه ای است که بازگشت مسیح را به زمین ممکن می سازد به تبلیغ این واقعه پرداخته اند و آن را واقعه ای بسیار نزدیک جلوه می دهند.

در سال ۱۹۹۷ م نیز خبرگزاری آسوشتید پرس طبق یک نظرسنجی اعلام کرد ۲۵٪ جمعیت آمریکا اعتقاد راسخ دارند که در آغاز هزاره سوم میلادی جنگ جهانی «آرماگدون» که آن را «جنگ فرات» نیز می گویند در منطقه فلسطین آغاز خواهد شد و این جنگ تا مدت ۷ سال ادامه خواهد داشت و در اثر این جنگ دنیا نابود خواهد شد و در پایان این جنگ هفت ساله که آن را مصیبت بزرگ برای کلیسا و مسیحیان می دانند مسیح همراه مسیحیان دوباره تولد یافته و ظهور خواهد کرد و پس از شکست دشمنان خود، حکومت جهانی خود را با مرکزیت بیت المقدس تشکیل خواهد داد.

قریسا: اهل بیت علیه السلام نیز از واقعه ای به نام «قریسا» خبر داده اند که از جهاتی شبیه همان «آرماگدون» تورات می باشد هر چند از خرافه ها و تحریف ها و تطبیق های بی جای آنها بدور است.

در روایتی میسر از امام باقر علیه السلام نقل می کند که حضرت فرمودند: ای میسر از این جا تا «قریسا» چقدر راه است؟ میسر می گوید: عرض کردم. در همین نزدیکی ها در ساحل شط فرات قرار دارد، حضرت فرمودند: به زودی در آن جنگی واقع شود که از روز خلقت آسمان ها و زمین، چنین جنگی واقع نشده باشد و تا آسمان ها و زمین هست نخواهد شد، سفره ای است که درندگان زمین و پرندگان آسمان از آن سیر خواهند شد (۱).

ص: ۹۶



همچنین عبدالله بن ابی یعفر از امام باقر علیه السلام نقل می کند که حضرت به من فرمودند: برای بنی العباس و بنی مروان جنگی در «قرقیسا» خواهد شد که جوان در آن پیر می شود، و خداوند نصرت را از ایشان بر می دارد و به پرنندگان آسمان و درندگان زمین گفته می شود که از گوشت جبارین و ستمکاران سیر شوید پس از آن سفیانی خروج خواهد کرد(۱).

بررسی:

بنابر برخی روایات و یا آنچه در تورات و انجیل آمده، از یک جنگ تمام عیار و بسیار سخت در منطقه «آرماگدون» یا «قرقیسا» سخن به میان آمده اما از جنگ جهانی سوم نامی برده نشده است و اینکه کسی بگوید آن جنگ مورد نظر در روایات، همان جنگ جهانی سوم است ادعایی بدون دلیل است. آری برخی به واسطه قرائن یا شواهدی حدس زده اند که شاید جنگ مذکور، همان جنگ جهانی سوم باشد.

از جنگ جهانی دوم تاکنون بیش از ۱۵۰ جنگ عمده و صدها شورش مسلحانه و انقلاب رخ داده است و از پایان جنگ جهانی دوم تعداد کشته ها در نزاع های مسلحانه بیش از ۲۳ میلیون نفر بوده است؛ و طبق گزارش صلیب سرخ جهانی، بیش از ۱۰۰ میلیون نفر در جنگ هایی که از آغاز این قرن به وقوع پیوسته، جان خود را از دست داده اند و و برخی رسانه ها اعلام کرده اند جنگ های قرن بیستم، جنگ های تمام عیاری بوده که جنگ های قرون گذشته در مقایسه با آن مانند جنگ های خیابانی بوده است(۲).

بنابراین اگر قرار باشد هر جنگ و نزاعی که می شود با آن جنگ مورد نظر در منابع تاریخی مقایسه شود هر روز باید تطبیقی انجام شود و چندی

ص: ۹۷

---

۱- (۱) غیبت نعمانی، ص ۳۰۳ و بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۱.

۲- (۲) فرهنگ الفبائی مهدویت، ص ۲۰۴.

بعد بطلان آن آشکار گردد. علاوه بر اینکه به خصوص در اخبار صحیح در مورد «قریسا» سخنی از حق بودن یکی از گروه های متخاصم نیامده است بلکه سخن از آن است که جباران و ستمگران در این جنگ نابود می شوند، اما در حال حاضر سران انگلیس و آمریکا ادعای حقانیت جنگ «آرماگدون» را برای خود دارند، و معلوم است که جباران روزگار می خواهند با این تحلیل ها، سیاست های استعماری و استکباری خود را توجیه کنند و ملت های زیر سلطه خود را با قدرت و قوت کامل تری استثمار کنند و ددمنشی های خود را به نام زمینه سازان ظهور حضرت عیسی علیه السلام معرفی کنند و ملت ها را بفریبند.

نتیجه گیری:

بنابر آنچه گفته شد به دست می آید که اصل زیاد شدن جنگ و کشتار از علائم آخرالزمان می باشد و قبل از ظهور کشتار بزرگی در منطقه «قریسا» برای از بین رفتن جباران و ستمگران به پا خواهد شد اما اصل وقوع جنگ جهانی سوم یا اینکه اگر چنین جنگی در آینده واقع شود از علائم ظهور باشد و آن جنگ به ظهور حضرت منجر گردد و از همه مهم تر اینکه حتماً یکی از دو طرف در این جنگ جهانی، حق باشد هیچ یک دلیل و مدرکی ندارد و یا صرف حدس و گمان ظنی است. بویژه اینکه تحریف استکبار برای استثمار مردم و چپاول و غارت اموال آنها نیز همراه این موضوع می باشد.

ص: ۹۸

## آیا عوامل طبیعی مانند پاره شدن لایه اوزون و کم شدن آب شیرین در تعجیل فرج امام زمان تاثیر دارد؟

پاسخ:

آنچه مسلم است آن است که بعضی از روایات پیرامون ظهور حضرت مهدی (عج) از آن حکایت دارد که قبل از ظهور آن حضرت جهان از فساد و تباهی پر خواهد شد، و به یمن و برکت ظهور آن رهبر بزرگ، سرتاسر جهان از عدالت پر خواهد گشت.

چنانچه از امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه ۱۷ سوره حدید (اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا) ۱ حکایت شده: خداوند زنده می کند زمین را به واسطه قائم علیه السلام زیرا با عدالت رفتار می کند از این رو زمین زنده می شود بواسطه عدالت، بعد از مردن آن بواسطه ظلم (۱). روایات متعدد دیگری با این مضمون که «حضرت حجت زمین را از عدالت پر می کنند بعد از آنکه از جور و ستم» پر شده بود، از معصومین حکایت شده است (۲).

و همچنین از آیه ۴۱ سوره روم که می فرماید:

(ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ) ؛ به دست می آید که این فساد و تباهی دستاورد خود مردم است. وقتی مردم از اطاعت دستورات خدا سرپیچی می کنند و بدی ها را بر نیکی ها بر می گزینند فساد در زمین جاری می شود.

اما در این که آیا شکافته شدن لایه اوزون یا کم شدن آب شیرین و اموری از این قبیل مانند سوختن جنگل ها در آتش یا زیاد شدن زلزله و... از مظاهر این فساد در زمین هست یا خیر؟ به نظر می رسد موارد یاد شده و امور

ص: ۹۹

۱- (۲) ینابیع الموده، ص ۴۲۹.

۲- (۳) ملاحم سید بن طاووس، ص ۱۴۴ تا ۱۴۹؛ معجم الملاحم والفتن، ج ۳، ص ۲۰۰.

دیگری از این قبیل، اگر موجب زیان، سختی و رنج مردم در زندگی روزمره می شود می توان گفت از مظاهر فساد است چرا که خدا زمین را گسترانده است و نعمت های خود را در اختیار بشر قرار داده است، که مردم از این مواهب خدا دادی استفاده کنند نه اینکه به رنج و سختی بیفتند.

یادآوری:

روایات اهل بیت علیه السلام از پرشدن زمین از فساد، قبل از ظهور حکایت دارد اما این پر شدن از ظلم و فساد علت برای ظهور نیستند بلکه از ویژگی ها و نشانه های قبل از ظهور این است که زمین از فساد پر خواهد شد و این تقارن، همجواری و در عرض هم قرار گرفتن فساد و به همراه آن ظهور و پر شدن از عدالت دلیل بر این نیست که بگوئیم: «پس فساد علت ظهور است.»

نتیجه

قبل از ظهور حضرت حجت (عج) زمین از ظلم و فساد پر خواهد شد و عده ای اگر چه اندک باشند «ظالم» خواهند بود و عده ای اگر چه اکثریت مردم جهان را تشکیل دهند «مظلوم» واقع خواهند شد و به واسطه گناه و معصیت مردم گرفتار این فسادها و بلاها خواهند گشت تا آن که پشیمان شوند و باز گردند و به خدا روی بیاورند (چنانچه از آیه ۴ سوره روم بدست آمد) و اموری مانند شکافته شدن لایه اوزون اگر باعث اختلال در زندگی بشر و بهم خوردن چرخه صحیح حیات گردد، می تواند از مظاهر و مصادیق فساد باشد که خود مردم موجبات آن را فراهم کرده اند اما این فساد و ظلم علت ظهور نیست بلکه وقت ظهور را خداوند طبق مصلحت بندگان معین خواهد فرمود، و قطعاً آمادگی مردم برای پذیرش دستورات آن حضرت در تعجیل در فرج شریفش مؤثر خواهد بود و این بدان معنا نیست که ما باید به فساد در جامعه دامن بزنیم و یا به لایه اوزون ضربه بزنیم بلکه وظیفه منتظر واقعی اصلاح و مقابله با این فسادهاست.

به امید آنکه با انتظار صحیح و سازنده شاهد تشکیل دولت جهانی و برحق حضرت مهدی علیه السلام و از بین رفتن همه مظاهر ظلم و فساد باشیم. ان شاء الله!

ص: ۱۰۰

## نشانه های ظهور امام عصر (عج) چیست؟

پاسخ:

قبل از آنکه بحث نشانه های ظهور حضرت را بررسی کنیم تذکر این نکته لازم است که با دقت در علائم ظهور در می یابیم که این علائم و نشانه ها نسبت به ظهور رابطه سببی و مسببی ندارند یعنی این نشانه ها علت و سبب تحقق ظهور نیستند بلکه تنها زمان ظهور را اعلام می کنند و به اصطلاح کاشف از این واقعیت است که ظهور نزدیک شده است و به تعبیر دیگر نشانه های ظهور رخدادهایی هستند برای «اعلام عمومی نزدیکی ظهور» و «ایجاد آمادگی روانی مردم» برای استقبال از ظهور امام(۱).

نه اینکه علت ظهور باشد که بگوییم حتماً بعد از ظاهر شدن نشانه ها، ظهور امام تحقق می یابد. بلکه ممکن است نشانه ای بیاید ولی اراده الهی تغییر کند و ظهور امام انجام نشود.

منظور از نشانه های ظهور

رخدادهایی را که براساس پیش بینی ائمه علیه السلام پیش از ظهور حضرت یا در آستانه ی آن، پدید خواهند آمد نشانه های ظهور گویند، تحقق هر کدام از نشانه ها نویدی است بر نزدیک تر شدن ظهور امام؛ بنابراین پدیدار شدن یک یا چند نشانه از مجموعه نشانه های ظهور، چیزی جز نزدیک تر شدن زمان ظهور را نمی رساند. البته بعضی از نشانه ها و علائمی که ائمه علیه السلام پیشگویی کرده اند به وقوع پیوسته است. مثلاً در روایات به اختلاف در میان

ص: ۱۰۱

---

۱- (۱) محمد صدر، تاریخ الغیبه الکبری، ص ۳۹۶، ترجمه شده به نام تاریخ غیبت کبری ترجمه دکتر سید حسن افتخارزاده.

امت اسلام، انحراف بنی عباس و جنگ های صلیبی و... به عنوان نشانه های ظهور خبر داده شده، که ظاهراً آنها تحقق پیدا کرده است (۱).

مشخص نبودن زمان ظهور

از امور مسلم و قطعی اصل ظهور حضرت مهدی (عج) است و البته نشانه ها و اتفاقاتی قبل از ظهور حضرت پدید می آید ولی زمان ظهور حضرت مشخص نیست و هیچ کس جز خداوند از وقت ظهور آگاهی ندارد، بارها مسلمانان و حتی اصحاب ائمه از زمان ظهور حضرت سوال می کردند ولی ائمه علیه السلام به صراحت از مشخص نبودن زمان ظهور سخن گفته اند و فرموده اند که علم به زمان ظهور همچون علم به زمان قیامت، منحصر به خداوند است: از حضرت علی علیه السلام در روایتی حکایت شده:

«و اما زمان ظهور حضرت مهدی (عج) به روشنی برای ما مشخص نشده است بلکه او تا زمانی که خداوند اجازه خروج دهد، از دیگران پنهان است.» (۲)

و در روایتی دیگر نقل شده که امام باقر علیه السلام در جواب کسی که سوال از وقت معین ظهور کرد ۳ بار فرمودند: «کذب الوقتون» (۳)؛ «کسانی که وقت معین می کنند دروغگو هستند.»

تفاوت زمینه های ظهور با علائم آن:

ظهور امام زمان (عج) شرایط و نشانه هایی دارد که از آنها به عنوان «زمینه های ظهور» و «علائم آن» یاد می شود تفاوت این دو آن است که زمینه ها در تحقق ظهور، تاثیر واقعی دارند به گونه ای که با فراهم شدن آنها، ظهور امام اتفاق می افتد و بدون آن ها ظهور نخواهد بود؛ ولی «علائم» در

ص: ۱۰۲

۱- (۱) غیبت نعمانی، علائم پیش از قیام.

۲- (۲) کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۴۲۵ «و اما وقت خروجه علیه السلام فلیس لمعلوم لنا علی وجه التفصیل...»

۳- (۳) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۰۳.

ظهور نقش ندارند بلکه تنها نشانه هایی هستند که به وسیله ی آنها می توان به اصل ظهور حضرت و یا نزدیک شدن آن پی برد.

با توجه به تفاوت یاد شده به خوبی می توان دریافت که زمینه ها و شرایط نسبت به علائم و نشانه ها از اهمیت بیشتری برخوردار هستند. بنابراین پیش از آنکه به دنبال علائم ظهور باشیم به زمینه های ظهور توجه کنیم و در حد توان در تحقق آن زمینه ها تلاش کنیم.

شرایط و زمینه های ظهور

برای حرکت اصلاحی و انقلاب عظیم بشری توسط حضرت مهدی علیه السلام، چهار شرط ذکر شده و مانند هر قیام اصلاحی دیگر قبل از آن حرکت عظیم این چهار زمینه و شرط باید فراهم باشد تا انقلاب به بار بنشیند.

در مورد انقلاب حضرت مهدی علیه السلام دو زمینه و شرط در محدوده اختیارات بشر است و ما باید آن زمینه ها را ایجاد کنیم و دو شرط دیگر خارج از اختیارات بشر است:

۱. وجود طرح و برنامه

هر جنبش و خیزشی که بخواهد وضع موجود جامعه را تغییر دهد و به وضع مطلوب برساند نیاز به طرح و برنامه دارد که البته طرح و برنامه این حرکت توسط خداوند بزرگ تدوین شده است. خداوندی که عالم به ابعاد مختلف وجودی انسان می باشد و با توجه به ابعاد مختلف روحی و مادی و فردی و اجتماعی... انسان برنامه ای را تحت نام دین اسلام و کتاب قرآن در اختیار پیامبر و بعد از آن ائمه علیه السلام قرار داده است.

۲. رهبری توانا

این شرط نیز در مورد قیام بزرگ حضرت مهدی علیه السلام فراهم است، چون رهبری این قیام در دامن امامت پرورش یافته و به سرچشمه وحی متصل است. به قرآن و معارف دین (طرح و برنامه) احاطه دارد و مورد تایید الهی است.

ص: ۱۰۳

با نگاهی به تاریخ، به خوبی می توان نقش و جایگاه یاوران را در حرکت ها و خیزش ها دریافت. مگر داستان صلح امام حسن علیه السلام را می توان فراموش کرد که چگونه حضرت را رها کردند و در نهایت ایشان مجبور به قبول و امضای صلح نامه شد؟

همان طور که عدم همراهی با امام زمان علیه السلام غیبت ساز است، همراهی و یآوری ظهور آفرین است پس بیایم با ولی نعمت خود پیمان وفاداری ببندیم و صفوفی به هم پیوسته از یاوران راستین فراهم آوریم تا ظهورش را درک کنیم!

#### ۴. آمادگی عمومی:

یکی از شرایط مهم هر انقلاب و قیامی، همراهی و پذیرش مردمی است؛ یعنی اگر بهترین طرح و برنامه در اختیار، بهترین رهبر با یارانی منتخب و از جان گذشته قرار گیرد ولی مردم آن را نپذیرند، قطعاً به انجام نخواهد رسید. اگر حکومت اسلامی در مدینه پایه گذاری شد بدان جهت بود که مردم یترب خواستند و روزها مقدم مبارک پیامبر را انتظار کشیدند.

بشیر می گوید به امام باقر علیه السلام عرض کردم: مردم می گویند: «وقتی حضرت مهدی (عج) قیام کند کارها خود به خود برای او درست می شود.» حضرت فرمود: «هرگز چنین نیست قسم به کسی که جانم به دست اوست! اگر بنا بود کارها خود به خود درست شود برای رسول خدا چنین می شد.»<sup>(۱)</sup>

#### فوائد نشانه های ظهور

در روایات ائمه معصوم علیه السلام علائم فراوانی برای ظهور حضرت ذکر شده است که بعضی از آن علائم و پدیده ها طبیعی و عادی هستند و بعضی از پدیده ها غیرعادی و معجزه آسا هستند. اهتمام ائمه علیه السلام به طرح این موضوع

ص: ۱۰۴

۱- (۱) غیبت نعمانی، باب ۱۵، ج ۲، ۳۹۹.



و توجه دادن مسلمانان به این حقیقت نشان از اهمیت فوق العاده آن علائم دارد که البته آثار بسیاری در هدایت و سعادت فردی و جمعی مسلمانان دارد. بعضی از فواید علائم ظهور به این ترتیب است:

۱. بازشناسی مدعیان دروغین مهدویت؛

۲. آمادگی مردم برای ظهور حضرت حجت (عج)؛

۳. پرفروغتر شدن نور امید در دل مؤمنان و شیعیان؛

۴. هشدار به منحرفان جهت جبران گذشته و مهیا شدن جهت ظهور؛

۵. اثبات علم و صداقت ائمه علیه السلام در پیشگویی از آینده.

نشانه های ظهور

آنچه از روایات استفاده می شود این است که نشانه های ظهور حضرت بر دو قسم است: نشانه های حتمی و غیرحتمی.

نشانه های حتمی: منظور از این نشانه ها آن است که تحقق و پدیدار شدن آنها بدون هیچ قید و شرطی، قطعی و الزامی خواهد بود به گونه ای که تا آنها واقع نگردد، حضرت مهدی علیه السلام ظهور نخواهد کرد و اگر کسی پیش از واقع شدن این نشانه ها ادعای ظهور نماید، ادعای نادرستی کرده است.

چند نمونه از این علائم به شرح ذیل می باشد:

۱. قیام سفیانی

امام صادق علیه السلام می فرماید: «خروج سفیانی از علایم حتمی است و قیام او در ماه رجب خواهد بود.»<sup>(۱)</sup>

ص: ۱۰۵

---

۱- (۱) غیبت نعمانی، ص ۴۱۶ ترجمه محمد جواد غفاری، نشر، صدوق. خبرنا احمد بن محمد بن سعید ابن عقده قال: حدثنی محمد بن افضل بن ابراهیم بن رمانه من کتابه فی رجب سنه خمس وستین و مأتین قال: حدثنا الحسن بن علی بن فضال قال: حدثنا ثعلبه بن میمون ابواسحاق عن عیسی بن اعین عن ابی عبدالله علیه السلام انه قال السفیانی من المعتوم وخروجه فی رجب... دربارہ وثاقت احمد بن محمد، معجم رجال الحدیث، ج ۲، ص ۲۹۶؛ دربارہ وثاقت محمد بن فضل، معجم رجال الحدیث، ج ۷، ص ۲۶۸؛ دربارہ وثاقت، حسن بن علی، معجم رجال الحدیث، ج ۵، ص ۴۴؛ دربارہ وثاقت ثعلبه بن میمون، معجم رجال الحدیث، ج ۴، ص ۴۰۸؛ دربارہ وثاقت عیسی بن اعین، معجم رجال الحدیث، ج ۱۳، ص ۱۷۹.

یکی از علائم حتمی که پیشوایان معصوم ما بر آن بسیار تاکید کرده و به طور صریح بیان فرموده اند خروج سفیانی است این شخص، که طبق پاره ای از روایات مردی اموی و از نسل یزید بن معاویه بن ابی سفیان است و از پلیدترین مردم است با خاندان نبوت و امامت و شیعیان دشمنی ویژه ای دارد و در شهرهای عراق به ویژه در نجف و کوفه، جنایات بزرگی مرتکب می شود... سفیانی بعد از مدتی از عراق به شام و دمشق فرار می کند؛ امام سپاهی را به تعقیب او می فرستد و سرانجام او را در «بیت المقدس» هلاک کرده و سرش را جدا می کنند(۱).

## ۲. خسف بیداء

از جمله علائم حتمی، فرو رفتن لشگر سفیانی در «بیداء» است. بعد از قتل و غارت در مدینه، سپاهی از طرف سفیانی به سوی مکه می رود و در بین راه مکه و مدینه به فرمان خدای متعال به زمین فرو می روند.(۲)

امام باقر علیه السلام در حدیث معتبری می فرمایند:

به فرمانده لشگر سفیانی گزارش می رسد که مهدی (عج) به سوی مکه حرکت کرده است. او سپاهی را به دنبال آن حضرت روانه می کند. آنها به وی دست نمی یابند و مهدی (عج) داخل مکه می شود... فرمانده سپاه سفیانی با سپاهش در «بیداء» فرود می آیند. در این هنگام، ندا دهنده ای از آسمان ندا می دهد: «ای زمینِ «بیداء» اینان را نابود کن!» پس زمین آنها را در خود فرو می برد... (۳) و همچنین از امام صادق علیه السلام حکایت شده: «از علایم حتمی که پیش از قیام اتفاق خواهد افتاد قیام سفیانی و فرورفتن در زمین «بیداء» است.»(۴)

ص: ۱۰۶

---

۱- (۱) سیمای آفتاب، حجت الاسلام دکتر طاهری، انتشارات زائر، ص ۲۷۷.

۲- (۲) همان، ص ۲۷۸.

۳- (۳) غیبت نعمانی، ص ۳۹۲، باب ۱۴، ح ۶۷. درباره وثاقت این حدیث احمد بن محمد، معجم رجال الحدیث، ج ۲، ص ۲۹۶، احمد بن حسین، معجم رجال الحدیث، ج ۲، ص ۹۷، حسن بن محبوب معجم رجال الحدیث، ج ۱۳، ص ۷۲، عمرو بن ابی القوام، جابر بن یزید جعفی، ج ۴، ص ۱۷.

۴- (۴) غیبت نعمانی، ص ۳۷۲.

براساس روایات متعدد، پس از ظهور امام در مکه بانگی بسیار مهیب و رسا از آسمان شنیده می شود که امام را با اسم و نسب به همگان معرفی می کند و به مردم توصیه می کند که با امام بیعت کنند تا هدایت یابند و با او مخالفت نکنند که گمراه می شوند.

در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده که می فرمایند:

«عن عمر بن حنظله قال سمعتُ ابا عبد الله عليه السلام يقول: «قبل قيام القائم خمس علامات محتومات اليماني والسفياي والصحيحه وقتل النفس الزكيه والخسف البيداء»؛ «قبل از قيام قائم پنج علامت حتمی است: یمانی، سفیانی، صحیحیه و ندای آسمانی و قتل نفس زکیه و خسف بیداء»<sup>(۱)</sup>

#### ۴. قتل نفس زکیه

انسان جوان و پاکی بین رکن و مقام توسط اهل مکه کشته می شود.

#### ۵. خروج یمانی

قیام سرداری از سرزمین یمن یکی از علائم حتمی است که اندکی پیش از ظهور رخ خواهد داد وی که مردی صالح و مؤمن است علیه بدی ها و انحرافات قیام می کند و با تمام توان با بدی ها و تباهی ها مبارزه می کند.

از امام باقر علیه السلام در این باره حکایت شده:

در میان بیرق هایی [که قبل از قیام مهدی (عج) بلند می شود] پرچمی هدایت کننده تر از پرچم یمانی وجود ندارد که آن پرچم هدایت است<sup>(۲)</sup>.

نشانه های غیرحتمی: اموری هستند که در صورت فراهم بودن شرایط به عنوان نشانه پدید می آید. بعضی از این نشانه ها را برمی شماریم.

ص: ۱۰۷

---

۱- (۱) کافی، ج ۸، ص ۲۱۰؛ کمال الدین، صدوق، ص ۶۵۰، ج ۲، عربی؛ غیبت نعمانی، ص ۲۵۲، باب ۱۴، ح ۹؛ غیبت طوسی، ص ۲۶۷ ناشر مکتبه بصیرتی قم، چاپ غدیر، مضمون روایت.

۲- (۲) غیبت نعمانی، ج ۱۳، ص ۲۶۴ ناشر مدین؛ نگین آفرینش، ص ۱۵۷؛ تاریخ غیبت کبری، سید محمد، صدر، ص ۶۵۳ ترجمه افتخارزاده.

به روایتی از امام صادق علیه السلام که به گوشه ای از مفاسد آخرالزمان اشاره فرموده توجه کنید:

حکایت شده که امام صادق علیه السلام به یکی از یاران خود فرمود:

هر گاه دیدی که:

۱. حق بمیرد و طرفدارانش نابود شوند؛

۲. ظلم و ستم فراگیر شده؛

۳. کارهای بد آشکار شده و از آن نهی نمی شود و بدکاران بازخواست نمی شوند؛

۴. بچه ها به بزرگترها احترام نمی گذارند؛

۵. نوجوانان پسر، همان کنند که زنان می کنند؛

۶. انسان ها اموال خود را در غیر اطاعت خدا مصرف می کنند؛

۷. کسی که امر به معروف می کند خوار و ذلیل است؛

۸. نماز را سبک شمارند؛

۹. هرج و مرج زیاد است؛

۱۰. در مکه و مدینه کارهایی می کنند که خدا دوست ندارد؛

۱۱. سال به سال بدعت ها و بدی ها بیشتر شود؛

۱۲. زن ها بر مسند حکومت بنشینند و هیچ کاری جز خواسته ی آنها برای آنها پیش نرود؛

۱۳. هدف مردم شکم و شهوتشان است؛

۱۴. و دیدی که نشانه های حق ویران شده است، در این وقت خود را حفظ کن و از خدا بخواه که از خطرات گناه نجات

بدهد! (۱) و نیز در روایتی دیگر برخی نشانه های غیرحتمی را اینگونه برشمرده اند:

۱. خراب شدن دیوار مسجد کوفه؛



۲. جاری شدن نهري از شط فرات در كوچه هاي كوفه؛

۳. قحطی شدید قبل از ظهور؛

۴. وقوع زلزله و طاعون در كثیری از بلاد؛

۵. حرکت پرچم های سیاه از خراسان؛

۶. خراب شدن بصره؛

۷. كسوف خورشید در سیزدهم یا چهاردهم ماه رمضان؛

۸. فرا گرفتن ظلمت و كفر و معاصی در تمام عالم (۱).

یادآوری

این نشانه ها بدان معنا نیست که ما به گناه و ستم کمک کنیم تا نشانه های ظهور تحقق یابد (چنانچه برخی كوته فکran می پندارند) بلکه ما باید با تلاش فردی (خودسازی) و تلاش اجتماعی (كوشش در راه اصلاح جامعه و توسعه عدل و...) زمینه ساز ظهور حضرت گردیم و انشاءالله از یاران امام زمان (عج) قرار گیریم.

ص: ۱۰۹

---

۱- (۱) بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۵... و کتاب نشانه های شگفت آور آخرالزمان.

### چگونه خود را برای ظهور آماده کنیم؟ و وظایف منتظران ظهور چیست؟

پاسخ:

این سوال بسیار مهم و در واقع سؤال همه شیعیان و محبین اهل بیت می باشد. به نظر می رسد اگر ما وظیفه خود را در زمان و دوران انتظار بدانیم و بدان وظایف عمل کنیم در واقع خود را برای زمان ظهور آماده کرده ایم. «آمادگی برای ظهور مستلزم انتظاری خوب و شایسته است.»

اینک در این نوشتار به صورت کلی و مختصر برخی وظایف منتظران حضرت را بیان می کنیم و برای مطالعه بیشتر - به کتاب هایی که به طور مفصل به این موضوع پرداخته اند که بعضی از آنها را در این نوشته نام می بریم - مراجعه فرمایید.

۱. شناخت:

یکی از ویژگی های منتظر، شناخت و معرفت به امام زمان است نه فقط یادگیری نام ها و القاب و تاریخ ولادت و غیبت؛ بلکه معرفت داشتن به ویژگی ها و ابعاد وجودی حضرت و اندیشیدن در کلمات و اوامر حضرت و تأمل در حکمت نام ها و نشانه ها و علائم ظهور و شگفتی ولادت و حیات او، همچنین دانستن سبب و حکمت غیبت پر رمز و راز حضرت که به یقین وقتی انسان معرفت به این موارد پیدا کرد و اهداف و آرمان های او را فهمید خود را برای عملی کردن اهداف امام زمان آماده می سازد و خشنودی او را به خشنودی خودش ترجیح می دهد و سعی می کند سرباز خوبی برای آن حضرت باشد.

ص: ۱۱۰

از رسول اکرم صلی الله علیه و آله حکایت شده: «من مات وهو لا یعرف امامه مات میتة جاهلیة»<sup>(۱)</sup>؛ «کسی که بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است.»

## راه های شناخت امام زمان

از جمله راه های شناخت امام زمان عبارتند از: ۱. تلاش برای آگاهی بیشتر از حضرت یا از طریق شنیدن از بزرگان و یا مطالعه کتاب هایی که در این زمینه نوشته شده است، مانند کتاب مکیال المکارم که مرحوم آیت الله سید محمدتقی موسوی اصفهانی تألیف کرده اند و طبق گفته نویسنده به فرمان خود امام زمان (عج) نوشته شده است این کتاب یکدوره امام شناسی که ترجمه فارسی هم شده است.<sup>(۲)</sup>

۲. راه دوم بوسیله ارتباط روحی و معنوی با دعا و توسل است: همانطور که در زیارت جامعه می فرماید: «خدایا از تو می خواهم که مرا از آشنایان به امامان و به حق و حقوق آنان قرار دهی!»<sup>(۳)</sup>

راه اول: راه معرفت علمی است ولی راه دوم: راه شناخت قلبی و روحی است.

## ۲. اطاعت

اگر چه امام زمان غایب است ولی اراده و فرمانش در میان همه ی خلائق جاری است. دستوراتش را باید شناخت و فرمان هایش را باید اطاعت کرد.

از امام صادق علیه السلام حکایت شده که می فرماید:

خوشا به حال شیعیان مهدی قائم علیه السلام آنان که در دوران غیبت او چشم انتظار ظهور اویند و در دوران ظهورش سرسپردگان اوامر او.<sup>(۴)</sup>

ص: ۱۱۱

---

۱- (۱) محاسن برقی، ج ۱، ص ۲۵۱ و بحارالانوار مرحوم مجلسی، ج ۲۳، ص ۷۶ و با تعبیر «من مات ولم یعرف امام زمانه فقد مات میتة جاهلیة» الصوارم المهرقه، شهید نورالله التستری، ص ۲۶۳ این روایت را از، صعمین نقل می کند.

۲- (۲) مترجم: سید مهدی، حائری قزوینی، ناشر مهر قائم ا، صفهان می باشد.

۳- (۳) «اسألک ان تجعلنی فی جملة العارفين بهم وبحقهم» ومفاتیح الجنان فرازی از زیارت جامعه کبیره.

۴- (۴) طوبی الشیعه... بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۰.



حال سوال این است چگونه او امر و دستورات امام زمان (عج) را در زمان غیبت ایشان بدانیم و به آنها عمل کنیم؟

در جواب این سوال باید گفت که اگر چه در خصوص امام زمان ارتباط محسوس بین امام و مردم وجود ندارد ولی در هیچ یک از دو غیبت صغری و کبری امام زمان، پیوند امام با مردم به طور کلی قطع و گسسته نشده است زیرا در هر دو غیبت، امر سفارت و نیابت وجود داشته و دارد و از طریق نایبان، پیوند امام با مردم برقرار بوده و هست. در زمان غیبت صغری نیابت نایبان خاص بوده و در زمان غیبت کبری نیابت نایبان حضرت عام می باشد که با توجه به شرایط و ضوابطی که مطرح می کنند اطاعت فقهاء جامع شرایط لازم و در ردیف اطاعت از امام زمان می باشد. و مخالفت با فقیه جامع شرایط که نایب امام است، مخالفت با امام و مخالفت با امام، مخالفت با خداوند می باشد.

توقیع حضرت ولی عصر علیه السلام:

سوالاتی که برای مردم حاصل شده بود و برای خودش نیز «اسحاق بن یعقوب» مشکل بود در ذیل نامه ای به وسیله نایب دوم، یعنی محمد بن عثمان عمری به محضر حضرت مهدی علیه السلام فرستاد و پاسخ آنها را طلبید از جمله ی آن مسائل این بود که مردم در عصر غیبت در حوادث واقعه به چه کسی مراجعه کنند؟ حضرت پاسخ فرمودند:

«... واما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها إلى روات حدیثنا فانهم حجتی علیکم وانا حجه الله»؛ «اما آنچه سوال کرده ای خدا تو را هدایت کند و ثابت قدم نماید... اما حوادثی که پیش می آید به راویان حدیث ما مراجعه کنید زیرا آنها حجت و نمایندگان من هستند بر شما و من حجت خدا بر شما...»<sup>(۱)</sup>

ص: ۱۱۲

---

۱- (۱) شیخ صدوق، کمال الدین، ص ۴۸۴. جهت مطالعه بیشتر به کتاب سیمای آفتاب سیری در زندگانی حضرت مهدی علیه السلام به قلم حجت الاسلام دکتر طاهری درس یازدهم (غیبت کبری و نواب عام، حضرت مهدی علیه السلام) مراجعه شود.

از این حدیث استفاده می شود که اطاعت از ائمه ی قبل، عین اطاعت از امام زمان است چون فقها با توجه به قرآن کریم و قول ائمه احکام شرعی را بیان می کنند.

۳. انتظار

انسان منتظر، انسانی کوشا است، انسانی جهادگر و مبارز است که در مسیر اقامه توحید و استقرار ولایت از نثار هر چه دارد دریغ نمی ورزد.

چنانچه از حضرت علی علیه السلام حکایت شده:

«کسی که چشم انتظار حاکمیت ما باشد، مانند مجاهدی است که در راه خدا به خون خویش غلطیده باشد.»<sup>(۱)</sup> و جامعه منتظر جامعه ای پویا است، جامعه ای متحرک و فعال است که حاکمیت طاغوت را نمی پذیرد و بی عدالتی را بر نمی تابد. منتظر ظهور امام زمان بودن حرکت بسوی ظهور داشتن و به آرمان های موعود عمل نمودن است.

انسان منتظر نفس اماره را کنترل و شیطان را از خود دور می کند و خود را جهت استقبال از آقا امام زمان علیه السلام مهیا می کند. جهت استقبال از او لوح دل را از آلودگی ها و گناهان می شوید و خانه دل را به یاد خدا و با صفات حمیده و پسندیده انسانی زینت می دهد و الا امام زمان علیه السلام که به هر جایی پا نمی گذارند. نمی توان یک گوشه دل را از محبت دنیا پر کرد گوشه دیگر گناهان و... بعد به آقا بگوییم بیا بیا که سوختم، زهجر روی ماه تو؟ چگونه سوخته است انسانی که خود را برای ظهور آماده نکرده است.

آینه شو، جمال پری طلعتان طلب جاروب زن به خانه سپس میهمان طلب

ص: ۱۱۳

---

۱- (۱) امیرالمومنین علیه السلام: «المنتظر لامرنا کالمتش، حط بدمه فی سبیل الله»، کمال الدین، صدوق، ص ۶۴۵.

از امام صادق علیه السلام نقل شده که می فرمایند: «اگر دوران او را درک می کردم همه ی روزهای زندگیم را در خدمت به او می گذراندم.»<sup>(۱)</sup>

وقتی پیامبران و امامان در خدمت به امام زمان پیشتاز هستند وقتی امام صادق علیه السلام آرزوی خدمت به ایشان را دارد و حضرت عیسی علیه السلام از آسمان فرود می آید تا او را یاری کند وظیفه ی شیعیان منتظر در خدمت به ساحت مقدس او چقدر است؟

بی تردید خادمین دوران ظهور، همان خادمین دوران غیبت اند.

آنها که پس از ظهور شایستگی خدمت می یابند، همان هایی هستند که در دوران غیبت، بر خدمت به امام و امت امام همت گماشته اند، و اهداف امام را سرلوحه ی زندگی خود قرار داده اند.

اول: تحصیل شناخت صفت و آداب و ویژگی های آن جناب علیه السلام

دوم: رعایت ادب نسبت به یاد او

سوم: از وظایف بندگان نسبت به آن حضرت علیه السلام محبت او به طور خاص

چهارم: محبوب نمودن او در میان مردم

پنجم: انتظار فرج و ظهور آن حضرت علیه السلام

ششم: اظهار اشتیاق به دیدار آن بزرگوار علیه السلام

هفتم: ذکر مناقب و فضایل آن حضرت علیه السلام

هشتم: اندوهگین بودن مؤمن از فراق آن حضرت علیه السلام

نهم: حضور در مجالس فضایل و مناقب آن حضرت علیه السلام

دهم: تشکیل مجالس ذکر مناقب و فضایل آن حضرت علیه السلام

یازدهم و دوازدهم: سرودن و خواندن شعر در فضایل و مناقب آن حضرت علیه السلام

۱- (۱) «لو ادركته لخدمته ايام حياتي»، بحار، ج ۵۱، ص ۱۴۸.

سیزدهم: قیام، هنگام یاد شدن نام یا القاب آن حضرت علیه السلام

چهاردهم و پانزدهم و شانزدهم: گریستن و گریانیدن و خود را به گریه کنندگان شبیه نمودن بر فراق آن حضرت علیه السلام

هفدهم: درخواست معرفت امام عصر علیه السلام از خداوند - عزوجل -

هجدهم: تداوم درخواست معرفت آن حضرت علیه السلام

نوزدهم: مداومت به خواندن دعای غریق

بیستم: دعا در زمان غیبت آن حضرت علیه السلام

بیست و یکم: شناختن علامت های ظهور آن حضرت علیه السلام

بیست و دوم: تسلیم بودن و عجله نکردن

بیست و سوم: صدقه دادن به نیابت از آن حضرت علیه السلام

بیست و چهارم: صدقه دادن به قصد سلامتی آن حضرت علیه السلام

بیست و پنجم و بیست و ششم: حج رفتن به نیابت از آن حضرت علیه السلام و فرستادن نایب که از طرف آن جناب حج کند

بیست و هفتم و بیست و هشتم: طواف بیت الله الحرام به نیابت از امام علیه السلام و نایب ساختن دیگری تا از طرف آن

حضرت طواف نماید

بیست و نهم: زیارت مشاهد رسول خدا و ائمه معصومین علیه السلام به نیابت از مولایمان صاحب الزمان (عج)

سی ام: استحباب اعزام نایب برای زیارت از سوی آن حضرت علیه السلام

سی و یکم: سعی در خدمت کردن به آن حضرت علیه السلام

سی و دوم: اهتمام ورزیدن به یاری آن جناب علیه السلام

سی و سوم: تصمیم قلبی بر یاری کردن آن جناب در زمان حضور و ظهور او

سی و چهارم: تجدید بیعت با آن حضرت علیه السلام بعد از فرائض همه روزه و هر جمعه

سی و پنجم: صلۀ آن حضرت علیه السلام به وسیله مال



سی و ششم: صلۀ شیعیان و دوستان صالح امامان علیه السلام به وسیلۀ مال

سی و هفتم: خوشحال کردن مؤمنین

سی و هشتم: خیرخواهی برای آن حضرت علیه السلام

سی و نهم: زیارت کردن آن حضرت علیه السلام

چهلّم: دیدار مؤمنین صالح و سلام کردن بر آنان

چهل و یکم: درود فرستادن بر آن حضرت علیه السلام

چهل و دوم: هدیه کردن ثواب نماز به آن جناب علیه السلام

چهل و سوم: نماز هدیه به آن حضرت علیه السلام به گونهٔ مخصوص در وقت معین

چهل و چهارم: اهداء قرائت قرآن به آن حضرت علیه السلام

چهل و پنجم: توسل و طلب شفاعت از خداوند به وسیلۀ آن حضرت علیه السلام

چهل و ششم: دادخواهی و توجه نمودن و عرض حاجت بر آن حضرت علیه السلام

چهل و هفتم: دعوت کردن مردم به آن حضرت علیه السلام

چهل و هشتم: رعایت حقوق آن حضرت و مواظبت بر ادای آن ها و رعایت وظایف نسبت به آن بزرگوار علیه السلام

چهل و نهم: خشوع دل هنگام یاد آن حضرت علیه السلام

پنجاهم: عالم باید عملش را آشکار سازد

پنجاه و یکم: تقیه کردن از اشرار و مخفی داشتن راز از اغیار

پنجاه و دوم: صبر کردن بر اذیت و تکذیب و سایر محنت ها

پنجاه و سوم: درخواست صبر از خدای تعالی

پنجاه و چهارم: سفارش یکدیگر به صبر در زمان غیبت حضرت قائم علیه السلام

پنجاه و پنجم: پرهیز از مجالسی که نام آن حضرت علیه السلام در آن ها مورد تمسخر باشد

پنجاه و ششم: تظاهر با ستمگران و اهل باطل

ص: ۱۱۶



پنجاه و هفتم: ناشناس ماندن و پرهیز از شهرت یافتن

پنجاه و هشتم: تهذیب نفس

پنجاه و نهم: اتفاق و اجتماع بر نصرت آن حضرت علیه السلام

شصتم: متفق شدن بر توبه واقعی و بازگرداندن حقوق به صاحبان آن ها

شصت و یکم و شصت و دوم: پیوسته به یاد آن حضرت بودن و به آدابش عمل کردن

شصت و سوم: دعا به درگاه الهی برای جلوگیری از نسیان یاد آن حضرت علیه السلام

شصت و چهارم: اینکه بدنت نسبت به آن جناب علیه السلام خاشع باشد

شصت و پنجم: مقدم داشتن خواسته آن حضرت علیه السلام برخواسته خود

شصت و ششم: احترام کردن نزدیکان و منسوبین به آن حضرت علیه السلام

شصت و هفتم: بزرگداشت اماکنی که به قدوم آن حضرت علیه السلام زینت یافته اند

شصت و هشتم و نهم: وقت ظهور را تعیین نکردن و تکذیب وقتگذاران

هفتادم: تکذیب کردن مدعیان نیابت خاصه از آن حضرت علیه السلام در زمان غیبت کبری

هفتاد و یکم: درخواست دیدار آن حضرت با عافیت و ایمان

هفتاد و دوم: اقتدار و تأسی جستن به اخلاق و اعمال آن حضرت علیه السلام

هفتاد و سوم: حفظ زبان از غیر یاد خداوند و مانند آن

هفتاد و چهارم: نماز آن حضرت علیه السلام

هفتاد و پنجم: گریستن در مصیبت مولایمان شهید مظلوم حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام

هفتاد و ششم: زیارت قبر مولایمان امام حسین علیه السلام

هفتاد و هفتم: بسیار لعنت کردن بر بنی امیه در آشکار و پنهان

هفتاد و هشتم: اهتمام در ادای حقوق برادران دینی

هفتاد و نهم: مهیا کردن سلاح و اسب در انتظار ظهور آن جناب علیه السلام

ص: ۱۱۷







## دیدگاه قرآن در مورد جهانی شدن چیست؟ و جهانی سازی مطلوب کدام است؟

پاسخ:

درآمد

از جمله مهم ترین رخدادهایی که در دو سه قرن اخیر، در جوامع بشری رخ نموده، و بسیاری از ارزش های انسانی را تحت الشعاع جهان و علم مادی قرار داده و در سایه عقلانیت ابزاری، به نفی، یا کم اهمیت جلوه دادن نقش فراطبیعت، سنت ها و باورها پرداخته، دو پدیده مهم نوگرایی (۱) و پسانوگرایی (۲) است. در آغوش جریان نوگرایی، که خاستگاه و محل تکامل آن در غرب بوده و دامنه تأثیرات آن همه جوامع جهانی را فرا گرفته، نوزاد غول اندام دیگری بنام جهانی شدن یا جهانی سازی پرورش یافت و به جریانی سهمگین تبدیل گردید که گستره نفوذ خود را در سراسر جهان و در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی گستراند.

این جریان، بیش از یک دهه است که به طور پر رنگ و ملموس تری مطرح گردیده اما در عین حال توصیف کاملی از آن صورت نبسته است؛ آنچه مسلم است، این پدیده در بستر جهانی رشد و نمو کرده است که علم به معنای اثبات گرایانه و پوزیتیویستی آن وجه غالبی یافته، و به عنوان غایت بدان نگریسته می شود.

اصطلاح جهانی شدن (یا جهانی سازی) از جمله ابهام آمیزترین واژه ها و مفاهیم چند بعدی است که قابل تسری به حوزه های مختلف بوده و برای

ص: ۱۲۱

---

۱- (۱) .Modernity

۲- (۲) .Post modernity

برخی هراس انگیز و زیان آور جلوه می نماید و برای برخی دیگر تصورات جادویی از ایجاد سرزمینی موعود به بار می آورد. به هر صورت توجه به این نکته لازم است که یک واقعیت گریز ناپذیری وجود دارد و آن این که جهان با سرعتی تمام در حال تغییر و تحول است و گویی که هیچ پاره ای از جهان را اجتناب از آن واقعیت و پیامدهای آن میسر نیست. جوامع مسلمانان هم با نوع فرهنگ و دین و باورهای ویژه، خواه ناخواه در دامنه مواجهه با این جریان عظیم قرار گرفته و گریز و گزیری از آن ندارند؛ بنابراین مهم آن است که واکنش های آنان نسبت به این جریان باید چگونه باشد و چطور می توانند از قابلیت های آن استفاده کرده و الگویی مطلوب ارائه دهند.

بدین جهت مسئله اصلی اینگونه جوامع نه دراصل پیوستن به جهانی شدن، بلکه در چگونگی این پیوستگی می باشد. با فرض مزبور، پرسش محوری این نوشتار، با استناد به آیات قرآن کریم، چگونگی سازگاری یا عدم سازگاری آن با مبانی دین اسلام و همچنین چرایی و چگونگی ناپایداری آن و ماندگاری اندیشه جهانی اسلام می باشد و در حول آن تلاش برای پاسخ به چند پرسش فرعی دیگر نیز صورت خواهد بست:

- این مفهوم آیا یک پدیده و اقتضاء است یا پروژه ای است که از جانب قدرت های استیلاجو ساخته و پرداخته شده است؟

- چه نوع جهانی شدن یا جهانی سازی ایجاد کننده نظم است و کدامیک برهم زننده آن؟ و اساساً راز ماندگاری اندیشه جهانی به نظر قرآن چیست؟

- و نهایتاً اینکه چرا به رغم این که مکتب حیات بخش اسلام مشحون از آموزه های سعادت بخش است کمتر توفیق بروز در سطح کلان به عنوان یک تئوری سرآمد و برتر را در جهان یافته است. همه این سوالات و جز اینها هزاران دیگر، نشانگر این است که این یک فرایند پیچیده ای است که هر روز به ادبیات آن افزوده می شود و تاکنون نیز حجم ادبیات بسیار زیادی را به خود اختصاص داده است.

تعاریف گوناگون و اختلاف در تبیین معانی جهانی شدن و جهانی سازی نشانگر عدم توافق کلی میان محققان علوم اجتماعی و سیاسی است و در واقع این اصطلاح ساخته ای نظری است که خود دارای معانی گوناگونی بوده که برداشت های سلبی و ایجابی از آن باعث پدید آمدن جبهه های مختلفی شده است که هر یک به تعریف خاصی اشاره نموده اند (۱) و نمی توان به یک تعریف خاص اشاره کرد بلکه می توان جامع ترین تعاریف را جامع تعاریف دانست که هر کدام کاستی های دیگری را به نوعی پوشش می دهد. اما با در نظر داشتن اکثر برداشت های سلبی و ایجابی می توان گفت:

«جهانی شدن زنجیره ای از دگرگونی ها در عرصه های گوناگون فرهنگ، سیاست، اقتصاد و زمینه های دیگر است که در کشورهای جهان روابط متقابل و متنوعی بین واحدهای مستقل ملی برقرار می کند و البته سلطه قدرت های بزرگ در نفوذ حوزه های مختلف و گسترش آن که گویای طرحی پیچیده برای استعمار جدید جهان است، بی تأثیر نبوده و چنین گمان می رود که در ادامه به نظام واحد جهانی بیانجامد.»

جهانی شدن یا جهانی سازی؟

برای روشن شدن این دو مفهوم تبیین این مسئله حائز اهمیت است که جریانی که اکنون چنین چالاکانه و پر شتاب در حال ایجاد تغییرات اساسی در جامعه شده، آیا یک روند و اقتضاء اجتماعی و طبیعی است یا آنکه جریانی است که با ایدئولوژی های خاص خود، دست ساخته سیاست ها و قدرت های نیرومند است؟ به تعبیر دیگر آیا یک پدیده است یا پروژه؟

ص: ۱۲۳

---

۱- (۱) برای مراجعه به تعاریف مختلف ر. ک: کومسا، همان، ص ۱۸۳؛ پل سوئیزی و دیگران، جهانی شدن با کدام هدف ترجمه ناصر زرافشان، نشر آگاه، تهران، ۱۳۸۱، ص ۸۴؛ رابرتسون، رونالد، جهانی شدن، تئوری های اجتماعی و فرهنگی جهانی، ترجمه کمال پولادی، تهران، نشر ثالث، ۱۳۸۰، ص ۲۹۶؛ لکوم واترز، جهانی شدن، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی، سیاوش مریدی، ناشر سازمان مدیریت، صنعتی، تهران، ۱۳۷۹، ص ۶۰؛ محمد، حسین رفیعی، آن سوی جهانی سازی، نشر، صمدیه، ۱۳۸۱، ص ۱۱.



آنچه متصور است، دو نوع نگرش کلی در اینجا وجود دارد: عده ای آن را فرایندی طبیعی دانسته و معتقدند اقتضای دنیای کنونی، به همراه داشتن چنین تغییرات اساسی است و مخالفت با آن به مثابه ایستادن در برابر سیلاب سهمگینی است که نتیجه ای جز انزوا یا نابودی نخواهد داشت و دسته ای دیگر با نگرش منفی بدان می نگرند و آن را محصول سیاست های پشت پرده قدرت ها می دانند.

البته دو طرز تفکر دیگر در کنار این دو نظر کلی وجود دارد: برخی می گویند: این درست است که جهانی شدن توسط نقشه های قدرت های بزرگ اقتصادی و سیاسی سامان یافته است اما با گستردگی آن در سطح جهان از حالت پروژه خارج شده و به یک روند طبیعی - اجتماعی تبدیل شده است. یعنی اگرچه ریشه استعمارگرانه می تواند داشته باشد اما اکنون کمتر می توان سیطره ای واحد بر فرایندهای آن را مشاهده کرد؛ عده ای دیگر برعکس دسته قبل می گویند: جهانی شدن در ابتدا فرایندی طبیعی بوده که سپس (بخصوص در دهه های اخیر قرن بیستم) بصورت پروژه درآمده است.

اصولاً «جهانی شدن» به عنوان یک روند یا فرایند تلقی می شود که بسیاری از متفکرین غربی چنین وانمود می کنند که مرحله ای از تاریخ است که جهان را گزیر و گریزی از آن نیست که به دنبال تغییراتی که در جهان اطلاعات حاصل شده است، همه کشورها ناچارند در جهت و جریان آن حرکت نمایند و تبعات آن را بپذیرند. در یک روند، کمتر اراده و اختیارات گروهی مشاهده می شود و حوادث غالباً خارج از اختیار آن ها خود بخود رخ می دهد بدون آن که برنامه ریزی خاصی بر آن شده باشد. جهانی شدن عموماً فرایندی اجتماعی و دارای آهنگ و حرکتی خاص است که در آن قید و بندهای جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکننده است

از بین رفته و مردم بطور فزاینده از کاهش این قید و بندها آگاه می شوند(۱) و گفته می شود نباید با موج آن به مخالفت برخاست(۲) آنان که جهانی شدن را به عنوان یک روند می دانند، نگرش آنان به این پدیده مثبت بوده و در پی اثبات آن اند که این اقتضایی است که خواهد توانست امکانات بسیاری را در اختیار کشورهای جهان سوم قرار دهد. در این طرز تفکر، جهانی شدن مبانی فلسفی دارد و عمدتاً از تفکر لیبرال، بطور طبیعی ناشی می شود(۳).

اما زمانی که سخن از «جهانی سازی» می رود، منظور تلاش گسترده ای است که از جانب قدرتمندان برای واگذاری حاکمیت جهان بدست نیروهای خاص صورت می گیرد. جهانی سازی پروژه ای است که با فراهم سازی و بهره مندی از امکاناتی به سیطره ای گسترده بر جهان دست یافته می شود تا با کنترل بر عرصه های مختلف از گستردگی قلمرو ادیان نیز کاسته شود و این همان تعبیر جدید از پدیده های امپریالیسم و استعمار سلطه جهانی است. عمق جهانی سازی قدرت است. قدرت هر مونیک و استیلا طلب غرب می گوید، کشورهای پیرامونی حق هر کاری را ندارند کارهای اصلی و محوری را ما انجام می دهیم و تولید هر کشور باید منوط به نظر ما باشد. به عنوان مثال آنان هرگز حق ندارند صاحب تکنولوژی برتر باشند و هر کشوری در حد لیاقت و شایستگی اقتصادی خود حق تولید دارد و آمریکا در رأس قدرت غرب، جهان را طبقاتی و خود را در صدر آن می بیند و مسلم است با ایجاد جهانی طبقاتی یا مرکز پیرامونی، اگر کشورهای در رأس و مرکزی سرفه کنند کشورهای پیرامونی تب خواهند کرد و با تب آنان، کشورهای پیرامون خواهند مرد. لذا جهانی سازی به عنوان یک پروژه عیناً اجرای تئوری غرب خصوصاً در رأس آن آمریکا است(۴).

ص: ۱۲۵

---

۱- (۱) ماسکوم واترز، همان، ص ۴۹.

۲- (۲) ر. ک: کیانی، داود، مقدمه ای بر جهانی شدن، مجله اندیشه، صادق، شماره ۵، ص ۲۹.

۳- (۳) لاریجانی، بازتاب اندیشه در مطبوعات روز ایران، مرکز پژوهش های اسلامی، صدا و سیما، قم، ۱۳۸۱، ص ۳۸.

۴- (۴) همان.

در بحث از جهانی شدن دو نکته را باید از یکدیگر تفکیک نمود: یکی جهانی شدن در قالب مفهومی آن است و دیگری جهانی شدن در قالب یک فرایند یا پروژه. مفهوم و فرایند دو امر متفاوت می باشند. اگر به عنوان یک مفهوم مورد نظر باشد دارای سابقه کوتاهی است که از چند دهه تجاوز نمی کند مفاهیمی همچون « Globalism »، « Globality »، « Globalization »، « » سابقه چندان طولانی ندارند و از یکی دو دهه قبل در بخش واژگان و مفاهیم جدید گنجانده شده اند. اما اگر به عنوان یک فرایند در نظر گرفته شود سابقه زیادی را سهم خود خواهد نمود که معمولاً تنها در علوم اجتماعی به سال های ۱۶۰۰ میلادی به بعد نسبت داده می شود و هر چه زمان به جلوتر آمده این سهم بیشتر شده است و حتی برخی بر این باورند که در دهه های آتی این فرایند، موضوع بیشتر فعالیت های علمی و عملی انسان معاصر خواهد شد (۱).

اساساً در مورد خاستگاه این مفهوم سه نقطه نظر کلی وجود دارد:

الف. جهانی شدن پدیده ای نوظهور نیست که به واسطه ارتباط آن با تحولات تکنولوژی در سیری بی وقفه قرار گرفته باشد بلکه فرایندی است که از ابتداء تاریخ تاکنون وجود داشته و سابقه ای چند هزار ساله دارد. اگر از زاویه مثبت به مسئله بنگریم، ادیان الهی که داعیه فرامرزی و نجات انسان ها دارند را می توان در زمره جهانی اندیشان قلمداد کرد. اصولاً ایدئولوژی ها چه الهی باشند یا بشری به نوعی، اندیشه جهانی را در خود دارند.

ب. جهانی شدن فرایندی است که همزمان و همگام با توسعه نظام سرمایه داری و گسترش نوسازی به وجود آمده است و اغلب واژه ای جایگزین برای گفتمان های کهنه تر امپریالیسم و نوگرایی است (۲).

ص: ۱۲۶

- 
- ۱- (۱) آردی، مک کین، آر. لیتل، امنیت جهانی، رویکردها و نظریه ها، ترجمه اصغر افتخاری، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۰.
  - ۲- (۲) ر. کک: جان تامپسون، رسانه ها و مدرنیته، ترجمه مسعود اوحدی، تهران، نشر سروش، ۱۳۸۰، ص ۲۰۴؛ نیز ر. کک: داگلاس کلنر، نظریه انتقادی جهانی شدن، ترجمه، حسین شریفی رهنائی، مجله سیاسی اقتصادی اطلاعات، شماره ۱۸۰، ۱۷۹، ص ۱۴۸.

ج. فرایندی است که دیگر فرایندهای موسوم به پسامدرنیسم و پسا صنعتی شدن را درهم آمیخته است.

به هر حال گرچه این مفهوم دارای سابقه ای دیرینه است و برخی صاحب نظران آن را دارای تباری طولانی می دانند و آبشخور آن را در آموزه های بسیار پیشینی می یابند اما رواج آن بیشتر مربوط به دهه های ۶۰ به بعد قرن بیستم است که نظریه «دهکده جهانی» مک لوهان (۱) تنها تظاهرات جدید آن است (۲) و البته گسترش و توسعه این اصطلاح به عنوان مفهومی جامعه شناختی و آکادمیک مدیون رولاند رابرتسون از دانشگاه پیتسبورگ است.

جهانی شدن پدیده ای ایدئولوژیک

آنچه ما را در این راستا محتاط می نماید بررسی آن است که آیا جهانی شدن پدیده ای ایدئولوژیک است یا نه؟ یافتن پاسخ به این سوال برای ما در جایی راهگشاست که به نتایج حاصل از ایدئولوژیک بودن یا عدم آن واقف باشیم. اگر منظور از ایدئولوژی، نظام فکری خاصی است که مولود جهان بینی است و در پی ترسیم بایستی ها و شایستگی هاست (۳) آنگاه استنباط بدینگونه است که پدیده ای که ایدئولوژیک باشد تحت تاثیر اراده و اعتبار انسان بوده و در مراحل مختلف، در تأثیر الزام های ایدئولوژیک خواهد بود که باورها در شکل گیری آن ها تأثیر دارند.

جهانی سازی نیز پدیده ای است ایدئولوژیک، چون تحولی خود به خودی نیست و پای عوامل انسانی در میان است که در دهه های متمادی با اعمال سیاست گذاری های خاص شکل یافته و باورهای خاصی - از جمله

ص: ۱۲۷

۱- (۱) . Mc luhan.

۲- (۲) کاظمی، علی اصغر، جهانی شدن فرهنگ و سیاست، نشر قومس، تهران ۱۳۸۰، چاپ اول.

۳- (۳) ر. ک: شهید مطهری، جهان بینی اسلامی، نشر، صدر، ص ۵۲، ۴۰؛ نیز، پارسانیا، حمید، دین و ایدئولوژی، کتاب نقد، ۲ و ۳، ص ۹۰.

استیلاء فرهنگ غرب به عنوان فرهنگ برتر (۱) - در شکل گیری آن نقش مؤثر داشته است بنابراین فرض غیرایدئولوژیک خواندن آن - برای اثبات این که آن را جریانی خودبخودی بدانیم پس لزومی به بدبینی نسبت به آن نیست - ادعایی بی اساس است. لاقبل در خوش بینانه ترین صورت باید پذیرفت که در شکل اولیه و کودکی اش با چهره تکنولوژیکی پدید آمده و در مراحل بلوغ و جوانی صبغه ایدئولوژیکی به خود گرفته که اهداف خاصی را دنبال می کند.

اگر بحث از جهانی اندیشی و جهانی سازی اسلام در ادبیات قرآنی را هم بخواهیم مطرح نمائیم مسلماً بعد ایدئولوژیکی آن و اینکه معیارها و قواعد و اهداف آن چیست، نیز مطرح نظر خواهد بود.

#### اهداف جهانی شدن

آنچه ذهن هر پژوهنده منصفی را به خود مشغول می سازد این است که سهم ارزش ها و اصول انسانی که در زندگی بشر کم سهمی هم نیست در کجای ادبیات جهانی شدن قرار دارد؟ در همه تئوری های ارائه شده برای جهانی شدن که اغلب خاستگاه و زادگاهی غربی دارند، نادیده گرفتن این ارزش ها و توجه به مفهوم سلطه طلبانه و استکباری به اشکال مختلف و تقسیم انسان ها و جوامع به شمال و جنوب و درجات یک و دو و سه، نقطه ای دردناک است در تمام شاخه ها، طرح ها و ره آوردهای جهانی شدن، سخن از عدالت، معنویت، ارزش، اعتماد و فضیلت که نیست هیچ، بلکه سیر و جریان حرکت در راستای مخالفت و معاندت با این اصول برای دستیابی به منافع و منابع بیشتر برای ساختن جهانی نیمی مسلح و نیمی گرسنه می باشد که برای بشریت بسیار ویرانگر است. بنابراین می توان تصور کرد که یکی از اهداف مهم جهانی سازی، مستحیل نمودن تمام نظام های ایدئولوژیک و

ص: ۱۲۸

تیین آن‌ها براساس برداشت‌های سکولاریستی و لیبرالیستی است. اما این هدف و سیاست همواره متکی بر یک نقطه محوری بوده و آن منفعت طلبی است که در این راستا قدرت نقش تعیین کننده‌ای را خواهد داشت. در واقع دمیدن روح سرمایه داری در کالبد جهان معاصر شدیداً مورد نظر قدرتمندان امروزی جهان است. لیبرالیسم در تمام ابعاد خود تبلیغ می‌شود تا مقاومت‌هایی که ریشه در مبانی دینی جوامع دارد از میان رخت بر بندد. به تعبیر ادوارد سعید، ما شاهد یک نوع امپریالیسم فرهنگی هستیم که در صدد است از طریق گسترش رسانه‌های جمعی، فرهنگ کشورهای عقب مانده و ضعیف را تحت سلطه خود قرار دهد<sup>(۱)</sup>. امروزه قدرتمندان دیگر کمتر در پی تسلط و حضور فیزیکی در سرزمینی خاص هستند یا حداقل این چنین تظاهر می‌شود، در عوض با اجراء طرح‌شن گن در اتحادیه اروپا، رهبری واحد در جهان مطرح می‌گردد، نه سرزمین یا آسمان واحد و این فاجعه‌ای است که میزان مشارکت جهان سوم را در حداقل بلکه در صفر نگه می‌دارد. بالاخره در مسیر جهانی شدن، این فرهنگ در حال سرآمد شدن است که «قدرت تعیین کننده حقوق است» و در این ادبیات خیر عمومی صرفاً ترفندی زیرکانه برای صاحبان قدرت خواهد بود<sup>(۲)</sup>.

از دیگر اهداف جهانی سازی که به صورت یک استراتژی جهانی شکل یافته، این است که هر چه بیشتر موجبات تجزیه و قطعه قطعه شدن نیروهایی را فراهم آورد که به طور بالقوه مخالف این نظام هستند. هر چه گسست و شکاف‌های میان جوامع به اصطلاح حاشیه‌ای عمیق‌تر باشد نیل به اهداف استعماری قدرت‌های بزرگ بیشتر خواهد بود<sup>(۳)</sup> که هسته مرکزی این اهداف

ص: ۱۲۹

---

۱- (۱) نقل از: رفیعی، محمد، حسین، پیشین، ص ۹۵.

۲- (۲) گلن تیندر، تفکر سیاسی، ترجمه محمود، صدری، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی تهران، ۱۳۷۴، ص ۱۲۲.

۳- (۳) سمیر امینی، جهانی شدن با کدام هدف؟، ترجمه ناصر زرافشان، تهران، انتشارات آگه، ۱۳۸۰، ص ۳۸، ۳۶.

به قول هانی پتر مارتین، آمریکایی شدن قرار دارد(۱). به طور خلاصه می توان اهداف جهانی شدن را در چند گزاره زیر خلاصه کرد:

- مستحیل شدن تمام نظام های ایدئولوژیک و گسترش نظامی عام و فراگیر؛

- اندیشیدن درباره جهان به عنوان منظومه ای کامل و بهم پیوسته؛(۲)

- از بین بردن قید و بندهای جغرافیایی و فرهنگی که نتیجه هیت زدایی را در پی دارد؛(۳)

- استیلاء یک گفتمان و سوق دادن جهان به سوی ارزش های یک فرهنگ مسلط؛

- مشوه و ملوث ساختن چهره واقعی ادیان و حیانی؛

- قطعه قطعه سازی نیروهای مخالف، جهت کاستن قدرت آنان.

با در نظر داشتن اهدافی که ذکر شد، می توان گفت جهانی شدن دارای دو چهره تکنولوژیکی و ایدئولوژیکی است که با یکدیگر دارای پیوندی ذاتی می باشند و متأسفانه امروزه بیش از آن که به مباحث ایدئولوژیک و سطح تئوریک آن پرداخته شود به مباحث راهبردی آن اعتنا می شود و همین غلبه یافتن صبغه راهبردی باعث شده است تا این جریان پیش از حلاجی نظری و رد و اثبات های تئوریک، موضوع کشاکش ایدئولوژیک طرف های ذی نفع و ذی نفوذ و عرصه جولان و زور آوری استراتژین های کار کشته گردد(۴). بدین جهت تکلیف همه دینداران خصوصاً مسلمانان در مواجهه با

ص: ۱۳۰

---

۱- (۱) هانی پتر مارتین و هارالد شومن، دام جهانی شدن، ترجمه، حمیدرضا شه میرزادی، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معا، صر، تهران، ۱۳۸۱، ص ۱۶.

۲- (۲) ر. ک: مجله سیاست خارجی، نقد روشن شناختی علم روابط بین الملل، حسین سلیمی، شماره ۳، ص ۶۹۰، ۶۶۹.

۳- (۳) پهلوان، چنگیز، جهانی شدن فرهنگ، مجله اندیشه جامعه، بهمن ۱۳۷۸، شماره ۹، ص ۱۰.

۴- (۴) شجاعی زند، علیرضا، دین و جهانیت، مقالات چهارمین کنگره دین پژوهان کشور، قم، ۱۳۸۲.

این پدیده اکثراً ایدئولوژیک اندکی دشوارتر بوده و هشیاری های بیشتری را در پاسخگویی و برون رفت از چالش ها و مشکلات پدید آمده آن با استناد به منابع وحیانی می طلبد.

و در این راستا تکلیف اندیشمندان اسلامی در مواجهه با این پدیده غالباً ایدئولوژیک با استمداد از قرآن کریم که جامع ترین و ارجمندترین متن قدسی است و حاوی آموزه های فراوانی است که قابلیت زیادی را برای جهانی شدن واقعی دارد، دو چندان است. همه آیات قرآن کریم به صراحت یا به ملازمه و ملاحظه هدف غایی ای که در بردارد، قابلیت زیادی را که اساس آن تکیه بر یک روح و نگرش توحیدی و اعتقاد به حقیقتی غایی است به طور زنده و پویا دارا می باشد که به تمام چالش ها و مشکلات و نابسامانیهای ایدئولوژیکی و فکری بشری پاسخ جامع و قانع کننده می دهد.

ظرفیت آیات قرآن کریم در جهانی شدن واقعی

قرآن کریم به رغم اصالت بنیادینی که دارد، همواره از تازگی و طراوت دائمی برخوردار است. این کتاب که کاملترین کتاب وحی و منشور جاوید عالم قدسی است با توجه به گزاره ها و معارف عام، گسترده و جامع خویش، این قابلیت را در حد کمال داراست که مفاهیم اساسی خود را به تمام فرهنگ ها و ایدئولوژی های دنیا منتقل سازد و ساز و کارهایی دقیق و اساسی را برای حیات بشری فراهم سازد؛ اگر چه سوگمندها تحلیل هایی که تاکنون از قرآن شده است کمتر توانسته است آن را آن چنان که واقعاً هست به عنوان نقطه مرکزی تمام گفتمان ها معرفی نماید که محل رجوع دیگر گفتمان ها باشد. اگر چه ما معتقد نیستیم که پدیده های معاصر چون جهانی شدن و الزامات آن در متون مقدسی مانند قرآن کریم آمده است اما ملتزم هستیم که قرآن مبادی فکری و نظریه قوی، پخته و جامعی دارد که اگر به



زبان روز استخراج و تبیین شود خواهد توانست چراغ فروزانی فرا راه انسان معاصر باشد چرا که کتابی است که در هر زمان جدید است (۱) و تا قیامت هرگز غبار کهنگی بر چهره آن نخواهد نشست (۲).

اما چنانچه قرآن پژوهان و فرهیختگان اسلامی بتوانند در ماهیت بین گفتمانی خود قرآن - و نتیجتاً اسلام راستین را - در سه عرصه اعتقادی (به عنوان دین)، شیوه کامل زندگی (به عنوان دنیا) و نظم سیاسی اجتماعی تمام عیار (به عنوان دولت و حاکمیت و...) طرح نمایند خواهند توانست همه عناصر را به وحدت فراخوانده و هویت آنها را معین سازند.

قرآن کریم به ملاک های فراوانی که قابلیت طرح آن در سطح جهانی را سهل می سازد انگشت می نهد و همه مردم جهان را به تبعیت از دینی که تضمین کننده صلاح و سداد دنیا و آخرت آنان است فرا می خواند، دینی که به معنی راه و روش کامل زندگی انسان معرفی شده (۳) و بنابراین انسان یک لحظه بدون راه و روش صحیح نمی تواند به زندگی واقعی و انسانی خود ادامه دهد. برخی از این ملاک ها عبارتند از انطباق با فطرت (۴)، سهولت و انعطاف پذیری (۵)، غیرزمان مند بودن، تعادل میان دستوراتی که داده، عقلانی بودن، توجه به خصوصیات انسان و... و نقطه مرکزی همه این ملاک ها نیز ژرفای توحید است و سرچشمه خصیصه جهانی بودن برای یک حکومت دینی نیز در این دریای بیکران نهفته است که پایگاه توحیدی این حکومت آن را ملزم به دارا بودن نگرشی جهانی نسبت به مخاطبان فکری و سیاسی خود می سازد به گونه ای که ویژگی های منطقه ای را فرو گذاشته و با همه

ص: ۱۳۲

---

۱- (۱) بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۱۵.

۲- (۲) همان، ص ۱۴.

۳- (۳) آل عمران / ۱۹، احقاف / ۱۲، یونس / ۵۷، فصلت / ۴۴ و...

۴- (۴) روم / ۳۰، بحارالانوار، ج ۳، باب ۱۱، ص ۲۷۶.

۵- (۵)، حج / ۷۸، نساء / ۲۸، بقره / ۱۸۵، نهج البلاغه، خطبه ۱۰۶.

داشته هایش متوجه خصیصه های مشترک و اصیل انسان چون عقل، فطرت، روح و ارزش های معنوی می شود (۱).

مسئلاً جامعه ای که این آرمان های توحیدی و قرآنی را وجه غایتگرانه خود بداند و دارای ملاک های مزبور باشد باید بتواند در جهانی که علم به معنای اثبات گرایانه اش وجه غالبی یافته، ارزش ها و اصول خود را به علم دمیده و با توجه به ویژگی های فرهنگی و تاریخی، مبانی معرفتی و فلسفی اش را در فضای بدست آمده تئوریزه نماید و در این فضا، جهان اسلام و عالمان اسلامی با استعانت از آیات وحدت بخش قرآنی و رهنمودهای جهانی آن قادر خواهند بود ارتباطات جهانی خود را با نهادهای اسلامی دیگر مناطق مستحکم تر ساخته و نهضتی عظیم فرهنگی به وجود آورند تا انسان عصر حاضر را به فطرت، عقلانیت و معنویت رهنمون سازند و سهم هدایتگرانه خود را افزایش دهند.

باید توجه داشت که شیوه طرح همه این آموزه های ژرف قرآنی در یک سطح فرا ملی و جهانی بسته به نوع عملکرد فرهیختگان و متفکرین مسلمان و قرآن شناسان است. در حقیقت می توان گفت جهانی شدن بدلیل صبغه غالباً ایدئولوژیکش، امری است که مؤمنان و موحدان خواهند توانست تکلیف آن را معین سازند.

آموزه های قرآن چالشی جدی برای جهانی شدن (به مفهوم رایج آن)

جهانی شدن به مفهوم رایج آن - که بدون نظام سرمایه داری قابل فهم نیست - محصول نظامی است که در آن خدا فراموش شده و با فراموش شدن خدا، در حقیقت انسانیت به مذبح برده شده است؛ بنابراین آموزه های قرآن

ص: ۱۳۳

---

۱- (۱) ر. ک: آل نجف عبدالکریم، دولت جهانی در پرتو اندیشه اسلامی، مجله، حکومت اسلامی، سال هشتم، شماره ۴، زمستان ۸۲، ص ۸۰، ۷۷.

و تعالیم بلند آن که همواره به دنبال احیاء انسانیت حقیقی انسان ها است می تواند بزرگترین چالش برای آن باشد، بدین جهت دنیای سرمایه داری، امروزه نهایت تلاش خود را متوجه انحراف انسان از اقبال به دین و خصوصاً توجه به معارف قرآنی کرده و در این راه از هیچ گونه کوششی در جهت تحریف، آلودن چهره زلال آیات و شبهه افکنی های بی اساس دریغ نخواهد کرد.

وضع کنونی جهان و شواهدی که حتی در مرکز سرمایه داری وجود دارد حاکی از این است که مردم به تدریج به دنبال دلالت های منطقی دین گرایی و اصل گرایی در عرصه های عمومی و مقابله و مواجهه با مدرنیسم، سکولاریسم و در نتیجه نظام سرمایه داری اند، که اشاعه عرفی زدایی، گرایش به خدا در ساحت خردورزی و معنویت در ساحت روابط اجتماعی تماماً حاکی از واقعیت فوق است و به نظر می رسد جهان فعلی بیش از آن که با ملزومات نظری و فلسفی جهانی شدن مصطلح و خرد خود بنیاد آن همساز باشند؛ جهانی شدن واقعی سازگار و متناظر است (۱) و شادمانه باید امیدوار بود که تعالیم قرآن کریم حاوی همه معارف و جنبه هایی است که نیروی این جهانی شدن واقعی را در خود دارد و این برای جهان سرمایه داری بسیار مشقت بار است.

شادمانه تر این که در حال حاضر خود فرهنگ غربی به وسیله جهانی شدن نسبی شده است (۲) و این شاید فرصت بهتری را برای نفوذ در سطوح فرهنگی - ارتباطی آنان برای دینداری که در پی وارد کردن مفاهیم اصولی و حیاتی اتخاذ شده از تعالیم قرآنی، در قلمرو زیست و زندگی فرهنگی

ص: ۱۳۴

- 
- ۱- (۱) ر. ک: افروغ، عماد، اسلام و جهانی شدن، نشر کانون اندیشه جوان، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۴، ص ۴۴، ۴۳.
  - ۲- (۲) ر. ک: کیت نش، جامعه شناسی سیاسی معاصر، جهانی شدن، سیاست و قدرت، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران نشر کویر، ۱۳۸۰، ص ۹۷.

جهان هستند، فراهم سازد. مکتب اسلام با توجه به گزاره ها و معارف عام گسترده و جامعی که از قرآن کریم در دست دارد، این قابلیت را در حد کمال داراست که مفاهیم اساسی خود را به تمام فرهنگ های دنیا منتقل سازد؛ اما باید هشیار بود که دقیقاً با همان رویکرد و در همان مسیری که اکنون جهانی شدن در حرکت است نمی توان قواعد خود را حفظ کرد چون به محض این که قبول کردیم که جزئی از این پدیده باشیم قواعد آن را نیز پذیرفته و وارد بازی شده ایم. بنابراین گشودن جبهه جهانی دیگری فرا روی محرومان جهان در این مسیر راهگشای، خواهد بود. مانند همان چیزی که در انقلاب اسلامی با روایتی تازه از تغییرات و تحولات در جهان رخ داد که با پشتوانه ها و آموزه های قرآنی همچون استخلاف (۱)، ولایت (۲)، عدالت خواهی، امر به معروف و نهی از منکر و... افق های تازه ای را بر روی بسیاری از ملت ها گشود که همه این ها برای دنیای جهانی شده غربی امروز، نقطه ای دردناک است.

### قرآن و جهانی شدن

جهانی گرایی ای که در آیات متعدد قرآن از آن یاد می شود - بر خلاف جهانی شدن مصطلح که مبتنی بر خرد خود بنیاد است - شالوده اصلی اش اعتقاد به حقیقتی غایی و وجود ضروری و یک نگرش توحیدی و نگاه به عالم به مثابه یک کل منسجم و مخاطب قرار دادن انسان قطع نظر از مرزهای جغرافیایی و فرهنگی و قائل شدن به وجود ذات و غایتی برای انسان و کل عالم است. بنابراین اگر جهانی شدن واقعی همان باشد که در آیات برشمرده شده است قرآن کریم سرشار از آیاتی است که مؤید این امر است (۳).

ص: ۱۳۵

---

۱- (۱) نور / ۵۵.

۲- (۲) مائده / ۵۱، آل عمران / ۱۸۱.

۳- (۳) نظیر: انبیاء / ۱۰۷؛ آل عمران / ۳۳ و...

بی شک وحی نامه ای که به ادعای خود کتاب هدایت نظری و عملی انسان‌ها (۱) و تبیان بر همه اشیاء است (۲)، باید همواره طراوت و تازگی خود را در تمام شرایط زندگی انسان پایدار نگه دارد تا بتواند همانند خورشید و ماه فروزان همیشه نورافشانی کند (۳). این پیام جاویدان در جای جای قرآن و روایات معصومین علیه السلام با واژه‌ها و تعابیر مختلف بیان شده است.

در اولین سوره قرآنی که با حمد و ثنای خداوند «رب العالمین» آغاز شده، حاکی از نگاهی یکپارچه به دنیا و آخرت به مثابه یک مجموعه منضبط و منسجم است و چون لازمه ربوبیت عدم گسست بین عرصه‌های مختلف است. اعتقاد به رب العالمین نه صرفاً در حد یک اعتقاد نظری و دینی باقی می‌ماند بلکه آثار فردی، اجتماعی، تربیتی و مدیریتی در عرصه‌های مختلف زندگی را دارد.

همچنین اکثر واژه‌هایی که در آیات قرآن «مردم» (الناس) را با هر پیشینه‌ای و فارغ از تعلقات جغرافیایی، نژادی و دینی به طور مطلق مورد خطاب قرار داده است حاکی از ایده‌ای جهانی در آیات الهی است که نمونه این دست آیات در قرآن کریم زیاد به چشم می‌خورد (۴).

جهانی شدن که قرآن بر آن اصرار دارد بر ابعاد مختلف زندگی بشر عنایت دارد و به همه انسان‌ها خدمت رسانده و آنان را ترقی می‌دهد و برای هیچ کس تهدیدی را در بر ندارد. این جهانی شدن بر خلاف جهانی شدن مصطلح که مبتنی بر عقلانیت ابزاری است، هم بر عواطف اعتنا دارد و هم متکی بر عقلانیت است لذا جهانی شدن واقعی، سرنوشت انسانی است که به آسمان پیوند خورده است. در جهان بینی قرآن چون میزان و معیار در اشیاء

ص: ۱۳۶

---

۱- (۱) بقره / ۱، انعام / ۷۰ و ۸۷ طه / ۱۲۲ و...

۲- (۲) نحل / ۸۸.

۳- (۳) میزان الحکمه، ج ۸، ص ۶۵؛ نهج البلاغه، خ ۱۹۸.

۴- (۴) نظیر: بقره / ۲۱، فرقان / ۱، فاطر / ۳، انشقاق / ۶، انعام / ۱۹، سبأ / ۲۸ و...

توحید دانسته می شود، لذا خصیصه های منطقه ای، قومیت، جغرافیا و قبیله دارای نقش بنیادی نیستند که بتوانند شخصیت واقعی انسانی را در چنبره تسلیم خود نگه دارند؛ اگر چه قرآن به این عوامل نیز توجه و اهتمام دارد اما اینها تا زمانی ارزشمندند که در مسیر تقوی، ایمان و در یک کلمه «توحید» باشند<sup>(۱)</sup> و این معیاری جهانی است که قرآن ارائه داده و راه رسیدن به آن را برای هر کس باز نهاده است.

### جهانی گرایی قرآن مبتنی بر اخلاق، معنویت و فطرت

اصولاً برای جهانی شدن امری، لزوماً انطباق با اصول انسانی و فطری بشری باید از محوری ترین ساز و کارهای معمول باشد. به عنوان مثال تکیه داشتن بر پایه های استوار عدالت و پابندی به تمام اصول اخلاقی و ارزش های انسانی از جمله مواردی است که ریشه در سرشت و نهاد آدمی دارد و انسانیت انسان در گرو قبول چنین فطریاتی است<sup>(۲)</sup> که قرآن نیز بطور مؤکد، انسان را به سوی آن فطرت ارجاع می دهد<sup>(۳)</sup> و در دنیای جهانی شده کنونی چندان توجهی بدان نمی شود. قوانین به اصطلاح متمدن امروزی اهتمامی جز تعلیق افعال بر اراده اکثریت ندارد در حالی که قرآن روش اجتماعی و قوانین جاری بر آن را براساس اخلاق مبتنی نموده و ضمانت اجرایی قوانین را به عهده تربیت اخلاقی قرار داده است.

قرآن ارائه دهنده یک دین و ایدئولوژی جامع الأطرافی است که در هر عصری برای زندگی بشریت لازم و ضروری است که بر خواسته های مشروع آن پاسخ مثبت می دهد و در سایه نظام عادلانه ای که ارائه می دهد بشریت می تواند در امنیت کامل بسر برد.

ص: ۱۳۷

---

۱- (۱)، حجرات / ۱۲.

۲- (۲) مطهری، مرتضی، فطرت، صدرا، چاپ ششم، تهران، ۱۳۷۳، ص ۳۷.

۳- (۳) روم / ۳۰.

خصوصیات عالمگیر آیات و تعالیم قرآنی به خاطر توجه به جنبه های معادی و معاشی بشریت، در همه زمان ها و مکان ها قابل اجراست و چون آن نوع جهانی سازی واقعی که قرآن ارائه می دهد یک جهانی سازی توحیدی، عقیدتی و معنوی است که جهان را به مثابه امت واحد اسلامی (۱) در نظر می گیرد، لزوماً در ایدئولوژی خود به فراسوی مرزها و قومیت ها و زبان ها ... توجه دارد؛ این جهان اندیشی بر مدار عقلانیت، عدل، حقیقت و معنویت و آنچه منطبق با فطرت پاک آدمی است می چرخد لذا قابلیت فراوانی را در این راستا داراست. از این رو جهان اندیشی قرآن بر خلاف جهانی شدن مصطلح به طور واضح، طی یک فراخوان کلی در سراسر مبانی خود زمینه را مساعد می سازد تا همه دنیا با تشخیص و اراده خود و بدون هیچگونه اجبار و اکراهی به مجموعه بپیوندند (۲).

### نتیجه گیری

در بحث پیرامون جهانی شدن که از پرچالش ترین مباحث امروزی است، اصلی ترین سوالی که به ذهن می رسد این است که جهانی شدن واقعی چیست؟ و ویژگی های اصلی آن کدام است؟ و اساساً ملاک هایی که یک ایدئولوژی را در سطوح مختلف (از سطوح مشاهده ای و رفتاری گرفته تا لایه های زیرین نظری و معرفتی) جهان شمول می سازد؟

گفته شد، زمانی از جهانی شدن واقعی می توان سخن به میان آورد که برای انسان ذات و جوهری و حقوق و غایتی قائل باشیم و تنها در صورتی می توان اینگونه اندیشید که برای انسان خالق را تصور کنیم (۳)؛ در واقع بدون

ص: ۱۳۸

---

۱- (۱) بقره / ۲۱۳.

۲- (۲) بقره / ۲۵۵.

۳- (۳) افروغ، عماد، پیشین، ص ۱۲.

یک انسان شناسی و جهان شناسی واقعی بنیان های معرفت شناسی نیز سست خواهد بود و بنابراین در بحث عام گرایی و جهانی شدن نیز ممکن است ملاک هایی که هسته مرکزی این تفکر را تشکیل می دهد مغفول ماند؛ همچنان که در جهانی شدن مصطلح و از نوع غربی آن محور اصلی براساس اومانیسم و انسان مداری است که جایی برای خدا و ارزش های واقعی انسان در نظر گرفته نمی شود. حتی دین و خدا در دیدگاه اومانیست ها تعبیری این دنیایی می گیرد که وهن دین و حلقه ارتباط انسان و شیطان را در پی دارد، اما در جهان گرایی که قرآن بر آن اعتنا دارد، تدین اولین مرحله انسانیت است. در تفکر اومانیستی حتی علم با هویت و شیوه سکولاری هدف غایی است و سیطره بر جهان خارج نیز از این رهگذر میسر است. در این اندیشه، دین گرایی مرحله آخر انسانیت و افول آن است در حالی که در فرهنگ و تفکر قرآن، نازل ترین مرتبه معرفت دانش مفهومی حسی است و قله آن علم الهی است که نظام تکوین زیرنشین آن است (۱).

فقدان ملاک های واقعی و بنیادین همچون تفکر دینی و توحیدی، انطباق با فطرت، عدالت عقلانیت و... در جهانی شدن رایج، راه را برای پیوستن به آن ناهموار می سازد. لکن اگر با توجه به شرایط فراهم آمده امروزی، فرض را بر ضرورت پیوستن به این پروژه یا پدیده غول آسا بگذاریم، با قابلیت ها و پتانسیل فراوانی که مسلمانان از آموزه های ناب قرآنی بهره گرفته اند، نباید این پیوستن از نوع غربی باشد بلکه با حرکتی فعالانه و نفوذ در دایره فرهنگی، سیاسی، اجتماعی جهان، می بایست آن را به سمت و سوی اصلاح گرایانه و توحیدی سوق دهند.

جهانی سازی مهدوی

با بیان ملاک هایی که در تعالیم روحبخش اسلام در جهت یکپارچگی

ص: ۱۳۹

---

۱- (۱) ر. ک: پارسانیا، حمید، علم و فلسفه، تهران، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ دوم، ۱۳۷۹، ص ۱۵۱، ۱۴۹.



جهان و نگرش عام و واحد در تحت یک جهان شناسی دینی - و حیانی بر شمردیم، قرابت فزونتری با جامعه ای جهانی در لوای حکومتی کل اندیش که ردای عدالت خواهی را بر دوش افکنده (۱) و خیراندیشانه در پی اصلاح درون ساخت ها و نیز سازه ها و مظاهر بیرونی جوامع است احساس خواهد شد. پیشوایان و وارثان این حکومت، مستضعفان صالحی هستند که خداوند بر آنها منت نهاده و حکومتشان را بر زمین پا برجا می سازد (۲)، آنان که بندگان صالح پروردگارند با وعده خداوند بر استخلافشان در زمین، دین و آئین کامل و پسندیده ای را پا برجا و ریشه دار خواهند ساخت (۳) که براساس آن زمین را به زینت عدل آراسته و به تاریخ سراسر ظلم و جور جهان پایان داده و همه رفتارها در یک نظام اجتماعی بر پایه مساوات، برادری و برابری انطباق خواهد یافت. در آن روزگار تمام خیرات بر مردم چهره می نماید، اختلاف ها از میان رخت بر خواهد بست (۴) و یک دین به همه حاکم می گردد (۵).

اما سوالی که پیرامون جهانی گرایی مهدوی مطرح است این است که نواندیشی دینی، حکومت مصلح و استقرار حکومت و هدایت جوامع به سوی صلاح و رستگاری براساس کدام الگوست؟ و چه تفاوت هایی با جهانی شدن در تمدن غربی دارد؟

نظر به خاتمیت دین مبین اسلام و لزوم جامعیتی که احکام و آموزه های آن داراست، در این شریعت به اصل امارت، حکومت و سیاست توجهی کامل شده، لکن از طرفی نیز همواره بر فضائل اخلاقی و صداقت در استواری آن تاکید می شود، در این آئین، حکومت هر چه بیشتر سر بر شانه

ص: ۱۴۰

---

۱- (۱) کمال الدین، ج ۱، ص ۲۶۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۴.

۲- (۲) قصص / ۵؛ انبیاء / ۱۰۵.

۳- (۳) نور / ۵۵.

۴- (۴) غیبت نعمانی / ۲۰۶ (الخیر کلّه فی ذالک الزمان یقوم قائمنا و یدفع ذالک کله)

۵- (۵) بحار الانوار ۴/۵۳ (فوالله یا مفضل لیرفع علی الملل والادیان الاختلاف ویكون الدین کله واحد)

معنویت، صداقت و فضائل اخلاقی داشته باشد استوارتر و فراگیرتر خواهد بود و براساس روایات معصومین علیه السلام، معنویت، با مهدویت سیمای غبار گرفته خود را آراسته تر خواهد ساخت. در انقلاب مصلح جهانی که به تمام معنی کانون معنویت است و بر خلاف نظام جهانی کنونی که هویت تابعی از میزان بی نظمی یا نظام یافتگی این جهانی است، هویت ها در مسیری صحیح هدایت می شود و مردم در حقیقت بدنبال هویتی ناب خواهند بود. در این حکومت استقرار خلافت بر طبق الگوی نبوت ظهور می یابد تا آنچه در کلام امیرالمومنین علیه السلام (۱) و آیات متعدد قرآن آمده (۲) به وقوع بپیوندد.

در این سیاست و برنامه حاکمیت واحد که همگی بر مبنای تعالیم والای قرآن است، همه آرمان های اصیل که آرزوی همه پیامبران و اولیاء و مصلحان واقعی بوده، تحقق می یابد و تمام تضادها، منفعت طلبی ها و خودخواهی هایی که به سبب آن ها قرن ها آتش فتنه و ستیز در میان ملل بر افروخته و سبب استعمار و استثمار بسیاری از ملت ها و نیز طغیان گری و ستم پیشگی عده ای دیگر شده است از جوامع رخت خواهد بست. با از میان رفتن سلطه سلطه طلبان، طبقه بندی های کنونی نفی خواهد شد و همه برنامه ریزی ها و سرمایه ها و مدیریت ها حد الامکان بطور عادلانه و برابر در تمام نواحی و مناطق زمین تقسیم می گردد. عقب ماندگی های فرهنگی و فقر معنوی توده های انسانی ریشه کن می شود و با هدایت و تربیت منجی، روابط صمیمی و انسان دوستانه که حقوق بشر به معنای واقعی در آن لحاظ می شود در میان نوع بشر برقرار خواهد شد.

چون هدف از خلقت انسان رشد و تکامل معرفت و شناخت اوست لزوماً باید روزی این هدف تحقیق یابد و روزگار دانش های راستین و پیروزی

ص: ۱۴۱

---

۱- (۱) وتظهر الاصلاح فی بلادك. نهج البلاغه، خ ۱۳۱.

۲- (۲) لیظهره علی الدین كله، توبه / ۳۳؛ فت، ح / ۳۸؛ صف / ۹.

خرد بر مجهولات فرا رسد، از این رو در دوران ظهور که روزگار تحقق همه آرمان های انسانی و الهی است، شناخت انسان به تکامل نهایی می رسد(۱) و در ابعاد گوناگون دانایی از جهان شناسی، انسان شناسی و خداشناسی عروج لازم را می یابد و آموزگار بزرگ اسرار و رموز، درس آموزان مدرس بشریت را به سرچشمه جوشان علوم حقیقی خواهد رساند(۲). در رستاخیز ظهور آن امام رحمت و عشق و عبودیت، بندها و دام ها از سر راه برداشته می شود و زر، زور و تزویر که عوامل سلطه بر فکر و فرهنگ و اقتصاد و سیاست جهان و کشورها است به وادی نابودی سپرده می شود و با هدایت آن امام، انسان، انسانیت کامل خویش را باز می یابد.

برعکس آن ذهنیت نادرستی که برخی برای عصر ظهور ترسیم نموده اند، در عصر ظهور ویژگی هایی را که یک دین جهانی باید دارا باشد - از قبیل آمیختگی آن با رحمت و عطف، سهل الوصول بودن، ثابت و استوار بودن، مقبولیت داشتن عمومی - همه در پرتو آن ظهور تجلی خواهد یافت. در آن حکومت که دولت عشق و فرزاندگی به تمام معنا است، وصول به احکام اسلام واقعی و یافتن مبانی مستحکم آن در عین آسان بودن، از ارکانی ثابت برخوردار است که هرگز به سستی نمی گراید و تا آنجا پیش می رود که کسی بر آن چیرگی نیابد و امانی برای آویختگان به آن و آرامی برای وارد شدگان بر شریعه آن خواهد بود(۳).

مقایسه مختصات جهانی سازی مهدوی با جهانی شدن

۱. مهم ترین وجوه ناسازگاری این است که تمدن غربی بر انسان محوری (اومانیزم) استوار است و اندیشه اسلامی و مهدویت بر خدا محوری؛(۴)

ص: ۱۴۲

۱- (۱) بحار ۳۳۶/۵۲.

۲- (۲) ، حکیمی، محمد، عصر زندگی، قم، بوستان کتاب چاپ پنجم، ۱۳۸۱، ص ۱۸۸، ۱۷۷.

۳- (۳) نهج البلاغه، خ ۱۰۶.

۴- (۴) ر. ک: بهروز لک، غلامرضا، سیاست و مهدویت، انتشارات، حکمت رویش، قم، چاپ اول، ۱۳۸۴، ص ۱۴۰، ۱۳۹.

۲. تمدن غربی بر تفکیک حوزه های دین و سیاست (سکولاریسم) پا می فشرد ولی در اندیشه مهدوی دین و سیاست در هم تنیده اند؛(۱)

۳. دغدغه تمدن امروزی غرب و با گمان ایده آرمانی جهانی شدن، آزادی بی بند و بار انسان است ولی دغدغه اساسی دین و جهان اندیشی قرآن و مهدویت آزادی معقول و فضیلت و سعادت انسان است؛

۴. جهانی شدن و جهانی سازی بر علوم و فنون افسار گسیخته استوار است و مهدویت و اندیشه اسلامی بر علم هدفمند، عقل غایت مدار و وحی.

۵. سیطره، استثمار و استعمار در جهانی شدن و تمدن غرب نکته کانونی گفتمان ها است ولی مهدویت اسلامی بر عدل و رهایی همه انسان ها و نزدیک کردن مردم به فطرت اصلی استوار است.

۶. جهانی شدن مصطلح بر مبنای تسامح اخلاقی بازسازی شده و چندان پروای عقاید مذهبی و دینی و عبادت - که فلسفه آفرینش است (۲) - ندارد و در خدمت نظام ارزشی لذت پرستی و توأم با افول زدایی از فرهنگ ها، قداست زدایی، همانندسازی و استیلاء یک فرهنگ خاص بدون توجه به تمایزها و تفاوت های فرهنگی تاریخی و اجتماعی است اما در جهان گرایی مهدوی حقوق همه ملل و مذاهب و گروه ها به نحو عادلانه مورد مطالبه قرار می گیرد.

۷. در فرهنگ و تمدن جهانی شده غرب چون تیغ عدالت به خاطر حرفه ای شدن آن گُند شده و می توان با چند تکنیک قانونی و لایبی و مسائل پشت پرده، حقی را باطل یا باطلی را حق جلوه داد، در زمان حضور و ظهور امام عصر (عج) به خاطر نوع نگاه داوری آن حضرت و تسلط و سیطره او بر قضایا، عدالت به تمام معنای واقعی خود اجرا خواهد شد.

ص: ۱۴۳

---

۱- (۱) همان.

۲- (۲) ذاریات / ۵۶.

مسئلاً زمینه مساعد برای حکومتی در گستره گیتی، نه به توسط اعجاز صورت می پذیرد بلکه فراهم آوری بسترهای مناسب برای چنین حکومتی وابسته به کنش صحیح پیروان امام منجی است که به تعبیر شهید مطهری در «انتظاری بزرگ» خلاصه می شود<sup>(۱)</sup>، انتظاری که سازنده، نگهدارنده و تحرک آفرین است.

انتظار، جوهر اصلی حرکت و عمل انسان ها را محقق می سازد که در همه ادوار زندگی آنان جریان دارد. بهترین شیوه های پیوند، همسویی و همدلی با منتظر، در حالت انتظار نهفته است که امام در تمام مراحل زندگی منتظرین حضور یافته و آنان آرمان های او را همواره در نظر خواهند داشت.

مهمترین عنصری که در انتظار نقش اساسی دارد عنصر صبر است که بدون آن انتظار بی معنا است. در حقیقت جوهره بنیادی و روح اصلی انتظار صبر است. صبر نه به معنای سکوت و انفعال و عدم تحرک بلکه بدان معنا که با تحمل ناملایمت ها و تلاش در جهت مساعد ساختن هرگونه زمینه لازم برای به سر رسیدن انتظار و تحقق دولت جهانی امام منجی، فراهم شود.

منتظر راستین با پر توان سازی استعدادهای درونی - دینی خود، علاوه بر آن که خویش، قدم در جهت تدارک این زمینه ها بر می دارد، از نفوذ کثر اندیشه هایی که ممکن است افرادی را دچار یأس ساخته و شکیبایی را از ایشان بستاند جلوگیری کند و ایمان به حتمیت وعده های الهی و پیروزی دین خدا و عزت مومنان و هزیمت دشمنان و تحقق جامعه عدالت بنیاد مهدوی (عج) را در دل آنان زنده نگهدارد<sup>(۲)</sup>.

ص: ۱۴۴

---

۱- (۱) مطهری، مرتضی، قیام و انقلاب مهدی (عج)، نشر، صدرا، ص ۷.

۲- (۲)، حکیمی، محمد، پیشین، ص ۳۰۵.

اساساً انتظار دارای محتوایی تعهدآور، اصلاح گر و حرکت آفرین است که در تفکر شیعه ارجمندترین نوع عبادت و بندگی خداست (۱) و ارزیابی شخصیت منتظر، نمایانگر جامعه ای پر تحرک و تلاشگر است که برای تشکیل حکومت جهانی عدالت و ایمان همواره در تلاش و تکاپوست و ارزش ها و آرمان ها را از حوزه ذهن به کرانه عمل کشانده و اصلاح خود، دیگران و جامعه اش را در تارک برنامه های اسامی اش آویخته است (۲) و بدون اینگونه انتظار فعالانه و پویا، تفکر داشتن حکومتی جهانی که بر میزان عدل و قسط و معنویت و اخلاق در جراین باشد، سودایی است گران.

به امید طلعت مهر فروزان حقیقت و عدالت در سپهر وجود.

ص: ۱۴۵

---

۱- (۱) افضل اعمال امتی انتظار الفرج منتخب الاثر، ص ۴۹۶.

۲- (۲) قال السجاد علیه السلام: ... اولئك المخلصون حقاً وشيعتنا، صدقاً والدعاه الى الله سرّاً وصبراً، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲.

## تشکیل حکومت جهانی توسط حضرت مهدی چه آثاری دارد؟

پاسخ:

ظهور و تشکیل حکومت توسط حضرت مهدی علیه السلام دارای امتیازات و ویژگی های ممتازی است که باید عصر ظهور را عصر طلایی دوران بشریت به حساب آورد. چرا که در زمان ظهور حضرت و به برکت حکومتی که آن سرور تشکیل می دهد ایده آل و مترقی ترین نوع زندگی بشری بر روی کره خاکی محقق خواهد شد و می توان آن دوران را بهشت روی زمین نامید. دورانی که از زمان حضرت آدم تاکنون نه تنها انبیاء و اولیاء الهی بلکه تمام مستضعفان و مظلومان و ستمدیدگان انتظار تحقق چنین دورانی را کشیده اند و آرزوی زندگی در سایه حکومت عدل گستر آن امام عزیز را داشته اند چنان چه قرآن مجید وعده آن را به مؤمنین داده است و فرموده: (وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ) ۱.

دیدگاه قرآن و اهل بیت راجع به آینده بشر دیدگاهی مثبت و خوش بینانه است که بشر در چهارچوب قوانین و حکومت عدل الهی به عبودیت خدا در سطوح گوناگون فردی و اجتماعی خواهد پرداخت و فلسفه تاریخ براساس سیر صعودی و رسیدن جهان به کمال و آینده ای امیدوار کننده و روشن استوار گشته است و از تعبیر روایات پیرامون دولت حضرت مهدی مثل دولت جهانی و دولت عدالت و دولت کریمه و دولت صالحان و دولت حق و دولت مستضعفان و دولت امنیت به خوبی این امید و خوش بینی به آینده را تقویت می کند.

حضرت مهدی علیه السلام از سلاله پاک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و تحقق بخش سیره آن حضرت در تمام صحنه گیتی می باشد. پیامبر می فرماید: مردی از اهل بیت من قیام کند و به سنت و روش من عمل کند و خداوند برای وی روزی فرستد و زمین آن چه دارد بیرون می ریزد و او زمین را پر از عدل و داد می کند چنان چه پر از ظلم و ستم شده باشد (۱) امید و آرزوی ما آن است که زنده باشیم و آن دولت کریمه و تحقق سیره پیامبر را نظاره گر باشیم.

در این مجال به صورت گذرا به بعضی از مهم ترین آثار و برکات حکومت جهانی آن حضرت اشاره می کنیم.

#### ۱. تحقق عدالت به صورت کامل

یکی از بالاترین آرزوهای بشر از آغاز تاکنون تحقق عدالت و رسیدن به حق به صاحب آن است اما متأسفانه این آرزوی به حق انسان روی زمین به واسطه سلطه و بیدادگری ظالمان هنوز به صورت کامل تحقق پیدا نکرده است و خداوند وعده تحقق آن را در حکومت جهانی سرتاسر عدالت حضرت بقیه الله الاعظم (عج) قرار داده است و شاید هیچ ویژگی به اندازه تحقق عدالت و قسط در خصوصیات و آثار حکومت آن حضرت درخشش نداشته باشد تا جایی که هر گاه نام مبارک حضرت برده می شود انسان تا خود آگاه به یاد حکومت جهانی عدل گستر او می افتد و از آن حضرت به عنوان مظهر و تجلی کامل عدالت یاد می شود.

از امام صادق علیه السلام حکایت شده که می فرمایند: «والله لیدخلن علیهم عدله جوف بیوتهم کما یدخل الحر والبرد»؛ «به خدا قسم هر آینه داخل می شود بر ایشان عدل آن حضرت در باطن خانه هایشان چنان چه سرما و گرما داخل می شود» (۲) و در روایتی دیگر از امام باقر علیه السلام حکایت شده که می فرمایند: «یملا الارض عدلاً وقسطاً ونوراً کما ملئت ظلماً وجوراً وشرّاً»؛ «پر می کند زمین را از عدل و داد و نور همان طوری که پر شده بود از ظلم و جور و

ص: ۱۴۷

۱- (۱) بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۲.

۲- (۲) غیبت نعمانی، ص ۲۹۷، بحار، ج ۵۲، ص ۳۶۲.



شر»(۱) و در سایه این عدالت هیچ انسانی در قید بندگی و بردگی باقی نمی ماند و حقوق به یغما رفته انسان ها به آن ها باز می گردد(۲) و بندهای پیدا و ناپیدای بندگی از سر و گردن انسان ها باز می گردد و زمینه استثمار انسان از انسان به کلی برچیده می شود و کارگزاران ظلم و بیداد مورد بازخواست قرار می گیرند و قاضیان و حاکمان بدرفتار از مسئولیت خود عزل می شوند و زمین از هر نوع خیانت و نادرستی پاک می گردد(۳) و مردم آرزو می کنند ای کاش مردگانشان در بین زندگان بودند و از عدالت بهره مند می شدند(۴).

## ۲. تحقق معنویت و دین در سرتاسر جهان

در حکومت حضرت مهدی مردم به شکل بی سابقه ای به معنویت روی می آورند و در همه جا آوای اسلام طنین انداز می شود و وعده الهی که فرمود: (وَ لَيَمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيَدُلَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا)؛ محقق می شود. (سوره نور آیه ۵۵)

مردم از آموزش قرآن و نماز جماعت و نماز جمعه استقبال چشمگیری می کنند و مساجد برطرف کننده نیاز آنان نخواهد بود تا جائی که در یک مسجد دوازده بار نماز جماعت خوانده شود(۵).

امام صادق علیه السلام می فرماید: خانه های کوفه به رودخانه کربلا و حیره متصل می شود به گونه ای که فرد نمازگذار روز جمعه برای شرکت در نماز جمعه سوار بر مرکبی تیز رو می شود ولی بدان نمی رسد(۶). پیامبر اکرم می فرماید خداوند مهدی علیه السلام را می فرستد و به وسیله او عظمت را به دین باز می گرداند... در آن روز گار کسی بر کره خاکی نیست چر آن که لا اله الا الله به زبان دارد(۷).

ص: ۱۴۸

۱- (۱) غیبت نعمانی، ص ۲۳۷، یاتی علی الناس، ص ۵۳۶.

۲- (۲) بحار، ج ۵۲، ص ۲۲۴.

۳- (۳) بحار، ج ۵۱، ص ۵۷.

۴- (۴) مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۳۱۵، فرهنگ الفبائی مهدویت، ص ۴۸۴.

۵- (۵) کافی، ج ۴، ص ۴۲۷ و بحار، ج ۵۲، ص ۳۶۴.

۶- (۶) غیبت طوسی، ص ۲۹۵.

۷- (۷) عیون اخبار الرضا، ص ۶۵.

روایات جهان را در عصر حضرت حجت جهانی مترقی و متمدن و در اوج پیشرفت علمی معرفی نموده است امام باقر علیه السلام می فرمایند: وقتی قائم ظهور فرماید بر سر بندگان دست می کشد و به سبب آن عقل آنان کامل می گردد(۱) و از طرف دیگر امام صادق علیه السلام می فرمایند علم و دانش بیست و هفت حرف است و همه آن چه پیامبران آورده اند تنها دو حرف آن است و مردم تاکنون جز با آن دو حرف آشنائی ندارند و هنگامی که قائم ماقیام کند بیست و پنج حرف دیگر را بیرون آورده آن را میان مردم نشر و گسترش می دهد(۲) که از این حدیث معلوم می شود در زمان حضرت تقریباً علم ۱۲ برابر حد کنونی خواهد شد و چون این ترقی و پیشرفت علم در سایه تکمیل عقل انسان ها صورت می گیرد، بشر در عین ترقی و رسیدن به بالاترین رشد علمی و صنعتی به همان اندازه به تعالی اخلاقی و کمال معنوی انسانی نزدیک خواهد شد.

#### ۴. اقتصاد سالم در سایه حاکم عادل

به برکت حکومت عدل حضرت مهدی زمین و آسمان برکاتش را بر بندگان ظاهر می سازد، رودخانه ها پر آب و زمین ها حاصلخیز می گردد(۳) و کشاورزی شکوفا می شود(۴) و بیابان هایی مانند اطراف مکه و مدینه که هرگز سبزی را به خود ندیده است به نخلستان های آباد تبدیل می گردد(۵) و فقر و تنگدستی رخت بر می بندد و آبادانی همه جا به چشم می خورد موجب رواج بازرگانی و تجارت می شود. پیامبر اکرم می فرمایند: زمین

ص: ۱۴۹

---

۱- (۱) نجم الثاقب باب سوم.

۲- (۲) بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۶.

۳- (۳) بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۵.

۴- (۴) ملاحم سید بن طاووس، ص ۱۵۲.

۵- (۵) بحار، ج ۵۱، ص ۴۹.

پارهای جگرش را بیرون می ریزد. راوی پرسید پاره های جگر زمین چیست؟ حضرت فرمودند طلا و نقره(۱).

حضرت علی علیه السلام می فرمایند: تمام گنج های عالم برای آن حضرت آشکار می گردد(۲) و به فرموده پیامبر امت اسلام در زمان حضرت مهدی آن چنان متنعّم می شوند که هرگز چنین بهره مند نشده اند(۳) تا جایی که طبق حدیث زمانی بر مردم پیش می آید که انسان صدقات از طلا و نقره با خود برمی دارد تا آن را در راه خدا انفاق کند ولی نیازمندی را پیدا نمی کند که این صدقه را قبول کند.

۵. امنیت و آسایش و خشنودی همگانی

یکی دیگر از آثار و برکات حکومت جهانی آن حضرت این است که دشمنی از دلها زدوده می شود، حتی درندگان و چهار پایان با یکدیگر سازش می کنند، یک زن طبقی بر سر گذارده از عراق تا شام تنها سفر می کند همه جا قدم بر سرزمین سبز و خرم می گذارد در حالی که درنده ای او را نمی آزارد و دچار ترس و وحشت نمی شود. طبق روایت نقل شده از امام باقر علیه السلام راه های اصلی توسعه پیدا می کند. بالکن هایی را که به خارج جاده ها آمده و از دیگران سلب آسایش نموده و ناودان هائی را که به کوچه ها می ریزد از بین می برد(۴).

همگان از حکومت سرتاسر عدالت آن سرور خشنود می شوند حتی ساکنان آسمان و پرندگان هوا و درندگان صحرا و ماهیان دریا(۵).

بارالها: ما را نیز از این دولت کریمه و نعمت ها و بهشت روی زمین در جوار مولایمان مهدی علیه السلام متنعّم بفرما. (آمین).

ص: ۱۵۰

۱- (۱) منتخب الاثر، ص ۱۶۸.

۲- (۲) بحار، ج ۵۲، ص ۲۸۰.

۳- (۳) اعلام الوری، ص ۴۳۳.

۴- (۴) ارشاد مفید، ص ۳۶۵.

۵- (۵) الهاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۸۲ فرهنگ الفبائی مهدویت، ص ۳۳.

پرسش:

## امام زمان، به چه صورت مبارزه می کنند؟

پاسخ:

با توجه به روایات، خداوند متعال هنگام ظهور امام زمان (عج) امدادهای غیبی را به کمک آن حضرت خواهد فرستاد که از آن جمله است:

۱. جذب تمام مسلمین:

یکی از تأییدات الهی در مورد حضرت آن است که به عنایت الهی از راهی قیام خود را شروع خواهد کرد که مورد اتفاق تمام مسلمین است. از جمله آنکه:

الف. ظهور خود را از مسجد الحرام شروع خواهد کرد که مورد اتفاق تمام مسلمانان است.

ب. خطابه ای که در مسجد الحرام هنگام ظهورش می خواند به امور مشترک بین مسلمانان اشاره دارد.

ج. قیام خود را با همان شعارهای رسول الله صلی الله علیه و آله شروع می کند.

۲. ایجاد رعب و وحشت:

یکی از راه های نفوذ بر دشمن که در علوم نظامی از آن بهره می برند ایجاد ترس و خوف و رعب در قلوب دشمنان است، تا از این راه تسلیم گردند. نعمانی به سند خود از امام صادق علیه السلام حکایت می کند: «أمر الله عزوجل أن لا تستعجل به حتی یؤیده [الله] ثلاثه [أخبار] الملائکه، والمومنین والرعب»<sup>(۱)</sup>؛ «خداوند عزوجل امر نمود تا به آن عجله نکنی تا اینکه او مهدی (عج) را به سه لشکر تأیید نماید. ملائکه، مومنین و وحشت»

ص: ۱۵۱

۳. تأیید از جانب ملائکه:

از جمله تاییدات الهی نسبت به حضرت مهدی علیه السلام فرستادن ملائکه برای یاری حضرت می باشد. گنجی شافعی به سند خود از علی بن ابی طالب علیه السلام در حدیثی در رابطه با مهدی علیه السلام نقل کرده که فرمود: «خداوند او را با سه هزار فرشته یاری خواهد کرد.»<sup>(۱)</sup>

۴. عنصر ناگهانی و غفلت دشمنان:

مطابق روایات، حضرت هنگامی ظهور می کنند که دشمنان، همه از ظهور او غافلند و در دانش نظامی این مطلب به خوبی روشن است که چقدر عنصر غفلت و ناگهانی، در پیروزی بر دشمن تأثیر دارد امام زمان (عج) در توقیعی که به شیخ مفید رحمه الله فرستاد فرمود: «پس همانا امر ما به طور ناگهانی است...»<sup>(۲)</sup>. البته از این روایت، عنصر ناگهانی، در غوه ی ظهور بدست می آید ولی بعید نیست که برای دشمنان غافلگیر کننده باشد. برای روشن شدن این بحث لازم است به چند پرسش دیگر در این باره پاسخ دهیم:

پرسش اول: در روایات آمده که یاران حضرت ۳۱۳ نفر می باشد، در اینجا پرسشی مطرح می شود که غلبه بر جهان با یاران اندک چگونه ممکن است؟

پاسخ: اگر چه در روایات به یاران محدود حضرت یعنی ۳۱۳ نفر اشاره شده است، ولی پیروزی آنان بر مستکبران به رهبری حضرت مهدی (عج) از جهاتی دور از انتظار نیست زیرا:

۱. در روایات به یاران دیگری در حدود ده هزار نفر نیز اشاره شده که بدون تحقق آنها حضرت مهدی (عج) ظهور نخواهد کرد. پس ۳۱۳ نفر سرداران سپاه حضرت هستند.

ص: ۱۵۲

---

۱- (۱) البیان، ص ۹۶.

۲- (۲) احتجاج، ج ۲، ص ۳۲۴.

۲. هرچند که غلبه حضرت بر جهان ممکن است از طریق اعجاز باشد، ولی از طریق علل و اسباب عادی و ظاهری نیز حصول چنین فتح و پیروزی امری دور از انتظار نخواهد بود، زیرا حضرت در موقعی ظهور خواهند کرد که اوضاع و احوال اجتماعی، اخلاقی و سیاسی کاملاً مساعد است. در آن هنگام ملت ها به خاطر سرخوردگی از نظام های مختلف و قتل و غارت ها به تنگ آمده اند و لذا در انتظار چنین حکومتی به سر می برند و مردم به مجرد شنیدن خبر ظهور به آن حضرت و حکومتش می گروند و ایشان تنها با گروه خاصی درگیر خواهند شد.

۳. از آنجا که جهان به مانند دهکده ای کوچک شده و هر چه از عمر آن بگذرد این ارتباط تنگ تر خواهد شد لذا با به دست گرفتن نقطه های کلیدی و با استعانت از خداوند متعال، حکومت جهانی حضرت تحقق خواهد یافت.

پرسش دوم: در برخی روایات حکایت شده که امام زمان (عج) با شمشیر قیام خواهد کرد (۱) و چگونه ممکن است یک نفر با شمشیر در مقابل تسلیحات کشتار جمعی جدید و مخرب که می تواند کل کره زمین را چندین بار نابود کند بایستد و مقابله کند؟

پاسخ: ۱. چه اشکالی دارد که شخصی با شمشیر ولی همراه با اعجاز الهی که حضرت را مساعدت می کند با دشمنان خود به مقابله بپردازد؟ که در آن صورت اسلحه های مدرن به قدرت الهی از کار می افتد.

۲. ممکن است واژه شمشیر در اینجا کدی باشد برای معرفی تسلیحات، یعنی امام زمان با دشمنانش وارد جنگ می شود و مقصود از شمشیر، قوت و اسلحه است زیرا مسلمانان در آن عصر یعنی قبل از هزار سال اسلحه ای به جز شمشیر نداشته و به ذهن آنها چنین تسلیحاتی خطور نمی کرده است، لذا از «اسلحه» به شمشیر تعبیر شده است. بنابراین:

ص: ۱۵۳

امام زمان علیه السلام نیز با قدرت و اعجاز الهی و یا از راه تسلط بر تسلیحات موجود بر ضد مخالفان و ظالمان استفاده می کند. و از طرفی می توان گفت:

امام زمان علیه السلام با تسلط بر مراکز تصمیم گیری و از کار انداختن وسایل جنگی آنها که با هسته های مرکزی ارتباط دارد، تمام آنها را از راه اعجاز یا از طریق عادی از کار می اندازد و بر آنها غلبه می کند.

۳. مطابق برخی روایات، شمشیرهای اصحاب حضرت از آهن است، ولی نه مثل این آهن هایی که در دسترس ما قرار دارد، بلکه به گونه ای است که اگر یکی از آنان با شمشیر خود به کوه بزنند، آن را دو نیم می کند و به تعبیر دیگر، وسیله دفاعی آنان به گونه ای است که اسلحه دشمن هرگز بر آنها کارگر نیست (۱).

لذا ممکن است اسلحه ای را که حضرت و یارانش به کار می برند از وسایلی باشد که بتواند همه دستگاه های دشمنان را از کار بیندازد ولی در مقابل هیچ دستگاهی بر آن کارگر نباشد، همان گونه که در این زمان برخی اسلحه های جدید را مشاهده می کنیم.

۴. رمز پیروزی امام زمان علیه السلام و سیطره آن حضرت بر جهان یکی از راه «اقبال عمومی مردم» به سوی ایشان است و دیگر از راه «ترس و رعبی» است که خداوند در قلوب مخالفان و ظالمان قرار می دهد تا تمام تسلیحات خود را بر زمین گذارده، فرار کرده یا تسلیم می شوند، خصوصاً آنکه در ابتدای ظهور، وقتی مقداری از معجزات حضرت را مشاهده کردند می فهمند که امداد الهی است و نمی توان با مشیت الهی مقابله کرد، بدین جهت تسلیم حضرت می شوند و گروه اندکی نیز که به مخالفت و مقابله می پردازند شکست می خورند.

ص: ۱۵۴

۵. معلوم نیست که در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام این تسلیحات خطرناک در اختیار بشر باقی مانده باشد؛ زیرا ممکن است در اثر حوادث و آشوب ها و جنگ های جهانی که پیش از ظهور آن حضرت اتفاق می افتد این تسلیحات نابود شود.

۶. جنگ ها و کشتارهای بی رحمانه، نتیجه گمراهی، جهل و بی خردی بشر است. حال اگر در عصر ظهور، «عقل» مردم «کامل» شود، بر فرضی که سلاح های خطرناک در اختیار داشته باشند آن را بر ضد یکدیگر به کار نمی گیرند و نیروهایی که آن سلاح را در اختیار دارند پی به حقانیت حضرت برده و همچنین با ایجاد رعب و وحشت که در دلشان قرار می گیرد از به کار بردن آن بر ضد حضرت خودداری می کنند.

۷. در پایان به دو ویژگی که در جنگ با شمشیر نهفته است اشاره می کنیم:

۱. در جنگ با شمشیر می توان در کشتارها گزینشی عمل کرد به خلاف تسلیحات کشتار جمعی که عالم و جاهل و مقصر و بی تقصیر و گناهکار و بی گناه را همه و همه را با هم از بین می برد، که این از مرام و روش اولیای الهی به دور است.

۲. چنانچه در منابع فقه اسلامی آمده است در احکام جهاد دستور داریم که تا آنجا که ممکن است به محیط زیست آسیب نرسد، لذا جنگ با شمشیر در راستای این حکم شرعی می باشد به خلاف جنگ با ادوات نظامی مرسوم فعلی.

لذا با توجه به این دو ویژگی بعید نیست که به قدرت الهی امام زمان، توانایی تسلیحاتی آنها ساقط شود و همه با ابزاری مانند شمشیر وارد جنگ شوند.



پرسش:

## وظیفه ما در زمان ظهور (حضرت حجت) چیست؟

پاسخ:

اساسی ترین ویژگی زمان ظهور که آن را از زمان غیبت ممتاز می سازد حضور امام به طور علنی و آشکار در بین مردم است به طوری که دسترسی به او امکان پذیر است. بنابراین اصلی ترین وظیفه در زمان ظهور شناخت امام عصر علیه السلام و ولایت پذیری از آن حضرت آگاهی از دستورات او و در نهایت عمل به آن دستورات می باشد و اگر در یکی از شئون زندگی فردی یا اجتماعی، دنیایی یا آخرتی، چه مادی و چه معنوی با مشکلی مواجه شویم از امام معصوم کسب وظیفه می کنیم. از این رو:

۱. شناخت امام حاضر؛ ۲. ولایت پذیری؛ ۳. آگاهی از دستورات ایشان؛ ۴. عمل به آن دستورات؛ ۵. کسب وظیفه از امام در گذران زندگی روزمره.

شاخصه های اصلی وظایف یک انسان در زمان ظهور امام معصوم می باشد.

برای آشنایی بیشتر مروری می کنیم به مهمترین ویژگی های یاران و اصحاب حضرت مهدی (عج) که در روایات معصومین حکایت شده است:

۱. یقین

از امام صادق علیه السلام درباره یاران حضرت مهدی حکایت شده: مردانی که گویا دل هایشان پاره های آهن است. غبار تردید در ذات مقدس خدا، خاطرشان را نمی آلود... از ناخشنودی پروردگارشان هراس دارند برای شهادت دعا می کنند و آرزومند شهید شدن در راه خدا هستند(۱).

ص: ۱۵۶

۲. روحیه شهادت طلبی

این ویژگی از روایت فوق و روایات دیگر به دست می آید.

۳. بصیرت و آگاهی

یاران مهدی (عج) در بصیرت، درایت و خردمندی سرآمدند؛ در فتنه هایی که زیرکان در آن می مانند هوشیارانه راه می جویند و حق را از باطل باز می شناسند.

۴. عبادت و بندگی

از امام باقر علیه السلام نقل شده: گویا قائم و یارانش را در نجف اشرف می نگریم توشه هایشان به پایان رسیده و لباس هایشان مندرس گشته است. جای سجده بر پیشانی شان نمایان است، شیران روزند و راهبان شب(۱).

۵. حافظان حدود الهی

از حضرت علی علیه السلام حکایت شده: یاران با این شرایط با امام شان بیعت می کنند: دست پاک و پاکدامن می باشند، زبان به دشنام نگشایند، و خون کسی را به ناحق نریزند، بر مرکب های ممتاز سوار نشوند و لباس های فاخر نپوشند... ساده زندگی کنند و در راه خدا به شایستگی جهاد کنند، امام نیز متعهد می شود به سان همراهان زندگی کند(۲).

۶. شجاعت

از امام باقر علیه السلام حکایت شده: گویا آنان را می نگریم... که دل هایی چون پولاد دارند در هر سو تا مسافت یک ماه، ترس از آنها بر دل های دشمنان سایه می افکند در سوارکاری و تیراندازی بی نظیرند در رزمگاه نشان شجاعان بر تن دارند و... (۳)

ص: ۱۵۷

---

۱- (۱) بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۷.

۲- (۲) الملاحم والفتن، ص ۱۴۹.

۳- (۳) بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۳ و ۳۱۰.

از پیامبر نیز حکایت شده: تلاش گر و کوشا در پیروی از او هستند(۱).

۸. ایثار و مواسات

همچنین دل های یاران حضرت به هم پیوند دارد و یار و غمخوار یکدیگر هستند. گویا یک پدر و مادر آنان را پرورش داده است و دل های آنان از محبت و خیرخواهی به یکدیگر آکنده است(۲).

۹. زهد و ساده زیستی

زهد زینت کارگزاران مهدی است. نمی توانند تن به آسایش و شاد کامی سپارند و از احوال مردمان غافل شوند و نام مصلح جهان بر خویش نهند، زیرا آن که با عشرت طلبان همسو می شود و دل در گرو آز و طمع دارد، نمی تواند مروج دین و کارگزاری شایسته برای حکومت عدل و داد باشد(۳).

۱۰. نصرت و یاری

از وظایف مومنان، نصرت و یاری کردن آن حضرت است که در حقیقت نصرت خداوند متعال است، یاری کردن امام عصر علیه السلام این است که مؤمن نسبت به آن چه خواست آن حضرت است اقدام نماید. و نصرت در زمان ظهور با جهاد کردن در کنار امام و صبر و شکیبائی بر سختی ها و بذل مال و جان به دست می آید(۴).

ص: ۱۵۸

---

۱- (۱) عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۶۳.

۲- (۲) الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۰.

۳- (۳) نهج البلاغه، کلمات قصار، کلمه ۱۱۰.

۴- (۴) راه وصالحسینی مطلق، ص ۱۲۲.





## تعدادی از مهمترین کتابهای مهدویت را برایم بیان کنید؟

### اشاره

پاسخ:

برای ارائه کتابشناسی متناسب با سنین مختلف و نیازهای متفاوت، لازم است که به کتابشناسی ویژه انواع سنین و استعدادهای متفاوت پردازیم.

### الف. کتابشناسی برای کودکان

۱. امام زمان من کیه، شاعر: علی عباسی، نقاش: الهه ریحانی، منتظران ظهور، مشهد، ۱۳۸۱/۱۰/۱

موضوع: اشعار مهدویت برای کودکان در زمینه انتظار

۲. او کیست، محمد کاظم مزینانی، نقاش: مریم ذاکر نژاد، نیا تهران، ۱۳۸۱.

موضوع: انتظار و شناخت امام زمان علیه السلام

۳. بعد از آن صدای آسمانی، مصطفی رحمان دوست، نقاش: محمد حسین صلواتیان، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۱.

موضوع: داستان هایی در زمینه مهدویت

۴. پیام شادی، فریده گل محمدی آرمان، دارالنشر اسلامی، قم، ۱۳۷۸.

موضوع: انتظار

۵. چشم های منتظر، محمد علوی، نقاش: امینی، نیا، تهران، ۱۳۸۱.

موضوع: داستان هایی برای کودکان در زمینه انتظار

۶. زیباترین دیدنی، عباس کلهر، نقاش: محمد حسین صلواتیان، بوستان کتاب قم، قم، ۱۳۸۱.

موضوع: قطعه های ادبی در زمینه مهدویت.

۷. سر راهش گل بکاریم، مجتبی آموزگار، نقاش: شیلا خزانه داری، زیتون، تهران، ۱۳۸۱.

موضوع: ادبیات انتظار

۸. طلوع خورشید، زهره مسجدجامعی، نقاش: سیما همرننگ یوسفی، سیمای فرهنگ، تهران، ۱۳۷۸.

موضوع: ادبیات انتظار

۹. فصل ها، چشم به راه، عبدالحسین فخاری، نقاش: رضا غازی راد، زیتون، تهران، ۱۳۷۹.

موضوع: ادبیات انتظار.

۱۰. قصه زمین، عبدالحسین طالعی، مهرآوران، تهران، ۱۳۷۸.

موضوع: انتظار به زبان ساده.

۱۱. یک بهار هزار شکوفه، رضا فیروز، نقاش: محمد گوغانی، مرکز فرهنگی انتشاراتی رایحه، تهران، ۱۳۸۰.

موضوع: داستان هایی در زمینه مهدویت

۱۲. در آغاز راه، احمد قندی، دیار، تهران، ۱۳۸۰.

موضوع: ادبیات انتظار.

۱۳. یا دیار مهربان، حسین درگاهی، توانگران، تهران، ۱۳۸۱.

موضوع: انتظار.

۱۴. راز دل با امام، احمد قندی، دیار، تهران، ۱۳۸۰.

موضوع: ادبیات انتظار(۱).

## **ب: کتابشناسی برای نوجوانان**

۱. آخرین امام، حمید قلندری بردسیری، آفریند، تهران، ۱۳۷۹.

موضوع: ولادت، زندگی و ظهور به همراه....

ص: ۱۶۲





۲.۵۹ نکته درباره امام زمان علیه السلام، سید علی حسینی و تقی متقی، شیعه، قم، ۱۳۸۲.

موضوع: مهدویت در پرتو احادیث.

۳.۱۰۰ پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان (عج)، علی رضا رجالی تهرانی، نبوغ، قم، ۱۳۷۷.

موضوع: پرسش و پاسخ مختلف.

۴. آشتی با امام زمان (عج)، محمد شجاعی، نشر محیی، تهران، ۱۳۸۲.

موضوع: رابطه معنوی با حضرت مهدی علیه السلام

۵. آشنایی با حضرت مهدی (عج)، عباس حق دوست، نشر گلستان کور، تهران، ۱۳۸۰.

موضوع: آشنایی اجمالی با ویژگی های امام زمان علیه السلام

۶. آفتاب در غربت، سید محمد بنی هاشمی، میقات، تهران، ۱۳۸۰.

موضوع: انتظار.

۷. آفتاب در نگاه خورشید، مرتضی طاهری، عهد، کرج، ۱۳۸۱.

موضوع: احادیث در زمینه مهدویت.

۸. آن روز دیدنی، جواد محدثی، مؤسسه فرهنگی منادی تربیت، تهران، ۱۳۸۲.

موضوع: اشعار در زمینه مهدویت.

۹. از انتظار تا دیدار، سید جعفر خلخالی، دلیل ما، قم، ۱۳۸۲.

موضوع: چهل حدیث از غیبت تا ظهور.

۱۰. از زبان آینه ها، عبدالحسین طالعی، نبأ، تهران، ۱۳۸۲.

موضوع: مجموعه ای از دل نوشته ها به یاد امام موعود (عج)

۱۱. امام زمان را اباصالح چرا، علی هجرانی، مهدی یار، قم، ۱۳۸۰.

موضوع: شناخت و معرفت.



۱۲. امام مهدی علیه السلام آخرین یادگار الهی، حسین استادولی، شر، تهران، ۱۳۷۸.

موضوع: شناخت امام علیه السلام

۱۳. انتظارات امام زمان علیه السلام، مهدی شمس الدین، مؤسسه توسعه فرهنگ قرآنی، قم، ۱۳۷۹.

موضوع: توقعات امام زمان علیه السلام از شیعیان.

۱۴. بهار باغستان های ایمان، محمد صادق موسوی گرمارودی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران ۱۳۷۸.

موضوع: انتظار.

۱۵. پاداش انتظار، نادر فضلی، مرکز فرهنگی رایحه، تهران، ۱۳۸۰.

موضوع: فضیلت انتظار.

۱۶. تپش قلم، عباسعلی کامرانیان، شرکت انتشاراتی کیهان، تهران، ۱۳۷۸.

موضوع: احادیث مهدویت و انتظار.

۱۶. داستان هایی از امام زمان علیه السلام و شهداء، سالم جعفری، محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله، قم، ۱۳۸۲.

موضوع: ارتباط معنوی شهدا با امام زمان علیه السلام.

۱۷. در سایه امام زمان (عج) زینب پور حیدری، دهرسرا، رشت، ۱۳۸۲.

موضوع: مهدویت، انتظار، آخرالزمان، احادیث.

۱۸. ملاقات جوانان با صاحب الزمان علیه السلام، عبدالرضا خرمی، مهدی یار، قم، ۱۳۷۹.

موضوع: دیدار با امام زمان علیه السلام

۱۹. مهدی منتظر، یا ناموس اعظم در کلام امام هشتم علیه السلام، محسن کتابچی، به دید، مشهد، ۱۳۸۲.

موضوع: امام مهدی علیه السلام در کلام امام هشتم علیه السلام.

۲۰. مهدی موعود علیه السلام یارانی اینگونه دارد. مصطفی علامه مهری، ناشر: علامه بحرانی، قم، ۱۳۸۱.

موضوع: ویژگی های یاران امام زمان علیه السلام.

۲۱. می دانم می آیی، جمعی از نویسندگان، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۸۰.

موضوع: مهدویت، انتظار.

۲۲. نشان صبح امید، محمدرضا دین پرور، بنیاد نهج البلاغه، تهران، ۱۳۷۹.

موضوع: امام زمان علیه السلام در کلام امیرالمؤمنین علی علیه السلام.

۲۳. نگاهی بر زندگی حضرت مهدی (عج)، محمد محمدی اشتهاردی، نشر مطهر، تهران، ۱۳۸۱.

موضوع: تاریخ زندگی امام زمان علیه السلام.

۲۴. نور پنهان در افق قرآن، جعفر شیخ الاسلامی، یکان، تهران، ۱۳۷۹.

موضوع: جنبه های قرآنی مهدویت.

۲۵. یوسف زهرا، یا مهدی صاحب الزمان علیه السلام، ابوطالب احسانی جاغوری، دارالکتاب جزایری، قم، ۱۳۸۱.

موضوع: شناخت امام زمان علیه السلام.

### ج: کتابشناسی برای جوانان

۱. آثار اعتقاد به امام زمان علیه السلام، هادی قندهاری، منیر، تهران، ۱۳۷۷.

موضوع: آثار اعتقادی مهدویت.

۲. آفتاب عدالت، ابراهیم امینی، ترجمه: نثار احمد زین پوری، انصاریان، قم، ۱۳۸۲.

موضوع: شناخت امام زمان علیه السلام.

۳. آیا به یاد امام زمان (عج) هستید، محمد تقی صرفی، دفتر نشر برگزیده، قم، ۱۳۷۸.

موضوع: ارتباط معنوی با امام زمان (عج).

۴. آینده جهان، جلال برنجیان، طور، تهران، ۱۳۸۰.

موضوع: حوادث آخرالزمان.

۵. آینده جهان، محسن همتی، نشر ندیر، تهران، ۱۳۷۹.

موضوع: ویژگی های دوران حکومت امام زمان علیه السلام.

۶. آیین انتظار، علی اکبر تلافی، نبأ، تهران، ۱۳۸۱.

موضوع: انتظار.

۷. آینه موعود، علی دژکام، دفتر نشر معارف، قم، ۱۳۸۲.

موضوع: معرفی و بررسی پانصد کتاب درباره امام زمان علیه السلام.

۸. اتفاق در مهدی موعود (عج)، علی اکبر قریشی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۷۷.

موضوع: طرح دیدگاه های مختلف در مورد امام زمان علیه السلام.

۹. ارتباط معنوی با حضرت مهدی (عج)، حسین گنجی، حضرت بقیه الله (عج)، قم، ۱۳۸۱.

موضوع: ارتباط معنوی.

۱۰. الانتظار، سید مرتضی مجتهدی سیستانی، مترجم: زاملی، محبین، قم، ۱۳۸۰.

موضوع: انتظار.

۱۱. امام زمان (عج) و ایرانیان، محسن همتی، نشر ندیر، تهران، ۱۳۸۰.

موضوع: امام زمان علیه السلام و ایرانیان.

۱۲. امام مهدی و منتظران، محمدحسین صفاخواه، کتابچی، تهران، ۱۳۷۶.

موضوع: نکاتی پیرامون آفاق مهدویت.

۱۳. انتظار در آینه شعر، محمد صفری، سنبله، مشهد، ۱۳۸۱.

موضوع: ولادت و ستایش امام زمان علیه السلام در آینه شعر.

ص: ۱۶۶

۱۴. باورداشت مهدویت، لطف الله صافی گلپایگانی، حضرت معصومه علیها السلام، قم، ۱۳۷۵.

موضوع: شناخت امام زمان علیه السلام.

۱۵. بامداد بشریت، محمدجواد مروجی طبسی، ناشر: مؤلف، قم، ۱۳۸۰.

موضوع: مجموعه پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان علیه السلام.

۱۶. جوانان، یاوران مهدی علیه السلام، محمدباقر پورامینی، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، تهران، ۱۳۸۱.

موضوع: جوانان و امام زمان علیه السلام در دوران ظهور.

۱۷. حکومت شیعه در جهان، سید هاشم حسینی، نوین پژوهش، تهران، ۱۳۸۰.

موضوع: حکومت امام زمان علیه السلام (ویژگی ها).

۱۸. خورشید مغرب، محمدرضا حکیمی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۷.

موضوع: غیبت، انتظار، تکلیف.

۱۹. در طلب خورشید، کمیته علمی دبیرخانه دائمی اجلاس دو سالانه بررسی ابعاد وجودی، دبیرخانه اجلاس، تهران، ۱۳۸۱.

موضوع: مهدویت و انتظار.

۲۰. ده انتقاد و پاسخ پیرامون غیبت امام مهدی (عج)، محمد بن محمد مفید، ترجمه: محمدباقر خالصی، جامعه مدرسین حوزه

علمیه قم، ۱۳۷۷.

موضوع: پرسش و پاسخ پیرامون غیبت.

۲۱. راز مکان زندگی امام زمان (عج)، محسن همتی، نشر نذیر، تهران، ۱۳۸۰.

موضوع: شناخت امام عصر (عج).

۲۲. راز نیایش منتظران، محمدتقی اصفهانی، مکیال، تهران، ۱۳۸۰.

موضوع: انتظار.

۲۳. راه مهدی (عج)، ناصر خسرو شاهی، بوستان کتاب قم، قم، ۱۳۸۱.

موضوع: نقد و تفسیر در زمینه مهدویت.

۲۴. رخسار آفتاب، مجتبی غیوری، مهدیه، قم، ۱۳۸۰.

موضوع: تحلیلی جامع در باب زندگانی حضرت حجت (عج).

۲۵. سرانجام صالحان، نادر فضلی، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، تهران، ۱۳۸۱.

موضوع: مهدویت، قرآن - قصه ها.

۲۶. سپیده امید، سید حسین اسحاقی، بوستان کتاب قم، قم، ۱۳۸۰.

موضوع: کاوشی در مهدویت.

۲۷. غیبت و مهدویت در تشیع امامیه، جاسم حسین ساشادینا، ترجمه: محمود رضا افتخار زاده، ناشر: محمدرضا افتخار زاده، قم، ۱۳۷۲.

موضوع: شناخت غیبت و مهدویت.

۲۸. قصص الظهور، یا داستان هایی از ظهور مهدی آل محمد علیه السلام، قاسم میر خلف زاده، مهدی یار، قم، ۱۳۷۹.

موضوع: داستان هایی پیرامون ظهور.

۲۹. مجموعه سخنان، توقیعات و ادعیه حضرت بقیه الله علیه السلام، محمد خادمی شیرازی، مؤسسه انتشارات رسالت، قم، ۱۳۷۷.

موضوع:

۳۰. ملاقات جوانان با صاحب الزمان علیه السلام، عبدالرضا خرمی، مهدی یار، قم، ۱۳۷۹.

موضوع: ملاقات جوانان با امام عصر علیه السلام.

۳۱. مهدی علیه السلام کیست؟ ابوطالب تجلیل، ترجمه: جلیل تجلیل، سروش، تهران، ۱۳۸۱.

موضوع: احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و یکایک ائمه طاهرین در معرفی امام مهدی علیه السلام.



۳۲. نشانه های آخرالزمان، حسین حسینی بابلکناری، تیش، قم، ۱۳۸۱.

موضوع: نشانه های آخرالزمان.

۳۳. نشانی از امام غایب علیه السلام: بازنگری و تحلیل توقیعات، محمدمهدی رکنی یزدی، بنیاد پژوهش های اسلامی، مشهد، ۱۳۸۱.

موضوع: بررسی توقیعات امام زمان علیه السلام

#### **د. کتابشناسی برای پژوهشگران:**

۱. نگین آفرینش، مؤلفان: حائری، یوسفیان، بالا دشتیان، بنیاد فرهنگی مهدی موعود علیه السلام، مرکز تخصصی مهدویت، قم، ۱۳۸۴.

موضوع: مبانی اعتقادی مهدویت، ضرورت آشنایی با مهدویت، غیبت و....

۲. نینوا و انتظار تأملی نو، جمعی از محققان مرکز تخصصی مهدویت، بنیاد فرهنگی مهدی موعود علیه السلام، اصفهان، ۱۳۸۳.  
موضوع: انتظار.

۳. انتظار بایدها و نبایدها، ابراهیم شفیعی سروستانی، موسسه فرهنگی موعود و مرکز پژوهش های اسلام صدا و سیما، قم، ۱۳۸۳.

موضوع: انتظار.

۴. امام مهدی (عج) در قرآن، حائری، سعدی، یوسفیان، جزوه آموزشی بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، اصفهان، ۱۳۸۴.

موضوع: امام مهدی در قرآن کریم.

۵. امام مهدی علیه السلام در آینه ادیان و مکاتب، مهدی حائری پور، جزوه آموزشی بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، اصفهان، ۱۳۸۴.

موضوع: امام مهدی علیه السلام از دیدگاه ادیان و مکاتب.

۶. بابت، گروه فرهنگی انصارالمهدی علیه السلام، قم جزوه آموزشی بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، اصفهان، ۱۳۸۴.



موضوع: بابت.

۷. دولت مهدی علیه السلام، سیرت مهدی علیه السلام، مصطفی دلشاد تهرانی، موسسه نشر و تحقیقات ذکر، تهران، ۱۳۷۴.

موضوع: ویژگی های حکومت امام زمان علیه السلام.

۸. راز طول عمر امام زمان علیه السلام از دیدگاه علم و ادیان، علی اکبر مهدی پور، انتشارات طاووس بهشت، ۱۳۷۸.

موضوع: راز طول عمر امام زمان علیه السلام از دیدگاه علم و ادیان.

۹. دادگستر جهان، ابراهیم امینی، انتشارات شفق، قم، ۱۳۷۷.

موضوع: مباحث مختلف مهدویت.

۱۰. حضرت مهدی علیه السلام در بشارت های آسمانی، محمد فقیه نیا، بنیاد پژوهش های فرهنگی نورالاصفیاء، قم، ۱۳۷۹.

موضوع: حضرت مهدی علیه السلام در بشارت های آسمانی.

۱۱. تاریخ غیبت کبری، سید محمد صدر، ترجمه دکتر سید حسن افتخارزاده، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۱.

موضوع: بررسی غیبت از لحاظ تاریخی.

۱۲. پیشگویی ها و آخرالزمان، مجموعه مقالات: اسماعیل شفیعی سروسستانی، مجید شاه حسینی، حسن بلخاری و...، موعود

عصر تهران، تهران، ۱۳۸۲.

موضوع: پیشگویی ها و آخرالزمان.

۱۳. حکومت جهانی مهدی علیه السلام، آیه الله مکارم شیرازی، انتشارات نسل جوان، قم، ۱۳۸۰.

موضوع: حکومت امام زمان علیه السلام.

۱۴. شش ماه پایانی، تقویم حوادث پیش از ظهور، مجتبی الساده، ترجمه محمود مطهری نیا، موعود عصر، تهران، ۱۳۸۳.

ص: ۱۷۰

موضوع: حوادث پیش از ظهور.

۱۵. سفیانی از ظهور تا افول، نصرالله آیتی، انتشارات ثانی عشر، قم، ۱۳۸۴.

موضوع: سفیانی.

۱۶. عصر ظهور، علی کورانی، ترجمه عباس جلالی، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۵.

موضوع: مباحث مختلف مهدویت.

۱۷. معارف مهدوی، مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه علمیه قم، دبیرخانه دائمی اجلاس حضرت مهدی (عج)، قم، ۱۳۸۵.

موضوع: انتظار موعود در ادیان، امام مهدی در قرآن، غیبت، نیابت و....

۱۸. فصلنامه تخصص انتظار، مرکز تخصصی مهدویت، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، اصفهان، ۱۳۸۳.

موضوع: مباحث مختلف مهدویت.

۱۹. موعود شناسی و پاسخ به شبهات، علی اصغر رضوانی، انتشارات مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۴.

موضوع: پاسخ به شبهات.

۲۰. عصاره خلقت، برگرفته از آثار آیه الله جوادی آملی، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۷۹.

موضوع: مباحث مختلف مهدویت.

۲۱. ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه اسلام، مذاهب و ملل جهان، سید اسدالله هاشمی شهیدی، انتشارات مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۱.

موضوع: ظهور امام زمان علیه السلام از دیدگاه مذاهب مختلف.

۲۲. سفیران امام، عباس راسخی نجفی، انتشارات محب، تهران، ۱۳۷۵.

موضوع: سفیران.

۲۳. اثبات مهدویت از دیدگاه قرآن، علی صفایی کاشانی، مفید، تهران، ۱۳۷۶.

موضوع: اثبات مهدویت از دیدگاه قرآن.

۲۴. اصالة المهدویة فی الاسلام فی نظر اهل السنه والجماعه، مهدی فقیه ایمانی، ترجمه: محمدرضا مهری، معارف الاسلامیه، قم، ۱۳۷۸.

موضوع: مهدویت از نظر اهل تسنن.

۲۵. الغیبه الصغری والسفراء الاربعه، فاضل مالکی، سنبه، مشهد، ۱۳۸۲.

موضوع: غیبت و نواب اربعه.

۲۶. القرآن والحجه: مشترکات قرآن و حجت زمان (عج)، رضا توحیدی، سیمای آفتاب، قم، ۱۳۸۲.

موضوع: مشترکات قرآن و امام زمان علیه السلام.

۲۷. بشارات قرآن در شأن حضرت مهدی علیه السلام، علی اکبر شعفی، آشنا، تهران، ۱۳۸۲.

موضوع: بشارت های قرآن در مورد امام زمان علیه السلام.

۲۸. پژوهشی پیرامون غریب غیبت در قرآن؛ به ضمیمه غریب غیبت در آینه کلام غریب غدیر، محمدحسین صفاخواه، ابرون، تهران، ۱۳۸۲.

موضوع: غیبت و قرآن، غدیر و غیبت.

۲۹. تاریخ عصر غیبت، مسعود پور سید آقایی و دیگران، حضور، قم، ۱۳۷۹.

موضوع: نگاهی تحلیلی به عصر غیبت امام دوازدهم (عج).

۳۰. تمدن در عصر ظهور مهدی (عج)، عباس مدرسی، مترجم: لطیف راشدی، حضور، قم، ۱۳۸۲.

موضوع: ویژگی های حکومت مهدوی.

۳۱. جامعه موعود، محمد مهدی بهداروند، مرکز نشر صبح میثاق، قم، ۱۳۸۲.

موضوع: ویژگی های جامعه مهدوی.

۳۲. موسوعه الامام المهدي عليه السلام، مهدي فقيه ايماني، مكتبه الامام اميرالمؤمنين عليه السلام، اصفهان، ۱۴۰۱ هـ. ق.

موضوع: احاديث و سخنان امام مهدي عليه السلام.

۳۳. الموسوعه في احاديث المهدي الضعيفه والموضوعه، عبدالحليم عبدالعظيم البستوي، المكتبه المكيه وبيروت، دار ابن حزم، ۱۴۲۰ ق.

موضوع: احاديث جعلي و ضعيف در مورد امام مهدي عليه السلام.

۳۴. کتابنامه حضرت مهدي عليه السلام (۲ جلد)، علي اکبر مهدي پور، ناشر: مؤلف، قم، ۱۳۷۵.

موضوع: معرفي بيش از ۲۰۰۰ عنوان کتاب به زبان هاي مختلف.

۳۵. مرجع مهدويت، بنياد فرهنگي حضرت مهدي موعود (عج)، همان، تهران، ۱۳۸۲.

موضوع: کتابشناسي مهدويت به صورت گسترده.

۳۶. ذهنيته مستشرقين (پژوهسي در اصالت اندیشه مهدويت و نقد گفتار شرق شناسان، عبدالحسين فخاري، آفاق، تهران، ۱۳۷۹).

موضوع: نقد گفتار شرق شناسان در باب اصالت مهدويت.

۳۷. سيمای مهدويت در قرآن، محمدجواد مولوي نيا، امام عصر (عج)، قم، ۱۳۸۱.

موضوع: جنبه هاي قرآني مهدويت.

۳۸. نجم الثاقب، حسين بن محمد تقی نوري، مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۱.

موضوع: احوال امام غائب (عج).

## ه : کتاب شناسي امام مهدي (عج) و قرآن:

۱. المحجه فيما نزل في القائم الحجه، سيد هاشم بحراني (۱۱۰۷ ق)، ترجمه / سيمای حضرت مهدي (عج) در قرآن، مهدي حائري قزويني، تهران، ۱۳۷۴، آفاق.

\*\*\* ۱۲۰ آیه را به ترتیب نزول جمع کرده و روایات آنها \*\*\*

۲. امام مهدی از دیدگاه قرآن و عترت و علائم بعد از ظهور، محمدباقر مجلسی (۱۰۳۷)، قم، قلم، ترجمه علی دوانی.

\*\*\* گزیده کتاب مهدی موعود (جلد ۱۳ بحار) است \*\*\*

۳. ملاحم القرآن، ابراهیم انصاری زنجانی، ۱۴۰۰ ق، عربی، چاپ مولف.

\*\*\* پیش‌گویی‌های قرآن در مورد نشانه‌های ظهور و روایات... \*\*\*

۴. طریق الی‌المهدی (عج) المنتظر، سعید ایوب، بیروت، الغدیر، ۱۹۹۸ م، عربی.

\*\*\* آینده و ظهور مهدی و اخبار غیبی قرآن در این مورد \*\*\*

۵. المهدی فی القرآن (موعود قرآن)، سید صادق حسینی شیرازی، موسسه امام مهدی (عج)، تهران، ۱۳۶۰ ه. فارسی و عربی.

\*\*\* ۱۹۰ آیه در مورد امام عصر (عج) از منابع اهل سنت \*\*\*

۶. سوره و العصر، حضر امام زمان (عج) است، عباس راسخی نجفی، قیام قم / ۱۳۷۲ فارسی.

۷. المهدی الموعود فی القرآن الکریم، محمدحسین رضوی، دارالهادی، ۲۰۰۱ عربی.

۸. حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) از دیدگاه قرآن و عترت، محمود شریعت زاده خراسانی، ۱۳۷۹، فارسی، دارالصادقین.

\*\*\* مجموعه آیات قرآن درباره مهدی (عج) با روایات آمده است \*\*\*

۹. مصلح مقتدر الهی کیست؟، سید علی اکبر شعی، ۱۳۴۲، اصفهان.

۱۰. پور پنهان در افق قرآن حضرت مهدی (عج)، جعفر شیخ الاسلامی، تهران، یکان، ۱۳۷۸ ش.

۱۱. غریب غیبت در قرآن، محمدحسین صفاخواه، تهران، آمه.

۱۲. اثبات مهدویت از دیدگاه قرآن، علی صفئی کاشانی، ۱۳۷۶، تهران، مفید.

۱۳. قاطع البيان في الايات الموهله بصاحب الزمان (عج)، فضل الله عابدي خراساني، دارالمرتضى، ۱۴۰۴ ق.

\*\*\* ۲۰۲ آیه را تاویل و تطبیق کرده است \*\*\*

۱۴. القرآن يتحدث عن الامام المهدي (عج)، مهدي حسن علاء الدين، دارالاسلاميه، بيروت.

۱۵. ثوره المواطنين للمهدي (عج)، مهدي حمد فتلاوي، ۱۹۹۳ م، دارالبلاغه، بيروت.

\*\*\* بشارت های قرآنی و نبوی در مورد انقلاب مهدي (عج) \*\*\*

۱۶. مهدي (عج) در قرآن، رضا فيروز، ۱۳۷۸، تهران، رایحه.

۱۷. مهدویت از نظر قرآن و عترت، خیرالله مردانی، تهران، آیین جعفری، ۱۴۰۱.

۱۸. چهل حدیث در پرتو چهل آیه در فضایل حضرت ولی عصر (عج)، مسجد جمکران، تهران، وزارت ارشاد، ۱۳۷۸.

\*\*\* چهل آیه و روایات مربوطه \*\*\*

۱۹. سیمای مهدویت در قرآن، محمدجواد مولوی نیا، قم، امام عصر (عج)، ۱۳۸۱.

۲۰. الايات الباهره في بقيه العتره الطاهره او تفسير آيات القرآن في المهدي صاحب الزمان (عج)، تهران، بعثت، ۱۴۰۲ ق، سيد داود ميرصابري.

۲۱. سیمای امام زمان (عج) در آینه قرآن، علی اکبر مهدي پور.

\*\*\* ۱۴۰ آیه را جمع کرده است \*\*\*

۲۲. موسوعه المصطفى والعتره (۱۶) المهدي المنتظر، حسين شاکري، نشر الهادي، ۱۴۲۰.

\*\*\* ۱۴۴ آیه را با روایات آورده است \*\*\*

۲۳. الامام المهدي في القرآن والسنة، سعيد ابو معاشر، ۱۴۲۲ ق، آستان قدس.



\*\*\* کل آیات طبق سوره ها تا آخر قرآن مع روایات \*\*\*

۲۴. معجم احادیث الامام المهدي (عج)، مؤسسه المعارف الاسلاميه، الجزء الخامس، الآيات المفسر.

\*\*\* تحت اشرف شيخ علي الكوراني، ۱۴۱۱ ق، ۲۶۰ آیه را جمع کرده است \*\*\*

۲۵. مهدی در قرآن، محمد عابدین زاده، بنیاد تهران.

\*\*\* ۴۰ آیه \*\*\*

۲۶. سیمای نورانی امام زمان (عج) در قرآن و نهج البلاغه، عباس کمساری.

۲۷. سیمای حضرت مهدی (عج) در قرآن، سید جواد رضوی، چاپ موعود.

و. کتابشناسی دایره المعارف ها و مجموعه مقالات مهدویت:

۱. دانشنامه ایران و اسلام، نویسندگان، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ اول، تهران، ۱۳۳۴.

۲. دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر سید مصطفی میرسلیم، دایره المعارف اسلامی، تهران، بی تا.

۳. دایره المعارف اسلام (۱۰ جلد)، نویسندگان، ایران، هلند، بریل، چاپ اول، ۱۹۹۹ م.

۴. دایره المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، تهران، چاپ اول.

۵. دایره المعارف تشیع، زیر نظر بهاءالدین خرمشاهی و دیگران، بنیاد اسلامی طاهر، تهران، ۱۳۶۶.

۶. دایره المعارف دنیای جدید اسلام آکسفورد (۴ جلد)، زیر نظر جان اسپوزیتو، دانشگاه آکسفورد، آکسفورد، ۱۹۹۵، چاپ اول.

۷. الموسوعه العربيه العالميه (۳۰ ج)، نویسندگان، مؤسسه اعمال الموسوعه العربيه العامه، ریاض ۱۹۹۹ م.

ص: ۱۷۶

۸. دایره المعارف القرن العشرين (۱۰ ج)، محمد فرید وجدی، دارالمعرفه، بیروت، چاپ ۳، بی تا.
۹. دایره المعارف الشیعیه العامه (۱۸ جلد)، محمد حسین اعلمی حائری، اعلمی، بیروت، ۱۹۹۳ م، چاپ دوم.
۱۰. کتاب دایره المعارف وهو قاموس عام لكل فن و مطلب (۱۱ جلد)، پترس بستانی، دارالمعرفه، بی تا.
۱۱. معارف و معاریف، دایره المعارف جامع اسلامی (۱۰ جلد)، سید مصطفی حسینی دشتی، آرایه، تهران، ۱۳۷۹.
۱۲. دایره المعارف آمریکانا.
۱۳. دایره المعارف بریتانیکا.
۱۴. دایره المعارف گرانددلاروس (۲۳ جلدی)
۱۵. دایره المعارف مستشرقان، عبدالرحمن بدوی، صالح طباطبایی، روزنه، تهران، ۱۳۷۷.

#### ز. معرفی نرم افزار و سایت های مهدویت

۱. نرم افزار موعود، مرکز تحقیقات رایانه ای حوزه علمیه اصفهان، تحت اشراف آیه الله مظاهری (مدظله العالی).
- موضوع: کتاب خانه تخصصی حضرت مهدی علیه السلام شامل متن ۳۱۳ جلد کتاب و ۳۱۳ مقاله و معرفی ۴۰۰۰ عنوان کتاب، مقاله و پایان نامه پیرامون حضرت مهدی (عج) و....
۲. نرم افزار رایحه عشق، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) فارس.
- موضوع: کتابخانه، مقالات، پرسمان، نوای دل، نگارخانه، لینکستان.
۳. نرم افزار عترت امام مهدی (عج)، مؤسسه تحقیقاتی امام رضا علیه السلام.
- موضوع: زندگینامه، ولادت، غیبت، مهدویت، قرآن و مهدی (عج) و کتابشناسی یک هزار جلد کتاب فارسی.

۴. لوح فشرده شامل فیلم سخنرانی، کلیپ، مداحی، مجموعه احادیث و تصاویر پیرامون مهدویت، مدرسه عقائد و کتابخانه تخصصی حضرت ولی عصر (عج).

۵. سلسله نرم افزارهای موعود، مؤسسه گنجینه معرفت.

الف. مهدویت سخنرانی مراجع و خطبا ۱۱۰ ساعت.

ب. صاحب الامر ۷۰۰ جلد کتاب فارسی و ترجمه نویسندگان معاصر پیرامون حضرت مهدی (عج).

ح. بحار الانوار مجلدات ۵۳-۵۲-۵۱ در مورد مهدویت.

د. حدیث نما - متون فارسی کتب روایی (غیبت نعمانی و شیخ طوسی، الملاحم و الفتن سید بن طاووس و...).

ه. نرم افزار الفضایل، ترجمه البیان فی اخبار المهدی آخرالزمان، خواجه کلان قندوزی و برخی دیگر از فضایل ائمه و امامت و ولایت.

و. موعود ۱.

ط. مولودی ۱-۷ و.....

۶. چهارده معصوم علیه السلام، میثاق نوین.

شامل: مطالبی پیرامون ائمه علیه السلام از جمله امام مهدی (عج).

۷. نرم افزار مرحوم صدوق رحمه الله، پدید آورنده: حدیث نما.

۸. نرم افزار دایره المعارف جامع اسلامی، پدید آورنده: دجا.

۹. کتابشناسی و چکیده کتب و منابع مهدویت، مؤسسه پارسا و مؤسسه موعود.

شامل: کتابشناسی، چکیده و تصویر کتب مهدویت.

۱۰. اینک آخرالزمان Apocalypse new، پدید آورنده: سینمای آمریکا(۱).

شامل: ۱۵۳ دقیقه فیلم ۳۵ میلی متری در مورد وقایع آخرالزمان.

۱۱. آرماگدون

۱۲. نجات بخشی

---

١- (١) آدرس: [.Miramax.Com/ appcalypsenow](http://Miramax.Com/appcalypsenow)

۱۳. جمکرانیه

۱۴. نستراد اموس

۱۵. Matireya.ory : آدرس: آله، الله علیه و آله، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، آدرس: Matireya.ory

شامل: بحث، گفتگو و پرسش و پاسخ در مورد جایگاه امام مهدی (عج)، مسیح، میتراکالکی، و تار، دجال و... در پیشگویی های حضرت محمد صلی الله علیه و آله (۱).

۱۶. almawood.Net

۱۷. movood.org

۱۸. imammahdi\_s.com

۱۹. monjee.Org

۲۰. imam almahdi.Com

۲۱. almahdi ۴۷.com

۲۲. almowood.Net

۲۳. al.mahdi.Org

۲۴. ejlas nahdi.Com

۲۵. montazar.Net

۲۶. shamsevelayat.Com

۲۷. m\_mahdi.Com

۲۸. imammahdi\_s.com

۲۹. alqaem.net

۳۰. mahdi news.Com

.rayehe. Ir ۳۱

.almontadbar. Net ۳۲

moslih. Org ۳۳

.abasaleh. Com ۳۴

ص: ۱۷۹

---

۱- (۱) . ر. ک: مؤسسه فرهنگی انتظار نور، عبدالحسین، حاجی ابوالحسنی، آدرس سایت: [www. Monjee. org](http://www.Monjee.org)

کلیه آثاری را که شرق شناسان در زمینه مهدویت انجام داده اند، ذیل پنج محور می توان گرد آوری نمود که عبارتند از:

۱. کتاب های مستقل در زمینه مهدویت
  ۲. نوشتن مقاله و پرداخت به مسأله مهدویت در بخشی از کتاب، مجله یا دایره المعارف.
  ۳. سایت ها و بلاگ های که توسط شرق شناسان و پژوهشگران غربی در زمینه مهدویت ایجاد شده است.
  ۴. فعالیت های علمی و تحقیقی بنیادها و مؤسسات پژوهشی در زمینه مهدویت.
  ۵. پایان نامه ها، رساله ها، پروژه ها و تحقیقاتی که به وسیله پژوهشگران دانشگاهی و اندیشمندان غربی در مجامع علمی غربی در زمینه مهدویت نوشته شده است (۱).
- ما در این مختصر به برخی از موارد مربوط به بند ۱ و ۲ می پردازیم.

۱. تاریخ فلسفه اسلامی، هانری کربن، اسدالله مبشر، انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم، تهران، ۱۳۶۱.

۲. العقیده والشریعه فی الاسلام، ایگناتس گلدتسیهر، محمد یوسف موسی و همکاران، دارالکتب الحدیثه، مصر، ۱۹۵۹. (۲)

۳. تاریخ شیعه و علل سقوط بنی امیه، فان فلوتن، سید مرتضی هاشمی حائری، چاپ تهران، بی جا، بی تا.

ص: ۱۸۰

---

۱- (۱) مهدویت از دیدگاه دین پژوهان غربی، سید رضی موسوی گیلانی، بنیاد فرهنگی، حضرت مهدی موعود (عج)، قم، ۱۳۸۵، چاپ اول.

۲- (۲) این کتاب به فارسی نیز ترجمه شده است. به نام: درس هایی درباره اسلام (فرقه ها)، علی نقی منزوی، بی جا، بی تا.

۴. مهدی از صدر اسلام تا قرن سیزدهم، دار مستتر، محسن جهانسوز، کتاب فروشی ادب، تهران، ۱۳۱۷.

۵. فلسفه ایرانی و فلسفه تطبیقی هانری کربن،

۶. [۱. A Year Among the Persians, by Edward G. Browne, London, ۱۸۹۳.](#)

D.S. Margolivght, Encyclopedia of religion and ethics, Edited by gomes Hasting, .۷

[۲. ۳۳۶. latest edit, edinbovgn, new yerk, ۱۹۶۴ vol ۸ p.](#)

۸. دائرة المعارف جهان نوین اسلام (عنوان: مهدی)، رابرت اس. کرام، بهروز جندقی، مجله انتظار بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، قم، سال چهارم، شماره یازدهم و دوازدهم (بهار و تابستان ۱۳۸۳)، ص ۱۹۹.

۹. دائرة المعارف اسلام چاپ کمبریج (ذیل کلمه مهدی)، دبلیو مادلاتگ، بهروز جندقی، مجله انتظار، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، قم، سال سوم، شماره دهم (زمستان ۱۳۸۲، ص ۱۲۹-۱۲۵).

۱۰. سه سال در ایران، کنت دو گوینو، ذبیح الله منصوری، انتشارات فرخی، تهران، بی تا.

۱۱. مذهب و سیاست در مسیحیت و اسلام، همیلتون گیب، مهدی قائنی، دارالفکر، قم، ۱۳۵۱.

۱۲. درآمدی بر اسلام، آند ماری شیمل، عبدالرحیم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۵.

ص: ۱۸۱

---

۱- (۱) این کتاب از ادوارد براون به نام «یک سال در میان ایرانیان» است که به جریان دیدار او از شهرها و گفتگوهایش با رهبران مذهبی هم چون زرتشتی، اسلامی و از جمله فرقه بابی می پردازد که به صورت سفرنامه نوشته شده است. ر. ک: مهدویت از دیدگاه دین پژوهان غربی، سید رضی موسوی گیلانی.

۲- (۲) مقاله ای به نام «مهدی» در دائرة المعارف دین و اخلاق (ویراسته جیمز هاستینگ) اگر مار گولیوٹ، ر. ک: مهدویت از دیدگاه دین پژوهان غربی، سید رضی موسوی گیلانی.









## در قرآن چه تعداد آیات در مورد مهدویت وجود دارد؟

پاسخ اجمالی:

در قرآن کریم ۳۲۴ آیه وجود دارد که بر اساس احادیث پیامبر و اهل بیت با مهدویت مرتبط است و در این مورد کتاب‌ها و مقالات مستقل و غیر مستقل زیادی نگارش یافته است. البته دلالت این آیات و اعتبار روایات ذیل آن‌ها یکسان نیست. بلکه احادیثی که ذیل این آیات نقل شده گاهی به تفسیر آیات و گاهی به تأویل و بطن و گاهی به تطبیق (جری) آیات اشاره دارد. همان طور که این آیات و روایات به موضوعات سیاسی، اقتصادی، نظامی و تاریخی مهدویت اشاره دارد.

پاسخ تفصیلی:

آینده روشن بشریت در پرتو منجی آخرالزمان از موضوعاتی است که در ادیان الهی مطرح بوده است (۱).

و در اسلام نیز مسأله مهدویت در روایات شیعه و سنی آمده است (۲) و حتی در برخی روایات نام و مشخصات مهدی آل محمد علیهم السلام آمده است (۳). البته در قرآن کریم به صورت صریح نام «مهدی» (= محمد بن الحسن علیه السلام) نیامده است بلکه نام هیچ کدام از امامان علیهم السلام بیان نشده است. البته حکمت‌هایی برای این مطلب گفته شده از جمله اینکه اولاً قرآن در صدد نام بردن از صحابیان و بستگان پیامبر صلی الله علیه و آله نبوده است مگر در موارد استثنائی مثل داستان زید (۴) و ابولهب (۵) که برای بیان مطلبی (همچون حکم ازدواج زید

ص: ۱۸۵

---

۱- (۱) ر. ک: کتاب مقدس، مزامیر، زممور ۳۷، ش ۹-۱۸ و زممور ۹۶، ش ۱۰-۱۳ و نیز ملحقات عهد جدید، نامه دوم به پولوس، باب سوم و نیز در کتاب مقدس هندوها اوپانیشادها، ص ۷۳۷ و نیز در زرتشتی‌ها کتاب جاماسب نامه ۱۲۱.

۲- (۲) ر. ک: بحارالانوار، مجلسی، ج ۱۳.

۳- (۳) ر. ک: منتخب الاثر، صافی گلپایگانی.

۴- (۴) احزاب / ۳۷.

۵- (۵) مسد / ۱.

و نفرین بر ابولهب) نام آنها ضرورت داشته است. از این رو در موارد متعددی، مطالب مربوط به زنان پیامبر و منافقان مشهور در قرآن آمده است ولی نامی از آنها برده نشده است(۱). و ثانیاً نام بردن افراد، موجب انگیزش حب و بغض های متعدد و زمینه ساز تحریف قرآن می شود. و ثالثاً در برخی احادیث از امام صادق علیه السلام در مورد نام علی و اهل بیت علیهم السلام که در قرآن نیامده است پرسش شد و ایشان به نماز اشاره کردند که حکم آن در قرآن نازل شده ولی از سه یا چهار رکعت بودن آن نامی به میان نیامده است تا خود رسول خدا این قسمت را برای آنان تفسیر شده کند(۲). ولی در احادیث و تفاسیر سیصد و بیست و چهار آیه مرتبط با وجود مقدس امام عصر علیه السلام شمرده شده است(۳) که دلالت های آنها یکسان نیست بلکه گاهی تفسیر، تأویل، تطبیق (جری) و... است و اعتبار احادیث تفسیری آنها نیز یکسان نیست. در این نوشتار بر آنیم که این آیات را بیان و دسته بندی و شیوه های برداشت از آنها را بررسی کنیم.

البته در این راستا به روایات ذیل آیات نیز اشاره می شود و بعد از بیان فهرست کلی آیات، برخی از مهم ترین آیات را در هر دسته بررسی می کنیم.

در این نوشتار بر آنیم که این آیات را بیان و دسته بندی و شیوه های برداشت از آنها را بررسی کنیم. البته در این راستا به روایات ذیل آیات نیز اشاره می شود و بعد از بیان فهرست کلی آیات، برخی از مهم ترین آیات را در هر دسته بررسی می کنیم.

ص: ۱۸۶

---

۱- (۱) نک: سوره تحریم، سوره منافقین، و...

۲- (۲) وافی، ج ۲، باب ۳۰، (ما نص الله ورسوله علیهم).

۳- (۳) ر. ک: ادامه همین نوشتار.

در این نوشتار چند واژه اساسی وجود دارد که لازم است توضیح داده شود:

۱. قرآن: مقصود کتاب آسمانی مسلمانان است که شامل ۶۲۰۰ آیه دارد و به صورت متواتر از پیامبر صلی الله علیه و آله به دست ما رسیده و تحریف نشده است و غالباً در عصر کنونی با قرائت حفص از عاصم منتشر می شود.

۲. مهدویت: مقصود اعتقاد به منجی است که در آخرالزمان ظهور می کند و بشریت را نجات می دهد و در ادیان الهی و اسلام مطرح شده است در شیعه با نام محمد بن الحسن علیه السلام و لقب هایی مثل «مهدی آل محمد علیهم السلام» به عنوان دوازدهمین امام معصوم علیه السلام مشخص گردیده است.

۳. تفسیر: دراصل به معنای کشف و پرده برداری است و در اینجا به کشف معانی کلمات و جمله های قرآن و توضیح مقاصد و اهداف آنهاست، به عبارت دیگر تبیین مراد استعمالی آیات قرآن و آشکار کردن مراد جدی آن بر اساس قواعد ادبیات عرب و اصول عقلانی محاوره است(۱).

۴. تأویل: در اصل به معنای بازگشت دادن است و گاهی به معنای توجیه متشابهات، و معنای خلاف ظاهر لفظ است که به وسیله قرینه حاصل می شود(۲). همانطور که گاهی به معنای باطن نیز می آید(۳).

ص: ۱۸۷

۱- (۱) در مورد تفسیر معانی لغوی و اصطلاحی متعددی بیان شده است. در اینجا سخن لغویین و برخی ارباب تفسیر و صاحب نظران بیان شد. نک: راغب اصفهانی، مفردات؛ طباطبائی، المیزان، ج ۱، ص ۴؛ سیوطی، الاتقان، ج ۲، ص ۱۹۲؛ طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۳؛ نگارنده منطق تفسیر قرآن، ص ۲۳ و درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، ص ۳۵-۳۹ و روش شناسی تفسیر قرآن بابایی و دیگران.

۲- (۲) برای واژه تأویل بیش از ده معنای استعمالی بیان شده است که در اینجا دو معنایی که در متن مقصود ماست بیان شد. نک: مفردات، راغب اصفهانی، ماده اول، مجمع البیان، ج ۳، ص ۱۳، الاتقان فی علوم القرآن، سیوطی، ج ۲، ص ۱۹۲، التفسیر والمفسرون، دکتر ذهبی، ج ۱، ص ۱۳، التمهید فی علوم القرآن، محمد هادی معرفت، ج ۳، ص ۲۸.

۳- (۳) التمهید فی علوم القرآن، محمد هادی معرفت، ج ۳، ص ۲۸ و التفسیر والمفسرون، همو، ج ۱، ص ۲۱.

۵. بطن: در اصل به معنای پوشیده و غیرظاهر است، و در اینجا مقصود معنایی از قرآن است که از ظاهر کلام بدست نمی آید. و گاهی در احادیث بیان شده است (۱) و برخی صاحب نظران آن را به معنای قاعده کلی، برگرفته از آیه می دانند که به وسیله الغای خصوصیت بدست می آید. (۲) و (۳)

۶. تطبیق (جری): در اصل به معنای انطباق یک مفهوم عام و کلی بر فرد خاص و جزئی است، مثل وقتی که «انسان» را بر «علی» اطلاق و تطبیق می کنیم. از این شیوه در روایات تفسیری استفاده شده (ادامه همین مقاله) و در برخی احادیث نیز بدان اشاره شده است (۴) و گاهی از آن با عنوان قاعده «جری و تطبیق» یاد می شود (۵).

۷. واژه «نزلت»: در اصل به معنای نزول آیات قرآن در مورد حادثه یا واقعه خاص است و اغلب در مورد شأن نزول های قرآن به کار می رود. هر چند که گاهی در مورد قصه های گذشته و بیان حکم و تکلیف شرعی دائمی نیز می آید (۶).

اما در احادیث تفسیری مهدویت در چند معنا به کار می رود: الف: گاهی به معنای تطبیق یک آیه خاص بر غیر شأن نزول آن به کار می رود، یعنی در حدیث، آیه ای را بر یکی از مسائل مهدویت تطبیق می کند و از تعبیر «نزلت» استفاده می کند.

مثال: آیه (أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ

ص: ۱۸۸

- 
- ۱- (۱) بحارالانوار، مجلسی، ج ۹۲، ص ۹۷.
  - ۲- (۲) معرفت، محمد هادی، التفسیر الاثری الجامع، ج ۱، ص ۳۰ و التفسیر والمفسرون، همو، ج ۱، ص ۲۱.
  - ۳- (۳) البته برای واژه «بطن» معانی دیگر نیز بیان شده است ولی ما در اینجا معنایی را بیان کردیم که در متن مقصود ماست. نک: المیزان، ج ۳، ص ۴۴-۶۵، و شاکر، محمد کاظم، مبانی و روشهای تفسیری، مبحث بطن و منطق تفسیر قرآن (۱) مبحث بطن، از نگارنده.
  - ۴- (۴) عن الباقر علیه السلام: ظهره تنزیه و بطنه تاویله منه ما قد مضی ومنه ما لم یکن یجری کما یجری الشمس والقمر» (بحارالانوار، مجلسی، ج ۹۲، ص ۹۷).
  - ۵- (۵) طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ج ۱، ص ۴۱.
  - ۶- (۶) ر. ک: التمهید فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۵۴ و البرهان، ج ۱، ص ۳۱ و ۳۲.

الْأَرْضِ أَلَيْسَ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَدَّكُرُونَ)؛ «بلکه آیا (معبودان شما بهترند یا) کسی که در مانده را، به هنگامی که او را می خواند، اجابت می کند و (گرفتاری) بد را بر طرف می سازد و شما را جانشینان (خود یا گذشتگان در) زمین قرار می دهد؟! آیا معبودی با خداست؟! چه اندک متذکر می شوید» (نمل / ۶۲).

در حدیثی از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمودند: «نزلت فی القائم...»<sup>(۱)</sup> در حالی که آیه فوق مطلق است و شامل هر فرد مضطر می شود ولی در روایت بر یکی از مصادیق کامل یا مصداق اکمل آن تطبیق شده است.

ب: گاهی تعبیر نزلت به معنای تأویل و بطن آیه به کار می رود.

مثال: آیه (قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ)؛ «بگو: آیا به نظر شما، اگر آب (سرزمین) شما [در زمین] فرو رود، پس چه کسی آب روانی برای شما می آورد؟!».

در حدیثی از امام باقر علیه السلام حکایت شده که فرمودند: «هذه نزلت فی القائم یقول: ان اصبح امامکم غائباً لا تدرن این هو فممن یاتیکم بامام ظاهر یاتیکم باخبار السماء والارض وحلال الله وحرامه؟ ثم قال علیه السلام: والله ما جاء تأویل هذه الآیه ولا بد ان یجئ تأویلها»<sup>(۲)</sup>. در حالی که ذیل حدیث سخن از تأویل (و بطن) آیه می گوید اما در صدر حدیث تعبیر «نزلت» به کار رفته است. پس مقصود از نزول در اینجا بیان بطن و تأویل آیه فوق است<sup>(۳)</sup>.

ج: واژه «نزلت» گاهی هم به معنای تفسیر آیه می آید همان طور که در مورد آیه ۵۵ / نور (وَعَبَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسِّرَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ)؛ «خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و [کارهای] شایسته انجام داده اند، وعده داده است که قطعاً آنان را در زمین جانشین خواهد کرد»، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند: «نزلت فی القائم واصحابه»<sup>(۴)</sup>.

ص: ۱۸۹

۱- (۱) غیبه نعمانی، ص ۳۲۸ و بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۹.

۲- (۲) کمال الدین، ج ۱، ص ۳۲۵ و غیبه طوسی، ص ۱۵۸ و بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۲.

۳- (۳) در مورد بطن و تأویل آیات مهدویت در ادامه مقاله مطالبی بیان خواهد شد.

۴- (۴) غیبه نعمانی، ص ۲۴۷.



که با توجه به عدم تحقق این آیه تاکنون تنها تفسیر آیه مربوط به امام عصر علیه السلام و یاران ایشان است.

پیشینه:

در مورد آیات مهدویت در قرآن نخست در منابع تفسیری و حدیثی شیعه و اهل سنت مطالبی آمده است از جمله از تفاسیر اهل سنت تفسیر قرآن کریم ابن کثیر (۱) (۷۷۴ق) و از شیعه تفسیر مجمع البیان، طبرسی (۵۴۸ق) و تفسیر عیاشی (۳۲۰ق) و تفسیر نور الثقلین عروس حویزی (۱۱۱۲ق) و تفسیر البرهان محدث بحرانی (۱۱۰۷ق) و تفسیر صافی فیض کاشانی (۱۰۹۱ق) و تفسیر المیزان علامه محمد حسین طباطبایی (۱۴۰۲ق) و تفسیر نمونه، ناصر مکارم (معاصر) و تفسیر قرآن مهر، محمد علی رضایی اصفهانی و... جلد سیزدهم بحار الانوار علامه مجلسی (م ۱۱۱۱ق) و... مطالبی بیان شده است سپس کتاب ها و مقالات مستقل متعدد در این مورد نگارش یافته است از جمله:

۱. المحججه فیما نزل فی القائم الحجه، سید هاشم بحرانی (۱۱۰۷ق)، ترجمه / سیمای حضرت مهدی (عج) در قرآن، مهدی حائری قزوینی، تهران، ۱۳۷۴، آفاق.

۱۲۰ آیه را به ترتیب نزول جمع کرده و روایات آنها.

۲. معجم احادیث الامام المهدی (عج)، موسسه المعارف الاسلامیه، الجزء السابع، الآیات المفسر.

تحت اشراف شیخ علی الکورانی، ۱۴۱۱ق، جامع ترین کتاب در این زمینه است که بیش از ۳۰۰ آیه را جمع کرده ولی آیه ۱۸ سوره محمد علیه السلام را ذکر نکرده است.

ص: ۱۹۰

---

۱- (۱) ر. ک: تفسیر قرآن کریم، ج ۲، ص ۶۱۵ و...

۳. موسوعه المصطفی والعترة (۱۶) المهدی المنتظر، حسین شاکری، نشر الهادی، ۱۴۲۰.

۴. سیمای امام زمان (عج) در آئینه قرآن، علی اکبر مهدی پور.

۵. الامام المهدی فی القرآن والسنة، سعید ابومعاشر، ۱۴۲۲ ق، آستان قدس.

آیات مهدویت را طبق سوره ها تا آخر قرآن با روایات آورده است.

۶. امام مهدی از دیدگاه قرآن و عترت و علائم بعد از ظهور، محمد باقر مجلسی (۱۰۳۷)، قم، قلم، ترجمه علی دوانی. (گزیده کتاب مهدی موعود (جلد ۱۳ بحار) است)

۷. المهدی فی القرآن (موعود قرآن)، سید صادق حسینی شیرازی، موسسه امام مهدی (عج)، تهران، ۱۳۶۰ ه. فارسی و عربی.

۱۹۰ آیه در مورد امام عصر (عج) از منابع اهل سنت

۸. حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) از دیدگاه قرآن و عترت، محمود شریعت زاده خراسانی، ۱۳۷۹، فارسی، دارالصادقین.

مجموعه آیات قرآن درباره مهدی (عج) با روایات آمده است

۹. ملاحم القرآن، ابراهیم انصاری زنجانی، ۱۴۰۰ ق، عربی، چاپ مولف.

پیش گویی هایی قرآن در مورد نشانه های ظهور و روایات...

۱۰. طریق الی المهدی (عج) المنتظر، سید ایوب، بیروت/الغدیر، ۱۹۹۸ م، عربی.

آینده و ظهور مهدی و اخبار غیبی قرآن در این مورد

۱۱. سوره و العصر، حضر امام زمان (عج) است، عباس راسخی نجفی، قیام قم / ۱۳۷۲ فارسی.

۱۲. المهدی الموعود فی القرآن الکریم، محمد حسین رضوی، دارالهادی، ۲۰۰۱ عربی.

۱۳. مصلح مقتدر الهی کیست؟، سید علی اکبر شعفی، ۱۳۴۲، اصفهان.

۱۴. پور پنهان در افق قرآن حضرت مهدی (عج)، جعفر شیخ الاسلامی، تهران، یکان، ۱۳۷۸ ش.

۱۵. غریب غیب در قرآن، محمد حسین صفا خواه، تهران، آمه.

۱۶. اثبات مهدویت از دیدگاه قرآن، علی صفئی کاشانی، ۱۳۷۶، تهران، مفید.

۱۷. القرآن يتحدث عن الامام المهدي (عج)، مهدی حسن علاء الدین، دارالاسلامیه، بیروت.

۱۸. ثوره المواظین للمهدی (عج)، مهدی حمد فتلاوی، ۱۹۹۳ م، دارالبلاغه، بیروت.

بشارت های قرآنی و نبوی در مورد انقلاب مهدی (عج)

۱۹. مهدی (عج) در قرآن، رضا فیروز، ۱۳۷۸، تمعرآن، رایحه.

۲۰. مهدویت از نظر قرآن و عترت، خیرالله مردانی، تهران، آیین جعفری، ۱۴۰۱.

۲۱. چهل حدیث در پرتو چهل آیه در فضایل حضرت ولی عصر (عج)، مسجد جمکران، تهران، وزارت ارشاد، ۱۳۷۸.

چهل آیه و روایات مربوطه

۲۲. سیمای مهدویت در قرآن، محمد جواد مولوی نیا، قم، امام عصر (عج)، ۱۳۸۱.

۲۳. الايات الباهره فی بقیه العتره الطاهره او تفسیر آیات القرآن فی المهدی صاحب الزمان (عج)، تهران، بعثت، ۱۴۰۲ ق، سید داود میر صابری.

۲۴. مهدی در قرآن، محمد عابدین زاده، بنیاد تهران.

۴۰ آیه

۲۵. سیمای نورانی امام زمان (عج) در قرآن و نهج البلاغه، عباس کمساری.

۲۶. سیمای حضرت مهدی (عج) در قرآن، سید جواد رضوی، چاپ موعود.

۲۷. جلد ۱۳ بحارالانوار، علامه مجلسی (م ۱۱۱۱ ق) که به فارسی نیز ترجمه

ص: ۱۹۲

شده، و بسیاری از آیات و روایات مهدویت را جمع آوری کرده است.

فهرست اجمالی آیات مهدویت:

در مجامع حدیثی ۳۲۴ آیه قرآن با احادیث مربوط ذکر شده که مرتبط با مهدویت است، البته دلالت و پیوند این آیات با مباحث مهدویت یکسان نیست گاهی تفسیر آیه در مورد امام عصر علیه السلام است و گاهی تأویل و بطن و گاهی آیه بر آن حضرت تطبیق (جری) شده و گاهی به نوعی ارتباط بین مباحث مهدویت و آیه برقرار شده است (۱).

لازم به یادآوری است که ارزش این روایات نیز از نظر سندی و دلالتی یکسان نیست در این جا فارغ از این مباحث لیست آیاتی که در احادیث مرتبط با مهدویت معرفی شده بدین قرار است:

سوره حمد - بقره / ۳ و ۳۷ و ۱۱۴ و ۱۱۵ و ۱۳۳ و ۱۴۸ و ۱۵۵ و ۱۵۷ و ۲۱۰ و ۲۴۳ و ۲۴۹ و ۲۵۹ و ۲۶۱ و ۲۶۹ و آل عمران / ۳۷ و ۴۶ و ۸۱ و ۸۳ و ۹۷ و ۱۲۵ و ۱۴۰ و ۱۴۲ و ۱۴۴ و ۲۰۰ - نساء / ۵۹ و ۶۹ و ۷۷ و ۱۳۰ و ۱۵۹ - مائده / ۳ و ۱۲ و ۱۴ و ۲۰ و ۵۴ و ۱۱۸ - انعام / ۲ و ۳۷ و ۴۴ و ۴۵ و ۶۵ و ۱۵۸ - اعراف / ۴۶ و ۵۳ و ۷۱ و ۹۶ و ۱۲۸ و ۱۵۶ و ۱۵۷ و ۱۵۹ و ۱۷۲ و ۱۸۱ و ۱۸۷ - انفال / ۷ و ۸ و ۳۹ و ۷۵ - توبه / ۳ و ۱۶ و ۳۲ و ۳۳ و ۳۴ و ۳۶ و ۵۲ و ۱۱۱ و ۱۱۹ - یونس / ۲۴ و ۳۵ و ۳۹ و ۵۰ و ۹۸ - هود / ۸ و ۱۸ و ۸۰ و ۸۳ و ۸۶ و ۱۱۰ - یوسف / ۱۱۰ - رعد / ۷ و ۱۳ و ۲۹ - ابراهیم / ۵ و ۲۸ و ۴۵ و ۴۶ - حجر / ۱۶ و ۱۷ و ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ و ۷۵ و ۷۶ - نحل / ۱ و ۲۲ و ۳۳ و ۳۴ و ۳۸ و ۳۹ و ۴۰ - اسراء / ۵ و ۶ و ۷ و ۳۳ و ۷۱ و ۷۲ - کهف / ۴۷ و ۹۸ - مریم / ۳۷ و ۵۴ و ۷۵ و ۷۶ - طه / ۱۱۵ و ۱۲۳ و ۱۲۴ و ۱۳۵ - انبیاء / ۱۲ و ۱۳ و ۳۵ و ۷۳ و ۹۵ و ۱۰۵ - حج / ۳۹ و ۴۱ و ۴۷ و ۶۵ - مؤمنون / ۱ و ۱۰۱ - نور / ۳۵ و ۵۳ و ۵۵ - فرقان / ۱۱ و ۲۶ و ۵۴ و ۶۳-۷۶ - شعراء / ۴ و ۲۱ و ۲۰۷ - روم / ۱-۵ - لقمان / ۲۰ - سجده / ۲۱ و ۲۹ و ۳۰ - احزاب / ۱۱

ص: ۱۹۳

و ۶۱ و ۶۲ - سبأ / ۱۸ و ۲۸ و ۵۱ - فاطر / ۴۱ - یس / ۳۰ و ۳۳ و ۵۲ - صافات / ۸۳ و ۸۴ - ص / ۱۷ - زمر / ۶۹ - غافر / ۱۱ و ۵۱ - فصلت / ۳۰ و ۳۴ و ۵۳ - شوری / ۱ و ۲ و ۱۸ و ۲۰ و ۲۳ و ۲۴ و ۴۱ و ۴۲ و ۴۵ - زخرف / ۲۸ و ۶۱ و ۶۶ - دخان / ۳ و ۴ - محمد / ۴ و ۱۷ و ۱۸ - فتح / ۲۵ - ق / ۴۱ و ۴۲ - ذاریات / ۲۲ - طور / ۱-۲ و ۳ و ۴۷ - نجم / ۵۳ - قمر / ۱ و ۶ - الرحمن / ۴۱ - واقعه / ۱۰ و ۱۱ - حدید / ۱۶ و ۱۷ و ۱۹ - صف / ۸ و ۹ - تغابن / ۱۲ - ملک / ۳۰ - قلم / ۱۵ - معارج / ۱ و ۲ و ۴۴ - جن / ۱۶ و ۲۴ - مدثر / ۱ و ۲ و ۴ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱-۱۶ - و ۱۹ و ۲۰ و ۴۰ و ۴۸ - نازعات / ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ - عبس / ۱۷ و ۲۳ - تکویر / ۱۵ و ۱۶ - انشقاق / ۱۹ - بروج / ۱ - طارق / ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ - غاشیه / ۱-۴ - فجر / ۱-۴ - شمس / ۱-۱۵ - لیل / ۱-۲۱ - قدری / ۱-۵ - بینه / ۵ - تکاثری / ۳ و ۴ و ۸ - عصر / ۱-۳ (۱).

تذکر مهم: در برخی مجامع روایی و تفاسیر قرآن برخی دیگر از آیات قرآن را مربوط به مباحث مهدویت ذکر کرده اند ولی با بررسی های به عمل آمده روشن شد که برخی از این موارد از معصومان علیه السلام نقل نشده است یا نسبت دادن آن ها به معصومان علیه السلام مشکوک است.

برای مثال ذیل حج / ۶۰ (۲) و صف / ۱۳ (۳) تفسیر قمی آیات را مربوط به مهدویت دانسته است در حالی که ظاهراً تعبیر از صاحب تفسیر است و در یونس / ۵۰ (۴) از ابو الجارود نقل شده که معتبر نیست یا در طه / ۱۱۰-۱۱۳ (۵) و عنکبوت / ۱۰ (۶) و جن / ۲۶ (۷) با تعبیر «قال» نقل شده و استناد آن به معصوم

ص: ۱۹۴

- 
- ۱- (۱) ر. ک: معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، الجزء السابع، تالیف هیئته العلمیه فی موسسه المعارف الاسلامیه و کتب تفسیر روایی مثل البرهان، نورالثقلین، صافی و نمونه و...
  - ۲- (۲) همان، ج ۲، ص ۸۷ و معجم احادیث المهدی، الجزء السابع، ص ۳۸۳.
  - ۳- (۳) همان، ج ۲، ص ۳۶۶ و همان، ص ۶۰۳.
  - ۴- (۴) همان، ج ۱، ص ۳۱۲ و همان، ص ۲۴۶.
  - ۵- (۵) تفسیر قمی، ج ۲، ص ۶۵ و همان، ص ۳۵۰.
  - ۶- (۶) همان، ج ۲، ص ۱۴۹ و معجم احادیث المهدی، الجزء السابع، ص ۴۶۷.
  - ۷- (۷) همان، ج ۲، ص ۳۹۱ و همان، ص ۶۱۹.

روشن نیست و در کتب معجم الاحادیث المهدی، آنها را در ردیف آیات مفسر ذکر کرده است. و نیز برخی روایات مهدویت از ابن عباس نقل شده است مثلاً- در مورد آیه ۵۹، نمل از ابن عباس حکایت شده که اهل بیت علیهم السلام صفوه الله هستند(۱). و عجیب تر آن که برخی موارد از کعب الاحبار نقل شده است که از ناقلان اسرائیلیات بوده و روایات او نزد شیعه و سنی بی اعتبار است.

برای مثال ذیل آیه ۵۵ سوره آل عمران و ذیل آیه ۴۷ سوره حج آیات مذکور را با روایتی از کعب الاحبار نقل کرده در حالی که به پیامبر صلی الله علیه و آله نیز نسبت داده نشده است روشن است که نقل این اخبار ضعیف و مرسل موجب وهن آیات مهدویت می گردد از این رو ما این آیات را در لیست آیات مهدویت ذکر نکردیم.

#### تقسیم بندی آیات مهدویت

آیات مهدویت از منظرهای مختلف قابل تقسیم بندی است، می توان این آیات را از منظر روشن شناختی و از منظر موضوعی و از منظر تاریخی و... دسته بندی کرد. اما در این نوشتار به روش شناسی فهم آیات با توجه به روایات تفسیری پرداخته می شود. یعنی از دیدگاه روش ها و قواعد تفسیری به این آیات و روایات نظر می شود.

در مبحث مبانی، قواعد و روش های فهم و تفسیر قرآن تقسیم های مختلفی صورت گرفته است(۲) که بر اساس آنها می توان روایات تفسیری را تقسیم بندی کرد. از جمله اینکه یک دسته از روایات تفسیری، مصادیق آیه را بیان می کند و دسته دیگر تأویل و بطن و دسته دیگر تفسیر آیه را روشن می سازد. این تقسیم بندی ها در روایات تفسیری آیات مهدویت نیز جاری است.

ص: ۱۹۵

۱- (۱) مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۸۰ و معجم احادیث الامام المهدی، ص ۴۳۵.

۲- (۲) ر. ک: منطق تفسیر قرآن (۲) مبانی و روش های تفسیر قرآن، از نگارنده.

برخی احادیث تفسیری که ذیل آیات مهدویت نقل شده است به توضیح مفاهیم و مقاصد آیات می پردازد. یعنی به نوعی تفسیر اصطلاحی آیه را بیان می کند. که در اینجا به برخی از مهم ترین این آیات اشاره می کنیم.

مثال ها:

۱. آیات اظهار (تسلط دین اسلام بر ادیان الهی):

یعنی آیاتی که تسلط نهایی دین اسلام بر ادیان الهی را نوید می دهد ولی هنوز تحقق نیافته است و تنها تفسیر آن در مورد مهدویت صادق است. این آیات با تعبیر مشابه در چند سوره تکرار شده است.

(هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ) ؛ «او کسی است که فرستاده اش را با هدایت و دین حق فرستاد، تا آن را بر همه دین [ها] پیروز گرداند؛ و گر چه مشرکان ناخشنود باشند». (برائت / ۳۳)

(هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً) ؛ «او کسی است که فرستاده اش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه دین [ها] پیروز گرداند و گواهی خدا کافی است». (فتح / ۲۸)

(هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ) ؛ «او کسی است که فرستاده اش را با هدایت و دین حق فرستاد، تا آن را بر همه ی دین [ها] پیروز گرداند، و گر چه مشرکان ناخشنود باشند». (صف / ۹)

از امام صادق علیه السلام نقل شده که در مورد آیه فوق فرمودند: «اذا خرج القائم لم يبق مشرك بالله العظيم و لا كافر الا كره خروجه لو كان في بطن صخره لقات الصخره يا مؤمن في مشرك فاكسرنى واقتله»<sup>(۱)</sup>.

ص: ۱۹۶

هنگامی که امام زمان علیه السلام قیام کنند هیچ مشرک به خدای بزرگ و کافری نمی ماند مگر آنکه از قیام امام زمان علیه السلام ناراحت است. و اگر بر فرض آنان در دل سنگی مخفی شوند آن سنگ ندا می دهد که ای مؤمنان مشرکی اینجاست مرا بشکنید و او را بکشید». در برخی احادیث دیگر از امام صادق علیه السلام حکایت شده که در مورد آیه فوق فرمودند: «والله ما نزل تأويلها بعد، قلت: جعلت فداك و متى ينزل تأويلها؟ قال: حين يقوم القائم ان شاء الله...»<sup>(۱)</sup>.

به خدا سوگند که تفسیر این آیه هنوز نیامده است.

پرسیدم: فدایت شوم چه موقع تفسیر آیه تحقق می یابد.

فرمود: هنگامی که قائم ما قیام کند ان شاء الله.

البته روشن است که واژه «تأویل» در روایت اخیر به معنای تفسیر است. همان طور که این مطلب واضح است که مفاد آیات فوق در مورد پیروزی نهایی دین اسلام بر تمام ادیان از صدر اسلام تا کنون تحقق نیافته است. پس مقصود آیه زمان امام عصر علیه السلام است که به دست او دین اسلام بر همه ادیان پیروز می شود. البته مشابه روایات فوق از اهل سنت نیز حکایت شده است از این رو برخی مفسران اهل سنت تحقق آیه را در هنگام خروج مهدی دانسته اند<sup>(۲)</sup>.

۲. آیه رفع فتنه از جهان:

(وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ)؛ «و با آن (کافر) ان پیکار کنید، تا آشوبگری باقی نماند، و دین یک سره از آن خدا باشد؛ و اگر آنان (به کفر) پایان دادند، پس در واقع خدا به آنچه انجام می دهند، بیناست». (انفال / ۳۹)

ص: ۱۹۷

۱- (۱) تأویل ما نزل من القرآن الکریم، ۳-۳۸۲، ج ۴۳۴.

۲- (۲) قال السدی: وذلك عند خروج المهدي (الكشف والبيان، ج ۵، ص ۳۶ و التفسير الكبير، ج ۱۶، ص ۴۰ و تفسير ابن ابي حاتم، ج ۱، ص ۲۱۱ و تفسير قرطبي، ج ۸، ص ۱۲۱ و تفسير ثعلبي، ج ۵، ص ۳۰۵) و مشابه این روایت از ابی سعید الخدری از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است. (کشف الاسرار و عده الابرار، میبدی، ج ۴، ص ۱۱۹).



از امام صادق علیه السلام در مورد آیه فوق پرسش شد و حضرت فرمودند:

«أَنَّهُ لَمْ يَجِءْ تَأْوِيلَ هَذِهِ الْآيَةِ وَلَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا بَعْدَهُ سِيرَى مَنْ يَدْرِكُهُ مَا يَكُونُ مِنْ تَأْوِيلِ هَذِهِ الْآيَةِ وَلِيَبْلُغَنَّ دِينَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا بَلَغَ اللَّيْلُ، حَتَّى لَا يَكُونَ شَرَكٌ عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ كَمَا قَالَ اللَّهُ» (۱).

در حقیقت تفسیر این آیه هنوز نیامده است و اگر قائم ما قیام کند بعد از آن است که هر کس او را درک کند تفسیر این آیه واقع می شود و دین محمد صلی الله علیه و آله به نهایت می رسد تا اینکه شرک بر روی زمین نخواهد بود همان طور که خدا فرموده است. «البته در این روایت نیز واژه «تأویل» به معنای تفسیر است و روشن است که از صدر اسلام تاکنون فتنه ها کم و بیش وجود داشته و دارد و دین اسلام بر جهان مسلط نشده است و این مطلب که تفسیر آیه است در زمان امام عصر علیه السلام تحقق می یابد.

آلوسی از مفسران بزرگ اهل سنت نیز ذیل آیه فوق اشاره می کند که تأویل این آیه هنوز محقق نشده است و در هنگام ظهور مهدی تأویل آن خواهد آمد که بر روی زمین هیچ مشرکی نماند (۲).

۳. وعده حکومت بندگان صالح و مؤمنان نیکوکار بر زمین:

(وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ)؛ «و به یقین، در زبور بعد از آگاه کننده (= تورات) نوشتیم که «بندگان شایسته ام، آن زمین را به ارث خواهند برد». (انبیاء / ۱۰۵)

از امام باقر علیه السلام حکایت شده که فرمودند: «الكتب كلها ذكر وان الارض يرثها عبادي الصالحون قال: القائم عليه السلام واصحابه» (۳). همه کتاب های آسمانی مصداق ذکر هستند و مقصود از آیه فوق امام عصر علیه السلام و یاران آن حضرت هستند.

ص: ۱۹۸

۱- (۱) تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۵۶، ح ۴۸ و مجمع البیان، ج ۳، ص ۵۴۳.

۲- (۲) تفسیر روح المعانی، ج ۹، ص ۱۷۴.

۳- (۳) مجمع البیان، ج ۴، ص ۶۶ و منهج الصادقین، ج ۶، ص ۱۲۵ و منتخب الاثر، ص ۱۵۹ و البحار، ج ۹، ص ۱۲۶.

آلوسی که از مفسران بزرگ اهل سنت است بعد از ذکر اقوال در مورد آیه فوق به این نتیجه می رسد که وراثت زمین و لوازم آن برای صالحان در مورد مؤمنان است و در عصر مهدی و نزول عیسی (۱). البته این وعده الهی در زبور داود در کتاب مقدس فعلی نیز آمده است. «زیرا که شریران منقطع می شوند و اما متوکلان به خداوند، و ارث زمین خواهند شد» (۲) و در جای دیگر آمده است «صالان وارث زمین خواهند بود...» (۳).

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا)؛ «خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و [کارهای] شایسته انجام داده اند، وعده داده است که قطعاً آنان را در زمین جانشین خواهد کرد، همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند، جانشین کرد؛ و مسلماً، دینشان را که برای آنان پسندیده است، به نفعشان مستقر خواهد کرد؛ و البته بعد از ترسشان (وضعیت) آنان را به آرامش مبدل می کند، در حالی که مرا می پرستند [و] هیچ چیز را شریک من نخواهند ساخت». (نور / ۵۵) از امام صادق علیه السلام حکایت شده که در مورد آیه فوق فرمود: «نزلت فی القائم و اصحابه» (۴).

این آیه در مورد امام عصر علیه السلام و یاران او آمده است. البته مقصود از نزول در اینگونه احادیث همان تفسیر آیه است و نه شأن نزول اصطلاحی آیه.

از اهل سنت ابن کثیر در ذیل آیه فوق با ذکر روایتی که تعداد سرپرستان امت را دوازده نفر معرفی می کند یکی از این خلفای عادل را مهدی موعود معرفی می کند که جهان را پر از عدل خواهد کرد (۵).

ص: ۱۹۹

۱- (۱) روح المعانی، ج ۱۷، ص ۹۵.

۲- (۲) کتاب مقدس، عهد عتیق، زبور داود، مزبور ۳۷، جمله ۹-۱۰.

۳- (۳) همان، جمله ۲۹.

۴- (۴) غیبت نعمانی، ص ۲۴۷ و بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۸ و المحججه، ۱۴۸.

۵- (۵) تفسیر قرآن کریم، ابن کثیر، ج ۲، ص ۶۱۵.

روشن است که این وعده الهی که در کتاب های آسمانی پیشین و قرآن آمده است و نیز وعده الهی در مورد جانشینی مؤمنان نیکوکار بر کل زمین و حصول امنیت کامل هنوز تحقق نیافته است و بر اساس روایات فقط در زمان امام عصر علیه السلام تحقق می یابد.

۴. قیام امام مهدی علیه السلام از نشانه های رستاخیز:

(فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا فَأَنَّى لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرَاهُمْ)؛ «و آیا انتظاری جز (آمدن) ساعت (= رستاخیز) دارند که ناگهان به سراغشان می آید؟ پس به یقین، نشانه های آن آمده است؛ هنگامی که (قیامت) به سراغ آنان می آید، پس کجا یادآوری شان برای آنان (سود) دارد؟». (محمد / ۱۸)

از پیامبر صلی الله علیه و آله حکایت شده که فرمودند: اگر از دنیا یک روز باقی نمانده باشد خدا آن روز را طولانی می کند تا مردی از اهل بیت من برانگیزد تا زمین را پر از عدل و داد کند همان طور که پر از ظلم و جور شده بود<sup>(۱)</sup>. مشابه این حدیث از امام علی علیه السلام نیز حکایت شده است<sup>(۲)</sup>.

این آیه در مورد علامت های رستاخیز است که مفسران شیعه و اهل سنت در تفسیر «اشراط الساعه» نشانه های متعددی را ذکر کرده اند از جمله «بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، شق القمر، دخان و...»<sup>(۳)</sup> ولی برخی مفسران شیعه و اهل سنت ظهور حضرت مهدی علیه السلام را یکی از علامت های رستاخیز شمرده اند<sup>(۴)</sup> و روایات مهدویت را ذیل آیه فوق آورده اند<sup>(۵)</sup> از جمله روایاتی که اهل سنت ذکر کرده اند احادیثی است که مضمون آن شبیه روایت فوق

ص: ۲۰۰

- 
- ۱- (۱) نورالثقلین، ج ۳، ص ۴۶۶.
  - ۲- (۲) منتخب الاثر، ص ۲۲۳.
  - ۳- (۳) ر. ک: تفسیر الدر المنثور، ج ۷، ص ۴۸۹-۴۶۷ و تفسیر الزاد المسیر، ج ۷، ص ۱۹۰ و تفسیر الفرقان، ج ۲۶، ص ۱۱۰-۱۰۹ و تفسیر نمونه، ج ۲۱، ص ۴۴۹.
  - ۴- (۴) ر. ک: تفسیر الفرقان، ج ۲۶، ص ۱۱۰ و تفسیر نمونه، ج ۲۱، ص ۴۴۹.
  - ۵- (۵) ر. ک: تفسیر الدر المنثور، ج ۷، ص ۴۸۲ (حدود بیست روایت آورده است).

الذکر از پیامبر صلی الله علیه و آله است (۱). اینگونه احادیث در حقیقت نشانه های رستاخیز را توضیح می دهد. و نوعی تفسیر برای آیه فوق به شمار می آید.

ج: تطبیق آیات بر مهدویت

در بسیاری از احادیثی که ذیل آیات مهدویت آمده است، آن آیه بر مصداق یا مصداق اکمل آن در مسائل مهدویت تطبیق شده است که در اینجا به برخی موارد اشاره می کنیم:

۱. روز قیام امام عصر علیه السلام از مصادیق غیب و ایام الله:

(الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ)؛ «همان کسانی که به غیب (= آنچه از حس پوشیده) ایمان می آورند». (بقره / ۳)

ذَكَرَهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ؛ «روزهای خدا را به آنان یادآوری نما». (ابراهیم / ۵)

عن امیرالمؤمنین ۷: الغیب (۲)، يوم الرجعه ويوم القيامة ويوم القائم وهي ایام آل محمد صلی الله علیه و آله و اليها اشاره بقوله: «ذکرهم بايام الله» (۳).

از امام علی علیه السلام نقل شده که فرمودند: غیب همان روز رجعت و قیامت و روز امام عصر علیه السلام است و آنها روزهای آل محمد است که در آیه «یادآوری روزهای خدا» به آن ها اشاره شده است. واژه «غیب» به معنای چیزی است که از حس پوشیده و پنهان است ولی در این روایت به مصادیق آن اشاره شده است. که روز رجعت قیامت و ظهور امام عصر علیه السلام است البته غیب در تفاسیر قرآن بر مصادیق دیگر مثل «خدا»، «وحی» و «بهشت و جهنم» نیز تطبیق شده است (۴).

ص: ۲۰۱

۱- (۱) عن ابن مسعود قال قال رسول الله صلى الله عليه و آله: لاتذهب الدنيا او لاتنقضى الدنيا حتى يملكك العرب رجل من اهل بيت يواطئ اسمه اسمي (مسند احمد، ج ۱، ص ۳۷۶، سنن ترمذی، ج ۴، ح ۲۲۳، مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۴۴۲).

۲- (۲) کمال الدین، ج ۲، ص ۳۴۰.

۳- (۳) مشارق انوار الیقین، ص ۲۵۳.

۴- (۴) ر. ک: مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۲۱، نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۱، نمونه، ج ۷، ص ۷۲؛ جامع البیان، ج ۱، ص ۱۶۳.

فخر رازی به شیعه اشکال می کند که آنان می گویند مقصود آیه امام مهدی علیه السلام است ولی تخصیص مطلق بودن دلیل باطل است (۱). ولی توجه نکرده است که این روایات از باب تعیین مصداق است نه تخصیص.

۲. پرستش خدای ابراهیم علیه السلام در مورد امام عصر علیه السلام جاری است

(أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِنِسِيِّهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ)؛ «آیا هنگامی که مرگ یعقوب فرا رسید، (شما) شاهد بودید؟! وقتی که به پسرانش گفت: «پس از من چه چیز را می پرستید؟» گفتند: معبود تو و معبود نیاکانت، ابراهیم و اسماعیل و اسحاق را، معبود یگانه را می پرستیم، و ما تنها تسلیم او هستیم». (بقره / ۱۳۳)

در حدیثی نقل شده که از امام باقر علیه السلام از تفسیر این آیه پرسیدند و حضرت فرمود: «جرت فی القائم» (۲) این آیه در مورد قائم جاری است.

این حدیث به صورت روشن به قاعده جری و تطبیق اشاره دارد یعنی همان طور که فرزندان حضرت یعقوب علیه السلام موحد بودند و خدای ابراهیم علیه السلام، اسماعیل و... را می پرستیدند و به فرزندان خود سفارش می کردند از آنان پرستش می کردند (و تعهد می گرفتند)، امام عصر علیه السلام نیز همین گونه رفتار می کند. یا اینکه یکی از مصداق تسلیم شدگان (مسلمون) در برابر خدای متعال امام عصر علیه السلام است.

۳. امام عصر علیه السلام، بقیه الله:

(بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَ مَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ)؛ «ذخیره الهی برای شما بهتر است؛ اگر مؤمن باشید؛ و من بر شما نگهبان نیستم». (هود / ۸۶)

در حدیثی از امام باقر علیه السلام حکایت شده که امام عصر علیه السلام هنگام ظهور به کعبه تکیه می دهد و ۳۱۳ یار او گرد می آیند و اولین جمله ای که

ص: ۲۰۲

---

۱- (۱) تفسیر کبیر، ج ۲، ص ۲۸.

۲- (۲) تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۶۱ و صافی، ج ۱، ص ۱۹۲ و المیزان، ج ۱، ص ۳۰۹.

می فرماید این است: «بقیه الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین، ثم یقول: انا بقیه الله فی ارضه و خلیفته و حجتہ علیکم فلا- یُسَلِّمُ علیه مسلم الا- قال: السلام علیک یا بقیه الله فی ارضه...» (۱)؛ یعنی امام عصر علیه السلام بعد از تلاوت قسمتی از آیه فوق می فرماید: من ذخیره الهی در زمین و جانشین الهی و حجت او بر شما هستم، پس هیچ کس بر او سلام نمی کند مگر این که می گوید: سلام بر تو ای ذخیره الهی در زمین».

البته روشن است که اصل این آیه کلام حضرت شعیب علیه السلام است (۲) ولی حضرت شعیب علیه السلام یک قاعده کلی را بیان می کند که «ذخیره الهی (مثل پیامبران الهی) برای شما بهتر هستند اگر مؤمن باشید». ولی طبق حدیث فوق امام باقر علیه السلام مفهوم کلی آیه را بر مصداق خاص یا مصداق کامل آن یعنی امام عصر علیه السلام تطبیق کرده است.

۴. امام عصر علیه السلام مضطر است:

(أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَلِ اللَّهِ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ)؛ «بلکه آیا (معبودان شما بهترند یا) کسی که در مانده را، به هنگامی که او را می خواند، اجابت می کند و (گرفتاری) بد را بر طرف می سازد و شما را جانشینان (خود یا گذشتگان در) زمین قرار می دهد؟! آیا معبودی با خداست؟! چه اندک متذکر می شوید». (نمل / ۶۲)

عن الصادق علیه السلام: «نزلت فی القائم من آل محمد صلی الله علیه و آله هو والله المضطر إذا صلی فی المقام رکعتین ودعا الله فاجابه و یکشف السوء و یجعله خلیفه فی الارض» (۳).

در احادیث متعددی از امام باقر علیه السلام (۴) و امام صادق علیه السلام حکایت شده که این آیه در مورد قائم آل محمد علیهم السلام است هنگامی که ظهور می کند و

ص: ۲۰۳

۱- (۱) کمال الدین، ص ۳۳۰، کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۲۴.

۲- (۲) ر. ک: سوره هود آیات / ۸۷-۸۴.

۳- (۳) تفسیر صافی، ج ۴، ص ۷۱، البرهان، ج ۳، ص ۲۰۸، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۸.

۴- (۴) ر. ک: بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۹.

در نزد مقام (نزدیک کعبه) دو رکعت نماز می گذارد و دعا و تضرع می کند و خدا دعای او مستجاب می فرماید و مشکل برطرف می گردد و ایشان (ظهور کرده و) خلیفه الهی در زمین می شود(۱).

البته قبلاً بیان شد که واژه نزول در این احادیث به معنای تعیین مصداق است نه شأن نزول اصطلاحی، یعنی مفهوم مضطرّ شامل هر شخصی که در اثر مشکلات به اضطرار دچار شود می گردد و امام عصر علیه السلام یکی از مصداق کامل مضطر در زمان غیبت است.

البته در این مورد آیات و روایات متعدد دیگری نیز وجود دارد از جمله ذیل آیه (أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنفُسِهِمْ ظُلْمًا)؛ «به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده، رخصت (جهاد) داده شد، به خاطر این که آنان مورد ستم واقع شده اند». (حج / ۳۹) که اجازه جنگ به مظلومان می دهد در حدیثی از امام باقر علیه السلام این آیه بر امام عصر علیه السلام و یاران آن حضرت تطبیق شده است(۲). و نیز ذیل آیه ۲۰۰ آل عمران در روایتی از امام باقر علیه السلام تعبیر «ابطوا» را بر ارتباط با امام منتظر تطبیق کرده اند(۳).

و نیز ذیل آیه (فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ)؛ «و در آینده خدا گروهی را می آورد که آنان را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند». (مائده / ۵۴)

در روایتی از امام علی علیه السلام این آیه بر مهدی علیه السلام تطبیق شده است(۴) و نیز ذیل آیه (فَسَيَتَعَلَّمُونَ مِنْ أَصْحَابِ الصُّرَاطِ السَّوِيِّ)؛ «پس انتظار بکشید که به زودی خواهید دانست چه کسی اهل راه درست است». (طه / ۱۳۵) در روایتی از امام کاظم علیه السلام «صراط سوئی» بر امام عصر علیه السلام تطبیق شده است(۵).

ص: ۲۰۴

۱- (۱) تفسیر صافی، ج ۴، ص ۷۱، البرهان، ج ۳، ص ۲۰۸، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۴۸.

۲- (۲) بحارالانوار، ج ۲۴، ص ۲۲۷.

۳- (۳) تفسیر نعمانی، ص ۲۷ و البرهان، ج ۱، ص ۳۳۴.

۴- (۴) ینابیع الموده، ج ۳، ص ۳۳۷.

۵- (۵) البرهان، ج ۳، ص ۵۰ و بحار، ج ۲۴، ص ۱۵۰.

و نیز ذیل آیه (و نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعَفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ) ؛ «و می خواهیم بر کسانی که در زمین مستضعف شده بودند، منت نهیم و آنان را پیشوایان (زمین) گردانیم و آنان را وارثان (آن) قرار دهیم». (قصص / ۵)

در احادیث متعددی از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام حکایت شده که ائمه علیهم السلام مستضعفون هستند و این آیه مربوط به صاحب الامر است که در آخر الزمان ظاهر می شود و بر جباران پیروز می گردد و جهان را پر از عدل و داد می کند (۱).

روشن است که این گونه احادیث مصداق این آیه را بر می شمارد و گرنه اصل آیه در مورد پیروزی بنی اسرائیل بر فرعونیان است. اما واژه «نرید» که به صورت مضارع آمده و اراده مستمر الهی را بیان می کند بیان نوعی سنت الهی است که در طول تاریخ جاری است و در هر عصری مصداق جدیدی دارد و قیام امام عصر علیه السلام از مصادیق کامل آیه است.

ج: تأویل و بطن آیات در مورد مهدویت

برخی روایات تفسیری که ذیل آیات مهدویت نقل شده است به تأویل آیات اشاره می کند. البته تأویل به معنای اعم که شامل بطن و معنای خلاف ظاهر آیه می شود که در اینجا به چند مورد از مهم ترین این آیات و روایات اشاره می کنیم:

مثال ها:

۱. تأویل حروف مقطعه در مورد مهدویت:

(حم عسق) (شوری / ۱ و ۲).

در مورد دو آیه فوق روایات متعددی در منابع شیعه و سنی نقل شده و

ص: ۲۰۵



تأویل این آیات را مربوط به مهدی علیه السلام دانسته اند<sup>(۱)</sup>. از جمله از امام باقر علیه السلام نقل شده که آیه اشاره به سال های امام عصر علیه السلام است و یا حوادث زمان حضرت و هنگام خروج ایشان در مکه است<sup>(۲)</sup>.

البته در مورد تفسیر حروف مقطعه دیدگاه های مختلفی بین مفسران قرآن وجود دارد و روایات متعددی نیز نقل شده است. از جمله اینکه این حروف رمزی بین خدا و پیامبر علیه السلام است یا اینکه مربوط به تحدی قرآن است که به وسیله همین حروف الفبای معمولی ساخته شده ولی معجزه است و...<sup>(۳)</sup>.

## ۲. باطن حق و باطل:

در برخی احادیث تفسیری آیات مهدویت به صورت صریح سخن از باطن آیات گفته شده است از جمله در مورد آیات زیر که ظاهر آن در مورد جنگ بدر است که به مسلمانان وعده داده شد یا بر لشکر مشرکان مکه پیروز می شوند یا بر کاروان تجارتی آنها غلبه می کنند.

(وَ إِذْ يَعِدُكُمُ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَ تَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشَّوْكَه تَكُونُ لَكُمْ وَ يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحَقِّقَ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَ يَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ لِيُحَقِّقَ الْحَقَّ وَ يَبْطِلَ الْبَاطِلَ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ)؛ «و (به یاد آورید) هنگامی که خدا به شما، یکی از دو گروه [کاروان تجارتی قریش، یا لشکر آنان] را وعده داد، که آن برای شما باشد؛ و آرزو می کردید که [گروه] غیر مسلح برای شما باشد؛ و [لی] خدا می خواهد حق را با کلماتش (= وعده هایش) تثبیت کند و دنباله ی کافران را قطع سازد تا حق را تثبیت کند و باطل را نابود گرداند؛ و گر چه خلافکاران ناخشنود باشند». (انفال / ۷-۸)

ص: ۲۰۶

۱- (۱) ر. ک: بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۱۱۹ و ج ۹۲، ص ۳۷۶ و تفسیر ثعلبی، ج ۸، ص ۳۰۳.

۲- (۲) تفسیر قمی، ج ۲، ص ۸-۲۶۷ و تأویل الآیات، ج ۲، ص ۵۴۲ و البرهان، ج ۴، ص ۱۱۵.

۳- (۳) ر. ک: المیزان، ج ۱ و نمونه ج ۱ و تفسیر قرآن مهر، ج ۱، ذیل آیه اول سوره بقره.

اما در احادیث حکایت شده که از امام صادق علیه السلام در مورد تفسیر این آیه پرسش شد فرمودند: «تفسیرها فی الباطن یرید الله فانه شیئی یریده ولم یفعله بعد، و اما قوله یحق الحق بکلماته فانه یعنی بحق حق آل محمد و اما قوله بکلماته قال: کلماته فی الباطن علی هو کلمه الله فی الباطن و اما قوله ویقطع دابر الکافرین فهم بنو امیه هم الکافرون یقطع الله دابرهم و اما قوله: لیحق الحق فانه یعنی لیحق حق آل محمد حین یقول القائم و اما قوله: ویبطل الباطل یعنی القائم، فاذا قام یبطل باطل بنی امیه و ذلك قوله: لیحق الحق ویبطل الباطل ولو کره المجرمون» (۱).

تفسیر این آیه را خدا در باطن اراده کرده است که آن چیزی است که اراده شده ولی هنوز انجام نداده است. پس مقصود از تحقق حق با کلمات الهی، یعنی حق آل محمد. و اما مقصود از «کلمات» کلمات الهی در باطن است علی کلمه الله در باطن است و اما مقصود از قطع دنباله کافران، بنی امیه است که کافرند و خدا دنباله آنان را قطع می کند. و اما مقصود از تحقق حق، عینی حق آل محمد در هنگام قیام قائم علیه السلام تحقق می یابد اما مقصود از ابطال باطل یعنی هنگامی که قائم قیام می کند باطل بنی امیه را باطل می سازد و این مقصود خدا در آیه (لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ) است.

۳. باطن آیات پیروزی روم و ایران

(الم غَلَبَتِ الرُّومُ فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ فِي بَضْعِ سِنِينَ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَ مِنْ بَعْدُ وَ يَوْمَئِذٍ الْمُؤْمِنُونَ  
بَنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ) ؛ «الف، لام، میم (سپاه) روم در نزدیک ترین سرزمین شکست خورد؛ و [لی] آنان بعد از شکستشان در [ظرف] چند سال به زودی پیروز خواهند شد کار [ها] قبل از [آن شکست] و بعد از [این پیروزی]، فقط از آن خداست؛ و در آن روز، مومنان از یاری

ص: ۲۰۷

الهی (و پیروزی دیگری) شاد می شوند (خدا) هر کس را بخواهد (و شایسته بداند)، یاری می رساند؛ و او شکست ناپذیر [و] مهرورز است». (روم / ۱-۵)

در برخی احادیث حکایت شده که امام صادق علیه السلام در مورد ذیل آیه یعنی خوشحالی مؤمنان برای پیروزی رومیان فرمودند: «عند قیام قائم» (۱) و در جای دیگر فرمودند: «فی قبورهم بقیام القائم» (۲).

۴. رجعت باطن آیه:

(إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ مَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ وَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ)؛ «قطعاً، کسی که قرآن را بر تو واجب کرد، تو را به سوی بازگشتگاه (مکه) بازمی گرداند. بگو: پروردگار من داناتر است به کسی که هدایت آورده و به کسی که وی در گمراهی آشکار است». (قصص / ۸۵)

در روایتی از امام باقر علیه السلام حکایت شده که فرمود خدا رحمت کند جابر را که علم او به جایی رسیده بود که تأویل این آیه را می دانست که رجعت است (۳).

بررسی: در این گونه روایات مقصود از باطن می تواند همان معنایی باشد که علامه معرفت در معنای بطن فرموده اند که با انجام چهار مرحله (به دست آوردن هدف آیه، الغای خصوصیت از آیه، استنباط قاعده کلی از آیه - تطبیق آیه بر مصادیق جدید در هر عصر) صورت می گیرد (۴). مثلاً در روایت دوم از شأن نزول آیه که مسأله جنگ بدر است الغاء خصوصیت شده و یک قاعده کلی به دست آمده که اراده الهی بر تحقق حق با کلمات الهی و قطع دنباله کافران است و این مطلب بر مصداق کامل آن در زمان امام عصر علیه السلام تطبیق شده است. و تعبیر «یرید» که مضارع است و دلالت بر استمرار اراده

ص: ۲۰۸

۱- (۱) تأویل الآیات، ج ۱، ص ۴۳۴ و بحار الانوار، ج ۳۱، ص ۵۱۶.

۲- (۲) دلائل الامامه، ص ۲۴۸ و البرهان، ج ۳، ص ۲۵۸.

۳- (۳) البحار، ج ۲۲، ص ۹۹ و البرهان، ج ۳، ص ۲۳۹.

۴- (۴) ر. ک: التفسیر الاثری الجامع، ج ۱، ص ۲۹.

الهی به صورت سنت الهی دارد می تواند قرینه این تفسیر باطنی آیه باشد. و نیز در روایت سوم که در مورد جنگ ایران و روم است الغاء خصوصیت شده و با اخذ قاعده کلی برای خوشحالی مؤمنان بعد از پیروزی بر خوشحالی مؤمنان در هنگام قیام امام عصر علیه السلام و پیروزی یاران او تطبیق شده است. و نیز در مورد روایت چهارم که بعد از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله از مکه به مدینه و بازگشت مجدد ایشان را وعده می دهد الغاء خصوصیت شده و با اخذ قاعده کلی، بر بازگشت مؤمنان در رجعت تطبیق شده است.

د: آیات مرتبط با مهدویت

در این جا مقصود آیاتی است که در احادیث به گونه ای با مسائل و موضوعات مهدویت مرتبط شده است اما از نوع تفسیر، تطبیق و تأویل نیست که به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

۱. تشبیه جریان مهدویت: برخی احادیث که ذیل آیات مرتبط با مهدویت مطرح کرده اند نوعی تشبیه و مثال را بیان می کند. برای مثال: در مورد آیه ۲۴۹ / بقره از امام صادق علیه السلام حکایت شده که «انّ اصحاب طالوت ابتلوا بالنهر الذی قال الله تعالی (مُتَّبِلِیْکُمْ بِنَهْرٍ) و انّ اصحاب القائم یتلون بمثل ذلک»<sup>(۱)</sup>. یاران طالوت با (آب خوردن از) نهر آب امتحان شدند همانطور که خدا فرمود «شما را نهری آزمایش می کنیم» و یاران قائم نیز به مانند آن آزمایش می شوند.

و نیز ذیل آیه (یَسْئَلُونَکَ عَنِ السَّاعَةِ)؛ «در باره ساعت [قیامت] از تو می پرسند». (اعراف / ۱۸۷) در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله حکایت شده که مثال او (مهدی) مثل ساعت (رستاخیز) است که ناگهان می رسد<sup>(۲)</sup>.

ص: ۲۰۹

---

۱- (۱) غیبه نعمانی، ص ۳۳۰ و بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۲.

۲- (۲) کفایه الاثر، ص ۲۴۸.

در برخی احادیث که ذیل آیات مهدویت نقل شده است آثار قرائت قرآن بیان شده است مثلاً از امام صادق علیه السلام حکایت شده که: هر کس سوره بنی اسرائیل (اسراء) را در هر شب جمعه قرائت کند نمی میرد تا اینکه قائم را درک می کند و از اصحاب آن حضرت خواهد بود<sup>(۱)</sup>.

و در برخی دیگر از احادیث آیه‌ای که امام عصر علیه السلام قرائت می کنند بیان شده است از جمله ذیل آیه (فَفَزَّزْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُمْ)؛ «و هنگامی که از شما ترسیدم، از میانتان فرار کردم». (شعراء / ۲۱) از امام صادق علیه السلام حکایت شده که هنگامی که قائم علیه السلام قیام می کند این آیه را تلاوت می کند<sup>(۲)</sup>.

اینک ونه احادیث هرچند که با موضوع کلی مهدویت و امام عصر علیه السلام مرتبط است اما تفسیر و تطبیق و تأویل آیات به شمار نمی آید. ولی در کتاب هایی که آیات تفسیری مهدویت را ذکر کرده اند آمده است<sup>(۳)</sup>.

تذکر پایانی: آیات مهدویت و روایات تفسیری آن ها از جهات دیگر نیز قابل بررسی است مثلاً از منظر موضوعات، برخی آیات و روایات مهدویت موضوعات سیاسی، اقتصادی، نظامی و قضایی را بیان می کند و از نظر تاریخی برخی آیات و روایات تفسیری مهدویت به قبل از تولد امام عصر علیه السلام یعنی بشارت به وجود ایشان و برخی در عصر غیبت و برخی به نشانه های ظهور و جامعه مطلوب مهدوی و برخی نیز به رجعت اشاره دارد. البته بررسی همه این موارد از حوصله این نوشتار خارج است.

ص: ۲۱۰

۱- (۱) تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۷۶.

۲- (۲) غیبت نعمانی، ص ۱۷۹.

۳- (۳) ر. ک: معجم احادیث الامام المهدی، الجزء السابع، ص ۶۸ و ۳۱۵ و ۴۳۲.

جمع بندی و نتیجه گیری:

در قرآن کریم آیات زیادی وجود دارد که براساس روایات پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام به ابعاد مختلف مهدویت اشاره دارد که این احادیث گاهی به تفسیر آیات و گاهی به تأویل و بطن و گاهی به مصادیق آیات اشاره دارد و از نظر موضوعات نیز این آیات و روایات تفسیری آنها به موضوعات سیاسی، اقتصادی، نظامی و تاریخی متعدد اشاره دارد.

ص: ۲۱۱

## آیات مربوط به ظهور و انتظار کدامند؟

پاسخ:

مقدمه

یکی از ویژگی های قرآن کریم ابدی بودن این کتاب است. یعنی چون قرآن کتابی است که در آخرین دین نازل شده است لازم است با زبانی سخن گوید که در همه ی مکان ها و زمان ها قابل استفاده و عرضه باشد، در غیر این صورت به مرور زمان آن تازگی و صلابت خود را از دست خواهد داد. حال با توجه به این ویژگی (یعنی ابدی بودن آیات آن) اکثر آیات به صورت کلی و «قضیه حقیقه» نه «شخصیه خارجیه» بیان شده است و در هر زمان مصادیق این قضیه حقیقه - که به صورت عام و کلی بیان شده - استخراج می شود.

از این رو در تفاسیر با روایات تفسیری وقتی برای آیه ای مصداق معرفی می کنند مفسرین می فرمایند: «این یکی از مصادیق این آیه است نه اینکه این آیه فقط همین معنا و مصداق را داشته باشد.»<sup>(۱)</sup> به عنوان نمونه در سوره حمد ذیل آیه (اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ) شیخ صدوق از امام صادق علیه السلام حکایت می کند: «الصراط المستقیم امیرالمومنین علیه السلام» و علامه در شرح آن می نویسد: این روایات از قبیل تطبیق و بیان مصداق بارز برای آیه می باشد<sup>(۲)</sup>.

با توجه به آنچه بیان شد: در مورد ظهور و انتظار فرج حضرت مهدی (عج) بلکه دیگر جنبه های شخصیتی ایشان آیه صریحی وارد نشده ولی با در نظر گرفتن منطق فهم قرآن و تأویل و تفسیر و با توجه به روایات

ص: ۲۱۲

---

۱- (۱) مگر در مواردی خاص که مصداق من حصر می شود مانند آیه تطهیر که در شان اهل بیت نازل شده است. (احزاب /

۲- (۲) تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۴۱.

آیات متعددی را می توان بر شمرد که یکی از مهمترین مصادیق آیه حضرت ولی الله الاعظم حجه بن الحسن العسکری (عج) می باشند که مجموعه این آیات در کتب متعددی جمع آوری شده که برخی از آن ها عبارتند از:

۱. معجم احادیث الامام المهدی زیر نظر علی کورانی، ج ۵ که در این کتاب در مورد حضرت تا ۲۶۰ آیه ذکر شده است.

۲. سیمای امام زمان (عج) در آینه قرآن، علی اکبر مهدی پور، ۱۴۰ آیه را ذکر کرده اند.

۳. سیمای مهدویت در قرآن، محمدجواد مولوی نیا، ۷۴ آیه را توضیح داده اند.

۴. مهدی در قرآن، محمد عابدین زاده، ۴۰ آیه را توضیح داده اند.

در خصوص مسئله انتظار و ظهور حضرت مهدی (عج) که یکی از جلوه های بحث پیرامون حضرت است - نیز آیاتی وجود دارد که به عنوان نمونه دو مورد آن را معرفی می کنیم:

۱. قرآن کریم در سوره انعام آیه ۱۵۸ می فرماید:

(هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انْتَضِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ)؛ «آیا انتظاری غیر از این دارند که فرشتگان به سویشان آیند، یا پروردگارت بیاید، یا برخی از نشانه های پروردگارت بیاید؟! (اما) روزی که برخی از نشانه های پروردگارت (پدید) آید، شخصی که قبلاً ایمان نیاورده، یا در ایمانش نیکی کسب نکرده است، ایمان آوردنش سودی نخواهد داشت. بگو: منتظر باشید! که ما (هم) منتظریم.»

در ذیل این آیه ابی بصیر از امام صادق علیه السلام حکایت می کند:

منظور از آن روز، روز خروج حضرت قائم علیه السلام است، آن روز انتظار



کشیده شده، از ما است؛ بعد حضرت فرمودند: ای ابابصیر! خوشا به حال شیعیان قائم ما که در زمان غیبت او منتظر ظهورش باشند و در زمان ظهورش از او اطاعت نمایند که اینان اولیای خدایند که هیچ ترس برایشان نیست و حزن و اندوهی نخواهند داشت (۱).

۲. قرآن کریم در سوره یونس آیه ۲۰ می فرماید:

(وَيَقُولُونَ لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَاصْتَبِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُتَوَكِّلِينَ) ؛ «و گویند: «چرا نشانه (معجزه واری) از پروردگارش بر او فرو فرستاده نمی شود؟! پس بگو: (آنچه از حس) پوشیده، تنها برای خداست؛ پس منتظر باشید، [چرا] که من (هم) با شما از منتظرانم.»

یحیی بن قاسم می گوید: از امام صادق سوال کردم درباره آیات اول سوره بقره که می فرماید: «الم این کتاب هیچ تردیدی در آن نیست و مایه هدایت متقین است، کسانی که به غیب ایمان می آورند.» امام فرمودند: «متقین در این آیه شیعیان علی هستند و غیبت همان حجت قائم غائب می باشد و شاهد بر این مدعی «آیه ۲۰ سوره یونس» است که می فرماید:

«و کافران گویند: چرا آیت و نشانه ای از پروردگارش بر او نازل نمی شود. پس بگو همانا غیب مخصوص خداوند است پس منتظر باشید که من نیز از منتظران هستم...» (۲)

ص: ۲۱۴

---

۱- (۱) کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۵۷ و سیمای مهدویت در قرآن، ص ۱۷۷.

۲- (۲) کمال الدین شیخ، صدوق، ج ۲، ص ۳۴۰.

پرسش:

ارتباط آیه ۸۱ از سوره اسراء با امام زمان چیست؟

پاسخ:

قرآن مجید تنها کتابی است که جامع مطالب و معارفی است که انسان در هدایت و سعادت به آن نیاز دارد و در بدست آوردن همه ی معارف الهی باید به آن تمسک نمود. یکی از مباحث مهم که می توان از قرآن بدست آورد مباحث مربوط به مهدویت می باشد. که مفسرین گرانقدر در حدود ۲۴۹ آیه از قرآن را در مورد حضرت مهدی و مباحث مربوط به آن حضرت تفسیر یا تاویل نموده اند.

از جمله آیه ۸۱ سوره اسراء می باشد که می فرماید: (وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا) ۱؛ «و بگو: «حق آمد، و باطل نابود شد؛ [چرا] که باطل نابود شدنی است.»

شأن نزول آیه

جابر بن عبدالله می گوید: بعد از فتح مکه با رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد مکه شدیم و به مسجدالحرام آمدی در حالتی که ۳۶۰ بت در آنجا بود و پیامبر صلی الله علیه و آله دستور دادند: «همه بت ها را از خانه خدا بیرون بیاورند و بشکنند.» یک بت بزرگ به نام هبل بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمودند: بر روی شانه من سوار شو و این بت بزرگ را بشکن! حضرت علی علیه السلام به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عرضه داشتند که شما پای خود را بر پشت من بگذارید و آن بت بزرگ را بشکنید، اما وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله پای مبارک خود را

ص: ۲۱۵

بر پشت حضرت علی علیه السلام نهادند حضرت علی علیه السلام می فرمایند: من تحمل سنگینی نبوت و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله را نداشتم! و به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتم: اجازه دهید من بر شانه شما قرار بگیرم و بت را بشکنم. وقتی روی شانه پیامبر صلی الله علیه و آله قرار گرفتم و در حال شکستن بت بزرگ هبل بودم خداوند آیه (جاء الحق و زهق الباطل إن الباطل كان زهوقاً) را نازل فرمود. پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از آن هر چه بت ها را می شکستند این آیه را تکرار می نمودند.

در تفسیر این آیه می خوانیم: مطلب این آیه یک قانون کلی است چرا که به هر امر ثابت و باقی «حق» می گویند، و «باطل» بر خلاف حق است؛ یعنی چیزی که ذاتاً دوام و بقاء و ثبات ندارد، و «باطل» اگر چه، چند روزی هم جولانی دارد اما از بین خواهد رفت ولی «حق» اگر چه چند صباحی هم کم رنگ شود اما بالاخره ثبات و قوام خود را پیدا می کند و باقی خواهد ماند. دین مبین اسلام - قرآن مجید - رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله - ولایت ائمه هدی علیه السلام - احکام شریعت اسلام و اموری از این قبیل همه «حق» و ثابت و پایدار هستند و در مقابل، ادیان باطل - شرک - کفر - اخلاق فاسد و حکومت ظالمین و قوانین بشری و بدعت گونه و اموری از این قبیل همه باطل و نابودشدنی هستند (۱). یکی دیگر از نمونه ها و مصادیق آمدن «حق» و نابود شدن «باطل»، برپا شدن دولت حضرت مهدی (عج) می باشد چنانچه از امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه حکایت شده: وقتی قائم قیام کند دولت باید از بین می رود (۲).

و در روایتی دیگر حکایت شده: وقتی حضرت مهدی (عج) متولد شدند بر بازوی مبارک ایشان نوشته شده بود: (جاء الحق و زهق الباطل إن الباطل كان زهوقاً) ۴

ص: ۲۱۶

۱- (۲) برگزیده از تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن، سید عبدالحسین طیب، ج ۸، ص ۲۹۶.

۲- (۳) اذا قام القائم ذهب دوله الباطل (بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۳۱۳، ح ۱۸).

البته مفهوم این احادیث معنای وسیع آیه را به این مصداق منحصر نمی کند بلکه قیام حضرت مهدی (عج) از بارزترین و روشن ترین مصداق های این آیه می باشد چرا که نتیجه اش پیروزی «حق» بر «باطل» در سراسر جهان می باشد.

آری این قانون تخلف ناپذیر الهی، در هر عصر و زمانی مصداقی دارد و قیام پیامبر صلی الله علیه و آله و پیروزی ایشان بر شرک، بت پرستی و همچنین قیام حضرت مهدی (عج) بر ستمگران و جباران جهان از چهره های روشن و تابناک این قانون کلی در این آیه است و همین قانون الهی است که رهروان راه حق را در برابر مشکلات امیدوار و نیرومند ساخته و بر استقامت ایشان افزوده است(۱). به امید آنکه شاهد این پیروزی و آمدن حق و غلبه ی آن بر باطل باشیم و در راه این هدف عالی انجام وظیفه کنیم. ان شاء الله!

معرفی کتاب:

برای مطالعه بیشتر رجوع شود به:

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۲، آیت الله مکارم شیرازی.
۲. تفسیر المیزان، ج ۱۳، آیت الله علامه طباطبائی.
۳. تفسیر نورالثقلین، عبد علی بن الجمعه العروسی الحویزی.
۴. سیمای امام زمان در آئینه قرآن، علی اکبر مهدی پور.
۵. سیمای مهدویت در قرآن، محمدجواد مولوی نیا.

ص: ۲۱۷

## آیا در قرآن نشانه‌های آخر الزمان آمده است؟ چند آیه بیان کنید.

پاسخ:

در قرآن حدود ۲۵۰ آیه بر مطالب و مباحث پیرامون حضرت مهدی تفسیر و تاویل شده است که بعضی از این آیات اشاره به حوادث و وقایع قبل از ظهور دارد. البته لازم به ذکر است این اشارات قرآنی و مقاصد ربانی به صورت صریح در آیات نسبت به علائم ظهور نیست بلکه از تفسیر یا تاویل یا بطن آیات و یا تطبیق آیات بدست می‌آید که مقتضای زبان قرآن چنین است یعنی قرآن دارای ادبیات بیانی خاص به خود می‌باشد که فهم مقاصد آن از طریق تفسیر، تطبیق و تاویل و غیره بدست می‌آید که در مباحث زبان شناسی قرآن کاملاً بحث شده است و در این مجال اشاره به بعضی از آیات قرآن که بر علائم ظهور حضرت مهدی دلالت دارد می‌پردازیم.

در آیات قرآن مطالب بسیاری هست که به لفظ عام بیان شده‌اند و در هر زمان بر عده‌ای مصداق می‌یابد و گاهی هم، لفظ آیه خاص ولی معنای آن عام است و شامل کسان دیگری که مشابه آن عمل از آنان صدور یافته نیز می‌شود. هر یک از این موارد از تفسیر، تاویل، بطن و تطبیق موارد بی شماری از آیات قرآنی را شامل می‌شود. من جمله آیاتی که تفسیر و تاویل و تطبیق بر مباحث مهدویت و علائم آخر الزمان شده است که مواردی از آن را بیان می‌کنیم بعضی از آیاتی که اشاره به این علائم دارد عبارتند از:

۱. بقره / ۱۴۸. (... فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ)

۲. بقره / ۱۵۵. (وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ)

۳. انعام / ۶۵. (قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْضِكُمْ أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيْعًا وَ...)

۴. مریم / ۳۷. (فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ)

۵. شعراء / ۴. (إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ)

۶. سباء / ۵۲. (وَ قَالُوا آمَنَّا بِهِ وَ أَنَّى لَهُمُ التَّنَافُسُ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ)

۷. فصلت / ۵۳. (سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ...)

۱. آیه ۱۴۸ سوره بقره: «... پس در نیکی ها [بر یکدیگر] پیشی گیرید. هر کجا که باشید، خدا همه شما را خواهد آورد...»

امام باقر علیه السلام ضمن حدیثی طولانی فرمودند: خدای تعالی در آن حال سیصد و سیزده نفر که اصحاب آن حضرتند به سر او جمع می کند و ایشان را در غیر موسم حج مانند ابرهای وقت پائیز جمع می کند یا جابر آیه ای که خداوند تعالی در کتاب خود ذکر کرده مضمون آن همین است «اینما تکنونوا یأت بکم الله جمیعاً» یعنی هر کجا باشید خدای تعالی همه شماها را به یک جا می آورد... و بعد از آن امام باقر علیه السلام فرمودند: آن سیصد و سیزده مرد که (قرآن به آنها اشاره دارد) در بین رکن و مقام با او بیعت می کنند(۱).

روایات متعدد دیگری هم که در مضمون با این حدیث مطابقت دارد در منابع روایی به چشم می خورد(۲) پس از این روایات متعدد که یکی از آنها را نقل کردیم معلوم می شود آیه ۱۴۸ سوره بقره اشاره به یکی از علائم ظهور که جمع شدن ۳۱۳ نفر از یاران حضرت مهدی باشد در مکه دلالت دارد که تفسیر آن از روایات معلوم می شود.

ص: ۲۱۹

۱- (۱) غیبت نعمانی، ص ۲۷۹، مهدی موعود، ج ۲، ص ۸۹.

۲- (۲) نک: روضه کافی، ص ۳۱۳ یا کتاب الغیبه، ص ۲۴۱، ۲۷۹، ۳۱۲، ۳۱۳ یا کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۴ و یا تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۶۵.

۲. آیه ۱۵۵ سوره بقره: «و قطعاً [همه] شما را به چیزی از ترس و گرسنگی و کاهشی در ثروت ها و جان ها و محصولات، آزمایش می کنیم؛ و به شکیبایان مژده ده.»

در روایات تفسیری ذیل آیه از معصوم علیه السلام حکایت شده که فرمود آن است فرموده خدای عزوجل «و لَتَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ...»

که [شما را می آزمائیم] یعنی شما مومنین را و [خوف] یعنی ترس از پادشاهان فلان خاندان در اواخر سلطنتشان و [گرسنگی] به گرانی نرخ هایشان است و [کمبودی اموال] به فساد و تباهی تجارتها و کمی سود آنهاست و [جانها] مرگ زودرس است و [ثمرات] کمی رشد گیاهان و کم شدن برکت میوه ها است و اینکه فرموده [بشارت بده به صبرپیشگان] یعنی در آن هنگام به خروج قائم علیه السلام سپس فرمود: ای محمد بن مسلم این است تأویل آن آیه که خدا می فرماید «وَمَا يَعْزِمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ...»<sup>۱</sup>

در ذیل این آیه روایات دیگری نیز وجود دارد که دلالت دارد بر اینکه تأویل این آیه بر علائم ظهور حضرت مهدی (عج) است [\(۱\)](#).

۳. آیه ۶۵ سوره انعام: بگو او تواناست که بر شما عذاب و بلائی از آسمان یا زمین فرستد یا شما را به اختلاف کلمه و پراکندگی و مخالفت با هم درافکند. یعنی بعضی از شما بعض دیگر را بکشد [\(۲\)](#).

۴. آیه ۳۷ سوره مریم: طوایف مردم از پیش خود اختلاف کردند وای بر این مردم کافر هنگام حضور آن روز بزرگ. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که حضرت فرمودند همین آیه را از حضرت امیرالمومنین پرسیدند آن حضرت فرموده اند به مشاهده سه چیز منتظر باشید در آن حال عرض کردم

ص: ۲۲۰

---

۱- (۲) نک: کتاب الغیبه، ص ۱۳۲، دلائل الامامه، ص ۲۵۹، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۶۸، مهدی موعود، ج ۲، ص ۳۸ و ۲۶  
ینابیع الموده، ج ۳، ص ۲۳۵، موعودنامه، ص ۵۵۸ که طبق این احادیث تأویل آیه ۱۵۵ سوره بقره علائم آخرالزمان می باشد.  
۲- (۳) تفسیر علی بن ابراهیم، ج ۱، ص ۲۰۴ و مهدی موعود، ج ۲، ص ۹.

یا امیرالمومنین آنها چیستند؟ فرمود: اختلافی است که در میان اهل شام واقع شود (مربوط به خروج سفیانی است) و بیرقهای سیاهند که از خراسان می آیند (مربوط به خروج سید خراسانی است) و اضطرابی است که در ماه رمضان واقع می شود (که مربوط است به صیحه آسمانی که از علائم حتمیه آخرالزمان است) بعد حضرت پیرامون علامت سوم (صیحه آسمانی) آیه ۴ سوره شعراء را فرمودند که مگر نشنیده اید که خداوند می فرماید اگر می خواستیم از آسمان برای ایشان نشانه ای نازل می کردیم که همه گردن زیر بار ایمان بیاورند و آن نشانه و آیت صدائی است که از آسمان (توسط جبرئیل) می رسد آن چنان صدایی که از شدت مهابتش دختر با عفت را از پس پرده بیرون کشیده و خوابیده را بیدار و بیدار را مضطرب می سازد(۱).

۵. آیه ۵۳ سوره فصلت: ما آیات قدرت و حکمت خود را در آفاق جهان و نفوس بندگان کاملاً هویدا و روشن می گردانیم تا ظاهر و آشکار شود که او بر حق است و... در ذیل این آیه روایت شده است از امام کاظم علیه السلام که در اطراف زمین فتنه واقع می شود و در دشمنان حق مسخ و علامه مجلسی رحمه الله در ذیل این روایت می فرماید یعنی آیت های الهی در اطراف علم فتنه هایند که واقع می شود و آیتهایی که در نفس ایشان است عبارت است از مسخ شدن ایشان(۲).

نتیجه:

اگر به تفسیر و یا تأویل و یا تطبیق آیات مراجعه کنیم خواهیم دید که بسیاری از آیات دلالت بر علائم ظهور حضرت مهدی (عج) دارد که به بعضی از آنها در این مختصر اشاره شد.

ص: ۲۲۱

---

۱- (۱) غیبت نعمانی، ص ۲۵۱، مهدی موعود، ج ۲، ص ۷۷.

۲- (۲) ارشاد شیخ مفید، ص ۳۵۹، مهدی موعود، ج ۲، ص ۶۴.









پرسش:

بعضی از آیات مربوط به مهدویت را برایم تفسیر کنید؟

پاسخ: (۱)

براساس احادیث در قرآن حدود ۲۵۰ آیه در رابطه با مهدویت وجود دارد که به مهمترین آنها اشاره می کنیم.

### رفع فتنه ها از جهان با قیام مهدوی

قرآن کریم در آیه سی و نهم سوره انفال، به مسلمانان دستور می دهد که تا رفع فتنه از جهان به جنگ ادامه دهند، و می فرماید:

﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾؛ «و با آن (کافر) ان پیکار کنید، تا آشوبگری باقی نماند، و دین یکسره از آن خدا باشد. و اگر آنان (به کفر) پایان دادند، پس در واقع خدا به آنچه انجام می دهند، بیناست».

نکات و اشارات

۱. واژه «فتنه» در قرآن کریم گاهی به معنای آزمایش، بلا- و فشار می آید. و در آیه فوق می تواند به معنای شرک و بت پرستی باشد که انواع محدودیت ها و فشارها را برای جامعه در بردارد و نیز شامل انواع فشارهای دشمنان در برابر اسلام و آزادی مسلمانان شود (۲).

۲. آیه فوق به دو هدف عمده جهاد اسلامی اشاره کرده است:

نخست بر چیدن بساط بت پرستی و شرک که در حقیقت نوعی خرافه و انحراف است و دوم بدست آوردن امنیت از فتنه ها تا زمینه ای برای آزادی بیان برای تبلیغ و نشر اسلام شود.

ص: ۲۲۵

۱- (۱) در این بخش از «تفسیر قرآن مهر» تالیف دکتر محمدعلی رضایی، صفهانی و جمعی از پژوهشگران قرآنی استفاده شده است.

۲- (۲) ذیل آیه ۲۵ انفال در مورد فتنه مطالبی بیان شد.

۳. در حدیثی از امام صادق علیه السلام حکایت شده که: «تأویل و تفسیر نهایی این آیه هنوز فرا نرسیده است، و هنگامی که قائم ماقیام کند، کسانی که زمان او را درک کنند، تأویل این آیه را خواهند دید، به خدا سوگند در آن زمان دین محمد «ص» به تمام نقاطی که شب آن را فرا می گیرد، خواهد رسید و در روی زمین مشرکی باقی نخواهند ماند.»<sup>(۱)</sup>

۴. با فتنه های درونی و بیرونی مبارزه کنید:

امام عارفان، در تفسیری دیگر از آیه فوق می نویسند: «فرزندم! از خود بینی و خودخواهی در آی، که این ارث شیطان است... و بدان که تمام گرفتاری های بنی آدم از این ارث شیطانی است که اصل اصول فتنه است، و شاید آیه شریفه (وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ) ۲ در بعضی مراحل آن، اشاره به جهاد اکبر و مقاتله با ریشه فتنه، که شیطان بزرگ و جنود آن که در تمام اعماق قلوب انسان ها شاخه و ریشه دارد، باشد. و هر کس برای رفع فتنه از درون و برون باید مجاهده نماید و این جهاد است که اگر به پیروزی رسید، همه چیز و همه کس اصلاح می شود.»<sup>(۲)</sup>

البته حدیث فوق از باب تطبیق بر کامل ترین مصداق آیه است. که در آن زمان همه فتنه ها از زمین رخت بر می بندد.

آموزه ها و پیام ها:

۱. پیام آیه فوق این است که: جنگ جنگ تا رفع فتنه از عالم.

۲. آموزه آیه آن است که تا زمانی که کافران به مسلمانان فشار می آورند با آنان بجنگید، اما هرگاه دست برداشتند با آنان رفتار مناسب کنید.

۳. آموزه دیگر آیه آن است که دین (اسلام) را بر جهان حاکم کنید.

ص: ۲۲۶

---

۱- (۱) مجمع البیان، ذیل آیه و نیز آلوسی در رو، ح البیان و نمونه ج ۷، ص ۱۶۶.

۲- (۳) سرّ الصلوه، امام خمینی قدس سره، ص ۲۸.

قرآن کریم در آیه سی و سوم سوره توبه به پیروزی جهانی اسلام اشاره می کند و می فرماید:

(هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ)؛ «او کسی است که فرستاده اش را با هدایت و دین حق فرستاد، تا آن را بر همه دین [ها] پیروز گرداند؛ و گر چه مشرکان ناخشنود باشند».

نکات و اشارات:

۱. مقصود از هدایت، همان دلایل روشنی است که در آیین اسلام وجود دارد و مقصود از دین حق اسلام است که اصول و فروعش حق و تاریخ و مدارک آن نیز حق و روشن است.

۲. اشاره آیه فوق به همراهی پیامبر اسلام با هدایت و دین حق، گویا اشاره به دلیل پیروزی اسلام بر ادیان دیگر است، زیرا هنگامی که محتوای دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله هدایت باشد و عقل بشر بر آن گواهی دهد و اصول و فروعش موافق حق و طرفدار آن باشد، چنین آیینی طبعاً بر همه ادیان جهان پیروز می گردد.

۳. هرچند که دانش بشر پیشرفت کند و ارتباطات آسان تر شود، واقعیت ها چهره خود را از پشت تبلیغات مسموم نشان می دهد و موانع مخالفان حق برطرف می شود و حق همه جا را فرا می گیرد و پیروز می شود، هر چند که دشمنان مایل نباشند.

آری، حرکت دشمنان حق بر خلاف مسیر تاریخ و سنت های آفرینش بوده و در نهایت محکوم به شکست است.

۴. برخی مفسران برآنند که مقصود از پیروزی اسلام در آیه فوق پیروزی منطقی و استدلالی است که اکنون در جهان هویدا شده است.

و برخی دیگر از مفسران با استفاده از موارد استعمال ماده «اظهار» در قرآن، بر آنند که مقصود پیروزی عملی و عینی و ظاهری است.

اما بنظر می رسد که آیه فوق شامل پیروزی همه جانبه اسلام بر ادیان دیگر می شود. که در تمام جهان تحقق خواهد یافت و این واقعیتی است که با پیشرفت اسلام در جهان بتدریج در حال تحقق است.

۵. در احادیث متعددی حکایت شده که وقتی محتوای آیه فوق تحقق می یابد که امام عصر و مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله ظهور کند.

در حدیثی از امام صادق علیه السلام حکایت شده که: «به خدا سوگند هنوز تأویل محتوای این آیه تحقق نیافته است و تنها زمانی تحقق می پذیرد که قائم خروج کند، و هنگامی که او قیام کند، کسی کافر و منکر خدا در جهان باقی نخواهد ماند.» (۱) - (۲).

البته روشن است که پیروزی منطقی و عملی اسلام از صدر اسلام آغاز شده و بتدریج در حال پیشرفت و تحقق است. اما مقصود این احادیث آن است که تحقق کامل آیه فوق و پیروزی نهایی اسلام در زمان امام مهدی «ع» خواهد بود.

آموزه ها و پیام ها

۱. پیام آیه آن است که دین حق و راه پیامبر اسلام «ص» در نهایت پیروز می شود و بر همه ادیان جهان غلبه می کند.

۲. آموزه آیه آن است که در پی پیروزی نهایی دین حق باشید که فرجام تاریخ روشن است.

۳. پیام دیگر آیه آن است که ناخشنودی مشرکان مانع تحقق اراده الهی و پیروزی نهایی اسلام نیست.

ص: ۲۲۸

---

۱- (۱) عن الصادق عليه السلام: والله ما نزل تأويلها بعد ولا ينزل تأويلها، حتى يخرج القائم فإذا خرج القائم لم يبق كافر بالله العظيم. (نور الثقلين، ج ۲، ص ۲۱۱)

۲- (۲) ر. ك: صافی، ج ۲، ص ۳۳۷ و مجمع البيان، ذیل آیه.

قرآن کریم در آیه هشتاد و ششم سوره هود ادامه سخنان شعیب را در مورد اصلاحات اقتصادی مردم مدین بیان می کند و می فرماید:

(بَقِيْتُ اللَّهُ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَ مَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ)؛ «ذخیره الهی برای شما بهتر است؛ اگر مؤمن باشید و من بر شما نگهبان نیستم.»

نکات و اشارات

۱. تعبیر «بَقِيَةُ اللَّهِ» به معنای «ذخیره الهی» است و این تعبیر یا اشاره به سود حلال و اندک است که بفرمان خدا باقی می ماند و یا اشاره به آن است که بدست آوردن مال حلال سبب دوام و بقای نعمت است. و یا اشاره به ثواب های معنوی است که همیشه باقی می ماند(۱).

۲. جمله «اگر شما مؤمن باشید» اشاره به آن است که این حقایق را تنها کسانی درک می کنند که به خدا و حکمت دستوراتش ایمان داشته باشند.

۳. در حدیثی از امام باقر علیه السلام حکایت شده که فرمود: نخستین سخنی که مهدی علیه السلام پس از قیام خود می گوید: همین آیه (بَقِيْتُ اللَّهُ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ) است. سپس می فرماید: من ذخیره الهی و حجت او و جانشین او برای شما هستم و هیچ کس بر مهدی علیه السلام سلام نمی کند مگر اینکه می گوید: «السلام عليك يا بقية الله في أرضه»(۲).

این گونه احادیث در حقیقت بیان بطن آیه است، یعنی هر چند که این آیه در مورد قوم شعیب است و ذخیره الهی به معنای سرمایه اقتصادی آنان است. اما مفهوم «ذخیره الهی» جامع و وسیع است که در عصرهای بعد مصداق های دیگری را شامل می شود. و از جمله هر موجود مفیدی را که از طرف خدا برای بشر ذخیره شده، در بر می گیرد و از این رو تمام پیامبران و امامان و رهبران راستین و حتی سربازانی که پس از پیروزی در جهاد برای

ص: ۲۲۹

۱- (۱) نمونه، ج ۹، ص ۲۰۳.

۲- (۲)، صافی، ج ۲، ص ۴۶۸.



ملت باقی می ماند، بقیه الله و ذخیره الهی هستند (۱) و روشن ترین و کامل ترین مصداق ذخیره الهی، امام مهدی علیه السلام است که برای پیروزی نهائی حق بر باطل باقی مانده است و از این رو «بقیه الله» لقب شایسته اوست.

آموزه ها و پیام ها

۱. آموزه آیه آن است که سرمایه اندک و حلال و پاداش های معنوی بهتر از درآمدهای بسیاری است که حرام باشد.

۲. پیام دیگر آیه آن است که پیامبران نگهبان مردم نیستند و چیزی را بر آنان تحمیل نمی کنند.

### مهلت به ابلیس تا قیام مهدی علیه السلام

قرآن کریم در آیات سی و چهارم تا سی و هشتم سوره حجر به طرد ابلیس و مهلت خواهی او اشاره کرده و می فرماید:

(قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ)؛ «(خدا به ابلیس) فرمود: «بنابراین از آن [مقام فرشتگان] بیرون شو، چرا که تو رانده شده ای؛ و در واقع تا روز جزا بر تو لعنت است!» (ابلیس) گفت: «پروردگارا، پس مرا تا روزی که (مردم) برانگیخته خواهند شد، مهلت ده.» (خدا) فرمود: پس در واقع تو از مهلت داده شدگانی، تا روز زمان معلوم.»

نکات و اشارات:

۱. در مورد اینکه شیطان از کجا اخراج شد، مفسران چند مطلب گفته اند، برخی بر آنند که از صفوف فرشتگانی که در آنجا قرار داشت اخراج شد، یا از بهشت و یا از آسمان معنویت اخراج گشت.

ص: ۲۳۰

---

۱- (۱) در حدیثی ذیل آیه می خوانیم که شعیب بر بلندی رفت و آیه فوق را قرائت کرد و گفت من بقیه الله هستم. (صافی همان) این مطلب نشان می دهد که خود شعیب نیز مفهوم بقیه الله را اعم از مسایل اقتصادی می دانسته است.

اما با توجه به مطلق بودن آیه، که محل اخراج را مشخص نکرده می توان گفت: ابلیس از مقامی که داشت اخراج شد، که بقیه موارد ممکن است مصداق های آن باشد.

۲. واژه «لعنت» به معنای دوری از رحمت خداست، و از این آیه استفاده می شود که تکبر، نژادپرستی و نافرمانی خدا سبب تحقیر، طرد و دوری از رحمت خدا تا قیامت می شود.

۳. از این آیات استفاده می شود که ابلیس پس از طرد از درگاه الهی پشیمان نشد و توبه نکرد بلکه بر لجاجت و نافرمانی خود افزود و کینه نسل بشر را به دل گرفت و تصمیم گرفت با منحرف کردن انسان ها انتقام بکشد، و از این رو از خدا تا روز رستاخیز مهلت خواست که زنده بماند و به سرکشی و فریبکاری پردازد.

۴. خدا به شیطان مهلت داد، یعنی تا وقت مشخصی که خدا می داند به او مهلت داد. البته در برخی احادیث این وقت معلوم را پایان جهان معرفی کرده اند (۱) و برخی مفسران نیز آن را روز رستاخیز معرفی کرده اند (۲).

طبق برخی از روایات نیز تا ظهور حضرت مهدی (عج) می باشد و هب بن جمیع می گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم اینکه خداوند به شیطان فرمود: به تو مهلت داده شده تا وقت معلوم این چه زمانی است؟ حضرت فرمودند: آیا پنداشته ای که این روز، روز قیامت است؟ خداوند تا روز قیام قائم ما به شیطان مهلت داده است. وقتی خداوند قائم را مبعوث می کند و اجازه قیام به او می دهد حضرت به مسجد کوفه می رود. در آن هنگام شیطان در حالی که با زانوان خود راه می رود به آن جا می آید و می گوید: ای وای بر من از امروز. حضرت مهدی پیشانی او را می گیرد و گردنش را می زند و آن هنگام

ص: ۲۳۱

---

۱- (۱) نور الثقلین، ج ۳، ص ۱۳.

۲- (۲) چرا که آن روز در آیه ۵۰ / سوره واقعه «یوم الوقت المعلوم» نامیده شده است.

روز وقت معلوم است که مهلت شیطان به پایان می رسد (۱). از امام رضا علیه السلام نیز فرمودند: وقت معلوم روز قیام قائم ما است (۲).

۵. خدا به شیطان مهلت داد، چرا که:

اولاً: سنت خدا فرصت دادن به گناهکاران است تا حجت بر آنان تمام شود و شاید توبه کنند و باز گردند. و گرنه گرفتار عذاب شوند.

و ثانیاً: ابلیس وسیله آزمایش انسانهاست. و امتحان یکی از سنت های الهی است.

آموزه ها و پیام ها

۱. پیام هشدارآمیز آیات آن است که خدا به گناهکاران مهلت می دهد. (تا آزمایشی برای دیگران و خودشان باشد).

۲. آموزه آیات آن است که نافرمانان متکبر و نژاد پرست را طرد و لعنت کنید.

### یاران مهدی یاری می شوند

قرآن کریم در آیه پنجم و ششم سوره اسراء به سرکشی و فسادگری اول بنی اسرائیل در تاریخ اشاره کرده و می فرماید:

(فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا)؛ «و هنگامی که نخستین وعده (از آن) دو فرا رسد، (گروهی از) بندگان سخت نیرومند (و جنگ آور) مان را بر شما بشورانیم، و میان خانه ها (یتان برای سرکوبی شما) به جستجو در آیند؛ و [این] وعده ای واقع شده است. سپس دوباره، (پیروزی) بر آنان را به شما باز گردانیم، و شما را بوسیله اموال و پسران امداد رسانیم، و نفرات شما را بیشتر (از دشمن) قرار دهیم».

ص: ۲۳۲

۱- (۱) تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۴۳؛ تفسیر صافی، ج ۱، ص ۹۰۶؛ بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۵۴.

۲- (۲) منتخب الاثر، ص ۲۲۰؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۱.

۱. مقصود از فسادگری و سرکشی اول بنی اسرائیل همان است که در تاریخ آمده است که بیت المقدس توسط داود و سلیمان پیامبر علیه السلام ساخته شد. و بُخت النصر پادشاه بابل در حدود ۵۸۷ قبل از میلاد بر آن هجوم آورد و آن را ویران کرد. و این شهر حدود پنجاه سال به همان حال باقی ماند تا زمان کورش پادشاه هخامنشی ایران که یهودیان را از اسارت نجات داد و فلسطین از نو آباد شد (۱).

۲. از واژه «عباداً لنا» استفاده می شود مردم (بابل) که به یهودیان حمله کردند مردمی باایمان بودند که خدا بوسیله آنها از فسادگری یهودیان انتقام گرفت.

۳. از این آیات استفاده می شود که خدا پس از شکست سخت بنی اسرائیل در سرکشی اول، باز به آنان لطف کرد و به آنان قدرت و شوکت و نیروهای کارآمد عنایت فرمود و آنها را بر دشمنان پیروز ساخت و در این رابطه به آنان اموال داد تا اقتصاد آنان قوی شود و نیز به آنان پسرانی عنایت کرد تا نیروی جنگی کارآمد داشته باشند.

۴. در برخی احادیث آیه اول بر قتل امام علی علیه السلام و آیه دوم بر یاران امام مهدی (عج) و یا رجعت و یا کسانی که قبل از قیام آن حضرت قیام می کنند، تطبیق شده است. چنانچه امام صادق علیه السلام در تأویل آیه می فرمایند: «و فساد قتل امیرالمومنین و زخمی شدن حسن بن علی علیه السلام است و منظور از هر آینه طغیانی بزرگ مرتکب خواهید شد قتل امام حسین علیه السلام است،» پس

ص: ۲۳۳

---

۱- (۱) سلیمان معبدی بزرگ در بیت المقدس بنا کرد که نام آن به «هیکل سلیمان» (ساختمان بلند) مشهور شد و در سال ۵۸۷ قبل از میلاد توسط بُخت النصر ویران شد. او پادشاه آشوری ها در شمال بابل در عراق و سوریه کنونی بود و پایتخت او شهر نینوی بود، که از او در عهد عتیق با عنوان «نبوکد نصر» یاد شده است. او تعداد زیادی از بنی اسرائیل را به اسارت برد که به «جلاى بابل» مشهور شد و پس از استیلای کورش (یعنی خورشید) بر بابل، یهودیان آزاد شدند و اعلامیه معروف کورش در سال ۵۳۸ قبل میلاد، صادر شد. (نگاهی به ادیان زنده جهان، حسین توفیقی، ص ۷-۸۴)

هنگامیکه وعده اول آنها برسد» یعنی هنگامیکه زمان پیروزی حسین علیه السلام شود بر می انگیزیم بر سرتان بندگانمان را که پرتوان گوشه و کنار هر دیاری را پی جویی کنند که آنها گروهی هستند که خداوند قبل از قیام قائم علیه السلام بر می انگیزاند که هیچ امر رها شده ای از آل محمد را نمی گذارند مگر آنکه آنرا درخواهند یافت و این وعده محقق الهی است (۱).

اگر دوباره ستم، اهل حق زبون سازد و گر زخون، همه جا جمله لاله گون سازد

نموده وعده خدا آورد عبادی را که تخت و تاج ستم را زسرنگون سازد

البته روشن است که اینگونه احادیث بطن آیه را بیان می کند یعنی مفهوم آیه در مورد وعده سرکشی قوم یهود را گسترش داده و شامل ملت اسلام نیز کرده است و مصادیق جدید آیه را بیان نموده است که همان قتل امام علی علیه السلام است و در قیام یاران مهدی علیه السلام به نوعی جبران می شود و مؤمنان واقعی پیروز می شوند.

آموزه ها و پیام ها

۱. پیام آیه اول آن است که وعده خدا در مورد سرکشی و سرکوبی قوم یهود، یک بار در تاریخ واقع شده است. (پس منتظر تحقق وعده های دیگر خدا باشید).

۲. پیام دیگر آیه آن است که وعده های الهی حتمی است.

۳. پیام آیه دوم آن است که گاهی امداد الهی، در سرمایه و نفرات تجلی می یابد.

۴. آموزه آیه برای یهودیان آن است که به تاریخ پیشین خود توجه کنید و درس عبرت بگیرید. (و سرکشی نکنید)

### یاران مهدی، وارثان صالح زمین

قرآن کریم در آیات صد و پنجم و صد و ششم سوره انبیاء به قانون فرمانروای شایستگان بر زمین اشاره می کند و می فرماید:

ص: ۲۳۴

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ»؛ «و بیقین در «زبور» بعد از آگاه کننده [= تورات] نوشتیم که: «بندگان شایسته ام، آن زمین را به ارث خواهند برد.» قطعاً در این (مطلب)، پیامی برای گروه پرستش کنندگان است».

## نکات و اشارات

۱. واژه «أَرْض» به مجموع کره زمین گفته می شود و سراسر جهان را شامل می شود (۱). یعنی مؤمنان سرانجام بر سراسر زمین حاکم می شوند.

۲. واژه «ارث» به معنای چیزی است که بدون معامله به کسی منتقل می شود، و در قرآن گاهی به معنای پیروزی بر گروهی و در اختیار گرفتن امکانات آنها به کار رفته است (۲). یعنی مؤمنان شایسته در نهایت بر مشرکان، کافران و افراد ناشایست پیروز می شوند و تمام امکانات زمین را بدست می آورند.

۳. واژه «زبور» در اصل به معنای هر گونه کتاب و نوشته است، و در قرآن کریم معمولاً به معنای زبور داود «ع» بکار رفته است. این کتاب در عهد قدیم کتاب مقدس، تحت عنوان «مزامیر داود» آمده است که مجموعه ای از مناجات ها و اندرزهای داود پیامبر است (۳).

۴. همانطور که قرآن فرموده است در موارد متعددی از «مزامیر داود» بیان شده که شایستگان بر زمین پیروز خواهند شد، از جمله می گوید: «زیرا که شریران منقطع می شوند، اما متوکلان به خداوند، وارث زمین خواهند شد.» و در جای دیگر آمده است که: «زیرا متبرکان خداوند وارث زمین خواهند شد.» و در جای دیگر متواضعان را وارث زمین معرفی می کند (۴).

ص: ۲۳۵

---

۱- (۱) برخی مفسران احتمال داده اند که این آیه اشاره به وارث شدن زمین در رستاخیز باشد. اما ظاهر آیه آن است که در مورد زمین دنیا سخن می گوید. (نمونه، ج ۱۳، ص ۵۱۶)

۲- (۲) نک: اعراف / ۱۳۷.

۳- (۳) برخی مفسران احتمال داده اند که مقصود از «زبور» تمام کتاب های پیامبران پیشین باشد. اما این احتمال با توجه به قرائنی که خواهیم آورد بعید است. (نک: مجمع البیان، تفسیر فخررازی و نمونه، ذیل آیه).

۴- (۴) نک: کتاب مقدس، مزامیر داود، باب ۹/۳۷، ۱۱، ۱۸، ۲۷ و ۲۹.

۵. واژه «ذکر» در اصل به معنای یادآوری یا چیزی که مایه تذکر است. ولی این واژه در قرآن گاهی در معنای قرآن (۱) و گاهی در معنای تورات (۲) به کار رفته است. و در اینجا نیز ممکن است به معنای هر یک از این دو کتاب الهی باشد. و برخی مفسران ترجیح داده اند که به معنای تورات باشد (۳).

۶. در این آیه یک قانون کلی و سنت الهی بیان شده که بندگان شایسته و صالح خدا بر زمین حاکم خواهند شد، این بندگان صالح کسانی هستند که از نظر عمل، علم، قدرت، تدبیر و درک اجتماعی شایسته باشند و کسانی که این شایستگی ها را در خود ایجاد کنند، خدا نیز به آنان کمک می کند که بر مستکبران پیروز شوند و وارث زمین گردند.

۷. در احادیث متعددی از اهل بیت علیهم السلام این آیه به یاران امام مهدی علیه السلام تفسیر و تطبیق شده است.

از جمله از امام باقر علیه السلام حکایت شده که فرمودند: «بندگان شایسته ای که در این آیه به عنوان وارث زمین از آنها یاد شد، همان یاران مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - در آخر الزمان هستند.» (۴)

البته اینگونه احادیث مصداق های بارز این آیه را بر می شمارد و به معنای انحصار آیه در این افراد نیست، یعنی در هر زمان و مکان که بندگان شایسته خدا قیام کنند، موفق و پیروز می گردند و وارث حکومت آن سرزمین می شوند.

آموزه ها و پیام ها

۱. پیام این آیات برای ما آن است که پیروزی نهائی از آن شایستگان زمین است و این یک قانون الهی است.

ص: ۲۳۶

---

۱- (۱) نک: تکویر / ۲۷. (إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ)

۲- (۲) نک: انبیاء / ۴۸. (وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى وَ هَارُونَ الْفُرْقَانَ وَ ضِيَاءً وَ ذِكْرًا لِلْمُتَّقِينَ)

۳- (۳) ، صا، ح، ب تفسیر نمونه ترجی، ح می دهند که «ذکر» به معنای تورات باشد.

۴- (۴) نک: نمونه، و مجمع البیان، ذیل آیه.

۲. پیام دیگر آیات برای ما آن است که قانون پیروزی نهائی صالحان (و ظهور مهدی «عج») نور امید دل عابدان است.

۳. پیام دیگر این آیات آن است که برخی قوانین و سنت‌های ثابت الهی در کتاب‌های آسمانی تکرار شده است. تا همگان بدانند.

۴. آموزه آیات آن است که اگر می‌خواهید وارث زمین شوید شایسته کردار گردید.

### مهدی (عج) اجازه جنگ دارد

قرآن کریم در آیه سی و نهم سوره حج با اشاره به فلسفه جهاد، به مظلومان اجازه جهاد می‌دهد و می‌فرماید:

أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ؛ «به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده، رخصت (جهاد) داده شد، بخاطر اینکه آنان مورد ستم واقع شده‌اند؛ و قطعاً خدا بر یاری آنان تواناست».

#### نکات و اشارات

۱. هنگامی که مسلمانان در مکه بودند مشرکان آنان را آزار می‌رساندند و آنان به پیامبر صلی الله علیه و آله شکایت می‌کردند و اجازه جهاد می‌خواستند، اما پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرمود: شکبیا باشید هنوز دستور جهاد به من داده نشده است. این جریان ادامه داشت تا اینکه مسلمانان به مدینه هجرت کردند و خدا با نزول آیه فوق به آنان رخصت جهاد داد(۱).

۲. برخی مفسران برآنند که این آیه نخستین آیه ای است که در مورد جهاد فرود آمده است و لحن آیه و تعبیر اذن نیز با این مطلب سازگار است(۲).

ص: ۲۳۷

---

۱- (۱) مجمع البیان، تفسیر کبیر و نمونه، ذیل آیه.

۲- (۲) برخی مفسران نیز آیه ۱۹۰ / بقره و ۱۱۱ / توبه را اولین آیه جهاد می‌دانند. (نک: المیزان، ج ۱۴، ص ۴۱۹ و نمونه، ج ۱۴، ص ۱۱۳)



۳. در این آیه اشاره شده که خدا به مؤمنان مظلوم اجازه جهاد داد تا آنان توان خویش را بکار گیرند و با دشمن مبارزه کنند، و در این صورت است که از طرف خدا یاری می شوند چراکه خدا برای یاری آنان تواناست.

۴. شأن نزول آیه در مورد اجازه جهاد به اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله است اما این آیه اختصاص به مورد شأن نزول ندارد بلکه یکی از مصادیق آیه اجازه ظهور و قیام و خون خواهی حضرت مهدی برای امام حسین علیه السلام است چنانچه از امام صادق روایت است که فرمودند این آیه درباره حضرت قائم و اصحاب او است. همچنین از امام صادق علیه السلام در تفسیر همین آیه حکایت شده که می فرمایند، اهل سنت می گویند این آیه درباره رسول خدا نازل شده هنگامیکه کفار قریش آن حضرت را از مکه بیرون کردند و حال آنکه درباره حضرت قائم است که چون خروج کند برای حسین خونخواهی نماید و این است فرمایش او «نحن اولیاءکم فی الدم وطلب الدیه» ما اولیای خون و طالبان دیه هستیم(۱).

آموزه ها و پیام ها

۱. پیام این آیه برای ما آن است که یکی از فلسفه های جهاد، دفع ظلم است.

۲. آموزه آیه برای ما آن است که اگر دشمنان جنگ را بر شما تحمیل کردند، شما نیز با آنان بجنگید.

### مهدی علیه السلام هدایت نور الهی

قرآن کریم در آیه سی و پنجم سوره نور، با مثالی زیبا، نور خدا را توضیح می دهد و می فرماید:

(اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ

ص: ۲۳۸

---

۱- (۱) تفسیر علی بن ابراهیم قمی، ج ۲، ص ۸۴.

وَلَا غَرْبِيَّ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضَيُّهُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ)؛ «خدا نورِ آسمان ها و زمین است؛ مثال نور او همانند چراغدانی است که در آن چراغی باشد، که [آن] چراغ در بلوری است - [آن] بلور چنانکه گویی سیاره ای درخشان است - (و این چراغ با روغنی) از درخت خجسته زیتونی که نه شرقی و نه غربی است، افروخته می شود؛ نزدیک است روغنش روشنی بخشد، و گر چه هیچ آتشی بدان نرسیده باشد. (این) نوری است بر فراز نور، خدا هر کس را بخواهد (و شایسته بداند) به نور خود راهنمایی می کند؛ و خدا برای مردم مثل ها می زند و خدا به هر چیزی داناست».

## نکات و اشارات

۱. نور پدیده ای است که آن را اینگونه تعریف کرده اند: «چیزی که در ذات خود آشکار است و ظاهرکننده دیگر چیزهاست.»

۲. نور دارای ویژگی خاصی است که به برخی آنها اشاره می کنیم:

نور زیبا و سرچشمه زیبایی هاست. بالاترین سرعت حرکت از آن نور است (۱). نور وسیله مشاهده موجودات است. نور پرورش دهنده گیاهان و گلهاست. پیدایش رنگ نتیجه تابش نور است. انرژیهای موجود در محیط زمین غالباً از نور سرچشمه می گیرد. نور نابود کننده میکرب هاست. نور هدایتگر مسافران و گمشدگان است. و...

۳. در قرآن کریم به چند چیز نور گفته شده است که عبارتند از:

الف: خدا نور است همانطور که در آیه فوق آمده بود.

ب: ایمان به خدا نور است (۲).

ص: ۲۳۹

---

۱- (۱) سرعت نور را سیصد هزار کیلومتر در ثانیه گفته اند یعنی در هر ثانیه می تواند هفت بار کره زمین را دور بزند.

۲- (۲) بقره / ۲۵۷ «يُخْرِجُهُم مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ».

ج: خود قرآن نوری از جانب خدا است (۱).

د: هدایت الهی نور است (۲).

ه: آیین اسلام نور است (۳).

و: شخص پیامبر صلی الله علیه و آله چراغی نور بخش است (۴).

از احادیث نیز استفاده می شود که امامان معصوم علیهم السلام و علم نور هستند (۵).

۴. مقصود از اینکه خدا نور است، هدایتگری یا روشنگری یا زینت بخشی خدا به جهان است. یعنی خدا نور است و هر موجودی به هر اندازه که با او ارتباط دارد از نوارتیت برخوردار می شود. و از این روست که ایمان، قرآن، اسلام، پیامبر، امامان و علم نور هستند، چون همه در ارتباط با او و سبب آشنائی مردم با نور خدا می شوند.

آری این ویژگی نور است که به همه چیز جان تازه و حرکت می دهد و آنها را پرورش داده و به سر منزل مقصود هدایت می کند. و موانع را از سرراهشان بر می دارد.

۵. در برخی احادیث از اهل بیت علیهم السلام حکایت شده است که:

مقصود از نور بودن خدا، هدایتگری او برای اهل آسمانها و اهل زمین است (۶). البته هدایتگری یکی از خواص نور الهی است اما منحصر در آن نیست و هر کدام از تفسیرهای نور خدا، به یکی از ابعاد این نور اشاره دارد.

۶. واژه «مشکاه» به معنای محفظه ای برای چراغ است که آن را در برابر باد و طوفان حفظ می کند و غالباً در دیوار ایجاد می شده تا نور چراغ را متمرکز ساخته و منعکس نماید.

ص: ۲۴۰

---

۱- (۱) مائده / ۱۵ «قد جائکم من الله نور و کتاب مبین».

۲- (۲) انعام / ۱۲۲ «نوراً یمشی به فی الناس».

۳- (۳) توبه / ۳۲ «یتم نوره».

۴- (۴) احزاب / ۲۶ «سراجاً منیراً».

۵- (۵) نک: زیارت جامعه و ماده علم در میزان الحکمه و نمونه، ج ۱۴، ص ۴۷۲.

۶- (۶) نمونه، ج ۱۴، ص ۴۷۴-۵ به نقل از تو، حید از امام رضا «ع» آورده است.

و واژه «زُجَاجَه» در اصل به معنای سنگ شفاف است و از آنجا که شیشه از سنگ ساخته می شود و شفاف است به آن نیز گفته می شود. و در اینجا مقصود حبایی است که بر روی چراغ می گذارند تا شعله را محافظت کند و گردش هوا را تنظیم نماید. و بر نور چراغ بیفزاید. و «مصباح» به معنای خود چراغ است.

۷. درخت زیتون درختی پربرکت است. که روغن آن یکی از بهترین روغن ها برای اشتعال است. بویژه که اگر درخت وسط باغ باشد و در طرف شرق و غرب باغ و کنار دیوارها نباشد. که نور آفتاب به همه جای درخت بتابد و برخی قسمت های آن نارس نگردد. و روغنش ناصاف نشود.

۸. نور خدا که به صورت شعله های ایمان در مصباح قلب مؤمن آشکار می شود و حباب قلب او ایمان را در درون خود تنظیم می کند و مشکات سینه او که همان مجموعه شخصیت مؤمن است ایمانش را از گزند حوادث حفظ می کند و درخت مبارک وحی الهی که عصاره آن قرآن است، ایمان مؤمنان را شعله ور و پر بار می سازد و وجود مؤمنان را روشن می نماید و هنگامی که با دلایل عقلی همراه می شود نور علی نور می شود (۱). البته وقتی این نور الهی در قلب روشن می شود که قلب انسان با خودسازی و اخلاق آماده شود و نور وحی از آلودگی گرایش های انحرافی شرقی و غربی بر کنار بماند.

۹. در احادیث اهل بیت علیهم السلام مشکات را به نور علم پیامبر صلی الله علیه و آله و زُجَاجَه را به سینه علی و نور علی نور را به امام معصوم که با نور علم تأیید می شود. و درخت مبارک را به ابراهیم خلیل که ریشه است و لا شرقیه و لا غربیه را به نفی گرایشهای یهود و مسیحیت تفسیر کرده اند.

ص: ۲۴۱

در روایتی دیگر از جابر بن عبدالله انصاری نقل شده که می گوید: در مسجد کوفه داخل شدم در حالی که امیرالمومنین با انگشتان مبارک خود می نوشت و تبسم فرمود، گفتم یا امیرالمومنین چه چیز شما را به خنده آورد؟ فرمود عجب دارم از آن که این آیه را می خواند ولی به حق به آن معرفت ندارد، گفتم کدام آیه؟ فرمود: **اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...** مثل نوره کمشکوه مشکوه محمد صلی الله علیه و آله است فيها مصباح منم مصباح زجاجه الزجاجه حسن و حسین علیه السلام هستند کأنها کواكب دُرّی علی بن الحسین علیه السلام است یوقد من شجره مبارکه محمد بن علی علیه السلام است زیتونه جعفر بن محمد علیه السلام است لاشرقیه موسی بن جعفر علیه السلام است لاغریبه علی بن موسی الرضا علیه السلام است یکاد زیتها یضی محمد بن علی علیه السلام است ولو لم تمسه نار علی بن محمد علیه السلام است نور علی نور حسن بن علی علیه السلام است و یهدی الله لنوره من یشاء قائم مهدی علیه السلام است (۱).

در این احادیث مصداق های کامل این آیه بیان شده است. اما این بدان معنا نیست که آیه منحصر به این موارد است (۲).

آموزه ها و پیام ها

۱. پیام این آیه برای ما آن است که جهان از خدا روشن است.
۲. پیام دیگر آیه برای ما آن است که نور الهی چند لایه است.
۳. آموزه آیه آن است که بدنال نور الهی باشید که هدایت به سوی نور الهی، بدست خداست.

### خلافت زمین بدست مهدی علیه السلام

قرآن کریم در آیه پنجاه و پنجم سوره نور به مؤمنان نوید حکومت جهانی، پیروزی اسلام، آرامش و توحید می دهد و می فرماید:

ص: ۲۴۲

- 
- ۱- (۱) نجم الثاقب باب دوم، فرهنگ الفبایی مهدویت، ص ۷۴۳.
  - ۲- (۲) نور الثقلین، ج ۳، ص ۶۰۲ و نمونه، ج ۱۴، ص ۴۸۰ و ۴۸۵.

(وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ) ؛ «خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و [کارهای] شایسته انجام داده اند، وعده داده است که قطعاً آنان را در زمین جانشین خواهد کرد، همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند، جانشین کرد؛ و مسلماً دینشان را که برای آنان پسندیده است، به نفعشان مستقر خواهد کرد، و البته بعد از ترسشان (وضعیت) آنان را به آرامش مبدل می کند، در حالی که مرا می پرستند [و] هیچ چیز را شریک من نخواهند ساخت. و کسانی که بعد از آن کفر ورزند، پس فقط آنان نافرمانند».

#### شان نزول

داستان نزول آیه فوق اینگونه حکایت شده که مسلمانان هنگامی که به مدینه مهاجرت کردند، قبایل جزیره العرب و مکه بر ضد آنان شوریدند، و با مخالفت ها و تهدیدهای فراوانی رو برو شدند، و زندگی ناامنی داشتند بطوری که دائماً در حالت آماده باش نظامی بودند و باید شب و روز اسلحه را از خود دور نمی کردند، این حالت بر مسلمانان سخت آمده و برخی گفتند: تا کی این حالت ادامه دارد آیا زمانی فرا می رسد که ما با آرامش زندگی کنیم. آیه فوق بدین مناسبت فرود آمد و به آنان مژده داد که زمان پیروزی و آرامش فرا خواهد رسید(۱).

#### نکات و اشارات

۱. خدا در این آیه به مؤمنان شایسته کردار، چهار وعده داده است:

نخست آنکه آنان صاحب حکومت جهانی می شوند.

ص: ۲۴۳

---

۱- (۱) نک: اسباب النزول، سیوطی، مجمع البیان، طبرسی، فی ظلال، تفسیر قرطبی و نمونه، ذیل آیه.

دوم آنکه دین حق در همه جا امکانات نشر می یابد.

سوم آنکه نگرانی های آنان به آرامش و امنیت تبدیل می شود.

و چهارم آنکه در نهایت توحید خالص و خدا پرستی تحقق می یابد.

۲. در این آیه بیان شده که گروهی از مردم قبل از مسلمانان بر زمین حکومت و خلافت کردند(۱). مقصود از این گروه، یا افرادی همچون آدم، داود و سلیمان و بنی اسرائیل هستند که قرآن به خلافت و حکومت آنان اشاره کرده است و یا مقصود گروهی از اقوام مؤمن و صالح است که بر زمین یا بخشی از آن حکومت کردند(۲).

البته مانعی ندارد که حکومت همه این افراد و گروهها مقصود آیه باشد.

۳. مقصود از «ارض» در این آیه یا کل جهان و حکومت جهانی است و یا بخشی از زمین است. البته با توجه به اینکه حکومت های پیشینان که در این آیه به آنها اشاره شده شامل بخشی از زمین می شد، مانعی ندارد که مقصود از «ارض» بخشی از زمین باشد.

۴. وعده الهی در مورد حکومت و خلافت که در این آیه وعده داده شد مخصوص چه کسانی است؟ برخی از مفسران آن را مخصوص صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله می دانند که در عصر رسول خدا به حکومت بخشی از زمین دست یافتند و برخی آن را اشاره به همه مسلمانانی می دانند که مؤمن و شایسته گردارند و به حکومت الهی دست می یابند و برخی دیگر از مفسران این آیه را اشاره به حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام می دانند(۳).

البته مانعی ندارد که این آیه اشاره به همه این موارد باشد. و هر کدام مصداقی از آیه باشند و مصداق کامل آن در زمان حضرت مهدی (عج) تحقق یابد که جهانی سازی مثبت انجام می گیرد.

ص: ۲۴۴

---

۱- (۱) نک: بقره/ ۳۰، ص/ ۲۶، نمل / ۶ و اعراف / ۱۲۷.

۲- (۲) نک: نمونه، ج ۱۴، ص ۵۲۸ و المیزان، ذیل آیه.

۳- (۳) نمونه، همان، ص ۵۳۰.

۵. در احادیث اسلامی حکایت شده که این آیه اشاره به مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله است و در حدیثی از امام سجاد علیه السلام حکایت شده که فرمودند: «بخدا سوگند مقصود از این افراد شیعیان ما هستند، خدا این کار را بدست مردی از ما انجام می دهد که او مهدی این امت است. و زمین را پر از عدل و داد می کند همانگونه که پر از ظلم و جور شده باشد. و اوست که پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد او فرمود: «اگر از عمر دنیا، جز یک روز باقی نمانده باشد، خدا آن روز را آنقدر طولانی می کند تا مردی از دودمان من که نامش نام من است، زمین را پر از عدل و داد کند. همانگونه که پر از ظلم و جور شده است.» (۱)

۶. در این آیه اشاره شده که هدف نهایی توحید، نفی شرک و عبادت خالص خداست. یعنی حکومت جهانی، آرامش و استقرار آیین حق، همه مقدمه آن است که توحید در جامعه پیاده شود. و مردم به پرستش خدا روی آورند که مایه تکامل و رشد آنهاست.

۷. در این آیه اشاره شده که اگر حکومت جهانی الهی نیز تشکیل شود، بازهم برخی افراد نافرمانبردار و فاسق هستند که به کثر راه می روند و راه کفر می پیمایند. آری، تا انسان دارای آزادی و اختیار است در هر جامعه ای افراد مؤمن و منحرف پیدا خواهند شد و این لازمه حرکت تکاملی و آزادانه انسان است.

آموزه ها و پیام ها:

۱. آموزه آیه برای ما آن است که به آینده امیدوار باشید که آینده بشریت روشن و نوید بخش است.

۲. پیام این آیه برای ما آن است که سرانجام خلافت و حکومت از آن مؤمنان شایسته کردار است.

۳. پیام دیگر آیه آن است که در نهایت دین اسلام بر جهان حاکم می شود و جهانی سازی مثبت تحقق می یابد.

ص: ۲۴۵

---

۱- (۱) نک: مجمع البیان، رو، ح المعانی و نمونه، ذیل آیه.





آرامش آنان را فراهم کرده است و یا منظور جانشین شدن اقوام به جای همدیگر در زمین است (۱) و یا مقصود جانشین شدن نوع انسان بجای خدا در زمین است که در آیات دیگر قرآن بدان اشاره شده است (۲). البته معنای اول و سوم قابل جمع است و ممکن است مقصود آیه هر سه معنا باشد.

۳. در برخی احادیث از امام باقر و امام صادق علیه السلام حکایت شده که: «مقصود از مُضطرّ در این آیه قائم آل محمد صلی الله علیه و آله است. که خدا دعای او را مستجاب می سازد و مشکلات او را. برطرف می سازد و او را خلیفه زمین می گرداند.» (۳) البته اینگونه احادیث مصداق روشن مضطرّ را بیان می کند و گرنه مفهوم آیه شامل هر فرد مُضطرّ که دعا کند، می شود (۴).

۴. سالک اضطرار خود را در نظر بگیرید:

امام عارفان در این مورد می نویسند: «پس بهتر است که سالک الی الله پای سلوک خود را بشکند و از اعتماد به خود و ارتیاض (= ریاضت کشیدن) و عمل خود یکسره برائت جوید و از خود و قدرت و قوت خود فانی شود و فنا و اضطرار خود را همیشه در نظر گیرید تا مورد عنایت شود و راه صد ساله را با جذبه ربوبیت یک شبه طی نماید و لسان باطن و حالش در محضر قدس ربوبیت با عجز و نیاز عرض کند: «امن یحییب المضطر اذا دعاه ویکشف السوء.» (۵)

آموزه ها و پیام ها

۱. آموزه آیه برای ما آن است که هنگام بر آورده شدن دعاها و رفع مشکلات، نشانه های خدا را ببینید.

۲. پیام دیگر آیه آن است که یکی از سرچشمه های شرک غفلت و پند ناآموزی است.

ص: ۲۴۷

---

۱- (۱) نمونه، ج ۱۵، ص ۵۱۸.

۲- (۲) نک: بقره / ۳۰.

۳- (۳) نور الثقلین، ج ۴، ص ۹۴ و، صافی، ج ۴، ص ۷۱.

۴- (۴) در مورد دعا و شرایط استجاب آن به ذیل آیه ۵۶ / اعراف مراجعه کنید.

۵- (۵) آداب الصلوه، امام خمینی قدس سره، ص ۶۷.

قرآن کریم در آیات پنجم و ششم سوره قصص به قانون پیروزی مستضعفان در زمین و سرکوبی مستکبران اشاره می کند و می فرماید:

«وَأَنْتُمْ عَلَىٰ أَرْضِكُمْ وَنَجْعَلُهُمْ أُتْمَمًا وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَتُمْكِنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ»؛ «و می خواهیم که بر کسانی که در زمین مستضعف شده بودند، منت نهمیم و آنان را پیشوایان (زمین) گردانیم و آنان را وارثان (آن) قرار دهیم و در زمین به آنان امکانات دهیم، و به فرعون و هامان و لشکریانشان، آنچه را همواره از آن (بنی اسرائیلی) ان بیم داشتند بنمایانیم».

نکات و اشارات

۱. هر چند که این آیات در مورد پیروزی موسی و بنی اسرائیل و نابودی فرعونیان فرود آمده است، اما یک قانونی کلی و امید بخش را در مورد همه مستضعفان و مستکبران جهان بیان میکند (۱) که موسی و فرعون یکی از مصادیق آن و پیروزی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله مصداق دیگر و حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام مصداق کامل آن است.

۲. در برخی از احادیث از امام علی علیه السلام حکایت شده که: «آیه فوق در مورد آل محمد صلی الله علیه و آله است که خدا مهدی آنان را بعد از زحمات و فشارهایی که بر آنان وارد می شود، بر می انگیزد و آنان را عزت می دهد و دشمنانشان را ذلیل می سازد.» (۲) البته روشن است که حکومت جهانی امام مهدی (عج) مصداق کامل آیه است ولی موجب انحصار معنای آیه نمی شود چون آیه فوق یک قانون کلی را بیان می کند. که در هر زمان مصداقی دارد.

ص: ۲۴۸

---

۱- (۱) از این رو بصورت فعل های مضارع (نرید، نمن، نجعلهم، نمکن) آمده است و خود واژه «نرید» دلالت بر اراده الهی وقانون و سنت او دارد.

۲- (۲) نور الثقلین، ج ۴، ص ۱۱۰.

۳. واژه «مَنّت» به معنای بخشیدن نعمت بزرگ و سنگین است و اگر در مورد مردم استعمال شود به معنای بازگو کردن نعمت است که کار ناپسندی است اما در مورد خدا به معنای بخشیدن نعمت است (۱).

۴. واژه «مُسْتَضْعَف» به معنای فرد ضعیف و ناتوان نیست بلکه به معنای کسی است که به ناتوانی کشیده شده و ضعیف گردیده است، یعنی فرد نیرومندی که از طرف ستمکاران تحت فشار قرار گرفته است و نمی تواند استعدادهای و نیروهای خود را آشکار سازد (۲).

۵. مستضعفان گاهی از ناحیه فکری، فرهنگی، اقتصادی، اخلاقی یا سیاسی ضعیف نگاه داشته شده اند. اما چیزی که قرآن بر آن تأکید بیشتری دارد استضعاف سیاسی و اخلاقی است (۳). آری استعمارگران و استثمارگران، نخست مردم را گرفتار استضعاف فرهنگی و سیاسی می کنند، سپس منابع اقتصادی آنان را غارت می کنند و به استضعاف اقتصادی می کشانند و قدرت قیام را از آنان می گیرند.

۶. مستکبران برای نابودی مستضعفان برنامه هایی طراحی می کنند که در آیات قبل اشاره شد، از راه تفرقه افکنی، نابودی نسل جوان و فساد وارد می شوند، همانطور که در جهان کنونی آثار آن را در توسعه فحشاء، شراب، مواد مخدر و بی بند و باری فرهنگی و سرگرمی های ناسالم می بینیم. اما پیامبران الهی و بویژه قرآن کریم در همه جا به حمایت از مستضعفان برخاسته اند و خطرات مستکبران فسادگر و برتری طلب را به آنان گوشزد نموده اند.

۷. قرآن کریم در آیات فوق پنج مرحله قانون پیروزی مستضعفان را اینگونه بیان کرده است: نخست خدا به آنان نعمت بزرگ (همچون دین و رهبری الهی) می دهد.

در مرحله دوم مستضعفان را پیشوایان اهل زمین می گرداند.

ص: ۲۴۹

---

۱- (۱) نمونه، ج ۱۶، ص ۱۶.

۲- (۲) همان، ص ۱۹.

۳- (۳) همان.

در مرحله سوم مستضعفان را وارث اموال و زمین های دشمنان می گرداند.

در مرحله چهارم مستضعفان را به حکومت جهانی زمین می رساند.

و در مرحله پنجم مستکبران را مجازات می کند و به سزای اعمالشان می رساند.

تحمل کن ای ناتوان از قوی که روزی تواناتر از وی شوی

لب خشک مظلوم را گو بخت که دندان ظالم بخواهند کند

(سعدی)

۸. «هامان» وزیر معروف فرعون بود که در دستگاه او نفوذ زیادی داشت، بطوری که قرآن لشکریان مصر را به او و فرعون نسبت می دهد(۱).

آموزه ها و پیام ها

۱. پیام این آیات برای ما آن است که جهان فرجام امید بخشی دارد و پیروزی نهایی از آن مستضعفان است.

۲. آموزه آیات آن است که مستضعفان بدنبال پیشوایی، حکومت جهانی و وراثت زمین باشند.

۳. پیام دیگر آیه ششم آن است که مستکبران از آنچه می ترسند به سرشان می آید.

### نورانی شدن زمین با نور مهدوی

قرآن کریم در آیات شصت و نهم و هفتادم سوره زمر به شش ویژگی رستاخیز اشاره می کند و می فرماید:

وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ؛ «و (در رستاخیز) زمین به نور پروردگارش روشن می شود، و نامه (اعمال) نهاده می شود، و پیامبران و گواهان آورده می شوند، و بینشان به حق داوری می شود

ص: ۲۵۰

۱- (۱) تفسیر علی بن ابراهیم قمی، ج ۲، ص ۳۲۷.

درحالی که آنان مورد ستم واقع نمی شوند. \* و به هر شخص آنچه انجام داده است بطور کامل داده شود؛ و او نسبت به آنچه انجام دهند داناتر است».

## نکات و اشارات

۱. مقصود از روشن شدن زمین با نور پروردگار چیست؟

مفسران قرآن در این مورد چند احتمال داده اند:

اول آنکه منظور از نور پروردگار، همان حق و عدالت است که در رستاخیز همه جا را پرمی کند.

دوم آنکه نوری غیر از نور خورشید است که خدا در رستاخیز می آفریند.

و سوم آنکه مقصود کنار رفتن حجاب ها و ظاهر شدن حقایق امور است. البته این تفسیرها با هم منافاتی ندارد و ممکن است همه آنها مقصود آیه باشد.

۲. هرچند که نور الهی همه جهان را فرا می گیرد ولی در این آیه به زمین اشاره شده، چراکه هدف اصلی بیان حال مردم روی زمین است.

۳. در برخی احادیث این آیه را به قیام امام عصر (عج) تفسیر کرده اند (۱) که نوعی تطبیق و تشبیه است، چراکه قیام امام مهدی (ع) نمونه ای از صحنه رستاخیز است که عدالت در همه جا گسترده می شود. و نور الهی امامت همه جا را روشن می کند.

۴. برخی مفسران برآنند که مقصود از گواهان رستاخیز نیکان، پاکان عادل همه امت ها و شهیدان و امامان معصوم و فرشتگان و اعضای بدن و حتی مکان و زمان هستند، که شاهد اعمال انسان ها بوده و در محضر خدا گواهی می دهند (۲).

۵. هرچند که خدا از همه اعمال بندگان آگاه است اما با این حال گواهانی را در رستاخیز می آورد تا تأکیدی به عدالت او باشد و این نوعی لطف و اتمام حجت است.

ص: ۲۵۱

---

۱- (۱) نک: صافی، نور الثقلین و نمونه ذیل آیه و بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۰.

۲- (۲) نمونه، ج ۱۹، ص ۵۴۶.

۱. پیام این آیات برای ما آن است که رستاخیز روز نورانی شدن جهان است.

۲. پیام دیگر آیه آن است که در دادگاه رستاخیز، پرونده اعمال و گواهان و قاضی عادل و حق طلب، آماده (رسیدگی به اعمال شما) است.

۳. پیام دیگر آیات آن است که در رستاخیز هر کس نتیجه اعمال خود را (بصورت پاداش یا کیفر) دریافت می کند.

۴. آموزه آیات آن است که رستاخیز داوری عادل و آگاه دارد (پس مراقب اعمال خود باشید).

### قیام مهدی (عج) تاویل حروف مقطعه

قرآن کریم در آیات اول تا چهارم سوره شوری به حروف مقطعه و مسأله وحی و صفات خدای متعال اشاره می کند و می فرماید:

(حم عسق کذٰلِکَ یُوحِیْ اِلَیْکَ وَ اِلَی الَّذِیْنَ مِنْ قَبْلِکَ اللّٰهُ الْعَزِیْزُ الْحَکِیْمُ لَهٗ مَا فِی السَّمٰوٰتِ وَ مَا فِی الْاَرْضِ وَ هُوَ الْعَلِیُّ الْعَظِیْمُ)؛ «ح، عین، سین، قاف. این چنین خدای شکست ناپذیر فرزانه به سوی تو و به سوی کسانی که پیش از تو بودند وحی می کند. آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است فقط از آن اوست؛ و او بلند مرتبه [و] بزرگ است».

نکات و اشارات

۱. حروف مقطعه، عبارت است از رموزی بین خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله که تفسیرهای متعددی برای آنها شده است. این حروف می تواند اشاره به آن باشد که این قرآن معجزه آسا از همین حروف معمولی ساخته شده است اگر می توانید مثل آن را بیاورید(۱).

ص: ۲۵۲

---

۱- (۱) در مورد، حروف مقطعه ذیل آیه اول سوره بقره مطالب مبسوطی بیان کردیم.

۲. برخی مفسران برآند که سوره‌هایی که با حروف مقطعه مشابه همدیگر شروع می‌شوند محتوای آنها شبیه همدیگر است یعنی ارتباطی بین حروف مقطعه و محتوای سوره وجود دارد. بطوری که محتوای سوره‌هایی که «الم» دارد مشابه است و محتوای سوره‌ای که «المص» دارد جامع میان محتوای سوره‌های «الم» و سوره «ص» است (۱).

۳. حروف «حم» در هفت سوره قرآن آمده است، یعنی سوره‌های: مؤمن، فصلت، شوری، زخرف، دخان، جاثیه، احقاف.

در برخی احادیث حکایت شده که: حاء اشاره به رحمان و میم اشاره به مجید و عین اشاره به علیم و سین اشاره به قدوس و قاف اشاره به قاهر از صفات و نام‌های خداست (۲).

۴. یکی دیگر از تفاسیر حروف مقطعه در ابتدای این سوره مربوط به امام مهدی علیه السلام می‌باشد. چنانچه از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمودند حم به معنای حتمی بودن است و عین عذابست و بین قحطی است از قبیل قحطی زمان حضرت یوسف علیه السلام و قاف عبارت است از قذف و مسخ و خسف که در آخرالزمان واقع می‌شود بسبب سفیانی و اصحاب او و جمع کثیری از کلب که عدد آنها سی هزار نفر است و با سفیانی خارج می‌شوند و این قضیه در زمان قائم (عج) ما اهل بیت در مکه واقع می‌گردد و او مهدی این امت است (۳).

۵. خدا قرآن و همه کتاب‌های آسمانی را از سرچشمه قدرت و حکمت خویش نازل کرد همان خدایی که مالکیت و حاکمیت مطلق آسمان‌ها و زمین را دارد و بر اساس همین مالکیت سرنوشت موجودات را مشخص می‌سازد با حکمت خویش از طریق وحی به آنها برنامه می‌دهد، آری او بلند مرتبه و بزرگ است.

ص: ۲۵۳

---

۱- (۱) المیزان، ج ۱۸، ص ۵-۶.

۲- (۲) قرطبی، ج ۹، ص ۵۸۲۲ و نمونه، ج ۲۰، ص ۳۴۸.

۳- (۳) تأویل الآیات الباهرات، ص ۲۶۳.



۶. در این آیات به پنج صفت خدا اشاره شده است که عبارتند از: عزیز، حکیم، مالک هستی، بلند مرتبه، عظیم که همه این صفات با نزول وحی و قرآن در ارتباط است.

۷. واژه «کذلک» به معنای «اینچنین» است و این اشاره به حروف مقطعه است که قرآن و کتاب های آسمای دیگر با همین حروف معمولی نازل شده است یا اینکه اشاره به محتوای سوره و مطالب بلند آن است که همه جا سرچشمه وحی خداست.

آموزه ها و پیام ها

۱. پیام این آیات این است که قرآن از همین حروف معمولی ساخته شده است (اگر می توانید مثل آن را بیاورید).

۲. پیام دیگر آیات آن است که وحی جلوه ای از عزّت، حکمت، مالکیت، بلند مرتبه گی و بزرگی خداست.

۳. پیام دیگر آیات آن است که وحی به پیامبر اسلام و پیامبران قبلی همگون بوده است.

۴. آموزه آیات آن است که وحی و صفات الهی را بشناسید (و حرکت خود را در آن راستا قرار دهید).

### جهانی سازی مهدوی

قرآن کریم در آیه بیست و هشتم سوره فتح به پیروزی نهایی اسلام بر همه ادیان و جهانی سازی اسلامی اشاره می کند و می فرماید:

(هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا) ؛ «او کسی است که فرستاده اش را با هدایت و دین حق فرستاده تا آن را بر همه دین [ها] پیروز گرداند؛ و گواهی خدا کافی است».

ص: ۲۵۴

۱. در این آیه وعده پیروزی دراز مدت اسلام بر جهان را می دهد، پیروزی هایی که بدنبال صلح حدیبیه یکی پس از دیگری تحقق می یابد و روشن می سازد که این صلح فتح المبین اسلام بود.

۲. در اینجا پرسشی مطرح است که پیروزی اسلام چگونه خواهد بود و چه زمانی تحقق می یابد؟!

مفسران در این مورد دو گونه پاسخ داده اند:

اول آنکه مقصود پیروزی منطقی و استدلالی اسلام بر ادیان دیگر است که هم اکنون تحقق یافت است.

دوم آنکه پیروزی نظامی و ظاهری بر ادیان دیگر است که تاکنون مناطق وسیعی از جهان و بیش از یک میلیارد نفر تحت پرچم اسلام قرار گرفته اند و در آینده تمام جهان و جهانیان زیر پرچم اسلام می آیند همانطور که در آیات قرآن مکرر بر این مطلب تاکید شده است (۱). این کار در زمان امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تکمیل خواهد شد و نوعی جهانی سازی اسلامی تحقق می یابد که برای بشریت نتایج مثبتی به بار می آورد.

۳. در حدیثی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله حکایت شده که: «در روی زمین خانه ای و خیمه ای باقی نمی ماند مگر آنکه خدا اسلام را در آن وارد می کند.» (۲)

۴. آیه فوق نوعی پیشگوئی پیروزی نهایی اسلام است و هر پیشگوئی نیاز به گواه و شاهد صدق دارد، و در اینجا خدای متعال خود شاهد و گواه است و نیاز به شاهد دیگری ندارد.

آموزه ها و پیام ها

۱. پیام این آیه آن است که پیروزی نهایی از آن اسلام است.

ص: ۲۵۵

---

۱- (۱) نک: ذیل آیه ۳۳ / توبه.

۲- (۲) مجمع البیان، ج ۵، ص ۲۵، وقرطبی، ج ۷، ص ۴۶۹۲، و نمونه، ج ۲۲، ص ۱۱۲.

۲. آموزه آیه برای مسلمانان آن است که به آینده پیروزمند خویش امیدوار باشید.

۳. پیام دیگر آیه آن است که در عصر کنونی پیامبر اسلام صاحب هدایت و دین حق است.

۴. پیام دیگر آیه آن است که گواه پیروزی اسلام، خداست.

۵. آموزه دیگر آیه آن است که بدنبال جهانی سازی اسلامی باشید.

### ندای آسمانی در هنگام قیام مهدی (عج)

قرآن کریم در آیات چهل و یکم تا چهل و چهارم سوره «ق» به بانگ بیدار باش رستاخیز و حالات مردم در آن روز اشاره می کند و می فرماید:

﴿وَاسْمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمَ الْخُرُوجِ إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَإِلَيْنَا الْمَصِيرُ يَوْمَ تَشَقَّقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ذَلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ﴾؛ «و گوش فرا ده روزی که دعوت گراز مکانی نزدیک ندا می دهد، (همان) روزی که بانگ (بزرگ رستاخیز) را به حق می شنوند؛ آن روز خروج (از قبرها) است. در حقیقت فقط ما زنده می کنیم و می میرانیم، و فرجام (همه) تنها به سوی ماست. روزی که زمین بر آنان بشکافد، بسرعت (از آن بیرون می آیند)؛ این گرد آوری است که برای ما آسان است».

نکات و اشارات:

۱. در این آیات خطاب به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است که گوش به منادی رستاخیز دهد و یا انتظار آن روز را بکشد(۱) ولی در حقیقت مقصود آیات همه انسان ها هستند که منتظر حادثه وحشتناک رستاخیز باشند و دائماً گوش دهند تا صدای بانگ آسمانی رستاخیز را بشنوند.

ص: ۲۵۶

---

۱- (۱) مق، صود از گوش فرادادن در این آیات انتظار کشیدن است. (نمونه، ج ۲۲، ص ۲۹۶)

۲. منادی روز رستاخیز یا خدای متعال است و یا اسرافیل آن فرشته بزرگ الهی است که در شیپور بیدار باش رستاخیز می دمدم و بانگ آسمانی او در فضا می پیچد و از نزدیک به گوش همگان می رسد.

۳. مقصود از مکان نزدیکی که منادی رستاخیز از آن ندا می دهد، آن است که صدای او (همچون امواج رادیویی) چنان نزدیک است که گوئی در گوش انسان سخن می گوید(۱).

۴. مقصود از بانگ آسمانی در این آیات همان بانگ دوم است که برای زنده شدن مردگان و خروج آنها از زمین به سوی صحنه رستاخیز است، آری در آن روز همه انسان ها به سوی خدا بازمی گردند.

۵. یکی از مصادیق این ندا قیام و خروج حضرت مهدی است چنانچه علی بن ابراهیم در تفسیر منسوب به امام صادق علیه السلام می گوید: امام فرمودند: «منادی صبیحه حضرت قائم و نام پدرش را ندا می کند و اینکه خداوند فرموده: «یوم یسمعون الصبیحه بالحق ذلک یوم الخروج» منظور صبیحه از سوی آسمان بنام قائم است و آن روز خروج و ظهور است(۲).

۶. واژه «حَشْر» به معنای گردآوری از هرسو است که در اینجا مقصود جمع کردن مردم در رستاخیز است و این کار برای خدا آسان است چون علم و قدرت بی نهایت دارد و جای همه را می داند و می تواند همگان را جمع کند.

۷. در احادیث حکایت شده که اولین کسی که زنده می شود و از قبر خارج گشته و وارد صحنه رستاخیز می شود، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است و امام علی علیه السلام همراه اوست(۳).

آموزه ها و پیام ها

۱. آموزه آیه چهل و یکم برای ما آن است که منتظر و گوش به بانگ رستاخیز باشید.

ص: ۲۵۷

---

۱- (۱) البته برخی مفسران نیز گفته اند که آن مکان نزدیک، صخره بیت المقدس است (همان، ص ۲۹۷)

۲- (۲) تفسیر علی بن ابراهیم قمی، ج ۲، ص ۳۲۷.

۳- (۳) نور الثقلین، ج ۵، ص ۱۱۹.

۲. پیام آیه آن است که ندای رستاخیز را از نزدیک خواهید شنید.

۳. پیام آیه چهل و دوم آن است که بانگ رستاخیز حق است.

۴. پیام دیگر آیه آن است که مردم با بانگ رستاخیز زنده و از زمین خارج می شوند.

۵. پیام آیه چهل و سوم آن است که زندگی، مرگ و بازگشت شما به سوی خداست.

۶. پیام آیه چهل و چهارم آن است که رستاخیز روز شکافته شدن زمین و شتاب مردم و جمع آوری آنان است.

۷. پیام دیگر آیه آن است که رستاخیز شما، بر خدا سخت نیست.

### مهدی علیه السلام تکمیل کننده نور الهی

قرآن کریم در آیه هشتم و نهم سوره صف به تلاش بیهوده کافران برای خاموش ساختن نور خدا و پیروزی نهایی دین حق اشاره می کند و می فرماید:

(يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَ اللَّهُ مُنِيرٌ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ) ؛ «کافران] می خواهند تا نور خدا را بادهان هایشان خاموش سازند؛ درحالی که خدا کامل کننده نور خویش است، و گرچه کافران ناخشنود باشند. او کسی است که فرستاده اش را با هدایت و دین حق فرستاد، تا آن را بر همه دین [ها] پیروز گرداند، و گرچه مشرکان ناخشنود باشند».

### نکات و اشارات

۱. مضمون آیه هشتم سوره صف، در سوره توبه آیه ۳۲ و مضمون آیه نهم سوره صف در سوره توبه آیه ۳۳ و سوره فتح آیه ۲۸ تکرار شده است، هرچند که برخی نکات ریز این آیات با هم تفاوت دارد ولی پیام اصلی آیات همگون است و این مطلب نشان دهنده اهمیت این پیام است که پیروزی نهایی اسلام بر جهان و شکست نهایی کافران و مشرکان است.

آری، همه توطئه های کافران همچون تهمت های آنان بر پیامبر، محاصره اقتصادی، تحمیل جنگ ها، نفاق، ایجاد اختلاف بین مسلمانان و تقسیم کشور اسلام به بیش از پنجاه کشور، نقشه های ایجاد انحراف در جوانان، تهاجم فرهنگی و تبلیغاتی، استعمار سیاسی و نظامی و استثمار و تحمیل استبداد بر مسلمانان با شکست رو برو خواهد شد و سرانجام دین حق اسلام بر جهان سایه می افکند.

۲. تعبیر «دین حق» برای اسلام و تذکر اینکه سرانجام این دین بر همه ادیان پیروز می شود اشاره به آن است که دین حق یکی است و پس از ظهور اسلام ادیان دیگر باطل است و پیروان آنها سرانجام شکست خواهند خورد، بنابراین یک راه مستقیم بیشتر وجود ندارد و همه ادیان در یک زمان حق نیستند<sup>(۱)</sup>. البته ادیان الهی هر کدام در مقطع زمانی خاص خود حق و قابل پیروی هستند اما هنگامی که پیامبر بعدی با دین کامل تر می آید، دین قبلی نسخ می شود و پیروی از دین جدید موجب نجات خواهد بود تا اینکه کامل ترین دین یعنی اسلام ظاهر شد. که دین حق نهایی است و بر همه ادیان پیروز خواهد شد.

۳. در آیه فوق راه خدا و آیین اسلام و قرآن کریم به نور و روشنائی تشبیه شده که منشأ حیات زیبائی و رشد و حرکت و آبادانی در زمین است.

آری، اسلام آیینی حرکت آفرین است که جامعه انسانی را در مسیر تکاملی به پیش می برد و سرچشمه هر خیر و برکت است.

۴. در آیه فوق تلاش دشمنان اسلام به «فوت کردن بادهان» تشبیه شده است. یعنی آنان می خواهند نور آفتاب را با دهان خود خاموش کنند و این نهایت حقارت تلاش یک مخلوق ناتوان را در برابر اراده و قدرت بی پایان الهی نشان می دهد.

ص: ۲۵۹

---

۱- (۱) این مطلب دیدگاه پلورالیسم دینی و صراطهای مستقیم را رد می کند. ذیل آیه ۸۵ سوره آل عمران مطالبی در این مورد بیان شد.

چراغی را که ایزد بر فرزند هر آنکس پُف کند ریشش بسوزد

۵. تعبیر «يُطْفِئُوا» در آیه فوق در آیه ۳۲ / توبه هم آمده است اما در سوره صف همراه با «لام» آمده است. برخی لغویین بر آنند که این تعبیر در اینجا اشاره به خاموش کردن بدون مقدمه است و در آیه هشتم سوره صف اشاره به خاموش کردن همراه با مقدمات و اسباب است (۱) که در هر دو صورت این تلاش دشمنان اسلام با شکست روبرو خواهد شد.

۶. از اینکه تعبیر «يُرِيدُونَ» در آیه فوق بصورت مضارع آمده است، نشان می دهد که خواست و توطئه های دشمنان بر ضد اسلام ادامه خواهد داشت (۲).

۷. مقصود از هدایت، همان دلایل روشنی است که در آیین اسلام وجود دارد و مقصود از دین حق اسلام است که اصول و فروعش حق و تاریخ و مدارک آن نیز حق و روشن است.

۸. اشاره آیه فوق به همراهی پیامبر اسلام با هدایت و دین حق، گویا اشاره به دلیل پیروزی اسلام بر ادیان دیگر است، زیرا هنگامی که محتوای دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله هدایت باشد و عقل بشر بر آن گواهی دهد و اصول و فروعش موافق حق و طرفدار آن باشد، چنین آیینی طبعاً بر همه ادیان جهان پیروز می گردد.

۹. هرچند که دانش بشر پیشرفت کند و ارتباطات آسان تر شود، واقعیت ها چهره خود را از پشت تبلیغات مسموم نشان می دهد و موانع مخالفان حق بر طرف می شود و حق همه جا را فرا می گیرد و پیروز می شود، هرچند که دشمنان مایل نباشند. آری، حرکت دشمنان حق بر خلاف مسیر تاریخ و سنت های آفرینش بوده و در نهایت محکوم به شکست است.

۱۰. برخی مفسران بر آنند که مقصود از پیروزی اسلام در آیه فوق پیروزی منطقی و استدلالی است که اکنون در جهان هویدا شده است.

ص: ۲۶۰

---

۱- (۱) مفردات، راغب اصفهانی.

۲- (۲) ر. ک: نور، ج ۵، ص ۴۱.

و برخی دیگر از مفسران با استفاده از موارد استعمال ماده «إظهار» در قرآن، بر آنند که مقصود پیروزی عملی و عینی و ظاهری است، اما بنظر می رسد که آیه فوق شامل پیروزی همه جانبه اسلام بر ادیان دیگر می شود. که در تمام جهان تحقق خواهد یافت. و این واقعیتی است که با پیشرفت اسلام در جهان بتدریج در حال تحقق است.

۱۱. در احادیث متعددی حکایت شده: وقتی محتوای آیه فوق تحقق می یابد که امام عصر و مهدی آل محمد علیهم السلام ظهور کند.

در حدیثی از امام صادق علیه السلام حکایت شده که: «به خدا سوگند هنوز تأویل محتوای این آیه تحقق نیافته است و تنها زمانی تحقق می پذیرد که قائم خروج کند، و هنگامی که او قیام کند، کسی کافر و منکر خدا در جهان باقی نخواهد ماند.» (۱) - (۲).

البته روشن است که پیروزی منطقی و عملی اسلام از صدر اسلام آغاز شده و بتدریج در حال پیشرفت و تحقق است. اما مقصود این احادیث آن است که تحقق کامل آیه فوق و پیروزی نهایی اسلام در زمان امام مهدی «ع» خواهد بود.

آموزه ها و پیام ها

۱. پیام آیه هشتم آن است که تلاش های دشمنان اسلام نافرجام است.

۲. پیام دیگر آیه آن است که فروغ اسلام هر روز پرنورتر می شود.

۳. پیام دیگر آیه آن است که مسیر تاریخ بشریت به نفع اسلام و برخلاف اراده کافران در حرکت است.

۴. پیام آیه نهم آن است که دین حق یکی است و هر دینی غیر از اسلام باطل است.

۵. پیام دیگر آیه آن است که پیروزی نهایی و غلبه بر جهان در انتظار مسلمانان است.

ص: ۲۶۱

---

۱- (۱) عن الصادق علیه السلام: واللّه ما نزل تأویلها بعد ولا ينزل تأویلها، حتی يخرج القائم فاذا خرج القائم لم يبق كافر باللّه العظيم. (نور الثقلين، ج ۲، ص ۲۱۱)

۲- (۲) ر. ك: صافی، ج ۲، ص ۳۳۷ و مجمع البیان، ذیل آیه و تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۳۷۳.



۶. آموزه این آیات آن است که کفر و شرک مورزید که نهایت آنها شکست است.

## امام مهدی آب حیات ملت ها

قرآن کریم در آیات بیست و هشتم تا سی ام سوره مُلک به بی پناهی، گمراهی و ناتوانی کافران، و عدم تاثیر فوت پیامبر در سرنوشت آنان اشاره می کند و می فرماید:

(قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكْنِي اللَّهُ وَ مَنِ مَعِيَ أَوْ رَحِمْنَا فَمَنْ يُجِزُ الْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ آمَنَّا بِهِ وَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا فَسَيَتَعَلَّمُونَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ)؛ «بگو: «آیا به نظر شما اگر خدا من و کسانی را که با من هستند هلاک کند، یا بر ما رحم کند، پس چه کسی کافران را از عذاب دردناک پناه می دهد؟!». بگو: «او (خدا) گسترده مهر است، به او ایمان آوردیم و فقط بر او توکل کردیم؛ پس بزودی خواهید شناخت کسی را که او در گمراهی آشکار است!». بگو: «آیا به نظر شما اگر آب (سرزمین) شما [در زمین] فرو رود، پس چه کسی آب روانی برای شما می آورد؟!»

نکات و اشارات

۱. در برخی روایات تاریخی حکایت شده که کافران مکه به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و مسلمانان نفرین می کردند و تقاضای مرگ او را داشتند، چون می پنداشتند که اگر آن حضرت از دنیا رود بساط اسلام برچیده می شود. اما آیه فوق به اینگونه پندارها قاطعانه پاسخ داد که مرگ و زندگی پیامبر در فرجام عذاب آلود کافران تاثیری نخواهد داشت (۱) و سرانجام اسلام بر همه جهان پیروز می شود. آری: «گر بمیرد مصطفی هرگز نمیرد نام حق».

ص: ۲۶۲

۱- (۱) در مورد آیه ۲۸ / ملک برخی مفسران تفسیر دیگری کرده اند که به پیامبر می فرماید: بگو: ما با داشتن ایمان بین خوف و رجا هستیم پس شما کافران در مورد خود چه می اندیشید. ولی تفسیر بالا مناسب تر است (نمونه، ج ۲۴، ص ۳۵۶).

۲. در این آیات اشاره شده که تنها پناهگاه جهانیان خداست که باید به او ایمان آوریم و بر او تکیه و توکل نماییم، چرا که او رحمان است و رحمتش بر تمام موجودات سایه افکنده است و همه از فیض وجودش و نعمت هایش استفاده می کنند.

۳. این آیات از طرفی نوعی دلداری به پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان است که بدانند در مبارزه حق و باطل تنها نیستند و خدا با آنهاست و در نهایت پیروز می شوند و از طرف دیگر هشدار می دهد که کافران است که منتظر مرگ پیامبر یا مسلمانان نباشند چون این مطلب تاثیری در فرجام عذاب آلود آنان ندارد.

۴. در این آیات از طرفی کافران را افرادی ناتوان معرفی می کند که اگر اراده خدا مانع آبرسانی به آنها شود حتی نمی توانند آب آشامیدنی خود را تأمین سازند و از طرف دیگر آنان را افرادی گمراه معرفی می کند که عذاب دردناکی در انتظار آنهاست.

۵. پوسته زمین دارای دو قشر نفوذپذیر و نفوذناپذیر است که آب های سطحی و باران ها از قشر نفوذپذیر عبور می کند و در سفره های آب زیر زمینی می ماند سپس انسان ها بوسیله حفر چاه آنها را استخراج کرده و مورد استفاده قرار می دهند، اما اگر اراده الهی چنین نبود و قشر نفوذناپذیری در زمین بوجود نمی آمد همه آبها به عمق زمین می رفت و قابل دسترسی نبود و هیچ آبی در سطح زمین جاری نمی شد و حیات انسان و موجودات زنده به خطر می افتاد. آری دسترسی به آب یکی از نعمت های الهی و از مظاهر رحمت اوست.

۶. در برخی احادیث از امام باقر علیه السلام حکایت شده که: «مقصود از آیه (آخر سوره ملک)، امام عصر (عج) است که می گوید: اگر آن امام از شما پنهان شود، نمی دانید کجاست؟ پس چه کسی برای شما امامی می فرستد که

اخبار جهان و حلال و حرام الهی را برای شما بیان کند. ولی به خدا سوگند تأویل این آیه هنوز نیامده است و سرانجام خواهد آمد» (۱). البته در برخی دیگر از احادیث نیز آب جاری در آیه به معنای علم امام علیه السلام تأویل شده است، البته اینگونه احادیث تأویل و باطن آیه را بیان می کنند، یعنی معنای آب را به مادی و معنوی گسترش می دهد و اشاره می کند که همانطور که آب مادی مایه حیات موجودات است آب معنوی نیز مایه حیات علمی و معنوی انسان هاست. از این رو وجود امام و علم او آب معنوی بشر است. البته بیان تأویل و باطن آیه در روایات به معنای نفی معنای ظاهری آیه نیست.

آموزه ها و پیام ها

۱. آموزه آیه بیست و هشتم برای مخالفان اسلام آن است که منتظر مرگ رهبر اسلام نباشید که در سرنوشت عذاب آلود شما تاثیری ندارد.

۲. پیام آیه بیست و نهم آن است که ایمان به خدای رحمان و تکیه بر او انسان را از گمراهی آشکار نجات می دهد.

۳. پیام دیگر آیه آن است که آینده روشنگر حقایق است و گمراهی کافران را آشکار می سازد.

۴. پیام آیه سی ام آن است که انسان در برابر خدا ناتوان است بطوری که اگر خدا اراده کند نمی تواند آب آشامیدنی خود را تامین کند.

۵. پیام دیگر آیات آن است که کافران افرادی گمراهند که در برابر خدا ناتوان و بی پناه هستند.

### روز قیام مهدی، روز موعود

قرآن کریم در آیات چهل تا چهل و چهارم سوره معارج با سوگند و تاکید به کافران در مورد تغییر اقوام در دنیا و روز هولناک رستاخیز هشدار می دهد و می فرماید:

ص: ۲۶۴

فَلَا أَقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ إِنَّا لَقَادِرُونَ عَلَىٰ أَنْ نُبَدِّلَ خَيْرًا مِنْهُمْ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ فَاذَرَهُمْ يُخَوْضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ يَوْمَ يُخْرَجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا كَمَا أَنَّهُمْ إِلَىٰ نُصْبٍ يُؤْفُضُونَ خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ذَلِكَ الْيَوْمُ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ)؛ «و سوگند یاد می کنم به پروردگار خاوران و باختران که قطعاً ما تواناییم، بر اینکه بهتر از آنان را جایگزین کنیم؛ و ما پیشی گرفته شده (و مغلوب) نیستیم. پس آنان را رهاکن تا (در باطل) فرو روند و بازی کنند تا اینکه روز (رستاخیز) شان را که وعده داده می شوند، ملاقات کنند. (همان) روزی که از قبرها بسرعت خارج می شوند چنانکه گویی آنان به سوی بت های سنگی روانه می شوند؛ در حالی که چشم هایشان (از وحشت) فروتن است، [و] خواری آنان را فرا گرفته است! این روزی است که همواره وعده داده می شوند»

#### نکات و اشارات

۱. این آیات نوعی هشدار به کافران است از این رو قدرت خدا را به رخ آنان می کشد که ما می توانیم شما را از بین ببریم و گروه بهتری را بجای شما قرار دهیم ولی نمی خواهیم بلکه خدا می خواهد شما را رها سازد تا به گناه و سرکشی ادامه دهید تا رستاخیز فرا رسد و گرفتار عذاب خوار کننده شوید.

۲. طبق بعضی از روایات یکی از مصادیق روز موعود که چشمهای آنها از شدت وحشت به زیر افتاده می شود و خاضعانه نگاه می کنند و پرده از ذلت بر وجود آنها احاطه پیدا می کند روز ظهور و خروج حضرت مهدی (عج) می باشد. چنانچه از امام باقر علیه السلام حکایت شده که می فرمایند: «منظور از یوم وعده داده شده در آیه روز خروج و ظهور حضرت قائم است.» (۱)

۳. سوگند خدا به مشرق ها و مغرب ها، برای تاکید بر مطلب است همانطور که نشان دهنده اهمیت مشرق ها و مغرب های متعدد است و به

ص: ۲۶۵

نوعی توجه انسان را به وجود مشرق ها و مغرب های متفاوت جلب می کند تا در مورد آنها مطالعه کند و نشانه های خدا را دریابد.

۴. مشرق به مکان طلوع خورشید و مغرب به مکان غروب آن گفته می شود که براساس حرکت زمین به دور خود بوجود می آید که هر بار یک نیمکره زمین در برابر نور خورشید قرار می گیرد از این رو با توجه به حرکت مداوم زمین، مغرب ها و مشرق های زیادی داریم که در هر سرزمین متفاوت است و نیز در طول سال تغییر می کند. اما دو مشرق و مغرب ممتاز وجود دارد که یکی در آغاز تابستان یعنی حد اکثر اوج خورشید در مدار شمالی و یکی در آغاز زمستان در حداقل پایین آمدن خورشید در مدار جنوبی است. از این رو گاهی قرآن به مشرق و مغرب اشاره می کند (۱) و گاهی به مشرق ها و مغرب ها، که هر دو اشاره ای علمی در بردارد.

۵. از این آیات استفاده می شود که اگر گروهی از انسان ها اهل منطق و استدلال نباشند و بر کفر و شرک لجاجت ورزند، خدا آنان را رها می کند تا در غفلت و باطل گرائی فرو روند و به بازی دنیا مشغول شوند تا رستخیز فرا رسد و گرفتار گردند. آری، این یکی از انواع عذاب های الهی است که به نام سنت و روش مهلت دادن (= امهال یا استدراج) نامیده می شود.

۶. در این آیات بیان شده که هنگام بیرون آمدن کافران از قبرها، چند اتفاق جالب می افتد: اول آنکه آنان با سرعت می دوند، چنانکه گویی به سوی بت ها یا پرچم هایشان روان هستند (۲).

دوم آنکه چشم هایشان (از وحشت) فروتن شده است.

سوم آنکه ذلت و خواری آنان را فرا گرفته است.

ص: ۲۶۶

- 
- ۱- (۱) نک: بقره/ ۱۱۵ البته این احتمال نیز هست که هرگاه مغرب و مشرق مفرد آمده است بعنوان جنس آمده است.
  - ۲- (۲) واژه «نُصِب» به معنای چیزی است که نصب شده و از آنجا که بت های سنگی را نصب می کردند به آن نُصِب گویند و نیز به پرچم لشکر و کاروان گفته می شود (نمونه، ج ۲۵، ص ۴۹).

آری کسانی که در دنیا متکبر بودند و دیگران را خوار می کردند و در راه خدمت به بت ها تلاش می کردند در آخرت نیز همان راه را ادامه می دهند.

آموزه ها و پیام ها

۱. آموزه آیه چهلیم آن است که وجود مشرق ها و مغرب های متعدد با اهمیت (و قابل مطالعه) است.

۲. پیام هشدارآمیز آیه چهلیم و چهل و یکم آن است که در برابر خدا سرکشی نکنید که او می تواند بهتر از شما را جایگزینتان کند.

۳. پیام آیه چهل و دوم آن است که یکی از عذاب های الهی رها کردن افراد به حال خود است.

۴. آموزه آیه آن است که مراقب باشید در باطل فرونروید و مشغول بازی دنیا نشوید که گرفتار عذاب رستاخیز می شوید.

۵. پیام آیه چهل و سوم و چهارم آن است که رستاخیز روز شتابزدگی و خواری کافران و معاد ناباوران است.

ص: ۲۶۷



## فصل هفتم: روش شناسی روایات – تفسیر آیات مهدویت

اشاره

ص: ۲۶۹





پرسش:

در روایات تفسیری آیات مهدویت از چه روشهایی استفاده شده است؟

پاسخ (۱):

مقدمه

آیات مهدویت را تا حدود ۲۵۰ آیه شمرده اند، که روایاتی از شیعه و اهل سنت در مورد آنها حکایت شده است، این روایات از سه جنبه قابل بررسی است:

اول: از دیدگاه روش های تفسیری.

دوم: از دیدگاه گرایش های تفسیری.

سوم: از دیدگاه قواعد تفسیری.

این نوشتار بر آن است که روایات تفسیری آیات مهدویت را از دیدگاه اول مورد بررسی قرار دهد.

واژگان

واژه های اساسی در باب «روش ها و گرایش های تفسیر قرآن» عبارتند از:

الف) روش: مقصود از «روش» استفاده از ابزار یا منبع خاص در تفسیر قرآن است که معانی و مقصود آیه را روشن ساخته و نتایج مشخصی را به دست می دهد.

به عبارت دیگر: چگونگی کشف و استخراج معانی و مقاصد آیات قرآن را، روش تفسیر قرآن گویند.

ب) تفسیر: کشف و پرده برداری از ابهامات کلمات و جمله های قرآن و توضیح مقاصد و اهداف آنهاست.

ص: ۲۷۱

---

۱- (۱) این مبحث توسط دکتر رضائی اصفهانی در مرکز تخصصی مهدویت تدریس شد، سپس بصورت مقاله ای در مجله «انتظار» منتشر شد و اینک با تغییراتی عرضه می شود.

و به عبارت دیگر: مقصود از تفسیر، تبیین مراد استعمالی آیات قرآن و آشکار کردن مراد جدی آن براساس قواعد ادبیات عرب و اصول عقلایی محاوره است (۱).

ج) گرایش: در اینجا مقصود از «گرایش»، تأثیر باورهای مذهبی، کلامی، جهت گیری های عصری و سبک های پردازش و در تفسیر قرآن است که براساس عقاید، نیازها و ذوق و سلیقه و تخصص علمی مفسر شکل می گیرد.

اساسی ترین تفاوت های گرایش ها و روش های تفسیری چنین است:

۱. مبحث روش ها براساس چگونگی روش کشف معنا و مقصود آیه استوار است.

۲. مبحث روش ها براساس منبع و ابزار تفسیری (همچون کاربرد عقل و روایات) شکل می گیرد.

۳. در مبحث «گرایش» ها بیشتر شخص مفسر مطرح است؛ یعنی باورها و سلیقه ها و جهت گیری های شخص مفسر است که به تفسیر جهت می دهد و متنی متناسب با آنها پدید می آید.

۴. در مبحث «گرایش»، متن تفسیر مطرح است که با چه اسلوبی نگارش یافته و بیشتر چه مطالب کلامی، ادبی یا... در آن راه یافته است.

تاریخچه روش شناسی تفسیر

الف) پیدایش و رشد

دانش تفسیر از صدر اسلام شروع شد و خاستگاه آن وحی الهی بود که پیامبر صلی الله علیه و آله را مفسر قرآن معرفی کرد (۲).

پیامبر صلی الله علیه و آله در تفسیر قرآن گاهی از خود قرآن کمک می گرفت و از اینجا روش تفسیر قرآن به قرآن به وجود آمد (۳). سپس اهل بیت علیه السلام و صحابه

ص: ۲۷۲

۱- (۱) تعریف تفسیر معمولاً در مبانی روش های تفسیری بیان می شود و در اینجا، حاصل سخن مفردات راغب اصفهانی، تاج العروس، قاموس قرآن، علامه طباطبایی (المیزان، ج ۱، ص ۴) و سیوطی (الاتقان، ج ۲، ص ۱۹۲) و طبرسی (مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۳) بیان شد. در کتاب درآمدی بر تفسیر قرآن، ص ۳۵ تا، ص ۳۹ دیدگاه های آنان و نیز جمع بندی آن آمده است.

۲- (۲) (وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ). (نحل / ۴۴)

۳- (۳) نک: مبحث روش تفسیر قرآن به قرآن در همین نوشتار.

به تفسیر قرآن پرداختند، آنان علاوه بر استفاده از روش تفسیر قرآن به قرآن، از روش تفسیر روایی نیز استفاده می کردند؛ یعنی گاهی با استناد به روایات پیامبر صلی الله علیه و آله به تفسیر آیات قرآن می پرداختند(۱).

در این میان گروهی نیز براساس خواسته های شخصی یا گروهی و بدون ضوابط و قراین به تفسیر و تأویل قرآن پرداختند و روش تفسیر به رأی پدید آمد که در احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیه السلام به شدت با این روش برخورد شد و آن را ممنوع اعلام کردند(۲).

کم کم از قرن دوم به بعد با ترجمه آثار و نفوذ افکار و علوم یونانیان و ایرانیان در بین مسلمانان، روش ها و گرایش های دیگری نیز پدید آمد. از اینجا بود که مبحث های کلامی و فلسفی پیدا شد و کم کم گرایش های تفسیری کلامی شکل گرفت(۳) و هر کدام از فرقه های اسلامی مانند اشاعره و معتزله و... آیات قرآن را براساس دیدگاه ها و عقاید خود تفسیر می کردند.

در همین راستا اختلافات مذهبی که از قرن اول شروع شده بود با اختلافات مذاهب فقهی همراه شد و در تفسیر آیات فقهی قرآن تأثیر گذاشت، سپس عرفا و متصوفه نیز گرایش های خاص تفسیری پیدا کردند و روش تفسیر اشاری از قرن سوم به بعد رشد کرد.

محدثان شیعه و اهل سنت که به نقل احادیث اکتفا می کردند روش و گرایش تفسیر روایی را شکل دادند که در مرحله ی اول در قرن های سوم و چهارم، تفاسیری همچون: عیاشی، قمی و طبرسی شکل گرفت و در مرحله دوم در قرن دهم تا یازدهم، تفاسیری همچون درالمنثور سیوطی، البرهان و نورالثقلین ظهور کرد.

ص: ۲۷۳

---

۱- (۱) نک: مبحث روش تفسیر روایی در همین نوشتار.

۲- (۲) نک: مبحث روش تفسیر به رأی در همین نوشتار.

۳- (۳) نک: المیزان، ج ۱، ص ۵.

در این میان بعد از مرحله اول تفسیرهای روایی، تفاسیر فقهی شروع شد که نوعی تفسیر موضوعی قرآن با گرایش آیات الاحکام بود. و پس از شکل گیری تفاسیری همچون: احکام القرآن حصّاص حنفی (... - ۳۷۰ ق) و احکام القرآن منسوب به شافعی (... - ۲۰۴ ق) تفسیر نویسی فقهی در قرن های بعدی ادامه یافت که احکام القرآن راوندی (... - ۵۷۳ ق) از آن نمونه است. در قرن پنجم و ششم تفاسیر جامع و اجتهادی همچون: تبیان و مجمع البیان شکل گرفت که با استفاده از اجتهاد، عقل و توجّه به همه جوانب تفسیر، شیوه جدیدی در تفسیر بنیان نهاده شد که هنوز هم این شیوه متداول است.

پس از این مرحله، برخی از فلاسفه نیز اقدام به نگارش تفسیر کردند و در یک قرن اخیر نیز روش ها و گرایش های دیگری همچون روش تفسیر علمی و گرایش اجتماعی، به وجود آمد و رشد کرد (۱).

ب) نگارش در زمینه روش ها و گرایش ها:

از قدیمی ترین کتاب ها در این زمینه کتاب «طبقات المفسّرين» جلال الدین سیوطی (۸۸۹-۹۱۱ ق) است که شرح حال مفسّران و آثار آنان است و هر چند که مستقیم به بحث روش ها و گرایش های تفسیری پرداخته است ولی برای این بحث مفید و قدیمی ترین منبع آن به شمار می آید.

سپس کتاب «مذاهب التفسیر الاسلامی» از مستشرق مشهور، «گلدزیهر» به رشته تحریر درآمده توسط دکتر «عبدالحلیم النجار» به عربی ترجمه شده است. پس از آن کتاب «التفسیر والمفسّرون» دکتر ذهبی از مهم ترین منابع این بحث به شمار می رود، گرچه بیشتر به گرایش های تفسیری پرداخته است.

ص: ۲۷۴

---

۱- (۱) در مورد هر یک از این گرایش ها و روش ها به مبحث مورد نظر در همین نوشتار مراجعه شود.

دیگر آثار مدوّن در زمینه روش ها و گرایش های تفسیری، کتاب ارزشمند: «التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب» از آیت الله معرفت است، که تحت عنوان «الوان» تفسیری مطالب متنوعی در زمینه ی گرایش ادبی، اجتماعی، علمی و... آورده اند.

و بالاخره کتاب «مبانی و روش های تفسیر قرآن» از استاد عمید زنجانی، حاوی مطالبی در موضوع روش های تفسیری است ولی به بحث گرایش ها توجه چندانی نشده است و نیز کتاب منطق تفسیر قرآن (روشها و گرایشهای تفسیر قرآن) از نگارنده و کتاب روشها و گرایشهای تفسیری از حسین علوی مهر و کتاب روشهای تفسیری دکتر مودب قابل ذکر است. البته برخی کتاب ها هم از زاویه ی خاص به بحث روش ها یا گرایش ها پرداخته اند:

همچون: «اتجاهات التفسیر فی مصر الحدیث، دکتر عفت محمد شرقاوی مصری؛ کتاب «طبرسی و مجمع البیان» از دکتر حسین کریمیان؛ کتاب «روش تفسیری علامه طباطبایی رحمه الله در المیزان» از علی آلوسی؛ کتاب «التفسیر العلمی للقرآن فی المیزان» از دکتر احمد عمر ابوحجر؛ کتاب «در آمدی بر تفسیر علمی قرآن» از نگارنده که در مورد روش تفسیر علمی و معیارهای آن مطالبی بیان شده است و نیز کتاب های دیگری در مورد روش تفسیری شیخ محمد عبده، رشید رضا، فخر رازی و زمخشری نوشته شده است.

#### تقسیمات روش های تفسیر قرآن

صاحب نظران در مورد روش ها، تقسیمات متعددی ارائه کرده اند، از جمله گلدزیهر مستشرق مجارستانی (۱۸۵۰-۱۹۲۱ م) در کتاب مذاهب التفسیر الاسلامی، و دکتر ذهبی در کتاب التفسیر و المفسرون و آیت الله معرفت در کتاب التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب و نیز استاد عمید زنجانی در کتاب مبانی و روش های تفسیر قرآن و خالد عثمان السبت در

کتاب قواعد التفسیر و محمد حسین علی الصغیر در کتاب دراسات قرآنیه، المبادی العامه لتفسیر القرآن الکریم و خالد عبدالرحمن العکک در کتاب اصول التفسیر و قواعد (۱). اما در اینجا ما روش های تفسیری را براساس منابع مورد استفاده در تفسیر به شش روش تقسیم می کنیم تا جایگاه روش و گرایش در روایات تفسیری مهدویت بخوبی روشن شود.

اول: روش های تفسیری

۱. روش تفسیر قرآن به قرآن.

۲. روش تفسیر روایی.

۳. روش تفسیر علمی.

۴. روش تفسیر اشاری (باطنی و عرفانی...)

۵. روش تفسیر عقلی.

۶. روش تفسیر به رأی (باطل و غیر صحیح)

۷. روش تفسیر جامع اجتهادی (که شامل همه روش های تفسیری غیر از تفسیر به رأی است)

روایات تفسیری مهدویت از میان روش های تفسیری به روش تفسیر اشاری (باطنی و عرفانی) توجه ویژه ای داشته است که این جهت گیری در روایات بخوبی نمایان است البته در این روایات از روش های دیگر تفسیری نیز استفاده شده است. (نمونه های آنها بزودی ذکر می شود)

## پیشینه روایات تفسیری مهدویت

### اشاره

در مورد احادیث مربوط به آیات مهدویت، کتاب های زیادی نگارش یافته که گاهی یک سوره (مثل والعصر) و گاهی تا ۲۶۰ آیه را در مورد امام عصر (عج) دانسته اند و روایات مربوط به آنها را جمع آوری کرده اند. (مثل معجم الاحادیث الامام المهدی، شیخ علی کورانی)

ص: ۲۷۶

---

۱- (۱) نک: کتاب های فوق و نیز کتاب درسنامه روش ها و گرایش های تفسیر قرآن، از نگارنده ص ۳۹، ۴۶ که این تقسیمات را نقد و بررسی کرده ایم.

از قدیمی ترین کتاب ها در این زمینه المحجه فی ما نزل فی القائم الحججه، سید هاشم بحرانی (م ۱۱۰۷ ق) و جلد ۱۳ بحار الانوار علامه مجلسی (م ۱۱۱۱ ق) است.

اینک تعدادی از این کتاب ها را معرفی می کنیم:

۱. المحجه فیما نزل فی القائم الحججه، سید هاشم بحرانی (۱۱۰۷ ق)، ترجمه، سیمای حضرت مهدی (عج) در قرآن، مهدی حائری قزوینی، تهران، ۱۳۷۴، آفاق.

\*\*\* ۱۲۰ آیه را به ترتیب نزول جمع کرده و روایات آنها \*\*\*

۲. امام مهدی از دیدگاه قرآن و عترت و علائم بعد از ظهور، محمدباقر مجلسی (۱۰۳۷)، قم، قلم، ترجمه علی دوانی.

\*\*\* گزیده کتاب مهدی موعود (جلد ۱۳ بحار) است \*\*\*

۳. ملاحم القرآن، ابراهیم انصاری زنجانی، ۱۴۰۰ ق، عربی، چاپ مولف.

\*\*\* پیش گویی های قرآن در مورد نشانه های ظهور و روایات... \*\*\*

۴. طریق الی المهدی (عج) المنتظر، سعید ایوب، بیروت - الغدیر، ۱۹۹۸ م، عربی.

\*\*\* آینده و ظهور مهدی و اخبار غیبی قرآن در این مورد \*\*\*

۵. المهدی فی القرآن (موعود قرآن)، سید صادق حسینی شیرازی، موسسه امام مهدی (عج)، تهران، ۱۳۶۰ ه. فارسی و عربی.

\*\*\* ۱۹۰ آیه در مورد امام عصر (عج) از منابع اهل سنت \*\*\*

۶. سوره و العصر، حضر امام زمان (عج) است، عباس راسخی نجفی، قیام قم / ۱۳۷۲ فارسی.

۷. المهدی الموعود فی القرآن الکریم، محمدحسین رضوی، دارالهادی، ۲۰۰۱ عربی.

۸. حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) از دیدگاه قرآن و عترت، محمود شریعت زاده خراسانی، ۱۳۷۹، فارسی، دارالصادقین.

\*\*\* مجموعه آیات قرآن درباره مهدی (عج) با روایات آمده است \*\*\*



۹. مصلح مقتدر الهی کیست؟، سید علی اکبر شعی، ۱۳۴۲، اصفهان.

۱۰. پور پنهان در افق قرآن حضرت مهدی (عج)، جعفر شیخ الاسلامی، تهران، یکان، ۱۳۷۸ ش.

۱۱. غریب غیبت در قرآن، محمدحسین صفاخواه، تهران، آمه.

۱۲. اثبات مهدویت از دیدگاه قرآن، علی صفئی کاشانی، ۱۳۷۶، تهران، مفید.

۱۳. قاطع البیان فی الایات الموهله بصاحب الزمان (عج)، فضل الله عابدی خراسانی، دارالمرتضی، ۱۴۰۴ ق.

\*\*\* ۲۰۲ آیه را تاویل و تطبیق کرده است \*\*\*

۱۴. القرآن يتحدث عن الامام المهدي (عج)، مهدی حسن علاء الدین، دارالاسلامیه، بیروت.

۱۵. ثوره المواطین للمهدی (عج)، مهدی حمد فتلاوی، ۱۹۹۳ م، دارالبلاغه، بیروت.

\*\*\* بشارت های قرآنی و نبوی در مورد انقلاب مهدی (عج) \*\*\*

۱۶. مهدی (عج) در قرآن، رضا فیروز، ۱۳۷۸، تهران، رایحه.

۱۷. مهدویت از نظر قرآن و عترت، خیرالله مردانی، تهران، آیین جعفری، ۱۴۰۱.

۱۸. چهل حدیث در پرتو چهل آیه در فضایل حضرت ولی عصر (عج)، مسجد جمکران، تهران، وزارت ارشاد، ۱۳۷۸.

\*\*\* چهل آیه و روایات مربوطه \*\*\*

۱۹. سیمای مهدویت در قرآن، محمدجواد مولوی نیا، قم، امام عصر (عج)، ۱۳۸۱.

۲۰. الآیات الباهره فی بقیه العتره الطاهره او تفسیر آیات القرآن فی المهدی صاحب الزمان (عج)، تهران، بعثت، ۱۴۰۲ ق، سید داود میرصابری.

۲۱. سیمای امام زمان (عج) در آینه قرآن، علی اکبر مهدی پور.

\*\*\* ۱۴۰ آیه را جمع کرده است \*\*\*

۲۲. موسوعه المصطفی والعتره (۱۶) المهدی المنتظر، حسین شاکری، نشر الهادی، ۱۴۲۰.

\*\*\* ۱۴۴ آیه را با روایات آورده است \*\*\*

۲۳. الامام المهدي في القرآن والسنة، سعيد ابو معاشر، ۱۴۲۲ ق، آستان قدس.

\*\*\* كل آيات طبق سورة ها تا آخر قرآن مع روایات \*\*\*

۲۴. معجم احاديث الامام المهدي (عج)، موسسه المعارف الاسلاميه، الجزء الخامس، الآيات المفسر.

\* تحت اشرف شيخ على الكوراني، ۱۴۱۱ ق، ۲۶۰ آیه را جمع کرده است \*

۲۵. مهدي در قرآن، محمد عابدين زاده، بنياد تهران.

\*\*\* ۴۰ آیه \*\*\*

۲۶. سيمای نورانی امام زمان (عج) در قرآن و نهج البلاغه، عباس کمساری.

۲۷. سيمای حضرت مهدي (عج) در قرآن، سيد جواد رضوی، چاپ موعود.

۲۸. جلد سيزدهم بحار الانوار علامه مجلسی، (م ۱۱۱۱ ق) که به فارسی نیز ترجمه شده و بسیاری از آیات و روایات مهدویت را جمع آوری کرده است.

### ۱. روش تفسیر قرآن به قرآن:

روش تفسیر قرآن به قرآن عبارت است از «تبيين معانی آیات قرآن و مشخص ساختن مقصود و مراد جدی از آنها به وسیله و کمک آیات دیگر» به عبارت دیگر «قرآن را منبعی برای تفسیر آیات قرآن قرار دادن».

تفسیر قرآن به قرآن یکی از کهن ترین روش های تفسیر قرآن است و سابقه ی آن به صدر اسلام و زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله باز می گردد. سپس این روش توسط اهل بیت علیه السلام ادامه یافت و برخی از صحابه و تابعین نیز از این روش استفاده کرده اند. اینک به مثال های زیر توجه کنید:

۱. از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در مورد مقصود از «ظلم» در آیه (لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ) پرسش شد، و حضرت با استناد به آیه (إِنَّ الشُّرَكَاءَ لَظُلْمٌ

عَظِيمٌ (۱) پاسخ دادند که مقصود از ظلم در آیه اول همان شرک است که در آیه دوم بیان شده است. (۱)

این حدیث و احادیث مشابه نشان می دهد که پیامبر صلی الله علیه و آله از روش تفسیر قرآن به قرآن استفاده می کرده و عملاً آن را به پیروان خود می آموخته اند.

۲. امام علی علیه السلام با استناد به آیه (وَ فِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ) ۳ و آیه (وَ حَمْلُهُ وَ فِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا) ۴ نتیجه گرفتند که کوتاه ترین مدت بارداری زنان شش ماه است (۲) یعنی اگر شیر خواری کودک دو سال است (یعنی ۲۴ ماه) و مدت حمل و شیر خواری با همدیگر سی ماه است. و این دو آیه را کنار همدیگر بگذاریم، روشن می شود که کوتاه ترین مدت بارداری شش ماه است و این نوعی تفسیر قرآن به قرآن است.

۳. دکتر ذهبی با بیان مثالی از ابن عباس بیان می کند که صحابه پیامبر از روش تفسیر قرآن به قرآن استفاده می کردند (۳).

۴. مرحوم طبرسی در مجمع البیان مطالبی از تفسیر قرآن به قرآن تابعین را آورده است (۴).

در دوره های بعدی با پیدایش تفاسیری همچون تبیان و مجمع البیان، مفسران از این روش استفاده کردند و در میان اهل سنت نیز مفسران متعددی به سوی این روش رفتند بطوری که برخی از آنان نوشتند: «اگر کسی پرسد

ص: ۲۸۰

---

۱- (۲) فقالوا: أئنا لم نظلم أنفسه، ففسره النبي، صلى الله عليه و آله بالشرک و استدلل بقوله تعالى «ان الشرک لظلم عظیم»، صحیح بخاری، کتاب تفسیر قرآن، و تفسیر ابن کثیر، ج ۴، ص ۴۴۴؛ بصائر الدرجات، صفار، ص ۱۹۵.

۲- (۵) تفسیر، صافی، ج ۵، ص ۱۴ (ذیل آیات ۱۵-۱۶، سوره احقاف): تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، ج ۲، ص ۴۴۵ از، ص، حابه نقل می کند.

۳- (۶) التفسیر والمفسرون، ج ۱، ص ۴۱.

۴- (۷) نک: مجمع البیان، ج ۱، ص ۴۷۸، ذیل آیه ۱ سوره غاشیه (چاپ قاهره ۱۳۷۹).

که بهترین روش تفسیر چیست؟ جواب آن است که صحیح ترین روش تفسیر قرآن به قرآن است. پس آنچه که در جایی مجمل آمده در جای دیگر تفسیر شده است و آنچه در موضعی مختصر آمده است در موضع دیگر توسعه داده شده است.»<sup>(۱)</sup>

برخی محدثان بزرگ شیعه همچون علامه مجلسی رحمه الله در بحارالانوار با آوردن آیات قرآن که در ابتدای هر فصل، متناسب با موضوع آن، دسته بندی شده، در حقیقت از روش موضوعی تفسیر قرآن به قرآن استفاده نموده است. سپس در میان مفسران قرن اخیر، این روش جایگاه ویژه ای پیدا کرد به طوری که برخی تفسیرها همچون المیزان (علامه طباطبایی) و تفسیر الفرقان (دکتر محمد صادقی تهرانی) و تفسیر القرآنی للقرآن (عبدالکریم خطیب) و آلاء الرحمن (بلاغی) این روش را روش اصلی خود قرار دادند.

علامه طباطبایی معتقد است که قرآن بیان همه چیز است پس نمی تواند بیان خودش نباشد. پس در تفسیر آیات باید به سراغ خود آیات قرآن برویم و در آنها تدبر کنیم و مصادیق آنها را مشخص سازیم و تفسیر قرآن به قرآن کنیم و نیز ایشان بر آن است که تفسیر قرآن به قرآن همان روشی است که پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیه السلام در تفسیر پیموده اند و تعلیم داده اند و در روایاتشان به ما رسیده است<sup>(۲)</sup>.

در کتاب هایی که در مورد شیوه تفسیر نگارش یافته، به روش تفسیر قرآن به قرآن پرداخته و آن را تبیین کرده و نسبت به آن سفارش کرده اند. از جمله این افراد آیه الله معرفت، استاد عمید زنجانی و عبدالرحمن العکک را می توان نام برد<sup>(۳)</sup>.

ص: ۲۸۱

---

۱- (۱) مقدمه فی اصول التفسیر، ابن تیمیه (۶۶۱-۷۲۸ هـ)، ص ۹۳، «فالجواب إنَّ أصح الطرق فی ذلك، أن یفسِّر القرآن بالقرآن».

۲- (۲) نک: تفسیر المیزان، ج ۱، صص ۱۴-۱۵ (از مقدمه تفسیر نقل به مضمون کردیم و کلام ایشان را به طور کامل در دیدگاه ها خواهیم آورد).

۳- (۳) نک: التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، ج ۲؛ مبانی و روش های تفسیر قرآن، ص ۲۸۷؛ و اصول التفسیر وقواعده، ص ۷۹.

در احادیث تفسیری مهدویت نیز در موارد متعددی از شیوه تفسیر قرآن به قرآن استفاده شده است از جمله:

(بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاها وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَّاهَا وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا إِذِ انبَعَثَ أَشْقَاهَا فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدمدمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذُنُوبِهِمْ فَسَوَّاهَا وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا) ۱؛ «به نام خدای گسترده مهر مهرورز، سوگند به خورشید و (تابش) نيمروزش! سوگند به ماه هنگامی که در پی آن در آید! سوگند به روز هنگامی که آن را آشکار سازد! سوگند به شب هنگامی که آن را فراگیرد! سوگند به آسمان و آنکه آن را بنا کرد! سوگند به زمین و آنکه آن را گستراند! سوگند به نفس و آنکه آن را مرتب ساخت! و بد کاریش و پارسایی اش را به او الهام کرد، که بیقین کسی که آن را [پاک کرد و] رشد داد رستگار (و پیروز) شد. و بیقین کسی که آن (نفس را با گناه آلوده کرد و) پوشاند، نومید شد! (قوم) «ثمود» بخاطر طغیانش (پیامبرش را) تکذیب کردند، آنگاه که بدبخت ترین شان برانگیخته شد؛ و فرستاده خدا به آنان گفت: «ماده شتر (معجزه آسای) خدا و آبشخور آن را (واگذارید.)» و او را تکذیب کردند و آن را پی کردند؛ پس پروردگارشان به سبب پیامد [گناه] شان آنان را هلاک ساخت و آنها را (با خاک) یکسان کرد! در حالی که از فرجام آنها نمی ترسد.»

الامام الصادق عليه السلام: «والشمس وضحيها: الشمس، أمير المؤمنين عليه السلام وضحيها: قيام القائم عليه السلام، لأن الله سبحانه قال: وأن يحشر الناس ضحى.»

والقمر اذا تليها: الحسن والحسين عليه السلام.

والنهار اذا جليها: هو قيام القائم عليه السلام.

والليل اذا يغشيها: حبتر (ودولته قد غشى) عليه الحق.

وأما قوله: والسماء وما بنيتها، قال: هو محمد عليه وآله السلام، هو السماء الذي يسموا اليه الخلف في العلم.

وقوله: كذبت ثمود بطغويها، قال: ثمود رهط من الشيعة، فان الله سبحانه يقول: وأما ثمود فهديناهم فاستجبوا العمى على الهدى فأخذتهم صاعقه العذاب الهون، وهو السيف اذا قام القائم عليه السلام.

وقوله تعالى: فقال لهم رسول الله، هو النبي صلى الله عليه وآله.

ناقه الله وسقياها: قال الناقه الامام الذي (فهم عن الله وفهم عن رسوله) وسقياها: أى عنده مستقى العلم.

فكذبوه فعقروها فدمدم عليهم ربهم بذنبهم فسويها: قال: فى الرجعه. ولا يخاف عقبيها: قال: لا يخاف من مثلها اذا رجع. (١)

تذكر: اين روايت در باب تفسير قرآن به قرآن بسيار جالب است و به چند شيوه فرعى تفسير قرآن به قرآن كه در عصر ما مفسران از آنها استفاده مى كنند اشاره کرده است، از جمله:

١. استفاده از شيوه عام تفسير قرآن به قرآن براى تفسير آيه (وَ الشَّمْسِ وَ ضُحَاهَا) (شمس / ١) كه با استناد به آيه (أَنْ يُحْشَرَ النَّاسُ ضُحًى) (طه / ٥٩) تفسير شده است. يعنى براى آنكه ثابت كند مقصود از نور خورشيد در اين آيه نور قيام امام عصر (عج) است كه پرتوى از نور خورشيد ولايت امام

ص: ٢٨٣

---

١- (١) تأويل الآيات: ج ٢، ص ٨٠٣، ح ١، ما وراه على بن محمد عن أبي جميله، عن الحلبي، ورواه (أيضاً) على بن الحكم، عن أبان بن عثمان، عن الفضل بن العباس، عن أبي عبدالله عليه السلام، أنه قال: إثبات الهداه: ج ٣، ص ٥٦٦، ب ٣٢ ف ٣٩، ح ٦٦٠، مختصراً عن تأويل الآيات. الإيقاظ من الهجعه: ص ٢٩٨، ٢٩٩، ب ٩، ح ١٣٠، بعضه كما فى تأويل الآيات عن الكراجكى فى كتر الفوائد ولعل مراده كتر جامع الفوائد الذى هو مختصر تأويل الآيات. البرهان: ج ٤، ص ٤٦٧، ح ١١، عن تأويل الآيات. المحججه: ص ٢٥١، كما فى تأويل الآيات عن محمد بن العباس. البحار: ج ٢٤، ص ٧٢، ب ٣٠، ح ٦، عن تأويل الآيات بتفاوت يسير. و فى: ج ٥٣، ص ١٢٠، ب ٢٩، ح ١٥٥، بعضه عن تأويل الآيات. مقدمه تفسير مرآه الانوار و مشكوه الأسرار: ص ٢٠٠، بعضه مرسلأ عن الحلبي. و فى: ص ٣١٦، بعضه، مرسلأ عن الحلبي و الفضل بن العباس.

علی علیه السلام است، به آیه «۵۹ / طه» استناد کرده است که مردم در روزی گرد می آیند که نورانی است. هر چند ممکن است این آیه اشاره به باطن آیه باشد ولی برای بیان آن از روش تفسیر قرآن به قرآن استفاده شده است.

۲. استفاده از شیوه تطبیق بر مصادیق جدید:

در این روایت مکرر ظواهر آیه بر مصادیق جدید استفاده شده است یعنی با استفاده از قاعده «جری و تطبیق» (۱) «قوم ثمود» را بر گروهی از شیعه تطبیق کرده و «رسول الله» را که در ظاهر آیه مقصود حضرت صالح علیه السلام است بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تطبیق کرده است.

۳. در این روایت آسمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و شمس را به حضرت علی علیه السلام و قمر را به امام حسن و امام حسین علیه السلام معرفی کرده است که نوعی بیان بطن آیه است که در بخش تفسیر اشاری (= باطنی) توضیح خواهیم داد، که براساس برخی معانی بطن قرآن، نوعی اخذ قاعده کلی و بیان مصادیق جدید آن است.

البته نکات این سوره و این بسیار است که به همین اندازه اکتفا می کنیم.

(اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ) ۲؛ «خدا نور آسمان ها و زمین است؛ مثال نور او همانند چراغدانی است که در آن چراغی باشد، که [آن] چراغ در بلوری است - [آن] بلور چنانکه گویی سیاره ای درخشان است - (و این چراغ با روغنی) از درخت خجسته زیتونی

ص: ۲۸۴

---

۱- (۱) قاعده جری و تطبیق را در روایات تفسیری مهدویت در قسمت سوم این سلسله مقالات توضیح خواهیم داد.

که نه شرقی و نه غربی است، افروخته می شود؛ نزدیک است روغنش روشنی بخشد، و گر چه هیچ آتشی بدان نرسیده باشد. (این) نوری است بر فراز نور، خدا هر کس را بخواهد (و شایسته بداند) به نور خود راهنمایی می کند؛ و خدا برای مردم مثل ها می زند و خدا به هر چیزی داناست.»

أمیر المؤمنین: «النور: القرآن والنور اسم من أسماء الله تعالى والنور النوريه والنور ضوء القمر والنور ضوء المؤمن وهو الموالاة التي يلبس لها نورا يوم القيامة والنور في مواضع من التواره والإنجيل والقرآن حجه الله على عباده، وهو المعصوم... فقال تعالى (وَ اتَّبِعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ) فالنور في هذا الموضع هو القرآن ومثله في سورة التغابن قوله تعالى: (فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ النُّورِ الَّذِي أُنزِلْنَا) يعني سبحانه القرآن وجميع الأوصياء المعصومين، من حمله كتاب الله تعالى وخزانه وتراجمته الذين نعتهم الله في كتابه فقال: (وَ مَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا) فهم المنعوتون الذين أنار الله بهم البلاد وهدى بهم العباد، قال الله تعالى في سورة النور (اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ...) إلى آخر الآيه فالمشكاة رسول الله صلى الله عليه وآله والمصباح الوصي والأوصياء عليه السلام والزجاجه فاطمه والشجرة المباركه رسول الله صلى الله عليه وآله والكوكب الدرر القائم المنتظر عليه السلام الذي يملأ الأرض عدلاً» (1)

ص: ٢٨٥

١- (١) تفسير النعماني: على ما في الم، حكم والمتشابه. المحكم والمتشابه: ص ٤ والمتن في، ص ٢٥، قال أبو عبدالله محمد بن إبراهيم بن جعفر النعماني في كتابه في تفسير القرآن: [حدثنا] أحمد بن محمد بن سعيد بن عقده قال: حدثنا جعفر بن أحمد بن يوسف بن يعقوب الجعفي، عن إسماعيل بن مهران، عن الحسين بن علي بن أبي حمزه، عن أبيه، عن إسماعيل بن جابر قال: سمعت أبا عبدالله جعفر بن محمد الصادق عليه السلام يقول: في، حديث طويل، عن أنواع آيات القرآن يبلغ نحو ١٢٨، صفحه، روى فيه الإمام الصادق عليه السلام، مجموعه أسئلة لأمير المؤمنين عليه السلام، عن آيات القرآن وأحكامه، جاء فيها وسألوه، صلوات الله عليه، عن أقسام النور في القرآن، فقال: البحار: ج ٩٣، ص ٣، ب ١٢٨ والمتن في، ص ٢٠، عن المحكم والمتشابه بتفاوت يسير.



بررسی: در این روایت «نور» را به خدا تفسیر کرده که ظاهر آیه است سپس با کمک آیات دیگر آن را به «قرآن» و «معصومین» تفسیر کرده است یعنی از نوعی تفسیر قرآن به قرآن برای روشن کردن معنای آیه استفاده شده است. البته نور دارای مراتبی است که بالاترین مرتبه آن نور الهی، سپس نور قرآن و اهل بیت علیه السلام هستند که پرتوی از نور الهی و مایه روشنی راه و هدایت مردم هستند. البته اینگونه احادیث برای جلوگیری از تجسیم نیاز به تفسیر عقلی و اجتهادی و حتی علمی نیز دارد که در مباحث بعدی روشن می شود.

تذکر: البته اینگونه احادیث تفسیر قرآن به قرآن در روایات مهدویت متعدد است از جمله ذیل آیه نازعات / ۶ و ۷ (۱) و...

## ۲. روش تفسیر روایی:

مقصود از روش تفسیر روایی آن است که مفسر قرآن از سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیه السلام (که شامل قول، فعل و تقریر آنها می شود) برای روشن کردن مفاد آیات و مقاصد آنها استفاده کند (۲).

سیر تاریخی تفسیر روایی را می توان به چند دوره تقسیم کرد:

الف) دوران پیامبر صلی الله علیه و آله:

تفسیر روایی قرآن، همزاد وحی است. چرا که اولین مفسر قرآن پیامبر صلی الله علیه و آله است که خدای متعال به او دستور بیان و تفسیر قرآن داد و فرمود: (وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ) ۳؛ «و این ذکر (= قرآن) را به سوی تو فرستادیم تا برای مردم آنچه را که به سوی آنان فرو فرستاده شده است، روشن بیان کنی.»

ص: ۲۸۶

---

۱- (۱) نک: معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، ج ۵، ص ۴۷۶.

۲- (۲) البته گاهی از روش تفسیر روایی با عنوان «تفسیر نقلی و مأثور» یاد می شود و آن را اعم از تفسیر قرآن به قرآن و تفسیر قرآن براساس سخنان، صحابه و تابعین می شمارند. (نک: التفسیر والمفسرون، معرفت، ج ۲، ص ۲۱)

البته سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و بیان او نیز ریشه در وحی داشت، چنان که از آن حضرت حکایت شده که فرمودند: «آگاه باشید که به من قرآن داده شده و نیز مثل آن همراه آن» (به من داده شده است) (۱) و صحابیان با رجوع به ایشان تفسیر قرآن را می آموختند. گاهی پای سخنان او می نشستند و معانی و تفسیر قرآن را فرا می گرفتند.

از ابن مسعود حکایت شده که: «همیشه هر فرد از ما هنگامی که ده آیه قرآن را می آموخت، از آنها عبور نمی کرد تا این که معانی و (روش) عمل بدانها را آموخت» (۲).

گاهی اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله از ایشان مطالب را می پرسیدند و حتی دوست داشتند که عرب های بیابانی بیایند و پرسشی بکنند و آنان گوش دهند (۳).

گاهی هم عمل پیامبر صلی الله علیه و آله را مفسّر آیات قرآن قرار می دادند، همان طور که خود ایشان حکایت شده که در مورد نماز فرمودند: «نماز بگذارید همان طور که می بینید من نماز می گزارم» (۴). یا در مورد حج حکایت شده که فرمود: «مناسک و اعمال خود را از من بگیرید» (۵) که در این صورت افعال پیامبر صلی الله علیه و آله در نماز و حج تفسیر جزئیات آیات نماز و حج بود.

از امام صادق علیه السلام حکایت شد که فرمود: «إِنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ عَلَى رَسُولِهِ الصَّلَاةَ وَلَمْ يَسْمَعْ لَهُمْ: ثَلَاثًا وَلَا أَرْبَعًا حَتَّىٰ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هُوَ الَّذِي فَسَّرَ ذَلِكَ لَهُمْ»؛ «خدا (دستور) نماز را بر رسولش نازل کرد ولی برای مردم مشخص نکرد که سه یا چهار رکعت است تا این که پیامبر صلی الله علیه و آله این مطلب را برای مردم تفسیر کرد» (۶).

ص: ۲۸۷

۱- (۱) ألا وائى أوتيت القرآن و مثله معه؛ الاتقان، ج ۴، ص ۱۷۴.

۲- (۲) تفسیر طبری، ج ۱، ص ۲۷-۲۸ و ص ۳۰.

۳- (۳) المعیار والموازنه، اسکافی، ص ۳۰۴؛ التفسیر و المفسرون، آیه الله معرفت، ج ۱، ص ۱۷۵.

۴- (۴) صلّوا كما رأيتموني أصلی؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۸۵، ص ۲۷۹.

۵- (۵) خذوا عني مناسككم» (این روایت را با این لفظ نیافتیم اما مضمون آن در بحار، ج ۲۸، ص ۹۵ و ج ۳۷، ص ۱۱۵ آمده است).

۶- (۶) کافی، ج ۱، ص ۲۸۶؛ عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۹، ۲۵۱؛ حاکم، حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۴۹؛ التفسیر و المفسرون، معرفت، ج ۱، ص ۱۸۱.

آری پیامبر صلی الله علیه و آله مطالب کلی قرآن (همچون نماز، روزه، حج و...) را توضیح می دادند و نیز موارد تخصیص عموماً و تقیید مطلقات آیات را تبیین، و اصطلاحات جدید، لغات قرآن و ناسخ و منسوخ آیات را توضیح می دادند و همه اینها تفسیر قرآن بود که در روایات و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله برای ما حکایت شده است و به عنوان منابع تفسیر روایی باقی مانده است (۱).

ب) دوران اهل بیت علیه السلام:

شیوه تفسیر روایی در عصر امامان علیه السلام نیز ادامه داشت.

امام علی علیه السلام که شاگرد ارشد پیامبر صلی الله علیه و آله در تفسیر بود (۲) سخنان و توضیحات آن حضرت را شنیده بود و حکایت می کرد.

همان طور که امامان اهل بیت علیه السلام نیز همین روش را دنبال کرده، احادیث تفسیری پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام را برای مردم حکایت نموده، و بدان ها استدلال می کردند. تعداد این احادیث که با واسطه اهل بیت علیه السلام حکایت شده، به هزاران روایت می رسد (۳).

البته اهل بیت علیه السلام از آنجا که آگاه به علوم الهی بودند خود نیز اقدام به تفسیر قرآن می کردند و سخنان و سنت آنان نیز منبعی برای تفسیر است. و این احادیث جزئی از تفسیر روایی به شمار می آید.

شخصی در مکه، خدمت امام رضا علیه السلام رسید و گفت: شما از کتاب خدا چیزی تفسیر می کنی، که تاکنون شنیده نشده باشد؛

امام فرمود: قرآن قبل از این که بر مردم نازل شود بر ما نازل شده و قبل از این که برای مردم تفسیر شود، برای ما تفسیر شده است؛ حلال و حرام و

ص: ۲۸۸

---

۱- (۱) برای اطلاع از احادیث تفسیری پیامبر صلی الله علیه و آله نک: الاتقان، ج ۴، ص ۱۸۰ و ص ۲۱۴، ۲۵۷ و نیز التفسیر والمفسرون فی ثوبه القشيب آیت الله معرفت، ج ۱، ص ۱۸۱، ۱۹۹.

۲- (۲) این مطلبی است که دکتر ذهبی، در التفسیر والمفسرون، ج ۱، ص ۸۹، بدان اعتراف دارد.

۳- (۳) آیت الله معرفت در التفسیر والمفسرون، ج ۱، ص ۱۸۱ از نوه سید هاشم بحرانی نقل می کند که روایت پیامبر و روایات ایشان که از طریق اهل بیت علیهم السلام نقل شده را جمع آوری کرده و تاکنون به چهار هزار حدیث رسیده است.

ناسخ و منسوخ قرآن را ما می شناسیم و...» (۱) و در حدیث دیگری فرمود: «بر مردم است که قرآن را همان طور که نازل شده بخوانند و هنگامی که نیاز به تفسیر قرآن پیدا کردند، هدایت به وسیله ی ما و به سوی ماست.» (۲)

بنابراین اهل بیت علیه السلام نیز در زمینه مطالب کلی قرآن و آیات الاحکام، مخصّص ها، مقیّد ها، لغات، ناسخ و منسوخ، اصطلاحات جدید قرآن و نیز در مورد بطن و تأویل و مصادیق آیات، مطالب متنوّعی را بیان کرده اند که به عنوان سنّت آنان بر جای مانده است.

### ج) دوران صحابه و تابعان

روایات تفسیری پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیه السلام مورد توجّه صحابیّان پیامبر و تابعان آنان قرار گرفت و حتی صحابه بزرگ پیامبر صلی الله علیه و آله همچون ابن عباس و ابن مسعود خود را از تفسیر قرآن امام علی علیه السلام بی نیاز نمی دانستند و از آن استفاده می کردند و بسیاری از احادیث تفسیری ابن عباس از علی علیه السلام است (۳). البته صحابیّان و تابعان خود نیز قرآن را تفسیر می کردند و روایات تفسیری زیادی از ابن عباس و دیگران باقی مانده است (۴).

در این دوره، کم کم روایات تفسیری در مجموعه هایی گردآوری شد که به نام کتاب های تفسیر روایی مشهور است.

### ح) دوران جمع آوری و تألیف روایات تفسیری

اولین رساله از این مجموعه ها در شیعه کتاب تفسیر منسوب به امام علی علیه السلام است که طی یک روایت مفصّل در آغاز تفسیر نعمانی آمده است (۵).

ص: ۲۸۹

---

۱- (۱) قال له رجل أنّك لتفسّر من كتاب الله ما لم يسمع، فقال: علينا نزل قبل الناس ولنا فسّر قبل أن يُفسّر في الناس، فنحن نعرف، حلاله وناسخه ومنسوخه و...؛ نورالثقلین، ج ۴، ص ۵۹۵، ح ۱۹.

۲- (۲) تفسیر فرات کوفی، ص ۲۵۸، ح ۳۵۱.

۳- (۳) قال ابن عباس: «جلّ ما تعلّمت من التفسیر من علی بن أبی طالب»؛ بحار، ج ۸۹، ص ۶، ۱۰۵.

۴- (۴) نک: التفسیر والمفسّرون، دکتر ذهبی و آیه الله معرفت، (مبحث ابن عباس).

۵- (۵) این رساله گاهی تحت عنوان «رساله المحکم والمتشابه»، به سید مرتضی نسبت داده می شود و در مجلدات قرآن بحار الانوار نقل شده است. نک: تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام، سید، حسن، صدر، ص ۳۱۸.

و نیز یکی دیگر از آنها، «مصحف علی بن ابی طالب» است که علاوه بر آیات قرآن، تأویل و تفسیر و اسباب نزول را بیان کرده است، هرچند که این کتاب اکنون در دسترس ما نیست (۱).

و نیز تفسیر منسوب به امام باقر علیه السلام (۵۷-۱۱۴ ق) که ابوالجارود آن را حکایت کرده است (۲) و نیز تفسیر منسوب به امام صادق علیه السلام (۸۳-۱۴۸ ق) که به طور پراکنده در کتاب حقایق التفسیر القرآنی آمده است (۳).

سپس از تفسیر علی بن ابراهیم قمی (۳۰۷ ق) و فرات کوفی (زنده در سال ۳۰۷ ق) و تفسیر عیاشی (م بعد از ۳۲۰ ق) و تفسیر نعمانی (م بعد از ۳۲۴ ق) و تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (م ۲۵۴) می توان نام برد.

البته روایات فقهی پیامبر و اهل بیت علیه السلام نیز که نوعی تفسیر برای آیات الاحکام قرآن است در مجموعه هایی همچون کافی، من لایحضره الفقیه و تهذیب و استبصار گردآوری شد.

در همین دوران، تفسیر جامع البیان فی تفسیر القرآن، ابن جریر طبری (م ۳۱۰) را داریم. همان طور که مجموعه های حدیثی صحاح سته ی اهل سنت در این دوره تدوین شد. سپس تفسیر روایی از قرن پنجم تا نهم با رکود نسبی مواجه شد و تفاسیر عقلی و اجتهادی شد. اما در قرن دهم تا دوازدهم با رشد اخباری گری در شیعه تفاسیر روایی دیگری همچون: تفسیر البرهان فی تفسیر القرآن، سیدهاشم حسینی بحرانی (م ۱۱۰۷ ق) و تفسیر نورالثقلین، الحویزی (م ۱۱۱۲ ق) نوشته شد.

ص: ۲۹۰

---

۱- (۱) نک: بحارالانوار، مجلسی، ج ۸۹، ص ۴۰؛ التمهید فی علوم القرآن، معرفت، ج ۱، ص ۲۹۲؛ سیر تطوّر تفاسیر شیعه، سید محمد علی ایازی، ص ۲۸.

۲- (۲) الفهرست، ابن ندیم، ص ۳۶.

۳- (۳) سیر تطوّر تفاسیر شیعه، ص ۳۹.

همان طور که مجموعه های حدیثی بزرگ همچون وسایل الشیعه، وافی و بحارالانوار نوشته شد که بسیاری از روایات آنها تفسیر قرآن به شمار می آید. در اهل سنت نیز در این دوران تفسیر درالمنثور، جلال الدین سیوطی (م ۹۱۱۱ ق) گردآوری شد.

اکنون نیز در تفاسیر جدید به روایات تفسیری پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیه السلام توجه می شود و معمولاً در لابه لای تفسیر یا در بخش جداگانه ای این روایات آورده می شود و مورد نقد و بررسی قرار می گیرد؛ همانند علامه طباطبایی در میزان که در ذیل هر دسته از آیات «بحث روایی» می آورد.

در احادیث تفسیری آیات مهدویت نیز در موارد متعددی از روش تفسیر روایی استفاده شده است و برای توضیح آیات مهدویت به احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیه السلام استناد کرده اند از جمله:

(یا حَسْبِرَهُ عَلَى الْعِبَادِ مَا يُأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ)؛ ای افسوس بر بندگان که هیچ فرستاده ای به سراغ آنان نیامد، مگر اینکه همواره او را ریشخند می کردند!

الإمام الصادق علیه السلام: «خبر تدریه خیر من عشر ترویه. إن لكل حق حقیقه، و لكل صواب نورا، ثم قال: إنا والله لا نعد الرجل من شيعتنا فقیها حتى يلحن له فيعرف اللحن، إن أمير المؤمنين عليه السلام قال: علی منبر الكوفه: إن من ورائكم فتننا مظلمه عمياء منكسفه لا ينجو منها إلا النومه، قيل يا أمير المؤمنين وما النومه؟ قال: الذي يعرف الناس ولا يعرفونه.

واعلموا أن الأرض لا تخلو من حجه الله عزوجل ولكن الله سيعمى خلقه عنها بظلمهم وجورهم وإسرافهم على أنفسهم، ولو خلت الأرض ساعه واحده من حجه الله لساخت بأهلها، ولكن الحجه يعرف الناس ولا يعرفونه، كما كان

یوسف يعرف الناس وهم له منكرون، ثم تلا: يا حسرة على العباد ما يأتيهم من رسول إلا كانوا به يستهزؤن»(۱)

بررسی

در روایات تفسیری مهدویت گاهی اهل بیت علیه السلام از روایات امام علی علیه السلام برای توضیح آیات استفاده کرده اند از جمله در روایت فوق امام صادق علیه السلام از سخنان امام علی علیه السلام برای توضیح پیرامون امام مهدی علیه السلام و نقش ایشان در جهان هستی یاری جسته است سپس به آیه ۳۰ / یس استشهاد کرده اند و آنها را نقل کرده است و این گونه ای از تفسیر روای آیات قرآن است و نیز در ذیل آیه ۱۱ / غافر در روایتی که از امام صادق علیه السلام حکایت شده است به حدیث سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد مسخ و رجعت دشمنان اهل بیت علیه السلام استناد شده است(۲).

### ۳. روش تفسیر عقلی:

عقل در لغت به معنای امساک، نگهداری و منع چیزی است.

عقل در دو مورد کاربرد دارد:

نخست به قوه ای که آماده قبول دانش است. این، همان چیزی است که اگر در انسان نباشد تکلیف از او برداشته می شود، و در احادیث از این عقل تمجید شده است.

دوم به علمی که انسان به وسیله این قوه کسب می کند، عقل گویند.

ص: ۲۹۲

---

۱- (۱) النعمانی: ص ۱۴۱، ب ۱۰، ح ۲، أخبرنا محمد بن همام و محمد بن الحسن بن محمد بن جمهور جميعاً عن الحسن بن محمد بن جمهور قال: حدثنا أبي عن بعض رجاله، عن المفضل بن عمر قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: إثبات الهداه: ج ۳، ص ۵۳۲، ب ۳۲ ف ۲۷ خ ۴۶۳، آخره، عن النعمانی بتفاوت يسير وفيه «... وجهلهم بدل و جورهم». البحار: ج ۵۱، ص ۱۱۲، ب ۲، ح ۸، عن النعمانی.

۲- (۲) نك: معجم احاديث الامام المهدي عليه السلام، ج ۵، ص ۳۸۳.

این همان چیزی است که قرآن کافران را بخاطر تعقل نکردن مذمت کرده است<sup>(۱)</sup>. در این مورد به احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله (۲) و اشعار امام علی علیه السلام استناد کرده است<sup>(۳)</sup>.

روش تفسیر عقلی قرآن، پیشینه ای کهن دارد و برخی معتقدند که پیامبر صلی الله علیه و آله به اصحاب خویش کیفیت اجتهاد عقلی در فهم نصوص شرعی (از قرآن یا سنت) را تعلیم داده است<sup>(۴)</sup>. ولی ریشه ها و نمونه های تفسیر عقلی را می توان در احادیث تفسیری و اهل بیت علیه السلام یافت.

مثال: عن عبدالله بن قیس عن أبي الحسن الرضا عليه السلام قال: سمعته يقول:

«بل یداه مبسوطان»<sup>(۵)</sup>

فقلت: له یدان هکذا - واشرت بیدی الی یدیه -؟

فقال: لا، لو کان هکذا کان مخلوقاً<sup>(۶)</sup>.

در این حدیث، حضرت با استفاده از نیروی عقل آیه ی قرآن را تفسیر کرده اند و دست مادی داشتن خدا را نفی کرده اند؛ چرا که دست داشتن خدا، مستلزم جسم بودن و مخلوق بودن اوست و ساحت الهی از این صفات منزّه است. (پس مقصود از دستان خدا همان قدرت اوست).

در احادیث دیگری نیز در مورد شیء بودن خدا، عرش، کرسی، مکان داشتن خدا و... تفاسیری عقلی از اهل بیت علیه السلام به ما رسیده است<sup>(۷)</sup>.

ص: ۲۹۳

۱- (۱) نک: مفردات راغب اصفهانی، ماده عقل.

۲- (۲) عن رسول الله صلی الله علیه و آله: ما کسب احد شیئاً افضل من عقل یهدیه الی هدی او یرده عن ردی. رأیت العقل عقلین مطبوع و مسموعو لا ینفع مسموعاذا لم یک مطبوع

۳- (۳) نک: دیوان امام علی علیه السلام، ص ۱۲۱؛ احیاء علوم الدین: ۸۶/۱.

۴- (۴) تطوّر تفسیر القرآن، محسن عبدالحمید، ص ۹۸؛ المفسرون، حیاتهم ومنهجهم، ایازی، ص ۴۰.

۵- (۵) مائده / ۶۴.

۶- (۶) نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۵۰ (حدیث ۲۷۹).

۷- (۷) نک: نورالثقلین، ج ۱، ص ۷۰۶ و ص ۴۹۴؛ ج ۳، ص ۳۸۳؛ ج ۴، ص ۶۰۸.



و امام علی علیه السلام نیز در برخی خطبه های نهج البلاغه از مقدمات عقلی برای تفسیر آیات بهره برده است (۱). البته برخی آیات قرآن خود در بردارنده برهان های عقلی است مثل آیه: (لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا) ۲

خود قرآن نیز انسان ها را به تفکر و تعقل و تدبّر در آیات فرا می خواند (۲).

از این رو، مفسران قرآن لازم دیده اند که از نیروی فکر و استدلال ها و قراین عقلی در تفسیر آیات قرآن استفاده کنند.

از اینجا بود که روش اجتهادی (= عقلی) در تفسیر قرآن از دوره ی تابعان شروع شد (۳) و در قرون بعدی به ویژه به وسیله معتزله اوج گرفت و در شیعه تفاسیری همچون تفسیر تبیان شیخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰ ق)، مجمع البیان شیخ طبرسی (م ۵۴۸ ق) به وجود آمد. در اهل سنت تفسیر کبیر فخررازی حاصل توجه به این روش بود.

سپس این شیوه در دو قرن اخیر رشد بیشتری کرد و در شیعه تفسیر المیزان، علامه طباطبایی و... به وجود آمد. و در اهل سنت نیز تفسیر روح المعانی از آلوسی (م ۱۲۷۰) و المنار از رشید رضا (۱۸۶۵-۱۹۳۵ م) و... حاصل آن بود و در این رابطه از تفسیر «القرآن و العقل» نورالدین اراکی و «تفسیر قرآن کریم» ملاصدرا نیز می توان یاد کرد.

روش تفسیر عقلی قرآن عبارت است از:

الف) استفاده ابزاری از برهان و قراین عقلی در تفسیر برای روشن کردن مفاهیم و مقاصد آیات قرآن. که در این صورت عقل منبع و ابزار تفسیر قرآن شده، احکام و برهان های عقلی قراینی برای تفسیر آیات قرار می گیرد.

ص: ۲۹۴

---

۱- (۱) نک: نهج البلاغه، خطبه های ۱۵۲، ۱۸۴، ۲۲۸.

۲- (۳) نک: ص / ۲۹؛ محمد / ۲۴؛ نساء / ۸۲؛ یوسف / ۲؛ نحل / ۴۴... (این گونه آیات را در مبحث دلایل موافقان تفسیر عقلی قسمت جایگاه عقل در قرآن، مورد بررسی قرار می دهیم).

۳- (۴) التفسیر والمفسرون، آیه الله معرفت، ج ۲، ص ۳۵۰؛ ج ۱، ص ۴۳۵.

از این عقل با عنوان عقل اکتسابی و احکام عقلی قطعی یا عقل برهانی یاد می شد.

ب) استفاده از نیروی فکر در جمع بندی آیات (همراه با توجه به روایات، لغت و...) و استنباط از آنها برای روشن ساختن مفاهیم و مقاصد آیات. حاصل این مطلب همان تفسیر اجتهادی قرآن است.

و در این صورت عقل مصباح و کاشف است.

از این عقل با عنوان عقل فطری یا نیروی فکر و قوه ی ادراک یاد می شد.

البته بنابر دیدگاه مشهور هر دو قسم فوق جزیی از روش تفسیر عقلی قرآن است. اما با دقت در مطالب روشن شد که قسم دوم (ب) به طور تسامحی به نام تفسیر عقلی خوانده می شود و در حقیقت تفسیر عقلی همان قسم اول (الف) است (۱).

(وَ إِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ) ۲؛ «و هنگامی که گفتار (فرمان عذاب) بر آنان واقع شود، (و در آستانه رستاخیز قرار گیرند)، جنبنده ای را از زمین برای آنان بیرون می آوریم که با آنان سخن می گوید، (در مورد این) که مردم همواره به نشانه های ما یقین نداشتند.»

الإمام أميرالمؤمنين عليه السلام «وأي آيه هي؟»، قال: قول الله: وإذا وقع القول عليهم أخرجنا لهم دابة من الارض. الآية فأى دابة هي؟ قال عمار: والله ما أجلس ولا أأكل ولا أشرب حتى أرى كها، فجاء عمار مع الرجل إلى أميرالمؤمنين عليه السلام وهو يأكل تمرًا وزبدا، فقال له: يا أبا اليقظان هلم، فجلس عمار وأقبل يأكل معه،

ص: ۲۹۵

---

۱- (۱) نك: التفسير والمفسرون في ثوبه القشبي، ج ۲، ص ۳۴۹ و تفسیر به رأی، مكارم شیرازی، ص ۳۸ و روش علامه طباطبایی در تفسیرالمیزان، علی آلوسی، ص ۲۴۶ و المفسرون، حیاتهم ومنهجهم، ایازی، ص ۴۰ و اصول التفسیر وقواعده، شیخ خالد عبدالرحمن العكك، ص ۱۶۷ و التفسیر والمفسرون، دکتر ذهبی، ج ۱، ص ۲۵۵ و مبانی و روش های تفسیر قرآن، عمید زنجانی، ص ۳۳۱ و تسنیم، آیت الله جوادی آملی، ج ۱، ص ۱۶۹، ۱۷۱.

فتعجب الرجل منه، فلما قام عمار قال له الرجل: سبحان الله يا أبا اليقظان، حلفت أنك لا تأكل ولا تشرب ولا تجلس حتى ترينها؟! قال عمار: قد أريتكمها إن كنت تعقل» (١)

(اعلموا أن الله يحيى الأرض بعد موتها قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ) ٢؛ «بدانید که خدا زمین را بعد از مردنش زنده می کند؛ بیقین نشانه های (خود) را برای شما بیان کردیم، باشد که شما خردورزی کنید».

ابن عباس: «إعلموا أن الله يحيى الأرض بعد موتها: یعنی يصلح الأرض بقائم آل محمد من بعد موتها، یعنی من بعد جور أهل مملكتها.

قد بينا لكم الآيات: بقائم آل محمد، لعلكم تعقلون» (٢)

(وَلَنذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَلِيمِ الْآخِرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ) ٤؛ «و قطعاً غیر از عذاب بزرگ تر (اخروی)، از عذاب نزدیک تر (دنوی) به آنان می چشانیم، باشد که آنان باز گردند».

ص: ٢٩٦

١- (١) العياشى: على ما فى مجمع البيان. القمى: ج ٢، ص ١٣١، قال أبو عبد الله عليه السلام، قال رجل لعمار بن ياسر: يا أبا اليقظان آية فى كتاب الله قد أفسدت قلبى، وشككتنى، قال عمار: مجمع البيان: ج ٧، ص ٢٣٤، عن القمى وقال: وروى العياشى هذه القصة بعينها عن أبيدّر رحمته الله أيضاً. الصافى: ج ٤، ص ٧٤، عن القمى ومجمع البيان. الايقاظ من الهجعه: ص ٣٣٦، ب ١٠، ح ٥٩، عن القمى. البرهان: ج ٣، ص ٢١٠، ح ٥، عن القمى. البحار: ج ٣٩، ص ٢٤٢، ب ٨٦، ح ٣٠، عن القمى. نورالثقلين: ج ٤، ص ٩٨، ح ١٠٥، عن القمى. وفيها: ح ١٠٦، نقل ما قاله الطبرسى عن العياشى.

٢- (٣) غيبة الطوسى: ص ١٠٩، ١١٠، روى إبراهيم بن سلمه، عن أحمد بن مالك الفزارى، عن حيدر بن محمد الفزارى، عن عباد بن يعقوب عن نصر بن مزاحم، عن محمد بن مروان الكلبي عن أبي صالح، عن ابن عباس فى قوله: الأنوار المضيئه: على ما فى البحار. منتخب الأنوار المضيئه: ص ١٨، ف ٢، بالطريق المذكور (محمد بن أحمد الأيادى رحمته الله) يرفعه إلى ابن عباس، كما فى غيبة الطوسى، بتفاوت يسير، وفيه «بال، حجه من آل محمد». إثبات الهداه: ج ٣، ص ٥٠١، ب ٣٢، ف ١٢، ح ٢٨٧، عن غيبة الطوسى بتفاوت يسير. وفى ص ٥٨١، ب ٣٢، ف ٥٩، ح ٧٦٢، عن البحار. المحججه: ص ٢٢١، عن غيبة الطوسى. البحار: ج ٥١، ص ٥٣، ب ٥، ح ٣٢، عن غيبة الطوسى. وفى: ص ٦٣، ح ٦٥، عن الأنوار المضيئه. منتخب الأثر: ص ٢٤٨، ب ٢، ف ٢٥، ح ٥، عن البحار.

الامامان الباقر و الصادق عليه السلام: «إن العذاب الأدنى الدابة والدجال»<sup>(۱)</sup>

بررسی: در این احادیث چند نکته قابل توجه وجود دارد:

۱. در حدیث تفسیری یکی از آیات فوق «دابه» به امام علی علیه السلام تفسیر شده است و در حدیث تفسیری دوم «دابه» به عذاب تفسیر شده است. که جمع اینها نیاز به فقه الحدیث و تفکر و تعقل دارد یعنی باید از روش تفسیر عقلی برای فهم این احادیث استفاده کرد و شاید بتوان گفت که امام علی علیه السلام مایه عذاب کافران است پس مصداق دابه می تواند امام علی علیه السلام و عذاب برای مخالفان باشد.

۲. در پایان روایت نخست و دوم به صورت صریح از لزوم تعقل در اینگونه احادیث سخن گفته شده است.

تذکر: برخی دیگر از احادیث تفسیری نیز، نیازمند تفسیر عقلی و اجتهادی است از جمله:

آیه ۳۵ / نور که خدا و قرآن و معصومین علیه السلام را نور معرفی کرده است که برای جلوگیری از تشبیه و تجسیم نور الهی (که نور وجود و معنوی است) به نور جسمانی، لازم است تفسیر عقلی و اجتهادی شود.

تذکر: برخی دیگر از مواردی که نیاز به تفسیر عقلی و اجتهادی دارد عبارتند از:

مبحث نور پروردگار که در آیه ۶۹ / زمر مطرح شده و در احادیث به نور امام عصر علیه السلام تفسیر شده است<sup>(۲)</sup>. (در مبحث تفسیر علمی مطالبی در این مورد خواهد آمد) و مشابه آن ذیل آیه ۳۵ / نور آمده است که امام را به «نور و کوكب» تشبیه کرده است<sup>(۳)</sup>.

ص: ۲۹۷

---

۱- (۱) مجمع البیان: ج ۴، ص ۳۳۲ و فی الروایه عن ابي جعفر و ابي عبدالله عليه السلام: منهج الصادقين: ج ۷، ص ۲۷۲، كما فی مجمع البیان مرسلاً. الصافی: ج ۴، ص ۱۵۸، عن مجمع البیان، مرسلاً. البرهان: ج ۳، ص ۲۸۸، ح ۶، عن مجمع البیان. نور الثقلین: ج ۴، ص ۲۳۲، ح ۴۵، عن مجمع البیان.

۲- (۲) نك: المعجم الاحادیث المهدی، ج ۵، ص ۳۷۹.

۳- (۳) همان، ص ۲۷۵، ۲۷۴.

مقصود از علم در اینجا «علوم تجربی» اعم از علوم طبیعی و انسانی است، و از آنجا که بیش از هزار آیه در قرآن به مطالب علوم تجربی اشاره کرده است، ناچاریم برای فهم برخی آیات یا رفع تعارض ها به یافته های علوم تجربی مراجعه کنیم.

این شیوه تفسیر به طور عمده سه دوره داشته است:

دوره نخست از حدود قرن دوم هجری تا حدود قرن پنجم بود که با ترجمه آثار یونانی به عربی آغاز شد و بعضی مسلمانان، سعی کردند آیات قرآن را، با هیئت بطلمیوسی تطبیق کنند (مانند بوعلی سینا)<sup>(۱)</sup>.

دوره دوم از حدود قرن ششم، شروع شد؛ هنگامی که بعضی دانشمندان به این نظریه متمایل شدند که همه علوم در قرآن وجود دارد و می توان علوم مختلف را، از قرآن کریم استخراج کرد (در این مورد غزالی سر آمد بود). این دو نوع از تفسیر علمی (تطبیق قرآن با علوم و استخراج علوم از قرآن) قرن ها، ادامه داشت و هر زمان دانشمندان مسلمان، به موافقت یا مخالفت با آن می پرداختند.

دوره سوم از تفسیر علمی که موجب اوج گیری و رشد فوق العاده آن گردید، از زمانی شروع شد که در قرن ۱۸ م به بعد علوم تجربی در مغرب زمین رشد کرد و کتاب های مختلف در زمینه علوم فیزیک، شیمی، پزشکی و کیهان شناسی به عربی ترجمه گردید؛ این دوره جدید، به ویژه در یک قرن اخیر که در جهان اسلام، اثرات خود را در مصر و هندوستان بر جای گذاشت موجب شد تا دانشمندان مسلمان در صدد انطباق قرآن با

ص: ۲۹۸

---

۱- (۱) البتّه در برخی احادیث اهل بیت علیهم السلام نیز نکات علمی در تفسیر آیات قرآن آمده است. مثلاً در مورد تعداد ۳۶۰ مشرق و مغرب در معارج / ۴۰ (معانی الاخبار، شیخ صدوق، ص ۲۲۱) و نام سیارات در تفسیر تکویر / ۱۶-۱۵ (مجمع البیان، ج ۱، ص ۶۷۷) و... که یکی از موارد تفسیری اهل بیت علیهم السلام بشمار می آید، ولی تفسیر علمی مستدل نیست چون از یافته های علمی در تفسیر قرآن استفاده نشده است، بلکه اهل بیت علیهم السلام اسرار علمی آیه را با کمک علم امامت بیان کرده اند که این جزئی از تفسیر روایی می شود.

علوم تجربی برآیند. این مسأله آن موقع اهمیت بیشتری یافت که تعارض علم و دین در اروپا، اوج گرفت و کتاب مقدس، به خاطر تعارضات آن با علوم جدید هر روز عقب نشینی تازه ای می کرد و میدان برای پیدایش افکار الحادی و ضد دینی باز می شد هجوم این افکار به کشورهای اسلامی و تفوق صنعتی غرب، موجب جذب جوانان مسلمان به فرهنگ غربی می گشت.

در این میان عده ای از دانشمندان مسلمان، از سر درد و برای دفاع از قرآن و با توجه به سازگاری علم و دین در نظر اسلام به میدان آمدند تا نشان دهند که آیات قرآن، نه تنها با علوم جدید، در تعارض نیست بلکه بر عکس، یافته های علمی، اعجاز علمی قرآن را اثبات می کند؛ از این رو به استخدام علوم در فهم قرآن اقدام کردند و تفسیرهای علمی نوشته شد؛ هر چند در این میان بعضی افراط کرده یا یکسره جذب فرهنگ غربی شدند و به تأویل و تفسیر به رأی در آیات قرآن دست زدند - و از آنجا که مبانی تفسیری این روش بررسی کامل نشده بوده - دچار انحراف شدند یا عده ای از مغرضان آن ها، برای اثبات افکار انحرافی خود دست به تفسیر علمی و تأویلات نابه جا زدند و همین مطلب موجب شد تا احساسات بعضی مسلمانان، برافروخته شود و در مقابل تفسیر علمی موضع گیری کنند و آن رایک سره به باد حمله بگیرند و آن را نوعی تفسیر به رأی یا تأویل غلط آیات قرآن بدانند؛ در این میان بسیاری از عالمان و دانشمندان و مفسران، در ایران و مصر راه انصاف پیمودند و بین انواع تفسیر علمی و اهداف گویندگان آن، فرق گذاشتند و به اصطلاح قایل به تفصیل شدند.

البته در این میان دانشمندان و مفسران متعددی به اظهارنظر در مورد تفسیر علمی پرداخته و با آن موافقت یا مخالفت کرده اند<sup>(۱)</sup> و یا اعجاز علمی قرآن را از آن اثبات کرده اند<sup>(۲)</sup> که ذکر آنها از حوصله این نوشتار خارج است.

ص: ۲۹۹

---

۱- (۱) نک: التفسیر العلمی فی المیزان، احمد عمر ابوحجر، در آمدی بر تفسیر علمی قرآن، نگارنده.

۲- (۲) نک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، نگارنده.

تفسیر علمی، نوعی از روش تفسیری است که خود دارای روش های فرعی متفاوتی است که بعضی سر از تفسیر به رأی و شماری منجر به تفسیر معتبر و صحیح می شود و همین مطلب موجب شده تا برخی تفسیر علمی را رد کنند و آن را نوعی تفسیر به رأی یا تأویل بنامند، و گروهی آن را قبول نمایند و بگویند: تفسیر علمی، یکی از راه های اثبات حقیقت قرآن است. ما در اینجا شیوه های فرعی تفسیر علمی را مطرح می کنیم، تا هر کدام جداگانه به معرض قضاوت، گذارده شود و از خلط مباحث جلوگیری گردد:

#### الف) استخراج همه علوم از قرآن کریم

طرفداران قدیمی تفسیر علمی؛ مانند: ابن ابی الفضل المرسی، غزالی و... کوشیده اند تا همه علوم را از قرآن استخراج کنند؛ زیرا عقیده داشتند که همه چیز در قرآن وجود دارد و در این راستا، آیاتی را که ظاهر آن ها با یک قانون علمی سازگار بود، بیان می کردند و هرگاه ظواهر قرآن کفایت نمی کرد، دست به تأویل می زدند و ظواهر آیات را به نظریات و علمی که در نظر داشتند، برمی گرداندند و از این جا بود که علم هندسه، حساب، پزشکی، هیأت، جبر، مقابله و جدل را از قرآن استخراج می نمودند.

برای مثال، از آیه شریفه (وَ إِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ) ۱ ابراهیم علیه السلام نقل می کند که: وقتی من بیمار شدم، اوست که شفا می دهد، علم پزشکی را استخراج کردند (۱) و علم جبر را از حروف مقطعه اوایل سوره ها استفاده کردند (۲) و از آیه شریفه (إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا) زمین لرزه سال ۷۰۲ هجری قمری را پیش بینی کردند (۳).

ص: ۳۰۰

۱- (۲) ابو حامد غزالی، جواهر القرآن، ص ۲۷، فصل پنجم.

۲- (۳) التفسیر والمفسرون، ج ۲، ص ۴۸۱، به نقل از ابن ابی الفضل مرسی.

۳- (۴) البرهان فی علوم القرآن، ج ۲، صص ۱۸۱-۱۸۲.

روشن است که این نوع تفسیر علمی منجر به تأویلات زیاد در آیات قرآن، بدون رعایت قواعد ادبی، ظواهر و معانی لغوی آن ها می شود.

از همین رو است که بسیاری از مخالفان، تفسیر علمی را نوعی تأویل و مجاز‌گویی دانسته اند<sup>(۱)</sup> که البته در این قسم از تفسیر علمی، حق با آنان است و ما قبلاً، این مسأله (وجود همه علوم در ظواهر قرآن) را بررسی کردیم و به این نتیجه رسیدیم که این کلام، مبانی صحیحی ندارد.

ب) تطبیق و تحمیل نظریات علمی بر قرآن کریم

این شیوه از تفسیر علمی، در یک قرن اخیر رواج یافته و بسیاری از افراد با مسلم پنداشتن قوانین و نظریات علوم تجربی سعی کردند تا آیاتی موافق آنها در قرآن بیابند و هرگاه آیه ای موافق با آن نمی یافتند، دست به تأویل یا تفسیر به رأی زده و آیات را بر خلاف معانی ظاهری، حمل می کردند.

برای مثال، در آیه شریفه (هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا) ۲؛ «اوست خدایی که همه شما را از یک تن آفرید و او نیز جفتش را مقرر داشت.» کلمه «نفس» را، به معنای پروتون و «زوج» را الکترون معنا کردند و گفتند: منظور قرآن، این است که همه شما را از پروتون و الکترون که اجزای مثبت و منفی اتم است، آفریدیم. در این تفسیر حتی معنای لغوی و اصطلاحی نفس را نکردند<sup>(۲)</sup>.

این گونه تفسیر علمی، در یک قرن اخیر، در مصر و ایران رایج شد و موجب بدبینی برخی دانشمندان مسلمان نسبت به مطلق تفسیر علمی گردید و یک سره تفسیر علمی را به عنوان تفسیر به رأی و تحمیل نظریات و عقاید بر قرآن طرد کردند، چنان که علامه طباطبایی، تفسیر علمی را نوعی تطبیق اعلام کرد<sup>(۳)</sup>.

ص: ۳۰۱

۱- (۱) ر. ک: التفسیر و المفسرون، ج ۲، صص ۴۵۴ تا ۴۹۵.

۲- (۳) عبدالرزاق نوفل، القرآن و العلم الحدیث، ص ۱۵۶.

۳- (۴) ر. ک: مقدمه تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۶ به بعد.



البته در مورد این نوع تفسیر علمی، حق با مخالفان آن است؛ چرا که مفسّر در هنگام تفسیر باید از هرگونه پیش داوری خالی باشد، تا بتواند تفسیر صحیح انجام دهد و اگر با انتخاب یک نظریه علمی آن را بر قرآن تحمیل کند، یا در طریق تفسیر به رأی، گذاشته که در روایات وعده عذاب به آن داده شده است.

ج) استخدام علوم برای فهم و تبیین بهتر قرآن

در این شیوه از تفسیر علمی، مفسّر با دارا بودن شرایط لازم و با رعایت ضوابط تفسیر معتبر، اقدام به تفسیر علمی قرآن می کند.

او سعی دارد با استفاده از مطالب قطعی علوم - که از طریق دلیل عقلی پشتیبانی می شود - و با ظاهر آیات قرآن - طبق معنای لغوی و اصطلاحی - موافق است، به تفسیر علمی بپردازد و معانی مجهول قرآن را کشف و در اختیار انسان های تشنه حقیقت قرار دهد. این شیوه تفسیر علمی، بهترین نوع و بلکه تنها نوع صحیح از تفسیر علمی است.

ما در مبحث آینده معیار این گونه تفسیر را به طور کامل بیان خواهیم کرد، اما در این جا تأکید می کنیم که در این شیوه تفسیری، باید از هرگونه تأویل و تفسیر به رأی پرهیز کرد و تنها به طور احتمالی از مقصود قرآن سخن گفت؛ زیرا علوم تجربی به خاطر استقرای ناقص و مبنای ابطال پذیری که اساس آن هاست، نمی توانند نظریات قطعی بدهند.

برای مثال، آیه شریفه (الشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا)؛ «خورشید در جریان است تا در محل خود استقرار یابد.» در زمان صدر اسلام که نازل شد، مردم همین حرکت حسی و روزمره خورشید را می دانستند؛ به این ترتیب از این آیه، همین حرکت را می فهمیدند، در حالی که حرکت

خورشید، از مشرق به مغرب کاذب است؛ زیرا خطای حس باصره ماست و در حقیقت زمین در حرکت است. از این رو ما خورشید را متحرک می بینیم، همانطور که شخص سوار بر قطار خانه های کنار جاده را در حرکت می بیند و با پیشرفت علوم بشری و کشف حرکت زمین و خورشید، روشن شد که خورشید هم خود دارای حرکت انتقالی است (نه حرکت کاذب، بلکه واقعی) و خورشید، بلکه تمام منظومه شمسی و حتی کهکشان راه شیری در حرکت است (۱). پس می گوییم اگر به طور قطعی اثبات شد که خورشید در حرکت است و ظاهر آیه قرآن هم می گوید که خورشید در جریان است، پس منظور قرآن حرکت واقعی (حرکت انتقالی و...) خورشید است. علاوه بر آن قرآن از «جریان» خورشید سخن می گوید نه حرکت آن و در علوم جدید کیهان شناسی بیان شده که خورشید حالت گازی شکل دارد که در اثر انفجارات هسته مرتب زیر و زبر می شود (۲) و در فضا جریان دارد و همچون گلوله ای جامد نیست که فقط حرکت کند، بلکه مثل آب در جریان است.

در ضمن از این نوع تفسیر علمی، اعجاز علمی قرآن نیز اثبات می شود؛ برای مثال، قانون زوجیت تمام گیاهان در قرن هفدهم میلادی کشف شد، اما قرآن حدود ده قرن قبل از آن از زوج بودن تمام گیاهان، بلکه همه موجودات سخن گفته است (۳). (و لَوْ تَرَىٰ إِذْ فَرَغُوا فَلَا قُوَّةَ وَ أَخَذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ)؛ «و اگر (برفرض) ببینی هنگامی را که (کافران) وحشت زده اند، چرا که هیچ (راه) گریزی نیست و از مکانی نزدیک (به عذاب) گرفتار شده اند. (تعجب خواهی کرد!)»

ص: ۳۰۳

---

۱- (۱) دکتر اریک، اوبلاکر، فیزیک نوین، ترجمه بهروز بیضایی، صص ۴۵، ۴۸.

۲- (۲) همان، صص ۴۵-۴۸.

۳- (۳) یس / ۳۶.

الإمام الباقر عليه السلام: «من الصوت وذلك الصوت من السماء وأخذوا من مكان قريب قال: من تحت أقدامهم خسف بهم» (١).  
ابن عباس: «هو جيش السفيناني، قال: من أين أخذ؟ قال: من تحت أرجلهم» (٢).

(قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ) ٣؛ «(ابليس) گفت: «پروردگارا، پس مرا تا روزی که (مردم) برانگیخته خواهند شد مهلت ده.» (خدا) فرمود: «پس در واقع تو از مهلت داده شدگانی، تا روز زمان معلوم.»

الإمام الرضا عليه السلام «لادين لمن لاورع له، ولاإيمان لمن لا تقيه له إن أكرمكم عند الله أعمالكم بالتقيه، فقيل له: يا ابن رسول الله إلى متى؟ قال: إلى يوم الوقت المعلوم، وهو يوم خروج قائمنا أهل البيت فمن ترك التقيه قبل خروج قائمنا فليس منا.

فقيل له: يا ابن رسول الله ومن القائم منكم أهل البيت؟ قال الرابع من ولدى، ابن سيده الإمام، يطهر الله به الأرض من كل جور، ويقدهسها من كل ظلم. (وهو) الذى يشك الناس فى ولادته، وهو صاحب الغيبه قبل خروجه، فإذا خرج أشرفت الأرض بنوره، ووضع ميزان العدل بين الناس فلا يظلم أحد أحداً. وهو الذى تطوى له الأرض، ولا يكون له ظل. وهو الذى ينادى مناد

ص: ٣٠٤

---

١- (١) القمى: ج ٢، ص ٢٠٥، وفى روايه أبى الجارود، عن أبى جعفر عليه السلام فى قوله: ولو ترى إذ فرعوا، قالوا: الصافى: ج ٤، ص ٢٢٦، عن القمى. البرهان: ج ٣، ص ٣٥٥، ح ٣، عن القمى، بتفاوت يسير. البحار: ج ٥٢، ص ١٨٥، ب ٢٥، ح ١١، عن القمى. نور الثقلين: ج ٤، ص ٣٤٤، ح ٩٩، عن القمى.

٢- (٢) الطبرى، على ما فى الدر المنثور، ولم نجده فى تفسيره. ابن المنذر، على ما فى الدر المنثور. ابن أبى حاتم، على ما فى الدر المنثور. الدر المنثور: ج ٥، ص ٢٤٠، وقال وأخرج ابن جرير و ابن المنذر و ابن أبى حاتم، عن ابن عباس رضى الله عنهما فى قوله: ولو ترى إذ فرعوا فلا فوت و أخذوا من مكان قريب قال: منهج الصادقين: ج ٧، ص ٤٢١، كما فى الدر المنثور، مرسلًا عن ابن عباس.

من السماء يسمعه جميع أهل الأرض بالدعاء إليه يقول: ألا إن حجه الله قد ظهر عند بيت الله فاتبعوه، فإن الحق معه وفيه، وهو قول الله عزوجل: (إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ) ۱

بررسی

احادیث متعددی در مورد امام مهدی و آیات مهدویت حکایت شده که نیاز به تفسیر علمی دارد. از جمله احادیث فوق در مورد خروج سفیانی و صیحه آسمانی که در احادیث شیعه و اهل سنت آمده است.

در مورد اینگونه احادیث دو گونه می توان برخورد کرد:

اول آنکه آنها را تعبداً بپذیریم و بگوییم اعجاز است.

دوم آنکه با توجه به اکتشافات جدید علمی این احادیث را تحلیل علمی کنیم. به عبارت دیگر در عصری که این احادیث صادر شده بود هنوز رادیو و تلویزیون و ماهواره و... کشف و ساخته نشده بود تا مردم بخوبی معنای صدای آسمانی (صیحه) را درک کنند و اهل البیت علیه السلام به اندازه عقول و علوم مردم سخن گفته اند و حتی ممکن بود این سخنان برای برخی مردم آن عصر قابل هضم نباشد.

اما در عصر ما که اکتشافات جدید شده است به راحتی می توانیم این احادیث را تحلیل کنیم یا حداقل احتمال دهیم که صدای آسمانی (صیحه) چیزی شبیه امواج رادیویی و تلویزیونی یا شکستن دیوار صوتی است که از یک نقطه جهان صادر می شود و همه مردم می شنوند و حجت بر آنان تمام می شود و این همان چیزی که در تفسیر عصر حاضر از آن با عنوان تفسیر

ص: ۳۰۵

علمی یاد می شود یعنی توضیح آیات و روایات بوسیله استخدام علوم در فهم قرآن و احادیث.

«وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ» ۱؛ (در رستاخیز) زمین به نور پروردگارش روشن می شود، و نامه (اعمال) نهاده می شود، و پیامبران و گواهان آورده می شوند، و بینشان به حق داوری می شود درحالی که آنان مورد ستم واقع نمی شوند.»

الامام الصادق علیه السلام: «إن قائمنا إذا قام أشرقت الأرض بنور ربها، واستغنى العباد عن ضوء الشمس، و صار الليل والنهار واحداً، وذهبت الظلمة، وعاش الرجل في زمانه ألف سنة، يولد في كل سنة غلام لا يولد له جاريه، يكسوه الثوب فيطول عليه كلما طال، ويتلون عليه أي لون شاء» (۱).

ص: ۳۰۶

۱- (۲) دلائل الإمامه: ص ۲۴۱، وأخبرني أبو الحسن بن هارون بن موسى، قال: حدثني أبي قال: حدثني أبو علي محمد بن همام قال: حدثنا أبو عبد الله جعفر بن محمد الحميري قال: حدثنا أحمد بن ميثم قال: حدثنا سليمان بن، صالح قال: حدثنا أبو الهيثم القصاب عن المفضل بن عمر الجعفي قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: وفي ص ۲۶۰، ۲۶۱، وأخبرني أبو عبد الله الخرقى، عن أبي محمد، عن ابن همام قال: حدثنا سلمان بن صالح قال: حدثني ابن الهيثم القصاب عن مفضل بن عمر قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: كما في روايته الأولى، بتفاوت يسير. الإرشاد، ص ۳۶۲، مرسلًا مختصرًا عن المفضل بن عمر: قال: سمعت أبا عبد الله يقول إذا قام قائم آل محمد عليه السلام بنى في ظهر الكوفة مسجدًا له ألف باب واتصلت بيوت أهل الكوفة بنهرى كربلاء. وفي: ص ۳۶۳، مرسلًا عن المفضل بن عمر قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: كما في دلائل الإمامه، بتفاوت، وفيه «إن قائمنا إذا قام... ويعمر الرجل في ملكه، حتى يولد له ألف ولد ذكر لا يولد فيهم أنثى وتظهر الأرض من كنوزها، حتى يراها الناس على وجهها، ويطلب الرجل منكم من يصله بماله ويأخذ منه زكاته، فلا يجد أحدًا يقبل منه ذلك، واستغنى الناس بما رزقهم الله من فضله». غيبة الطوسي: ص ۲۸۰، (أخبرنا جماعة)، عن التلعكبري، عن علي بن، حبشى، عن جعفر بن مالك، عن أحمد بن أبي نعيم، عن ابراهيم بن صالح عن محمد بن غزال، عن مفضل بن عمر قال: «إن قائمنا إذا قام أشرقت الأرض بنور ربها، واستغنى الناس، ويعمر الرجل... ويبنى في ظهر الكوفة مسجدًا له ألف باب وتتصل بيوت الكوفة بنهر كربلاء وبالحيرة، حتى يخرج الرجل يوم الجمعة على بغله سفواء، يريد الجمعة فلا يدركها». روضه الواعظين: ج ۲، ص ۲۶۴، كما في الإرشاد، بتفاوت يسير، مرسلًا عن الصادق عليه السلام. اعلام الوری: ص ۴۳۴، ب ۴، ف ۳، كما في الإرشاد، بتفاوت يسير، مرسلًا عن المفضل بن عمر، عن الصادق عليه السلام. الخرائج: ج ۳، ص ۱۱۷۶، ب ۲۰، آخره، كما في غيبة الطوسي، مرسلًا عن الصادق عليه السلام. الشفاء والجلاء: على ما في الصراط المستقيم. كشف الغممة: ج ۳، ص ۲۵۳، مختصرًا عن الإرشاد. وفي: ص ۲۵۴، عن الإرشاد. المستجاد: ص ۵۵۵، ۵۵۶، عن الإرشاد. السيد علي بن عبد الحميد، على ما في البحار. منتخب الأنوار المضيئة: ص ۱۹۰، ف ۱۲، كما في غيبة الطوسي، قال: وبالطريق المذكور «ماصلحلى روايته عن أحمد بن محمد الأيادي» يرفعه إلى المفضل بن عمر. ال، صراط المستقيم: ج ۲، ص ۲۵۱، ب ۱۱، ف ۹، بعضه عن الإرشاد. وفي: ص ۲۵۳، ب ۱۱، ف ۹، بعضه، عن الإرشاد. وفي: ص ۲۶۲، ب ۱۱، ف ۱۳، بعضه، كما في الإرشاد، بتفاوت يسير، عن كتاب الشفاء والجلاء. الصافي: ج ۴، ص ۳۳۱، أوله عن الإرشاد، مرسلًا. إثبات الهداه: ج ۳، ص ۵۱۵، ب ۳۲، ف ۱۲، ح ۳۶۳، أوله، عن غيبة الطوسي. وفي: ص ۵۲۷، ب

٣٢، ف ٣١، ح ٥٩١، أوله، عن الإرشاد. وفي: ص ٥٧٣، ب ٣٢، ف ٤٨، ح ٧٠٢، كما في دلائل الإمامه، أوله، عن مناقب فاطمه وولدها عليه السلام. وفي: ص ٦١٦، ب ٣٢، ف ١٥، ح ١٦٨، عن روايه الصراط المستقيم الثانيه، حليه الأبرار: ج ٢، ص ٦٣٤، ب ٤٠، كما في روايه دلائل الإمامه الأولى، عن مسند فاطمه عليه السلام. المحججه: ص ١٨٤، كما في دلائل الإمامه عن محمد بن جرير الطبري. البحار: ج ٥٢، ص ٣٣٠، ب ٢٧، ح ٥٢، عن غيبه الطوسي. وفي: ص ٣٣٧، ب ٢٧، ح ٧٦، عن الإرشاد. وفي: ج ١٠٠، ص ٣٨٥، ب ٦، ح ٣، قال: ويأسناده (السيد علي بن عبد الحميد) من كتاب فضل بن شاذان، عن مفضل بن عمر، عن أبي عبدالله عليه السلام قال: إن قائمنا إذا قام بيني له في ظهر الكوفه مسجداً له ألف باب وتتصل بيوت الكوفه نهر كربلاء حتى يخرج الرجل يوم الجمعة على بغله سفواء يريد الجمعة فلا يدركها. نورالثقلين: ج ٤، ص ٣٥٦، ح ٥٢، بعضه، عن الإرشاد. وفي: ص ٥٠٤، ح ١٢٢، أوله عن الإرشاد.

مقصود از نور امام عصر علیه السلام در این روایت چیست که با وجود آن مردم نیازی به نور خورشید ندارند؟

مسلماً مراد آن نیست که امام عصر (عج) مثل یک راکتور هسته ای عمل می کند و نوری قوی تر از خورشید ارائه می کند.

پس لازم است تحلیل علمی و عقلی از آیه و روایت ارائه شود. یعنی گفته شود نور امام عصر علیه السلام نور معنوی است که راه مردم را روشن می کند

که بهتر از نور خورشید است. یعنی تعبیر روایت کنایی است و یا علوم بشری در زمان امام عصر علیه السلام به برکت وجود ایشان آنقدر پیشرفت می کند و روشنایی هسته ای و غیر آن آنقدر زیاد می شود که مردم نیازی به نور خورشید نخواهند داشت. به هر حال این آیه و روایت ذیل آن نیاز به تفسیر علمی یا عقلی و اجتهادی دارد.

تذکر: از همین نمونه است:

۱. روایات مسخ (۱) ذیل آیه غافر / ۱۱ که نیازمند توضیح علمی و عقلی برای نسل جوان است.

۲. روایات رجعت (۲) ذیل آیه غافر / ۵۱ که نیازمند توضیح علمی و عقلی برای نسل جوان است.

۳. روایات انشقاق قمر (۳) ذیل آیه قمر / ۱ که نیازمند توضیح علمی و عقلی برای نسل جوان است.

۴. روایات خروج آتش از مغرب (۴) ذیل آیه معارج / ۱ که نیازمند توضیح علمی و عقلی برای نسل جوان است.

یادآوری: تذکر این مطالب بدان معنا نیست که ما همه معجزات اهل بیت علیه السلام را توجیحات علمی افراطی (آن هم به صورت تحمیل نظریه های علمی یا استخراج علوم و...) بکنیم بلکه منظور آن است که تا حدی که ممکن است علوم تجربی را برای توضیح روایات تفسیری مهدویت به کار ببندیم البته با رعایت قواعد صحیح تفسیر.

## ۵. روش تفسیر اشاری (عرفانی - باطنی)

مفهوم شناسی: «اشاره» در لغت به معنای علامت و نشانه دادن به عنوان انتخاب چیزی (از قول، عمل یا نظر) است (۵).

ص: ۳۰۸

۱- (۱) نک: معجم احادیث الامام المهدی، ج ۵، ص ۳۸۵، ۳۸۲.

۲- (۲) همان.

۳- (۳) همان، ص ۴۳۲، ۴۳۳.

۴- (۴) همان، ص ۴۹۵.

۵- (۵) نک: التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۶، ص ۱۴۹، ماده «شور»



واژه «اشارت» در قرآن نیز به کار رفته است که مریم علیه السلام به سوی عیسی علیه السلام در گاهواره اشاره کرد تا مردم از او پرسش کنند. (فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ) ۱ یعنی چیزی را در پاسخ مردم انتخاب کرد و به آن ارجاع داد. اشاره در اصطلاح، به معنای چیزی است که از کلام استفاده می شود بدون این که کلام برای آن وضع شده باشد. اشاره گاهی حسی است، همان طور که در الفاظ اشاره، مثل هذا، می آید و گاهی اشاره ذهنی است مثل اشارات کلام به معنای زیاد، که اگر گوینده می خواست به آن ها تصریح کند باید سخنان زیادی می گفت. البته اشاره گاهی ظاهر و گاهی خفی است (۱).

مقصود از تفسیر اشاری چیست؟

«تفسیر اشاری به اشارات مخفی گفته می شود که در آیات قرآن کریم موجود است و بر اساس عبور از ظواهر قرآن و اخذ به باطن استوار است. یعنی از طریق دلالت اشاره و با توجه به باطن قرآن مطلبی از آیه برداشت و نکته ای روشن شود که در ظاهر الفاظ آیه بدان تصریح نشده است. به عبارت دیگر اشارات آیه لوازم کلام هستند که از نوع دلالت التزامی به شمار می آیند»، البته از آنجا که تفسیر اشاری دارای گونه های مختلف همچون تفسیر رمزی، عرفانی، صوفی، باطنی و شهودی است، تعریف های متعددی از آن ارائه شده است که در مبحث دیدگاه ها و دلایل، نقل و نقد و بررسی خواهد شد.

تاریخچه

تاریخچه برخی از اقسام تفسیر اشاری همچون تفسیر باطنی را می توان در صدر اسلام پیدا کرد. یعنی ریشه های این تفسیر در سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله و

ص: ۳۰۹

اهل بیت علیه السلام است که فرموده اند: قرآن ظاهر و باطنی دارد(۱) و در برخی احادیث به باطن آیات اشاره کرده اند(۲).

و در برخی احادیث از امام علی بن الحسین علیه السلام و امام صادق علیه السلام حکایت شده که: «کتاب الله عزوجل علی أربعة أشياء علی العبارة والإشارة واللطایف والحقایق، فالعبارة للعوام والأشارة للخواص واللطایف للأولیاء والحقایق للأنبیاء»(۳)؛ «کتاب خدای عزوجل بر چهار چیز استوار است: بر عبارت و اشارت و لطایف و حقایق. پس عبارت های قرآن برای عموم مردم است و اشارات آن برای افراد خاص است و لطایف قرآن برای دوستان و اولیاست و حقایق قرآن برای پیامبران است».

از آنجا که همه مسلمانان پذیرفته بودند که قرآن دارای باطنی عمیق و معانی دقیق و کنایات و اشارات است، راه برای این گونه تفسیرها باز شد تا آنجا که ابن عربی نوشت: «همان طور که تنزیل اصل قرآن بر پیامبر صلی الله علیه و آله از پیش خدا بوده، تنزیل فهم آن نیز بر قلوب مؤمنان از ناحیه حضرت حق صورت می گیرد»(۴).

از این رو در اعصار بعدی، برخی عرفا و صوفیه به گونه هایی از تفسیر اشاری همچون تفسیر رمزی و شهودی و صوفی و عرفانی توجه کردند. و کتاب های تفسیری متعددی در این زمینه به نگارش در آمد.

از جمله تفسیر تُستری از ابن محمد بن سهل بن عبدالله التستری (۲۰۰-۲۸۳) و کشف الأسرار و عده الابرار، میبیدی (زنده در سال ۵۲۰ه) و تفسیر ابن عربی (۵۶۰-۶۳۸ه) را می توان نام برد. علامه طباطبایی و آیت الله

ص: ۳۱۰

- 
- ۱- (۱) نک: بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۹۵؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۸؛ کنز العمال، ج ۱، ص ۲۴۶۱.
  - ۲- (۲) در مبحث گونه های تفسیر اشاری (تفسیر باطنی) برخی از این موارد ذکر خواهد شد.
  - ۳- (۳) بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۰ و ص ۱۰۳ و ج ۷۸، ص ۲۷۸.
  - ۴- (۴) الفتوحات المکیه، محی الدین ابن عربی، ج ۱، ص ۲۷۹.

معرفت تاریخیچه این روش تفسیری را از قرن دوم و سوم هجری می دانند، یعنی پس از آن که فلسفه یونانی به عربی ترجمه شد (۱).

این روش تفسیری در طول تاریخ، فراز و نشیب های گوناگون داشته است و مفسران مذاهب مختلف اسلامی و نیز صوفیه و عرفا هر کدام به گونه ای به این تفسیر توجه کرده اند، که نمی توان همه را یکسان انگاشت و داوری واحدی در مورد همه روا داشت؛ چراکه برخی در این راه افراط کرده به راه تفسیر به رأی و تأویل های بی دلیل افتاده اند ولی برخی از باطن قرآن بر اساس ضوابط صحیح استفاده کرده اند.

#### دیدگاه ها

درباره روش تفسیر اشاری دیدگاه ها، تعریف ها و تقسیم بندی های متفاوتی وجود دارد و هر مفسر یا صاحب نظری که در این مورد قلم زده به یک یا چند گونه از تفسیر اشاری توجه کرده و با آن موافقت یا مخالفت نموده است یا یک گونه ی دیگری را رد کرده است. اینک برای آشنایی با دیدگاه ها برخی آنان را ذکر می کنیم.

اول: دیدگاه موافقان تفسیر اشاری

الف: دیدگاه امام خمینی رحمه الله

ایشان در مورد برداشت های عرفانی از قرآن می نویسند:

«یکی دیگر از حُجُب که مانع از استفاده از این صحیفه نورانیه است اعتقاد به آن است که جز آن که مفسران نوشته یا فهمیده اند کسی را حق استفاده از قرآن شریف نیست و تفکر و تدبّر در آیات شریفه را با تفسیر به رأی که ممنوع است اشتباه نموده اند و به واسطه این رأی فاسد و عقیده

ص: ۳۱۱

---

۱- (۱) المیزان، ج ۱، ص ۵ و ۷؛ التفسیر والمفسرون فی ثوبه القشيب، ج ۲، ص ۵۲۶-۵۲۷.

باطله، قرآن شریف را از جمیع فنون استفاده عاری نموده و آن را به کلی مهجور نموده اند، در صورتی که استفادات اخلاقی و ایمانی و عرفانی به هیچ وجه، مربوط به تفسیر نیست تا تفسیر به رأی باشد...».

سپس با مثالی در مورد آیات پیروی موسی از خضر و استفاده توحید افعالی از آیه (الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ) می نویسد: «الی غیر ذلک» از اموری که از لوازم کلام استفاده می شود که مربوط به تفسیر به هیچ وجه نیست.

علاوه بر آن که تفسیر به رأی نیز کلامی است که شاید آن غیر مربوط به آیات معارف و علوم عقلیه که موافق موازین برهانیه است و آیات اخلاقیه که عقل را در آن مدخلیت است، باشد. زیرا که این تفاسیر مطابق با برهان متین عقلی یا اعتبارات واضحه عقلیه است که اگر ظاهری بر خلاف آن ها باشد لازم است آن ها را از ظاهر مصروف نمود... پس محتمل است بلکه مظنون است که تفسیر به رأی راجع به آیات احکام باشد که دست آرا و عقول از آن کوتاه است و به صرف تعبد و انقیاد از خازنان وحی و مهابط ملایکه الله باید اخذ کرد» (۱).

بررسی: ایشان برداشت های عرفانی از آیات را از مقوله تفسیر نمی داند بلکه از باب لوازم کلام (که شاید مقصود ایشان بطون باشد) می داند.

بنابراین ایشان به تفسیر عرفانی باطنی ضابطه مند اشاره دارد که متکی بر عقل است و منتهی به تفسیر به رأی نمی شود.

همانطور که اشاره شد امام خمینی قدس سره از طرفداران روش تفسیر اشاری صحیح است و در موارد متعددی از تفاسیر خود از مطالب باطنی و عرفانی استفاده کرده است. ولی یادآوری کرده که لازم است تفسیر عرفانی به تفسیر به رأی منتهی نشود، از این رو نباید مفاد آیات و روایات منحصر در معنای عرفانی آن شود. ایشان در همین مورد می نویسند:

ص: ۳۱۲

---

۱- (۱) پرواز در ملکوت، مشتمل بر آداب الصلوه، امام خمینی رحمه الله، ج ۲، ص ۱۱۳، ۱۱۲.

«گمان نشود که مقصود ما از این بیانات از حدیث شریف به طریق مسلک اهل عرفان، قصر کردن مفاد حدیث است به آن، تا از قبیل رجم به غیب و تفسیر به رأی باشد. بلکه دفع توهم قصر معانی احادیث وارده در باب معارف است به معانی مبذوله عرفیه و عارف به اسلوب کلمات ائمه علیه السلام می داند که اخبار در باب معارف و عقاید با فهم عرفی عامیانه درست نیاید بلکه ادق معانی فلسفیه و غایت معارف اهل معرفت را در آنها گنجانیده اند، و اگر کسی رجوع کند به اصول کافی و توحید شیخ صدوق رحمه الله تصدیق می کند این مطلب را.

و منافات ندارد این معنی با آنکه آن ائمه اهل معرفت و علماء بالله کلام شریف خود را طوری جامع ادا کنند که هر طایفه ای به حسب ملک خود خوشه ای از آن خرمن بچیند و هیچ یک از آنها حق ندارند منحصر کنند معنی آن را به آنچه فهمیدند. مثلاً از این حدیث شریف می توان یک معنی عرفی عامیانه کرد که موافق با ظهور لفظ و استظهار عرف است، مثل آنکه معنی اعراف بالله آنست که خداوند را به آثار صنع و اتقان آن که آثار الوهیت است بشناسید، چنانچه پیغمبر را به رسالت او و آثار متقنه دعوت او، و اولوالامر را به کیفیت اعمال او از قبیل امر به معروف و عدالت باید شناخت، پس از آثار هر یک پی باید برد به خود آنها و این منافات ندارد با آنکه معنی لطیف تری داشته باشد که آن به منزله بطن آن باشد، و از آن نیز معنی لطیف تری باشد که بطن آن باشد.»<sup>(۱)</sup>

ولی از طرف دیگر امام خمینی قدس سره یادآور می شوند که نباید سخنان پیامبران و ائمه علیه السلام را منحصر در معانی عرفی و ظاهری دانست و خود را از معارف عرفانی آن محروم سازیم:

ص: ۳۱۳

«و از غرائب امور آن است که بعضی در مقام طعن و اشکال گویند که: ائمه هدی علیه السلام فرمایشاتی را که می فرمایند برای ارشاد مردم، باید مطابق با فهم عرفی باشد و غیر از آن از معانی دقیقه فلسفیه یا عرفانیه از آنها صادر نباید شود. و این افتزایی است بس فجیع و تهمتی است بسیار فظیح که از قلت تدبر در اخبار اهل بیت علیه السلام و عدم فحص در آن با ضمیمه بعض امور دیگر ناشی شده است. فواعجبا! اگر دقایق توحید و معارف را انبیاء و اولیاء علیه السلام تعلیم مردم نکنند پس کی تعلیم آنها کند؟ آیا توحید و دیگر معارف، دقایقی ندارد و همه مردم در معارف یکسان هستند؟ معارف جناب امیرالمومنین علیه السلام با ما یکسان است؟ و همین معانی عامیانه است، یا آنکه فرق دارد؟ و تعلیم آن لازم نیست، سهل است حتی رجحان هم ندارد؟ یا هیچیک نیست و ائمه علیه السلام اهمیت به آن ندادند؟ کسانی که آداب مستحبه خواب، خوراک و بیت التخلیه را فروگذار نمودند از معارف الهیه که غایت آمال اولیاء است غفلت کردند؟ عجب تر آنکه بعضی از همین اشخاصی که منکران معانی هستند، در اخباری که راجع به فقه است و مسلم است که فهم آن موکول به عرف است یک مباحثه دقیقه ای تشکیل می دهند که عقل از فهم آن عاجز است فضلاً از عرف و آن را به ارتکاز عرف نسبت دهند! هر کس منکر است به مباحثی که در باب «علی الید» و امثال آن از قواعد کلیه خصوصاً در باب معاملات است رجوع کند.»<sup>(۱)</sup>

بنابراین ایشان به تفسیر عرفانی باطنی ضابطه مند اشاره دارد که متکی بر عقل است و منتهی به تفسیر به رأی نمی شود. البته در مورد این که تفسیر اشاری باطنی به نوعی داخل در تفسیر نیز هست در پایان مبحث دلایل مخالفان و موافقان تفسیر اشاری، مطالبی بیان خواهیم کرد.

ص: ۳۱۴

ایشان به دفاع از صوفیه برخاسته و تفسیر اشاری آنان را توجیه کرده و آن را از تفسیر باطنیه که ظاهر قرآن را کنار می گذارند، جدا می داند و می نویسد: «مفسران که از علمای شریعت هستند بر ظاهر الفاظ قرآن توقّف می کنند. ولی اهل تحقیق یا صوفیه این تفسیر ظاهری را قبول می کنند و آن را اصل می دانند، ولی نمی گویند تفسیر ظاهری تنها مراد است. چون این موجب محدودیت کلام خدا می شود که نامحدود است.

بلکه مافوق ادراک عقلی چیزی به نام قلب است که ذوق خاص دارد که مثل کسی است که میوه ای می خورد ولی نمی تواند مزه آن را برای دیگری بگوید. از این رو سخن قلب در قالب الفاظ در نمی آید و از آن به «اشاره» تعبیر می شود. پس اشارات، ترجمان تجلیات و مشاهدات قلبی است، یعنی اسرار کلام خدا و پیامبر که خدا بر برگزیدگان و دوستان خود افاضه می کند و این، همان باطن قرآن است. ولی این اشارات قلبی و تفسیر صوفیه نیز تنها مراد آیات قرآن نیست آن گونه که باطنیه می گویند و شریعت را باطل می دانند. و در برابر نصوص قرآن خاضع نمی شوند<sup>(۱)</sup>.

بررسی: سخن ایشان درباره جمع بین ظاهر و باطن قرآن نیکوست اما ایشان توضیح نداده که چگونه شهودهای قلبی را به عنوان باطن قرآن بپذیریم، و معیار و ضابطه آن چیست. به نظر می رسد که مشکل اصلی تفسیر عرفانی، صوفی، اشاری، رمزی و باطنی در همین جاست. که در مباحث بعدی بدان می پردازیم.

ج) از دیگر طرفداران تفسیر اشاری (از نوعی صوفی) می توان از تفتازانی نام برد که می نویسد:

ص: ۳۱۵

«اما آنچه که برخی محققان گفته اند که نصوص قرآن ظواهر آن باقی است اما در آن اشارات مخفی به امور دقیق است که برای اهل سلوک کشف می شود، که ممکن است این اشارات را با ظاهر آیات که مقصود است جمع کرد، این مطلب از کمال ایمان و عرفان خالص است»<sup>(۱)</sup>.

دوم: دیدگاه مخالفان تفسیر اشاری

دیدگاه استاد عمید زنجانی

ایشان در کتاب مبانی و روش های تفسیری فصل هشتم را به این روش تفسیری اختصاص داده و آن را به سه گونه ی فرعی تقسیم کرد و این گونه توضیح داده است:

الف) تفسیر رمزی

صوفیه و باطنیه، که دین را از قید و بند ظواهر شرع و جهات خشک و تقییدات مذهبی آزاد می دانستند، جهت استحکام تشکیلات مذهبی خود به دو مسأله باطن داشتن قرآن، و امثال و کنایات و اشارات موجود در آیات توجه کردند.

آنان از این دو مسأله به منظور تأمین مقاصد مذهبی خود استفاده کردند و تعلیمات عرفانی و ذوقی و اسرار و مبانی مذهبی خویش را به عنوان تفسیر بطنی قرآن بیان کردند. سپس ایشان این روش را تفسیر به رأی می خوانند و مثال هایی از تفسیر قرآن ابن عربی می آورد<sup>(۲)</sup>.

سپس گروه «باطنیه» را معرّفی می کند و می نویسد:

«باطنیه، طایفه ای از شیعیان بودند که منکر ظواهر شرع و قرآن بودند و مقصود حقیقی قرآن را باطن آن می دانند و هر کس به ظاهر قرآن تمسّک

ص: ۳۱۶

---

۱- (۱) اصول التفسیر و قواعد، عبدالرحمن العکک، ص ۲۱۵.

۲- (۲) مبانی و روش های تفسیر قرآن، ص ۳۱۴-۳۱۶.



جوید گمراه است. آنان ظواهر عبادات، بهشت و جهنم و... را رموز و اشاراتی حاکی از اسرار مذهب می دانند. حتی مفضل یکی از یاران امام صادق علیه السلام در نامه ای به حضرت در مورد گروه باطنیه کسب نظر می کند که حضرت در پاسخ می نویسد: «درباره طایفه ای سخن گفته بودی که من آنان را می شناسم... به تو گفته اند که آنان گمان می کنند شناخت دین همان شناخت اشخاصی چند (همچون امامان باطنیه) است، نوشته بودی که آنان می پندارند مقصود از نماز، زکات، روزه، حج، عمره، مسجدالحرام و مشعرالحرام یک شخص معین است... آگاه باش که هرکس چنین عقیده ای داشته باشد در نظر من مشرک است... این گونه افراد، سخنانی شنیده اند ولی نتوانسته اند آن را درک کنند» (۱) و در پایان این شیوه را خارج از حدود دلالت لفظی دانسته، آن را تفسیر به شمار نمی آورد (۲).

#### ب) تفسیر اشاری

برخی به شیوه تفسیری صوفیه، تفسیر اشاری اطلاق کرده اند، از این رو که ظواهر آیات به معانی مورد نظر آنان اشاره دارد. این اصطلاح از روایت معروف که یکی از وجوه قرآن را اشاره، است اتخاذ گردیده است (۳). سپس شرایط تفسیر اشاری را می آورد و با بیان مثالی در دلالت تفسیر اشاری (با فرض وجود شرایط) تشکیک می کند (۴).

#### ج) تفسیر شهودی

تفسیر شهودی یا تفسیر اشراقی بر اساس مکتب اشراق و شهود، در برخی از تفاسیر دیده می شود.

ص: ۳۱۷

---

۱- (۱) بصائر الدرجات، محمد بن حسن، صفار، ص ۵۲۶؛ مقدمه تفسیر برهان، ص ۱۲.

۲- (۲) مبانی و روش های تفسیر قرآن، ص ۳۲۲.

۳- (۳) این روایت به نقل از امام سجاد علیه السلام و امام صادق علیه السلام در مب، حث تاریخچه آورده شد.

۴- (۴) مبانی و روش های تفسیر قرآن، ص ۳۲۵-۳۲۶.

شهود حالتی روحی و احساسی درونی و شخصی است که با اذکار یا افعال یا تفکر در امر خاصی در انسان به وجود می آید، و در مصادیق صحیح آن واقعیت هایی بر انسان مکشوف می شود.

سپس یادآور می شود: راه مکاشفه یک منطق و طریقه احساس شخصی است و قابل انتقال به دیگری نیست و بر دیگران نمی تواند حجت باشد و در پایان چنین آورده است: راه درک حقایق، یعنی مکاشفه و شهود، حتی اگر حق و قابل قبول هم باشد، رسیدن به معانی و مقاصد آیات قرآن از طریق مکاشفه و شهود نمی تواند مصداقی برای تفسیر باشد؛ زیرا در صدق تفسیر، استناد به دلالت لفظی شرط اساسی است در حالی که در مکاشفه و شهود استناد به امر دیگری است. (۱)

بررسی

به نظر می رسد که جداسازی تفسیر اشاری در بخش شهودی و رمزی مفید است. با توضیح این که مقصود از تفسیر رمزی همان تفسیر صوفی نظری و منظور از تفسیر شهودی همان تفسیر صوفی عملی یا فیضی باشد. اما جداسازی تفسیر اشاری از رمزی با توضیحاتی که نویسنده محترم آورده است روش مند مستدل نگردیده و در حقیقت دو نام برای یک شیوه تفسیری است. به هر حال ایشان روش تفسیر اشاری، شهودی و رمزی یعنی تمام اقسام تفسیر عرفانی و صوفی را نمی پذیرد.

سوم: دیدگاه قایلان به تفصیل در تفسیر اشاری

الف) دیدگاه علامه طباطبایی

ایشان در مقدمه تفسیرالمیزان با اشاره به روش تفسیر صوفی می نویسد: «اما اهل تصوّف به خاطر مشغول بودن به سیر باطنی در خلقت، و توجه به

ص: ۳۱۸

---

۱- (۱) مبانی و روش های تفسیر قرآن، ص ۳۲۷-۳۲۸ (با تلخیص، ص).

آنان به آیات انفسی و توجّه کمتر به عالم ظاهر و آیات آفاقی، فقط به تأویل قرآن پرداختند و تنزیل (و ظاهر قرآن) را کنار گذاشتند و این مطالب موجب جرأت مردم بر تأویل قرآن و تألیف سخنان شعری و استدلال از هر چیزی برای هر چیز شد، تا آن که در نهایت کار به تفسیر آیات براساس حساب جُمل و برگشت دادن کلمات به زُبر و بینات و حروف نورانی و ظلمانی و غیر آن شد» (۱).

سپس در انتقاد از این روش می نویسد: «واضح است که قرآن تنها برای اهل تصوّف نازل نشده است و مخاطب آن اهل علم اعداد و آفاق و حروف نیستند و معارف قرآن براساس حساب جُمل که اهل نجوم یونانی آن را قرار داده اند نیست».

در ادامه به روش تفسیر باطنی اشاره می کند و می نویسد: «بلی در احادیث از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام وارد شده که قرآن ظاهر و باطنی دارد و باطن آن باطن دارد تا هفت یا هفتاد بطن دارد. ولی اهل بیت علیهم السلام با توجّه به ظاهر، به باطن نیز توجّه می کردند و به تأویل و تنزیل - هر دو - توجّه داشتند.» (۲)

بررسی: ایشان چند گونه از تفسیر اشاری را نام برده اند:

اول تفسیر صوفی که بر اساس تأویل های بدون دلیل پایه گذاری شده است.

دوم تفسیر باطنی صحیح که بر اساس توجّه به ظاهر و باطن قرآن استوار است.

ب) دیدگاه آیت الله معرفت:

ایشان در مورد تفسیر عرفانی (رمزی و اشاری) می نویسد: «در اینجا برای اهل عرفان باطنی تفاسیری هست که بر اساس تأویل ظواهر (آیات) و اخذ به باطن تعبیر (قرآن) بدون توجّه به دلالت های ظاهری آن ها، پایه گذاری شده است و بر دلالت رمز و اشاره بر اساس اصطلاح خودشان، پایه گذاری شده است و از اطراف و جوانب کلام استفاده می کنند نه از صریح الفاظ و دلالت کلام. آنان برای ظواهر تعبیر باطن هایی را فرض

ص: ۳۱۹

---

۱- (۱) المیزان، ج ۱، ص ۷.

۲- (۲) همان.

کرده اند و آن ها را بر قرآن کریم حمل (تحمیل) می کنند و در این راه به ذوق عرفانی ویژه ای استناد می کنند که ما ورای فهم معمولی مردم است»<sup>(۱)</sup>.

سپس ایشان با بیان تاریخچه تفسیر عرفانی آن را تفسیر صوفیه می خوانند و به مسأله تفسیر باطنی اشاره می کند و می فرماید: «هرچند که ما تأویلات غیر مستند این افراد را منکر هستیم، اما قبول داریم که قرآن ظاهر و باطن دارد، همان طور که از پیامبر صلی الله علیه و آله حکایت شده است.

ظاهر قرآن عبارت است از معنایی که از تنزیل (آنچه نازل شده است) استفاده می شود و بر استفاده از ظاهر تعبیرات (آیات) بر اساس اصول مقرر در باب تفهیم و تفهم استوار است.

اما باطن عبارت است از مفهوم عام شامل که از فحوای آیه استنباط می شود. یعنی آیه به طوری تأویل می شود و به جایی باز می گردد که بر موارد مشابه در طول زمان منطبق شود. البته تأویل (و به دست آوردن بطن) شرایطی دارد که بر اساس ذوق های مختلف و سلیقه ها نیست»<sup>(۲)</sup>.

سپس ایشان به تفسیر شهودی اشاره می کند و می نویسد: تفسیر صوفی بر مقدمات علمی و برهان های منطقی و سبب معقول تکیه نمی کند، بلکه تفسیر آنان چیزی است که به سبب اشراقات نوری که از محل بالاتر افاضه می شود. یعنی صوفی عارف به درجه ی کشف و شهود می رسد و معنا برای او کشف می شود و به او اشارات قدسیه می شود و به قلب او از غیب معارف الهی می رسد<sup>(۳)</sup> و در ادامه ایشان در مورد انواع تفسیر باطنی می نویسد: «تفسیر صوفی را به دو نوع تقسیم کرده اند: نظری و فیضی.

ص: ۳۲۰

---

۱- (۱) التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب ج ۲، ص ۵۲۶.

۲- (۲) همان، ص ۵۲۷.

۳- (۳) با تلخیص همان، ص ۵۲۸.

این تقسیم بر اساس تقسیم تصوّف به نظری و عملی است که تصوّف نظری بر اساس بحث و درس است اما تصوّف عملی بر اساس زهد و گذراندن مراحل سیر و سلوک عملی، اذکار و اوراد است» (۱) و در ادامه ریشه تصوّف نظری را به یونانیان بر می گرداند و تعالیم آن ها را از روح قرآن دور می داند که آنان تلاش می کنند نظریات عملی خود را بر قرآن تحمیل کنند. اما تصوّف فیضی آن است که قرآن را بر خلاف ظاهر آن بر اساس اشارات رمزی تفسیر می کند که برای صاحبان سلوک و ریاضت ظاهر می شود ولی دلیل و برهان ندارد (۲).

بررسی

ایشان نیز چند قسم از تفسیر اشاری را بیان کرده اند:

اول تفسیر صوفی که بر اساس تأویل و باطن قرآن و تصوّف نظری قرآن استوار است، اما تأویلات آن ها دلیل ندارد.

دوم تفسیر صوفی که بر اساس کشف و شهود و تصوّف عملی است.

سوم تفسیر باطنی صحیح که بر اساس ضوابط صحیح تأویل و بطن یابی استوار است.

مراحل به دست آوردن بطن و تأویل آیات:

مراحل صحیح پی بردن به بطن (پیام های نهفته) قرآن عبارت است از:

۱ - جویا شدن هدف آیه.

۲ - سنجیدن آن هدف با خصوصیات ذکر شده در متن آیه.

۳ - آنچه در تحقق یافتن هدف دخالت دارد باقی گذارده شود و آنچه دخالت ندارد نادیده گرفته شود.

ص: ۳۲۱

---

۱- (۱) همان، ص ۵۳۷.

۲- (۲) همان، ص ۵۳۸.

۴ - مفهومی عام از متن آیه برداشت شود که مستقیماً در راستای هدف آیه قرار داشته باشد و از خصوصیات ذکر شده پیرامون آیه فراتر بوده و بر موارد مشابه مورد نزول آیه در هر زمان و هر مکان قابل تطبیق باشد.

۵ - معیار صحت این برداشت در آن است که: مفهوم عام مُسْتَخْرَج از بطن آیه به گونه ای باشد که مورد نزول آیه یکی از مصادیق شاخص آن مفهوم عام گردد. و اگر چنین نشد و با ظاهر تنزیل تناسب قریب نداشت، چنین استخراجی نادرست و از قبیل تأویل باطل و تفسیر به رأی خواهد بود<sup>(۱)</sup>. در این مورد به مثال های سه گانه گذشته توجه کنید تا مطلب روشن شود.

۲ - معیارهای تفسیر اشاری صحیح:

از سخنان کسانی که تفسیر اشاری باطنی صحیح را پذیرفته اند استفاده می شود، که رعایت ضوابط و شرایط زیر در این تفسیر لازم است:

الف) توجه به ظاهر و باطن قرآن هر دو؛ یعنی توجه به بطن و اشارات قرآن، مفسّر را از توجه به ظاهر آیات و تفسیر ظاهری آن غافل نکند و نگویید که قرآن غیر از تفسیر اشاری باطنی تفسیر دیگری ندارد. این ضابطه از کلام علامه طباطبایی و آیت الله معرفت و استاد حسن عباس زکی استفاده می شد<sup>(۲)</sup>.

ب) رعایت مناسبت نزدیک بین ظاهر کلام و باطن آن، یعنی بین دلالت ظاهری و دلالت باطنی کلام، به طوری که بیگانه نسبت به همدیگر نباشد؛ یعنی مناسبت لفظی یا معنوی باشد به گونه ای که بتوان بطن را از ظاهر کلام انتزاع کرد<sup>(۳)</sup>. همانطور که در مثال قتل و حیات دیدیم که حیات جسم و حیات معنوی و روحی (یعنی هدایت) مناسبت دارد.

ص: ۳۲۲

---

۱- (۱) این مطلب از مبحث تأویل و بطن از نوشته های نشریافته آیه الله معرفت استفاده شد که معظم له از سر لطف در اختیار نگارنده قرار داده بود.

۲- (۲) نک: المیزان ج ۱، ص ۷؛ التفسیر والمفسرون فی ثوبه القشيب، ج ۲، ص ۵۲۷؛ مقدمه تفسیر القشیری، ج ۱، ص ۴، ۶.

۳- (۳) التفسیر و المفسرون، آیه الله معرفت، ج ۱، ص ۱۵.

ج) مراعات نظم و دقت در الغای خصوصیاتی که در کلام هست. تا بتوان اصل و مغز کلام را به صورت مفهوم عامی به دست آوریم.

همان طور که در قانون «سبر و تقسیم» در منطق گفته شده و در علم اصول از آن با عنوان «تنقیح مناط» یاد می شود که فقها برای به دست آوردن ملاک قطعی حکم شرعی از آن استفاده می کنند و حکم نفیاً و اثباتاً دایر مدار آن است و ملاک همان عموم فحوای کلام است نه خصوص عنوان وارد شده در زبان دلیل، این دوش شرط و ضابطه را آیت الله معرفت برای تأویل و بطن صحیح آورده اند (۱).

د) تفسیر اشاری باطنی با آیات محکم قرآن و دلایل قطعی عقل منافات نداشته باشد.

ه) تفسیر اشاری باطنی قرینه معتبر داشته باشد که این قرینه گاهی عقلی و گاهی نقلی همچون آیات و روایات است. یعنی گاهی از روش تفسیر عقلی و اجتهادی و گاهی از روش تفسیر روایی برای به دست آوردن از بطن و پیام آیه استفاده می شود.

و) مفهوم عام و قاعده ی کلی که از آیه استخراج می شود طوری باشد که مورد آیه یکی از مصادیق آن باشد. بنابراین اگر شرایط عام تفسیر رعایت شود، تفسیر اشاری باطنی ضابطه مند و معتبر خواهد بود.

ج) دیدگاه دکتر ذهبی

ایشان تفسیر اشاری را به دو قسم تقسیم می کند:

اول: تفسیر صوفی نظری که بر مقدمات علمی استوار است که در ذهن صوفی مشخص شده است. در این شیوه مفسر گمان می کند که تمام مقصود آیه را درک کرده و چیزی غیر از این تفسیر اشاری صوفی نظری نیست که آیه را بر آن حمل کنند.

ص: ۳۲۳

سپس ایشان محی الدین ابن عربی را از بزرگان این شیوه می نامد.

دوم: تفسیر صوفی فیضی که بر اساس ریاضت های روحی صوفی استوار است تا این که او به درجه کشف می رسد و اشارات قدسی را دریافت می کند. در این شیوه، مفسّر گمان نمی کند که تفسیر صوفی فیضی تمام معنای آیه باشد بلکه احتمال می دهد که معنای دیگری نیز باشد که همان معنای ظاهری است که قبل از هر چیز به ذهن می رسد (۱).

(د) دیدگاه شیخ خالد عبدالرحمن العکک

ایشان تفسیر اشاری را این گونه تعریف می کند: «آن تأویل آیات قرآن کریم بر اساس چیزی غیر از ظاهر آیات و به مقتضای اشارات خفی است که برای اهل علم و سلوک ظاهر می شود که براساس تطابق بین آن اشارات و بین ظواهر مقصود از آیات قرآن به وجهی شرعی، بنا گذاشته می شود» (۲). سپس ایشان با توضیح معنای اشاره و تقسیم آن به اشاره ی حسی و ذهنی، تفسیر اشاری ذهنی را به دو قسم مخفی و آشکار تقسیم می کند و می نویسد:

اول: اشارات خفی که اهل تقوی و صلاح و علم هنگام تلاوت قرآن آن ها را درک می کنند. و اینها معانی اسرار قرآنی است که به قلب مؤمن متقی و صالح عالم القاء می شود، که یا بین خود و خدایش می ماند یا این که آن را برای دیگران می گوید، بدون آن که کسی ملزم به پذیرش آن ها باشد.

دوم: اشارات آشکار که آیات طبیعت در قرآن آن ها را در بر دارد. یعنی آیاتی که اشارات واضح به علوم جدید و اکتشافات دارد که این همان اعجاز علمی قرآن در عصر ما - یعنی عصر علم - است» (۳).

ص: ۳۲۴

۱- (۱) التفسیر و المفسرون، دکتر ذهبی، ج ۲، ص ۳۳۹.

۲- (۲) اصول التفسیر و قواعد، ص ۲۰۵.

۳- (۳) همان، ص ۲۰۶ و ص ۲۰۹.



سپس شروط تفسیر اشاری را بیان کرده (۱)، یادآور می‌شود که تفسیر اشاری در حوزه اخلاق و کمال نفس و تقویت ایمان و یقین کاربرد دارد اما احکام شرعی از تفسیر اشاری گرفته نمی‌شود و در پایان مرز تفسیر اشاری را با تفسیر صوفی مشخص ساخته و می‌نویسد:

«تفسیر اشاری که با شروط مذکور بیان شد غیر از تفسیر به روش فلسفی نظری صوفی درباره تفسیرهای اشاری است که از دایره تفسیر مشروع خارج می‌شود».

سپس تفسیر صوفی را اینگونه توضیح می‌دهد: «صوفیه به علم «اشاره» قایل هستند و آن علمی به اسرار قرآن کریم است از طریق عمل به آن، صوفیه می‌گویند که تحت هر حرف از حروف قرآن، نکات قابل فهم زیادی است که برای هر کس بهره ای از آن هست».

سپس برای این روش تفسیری مثال‌هایی آورده است.

بررسی

ایشان سه قسم از تفسیر اشاری را بیان کرد:

اول: تفسیر اشاری مخفی به معنای اسرار قرآنی که به قلب عالمان اهل تقوی القا می‌شود.

دوم: تفسیر اشاری آشکار به معنای اشارات علمی قرآن به علوم جدید.

سوم: تفسیر اشاری به معنای تفسیر فلسفی صوفی که براساس علم اشاره و اسرار حروف استوار است. البته به نظر می‌رسد که قسم دوم از تفاسیر اشاری به شمار نمی‌آید بلکه روش مستقلی در تفسیر قرآن است که ما تحت عنوان روش تفسیر علمی قرآن بیان کردیم.

مثال‌های روایات تفسیری مهدویت در روش تفسیر اشاری:

ص: ۳۲۵

---

۱- (۱) شروط ایشان را در مب، حث معیارهای تفسیر اشاری خواهیم آورد.

وَأُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ) ۱؛ «و می خواهیم که بر کسانی که در زمین مستضعف شده بودند، منت نهیم و آنان را پیشوایان (زمین) گردانیم و آنان را وارثان (آن) قرار دهیم.»

النبي صلى الله عليه و آله: «إن الله تعالى لم يبعث نبياً ولا رسولاً إلا جعل له اثني عشر نقيباً... ثم ابنة محمد بن الحسن المهدي القائم بأمر الله ثم قال يا سلمان... وذلك تأويل هذه الآية (وَأُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَنَمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ) قال فقامت من بين يديه و ما أبالي لقيت الموت أو لقيني» (۱).

بررسی

ظاهر آیه فوق در مورد بنی اسرائیل است که مستضعفان آن قوم با اراده الهی بر فرعونیان پیروز می شوند و جانشین آنها می گردند (۲). ولی تأویل و باطن آیه در مورد امام مهدی علیه السلام و پیروزی نهایی اوست همانطور که در روایت فوق تصریح شده بود. البته این با یکی از معانی بطن و تأویل سازگار است که همان الغاء خصوصیت از آیه و اخذ قاعده کلی و تعیین مصادیق جدید در هر عصر و تعیین مصداق کامل آن در عصر امام عصر علیه السلام است.

«حم عسق (۳)؛ حاء، میم، عین، سین، قاف.»

الإمام الباقر عليه السلام: «حم»: حتم، و «عين»: عذاب، و «سین» سنون کسنی

ص: ۳۲۶

۱- (۲) دلائل الإمامه: ص ۲۳۷، عنه (أبوالمفضل) قال: حدثني علي بن الحسن المنقري الكوفي قال: حدثني أحمد بن زيد الدهان، عن مكحول بن إبراهيم، عن رستم بن عبدالله بن خالد المخزومي، عن سليمان الأعمش عن محمد بن خلف الطاطري عن زاذان، عن سلمان قال: قال لي رسول الله.

۲- (۳) نك: تفاسير مشهور شيعه و اهل سنت ذيل آيه مثل مجمع البيان و... الميزان، نمونه، تفسير كبير فخر رازی، تفسير الكشاف و....

۳- (۴) شوری / ۱ و ۲.

یوسف وقاف»: قذف وخسف ومسخ یکون فی آخر الزمان بالسفیانی وأصحابه، و ناس من کلب ثلاثون ألف یخرجون معه. وذلك حين یرج القائم علیه السلام بمکه، و هو مهدی هذه الأمة» (۱)

بررسی

یکی از اقسام تفسیر اشاری، تفسیر رمزی است که حروف مقطعه قرآن در بسیاری از روایات تفسیری توضیح داده شده است. در روایت فوق نیز به برخی رموز «حم، عسق» اشاره شده است. صرف نظر از سند این احادیث و اقوال مختلفی که در مورد حروف مقطعه قرآن وجود دارد (۲)، این مطلب حائز اهمیت است که در روایات تفسیری مهدویت به تفسیر اشاری رمزی در مورد حروف مقطعه توجه شده که لازم است در چهارچوب تفسیر اشاری رمزی بدانها پرداخته و مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد ولی باید بدانیم که معنای حروف مقطعه منحصر به این احتمالات نیست.

مثال دیگر: (وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ) ۳؛ و بیقین هفت (آیه از سوره حمد با نزول) دوباره، و قرآن بزرگ را به تو دادیم.

الإمام الصادق علیه السلام: «إن ظاهرها الحمد، وباطنها ولد الولد، والسابع منها القائم علیه السلام» (۳).

ص: ۳۲۷

۱- (۱) تفسیر الثعلبی، الشوری / ۱، وقال بکر بن عبدالله المزنی: العمده، ص ۴۲۹، ح ۸۹۸، عن الثعلبی. الطرائف: ص ۱۷۶، ح ۲۷۶، عن الثعلبی. منهج الصادقین: ج ۸، ص ۲۰۲، مرسلًا عن بکر بن عبدالله: إثبات الهداه: ج ۳، ص ۶۰۴، ب ۳۲، ف ۴، ح ۹۷، عن الطرائف. البحار: ج ۳۶، ص ۳۶۷، ب ۴۱، عن العمده و فی ج ۵۱، ص ۱۰۵، ب ۵، ح ۴۰، عن الطرائف. العوالم: ج ۳/۱۵، ص ۳۰۴، ب ۱۴، ح ۳، عن العمده.

۲- (۲) نک: المیزان، ج ۱، ذیل آیه اول سوره بقره.

۳- (۴) العیاشی: ج ۲، ص ۲۵۰، ح ۳۷، عن یونس بن عبدالرحمن، عن ذکره رفعه قال: سألت أبا عبد الله علیه السلام عن قول الله (وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ) قال: إثبات الهداه: ج ۳، ص ۵۵۱، ب ۳۲، ف ۲۸، ص ۵۶۸؛ عن العیاشی، وقال «أقول تقدم الوجه فی مثله، والأقرب هنا أن یراد ولد ولد الحسين علیه السلام وهو الباقر علیه السلام فإن السابع من أولاده القائم علیه السلام، والصادق علیه السلام محسوب من السبعة علی التوجهین». البرهان: ج ۲، ص ۳۵۴، ح ۸، عن العیاشی. المحججه: ص ۱۱۳، عن العیاشی. البحار: ج ۲۴، ص ۱۱۷، ب ۳۹، ح ۶ و ج ۹۲، ص ۲۳۶، ب ۲۹، ح ۲۶، عن العیاشی. نور الثقلین: ج ۳، ص ۲۷، ح ۱۰۱، عن العیاشی.

تذکر: در روایت فوق ظاهر آیه «سبعاً» به معنای هفت عدد است که «سبعاً من المثانی» یکی از نام های سوره حمد است که هفت آیه دارد همانطور که در روایت اشاره شده است. اما باطن آیه هفتمین امام از نسل امام صادق علیه السلام است (حضرات صادق، کاظم، رضا، جواد، هادی، حسن عسگری، مهدی علیهم السلام)

البته ارتباط ظاهر و باطن آیه فوق برای ما کاملاً روشن نیست ولی شاید اشاره به آن باشد که سوره حمد هفت آیه ای دو بار نازل شد، معصومان در اسلام نیز به دو دسته هفت تایی تقسیم می شوند که از پیامبر صلی الله علیه و آله تا امام باقر علیه السلام گروه اول بودند و از امام صادق علیه السلام تا امام عصر علیه السلام گروه دوم بودند که این مطلب با نوعی الغاء خصوصیت و اخذ قاعده کلی و تطبیق بر مصادیق جدید می تواند سازگار باشد.

مثال دیگر: (إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ) ۱؛ در حقیقت، تعداد ماه ها نزد خدا [از] روزی که آسمان ها و زمین را آفریده، در کتاب الهی، دوازده ماه است؛ که از آنها چهار [ماه] حرام است. این، دین استوار است؛ پس در این [ماه] ها به خودتان ستم نکنید؛ و همگی با مشرکان پیکار کنید، همان گونه که [آنان] همگی با شما می جنگند؛ و بدانید که خدا با پارسایان (خود نگهدار) است.»

الإمام الباقر عليه السلام: «يا جابر أما السنة فهي جدی رسول الله صلى الله عليه و آله. وشهورها اثنا عشر شهرا. فهو أميرالمومنين وإلى، وإلى ابني جعفر وابنه موسى، وابنه

علی، وابنه محمد، وابنه علی، وِالی ابنه الحسن، وِالی ابنه محمد الیهادی المهدی، اثنا عشر إماما حجج الله فی خلقه، و أمناؤه علی و حیه و علمه.

والأربعة الحرم الذين هم الدين القيم، أربعة منهم يخرجون باسم واحد: علی أميرالمومنین وأبی علی بن الحسين وعلی بن موسی وعلی بن محمد. فالإقرار بهؤلاء هو الدين القيم. ولا تظلموا فيهن أنفسكم: أي قولوا بهم جميعاً تهتدوا»(۱).

تذکر: در این روایت «ماه» (= شهر) های دوازده گانه ظاهر آن همان ماههای سال است اما باطن آن دوازده امام علیه السلام هستند.

این مطلب می تواند با نوعی الغاء خصوصیت و اخذ قاعده کلید و تطبیق بر مصادیق جدید (بطن به معنای خاص) سازگار آید.

## ۶. روش تفسیر به رأی

### مفهوم شناسی

رأی: اصل این واژه به معنای نظر کردن به هر وسیله ای است، اعم از نظر کردن با چشم یا قلب یا به وسیله شهود روحانی یا به وسیله قوه خیال(۲) و واژه «رأی» به معنای عقیده ای است که از غلبه ی گمان پیدا می شود(۳).

و برخی مفسران برآنند که واژه «رأی» در کتاب و سنت به معنای درک عقلانی به کار نرفته است(۴). پس می توان گفت که واژه «رأی» به معنای عقیده، دیدگاه و سلیقه شخصی است که براساس گمان شکل گرفته است.

ص: ۳۲۹

---

۱- (۱) غیبه الطوسی: ص ۹۶، (وروی) جابر الجعفی قال: سألت أبا جعفر عليه السلام عن تأويل قول الله عزوجل: إن عده الشهور عندالله اثنا عشر شهراً في كتاب الله يوم خلق السموات والأرض منها أربعة، حرم ذلك الدين القيم فلا تظلموا فيهن أنفسكم، قال: فتفنس سيدي الصعداء ثم قال: مناقب ابن شهر آشوب: ج ۱، ص ۲۸۴، بعضه مرسلاً عن جابر بن يزيد الجعفی، عن أبي جعفر عليه السلام وفيه «وفي خبر آخر أربعة، حرم، علی والحسن والحسين والقائم، بدلاله قوله: ذلك الدين القيم». إثبات الهداه: ج ۱، ص ۵۴۹، ب ۹، ف ۱۷، ح ۳۵۷، عن غيبة الطوسی بتفاوت يسير. البرهان: ج ۲، ص ۱۲۳، ح ۵، عن غيبة الطوسی. المحججه: ص ۹۳، عن غيبة الطوسی. البحار: ج ۲۴، ص ۲۴۰، ب ۶۰، ح ۲، عن غيبة الطوسی والمناقب. نور الثقلين: ج ۲، ص ۲۱۵، ح ۱۴۰، عن غيبة الطوسی. منتخب الأثر، ص ۱۳۷، ف ۱، ب ۸، ح ۴۸، عن غيبة الطوسی.

۲- (۲) التحقيق في كلمات القرآن الكريم، مصطفىوى، ج ۴، ص ۱۴.

۳- (۳) مفردات راغب اصفهانی، ماده «رأی».

۴- (۴) تفسیر به رأی، مکارم شیرازی، ص ۲۲.

باء: واژه «باء» در «تفسیر به رأی» ممکن است به یکی از سه معنا باشد:

الف) بقاء سببیت، یعنی: هر کس قرآن را به وسیله و به سبب رأی خود تفسیر کند، جایگاهی از آتش دارد (یعنی ممکن است انگیزه و سبب اصلی تفسیر آیه، همان رأی و نظر شخصی او باشد، در برابر کسی که سبب و انگیزه اصلی او از تفسیر رأی او نیست بلکه او به دنبال حقایق قرآن است و اگر رأی شخصی او مطابق یا مخالف تفسیر باشد برایش فرقی نمی‌کند).

ب) بقاء استعانت، یعنی: هر کس قرآن را با کمک رأی خود تفسیر کند جایگاهی از آتش دارد. (در برابر کسانی که قرآن را با کمک قراین عقلی و نقلی تفسیر می‌کنند).

ج: بقاء زایده، یعنی: هر کس به جای تفسیر قرآن رأی خود را بگوید. و رأی شخصی او مصداق تفسیر شود. (در برابر کسی که تفسیر حقیقی قرآن را می‌گوید نه رأی خود را به جای تفسیر) البته معنای اول و دوم با روایات تفسیر به رأی سازگار است و معنای دوم (استعانت) اظهر است (۱). در مباحث آینده در تحلیل روایات تفسیر به رأی، این معانی با توجه به روایات بررسی خواهد شد.

پیشینه تاریخی تفسیر به رأی

زمان دقیق پیدایش روش تفسیر به رأی روشن نیست، اما برخی از روایات در مورد مذمت تفسیر به رأی از پیامبر صلی الله علیه و آله حکایت شده است (۲)، از ظاهر این گونه احادیث می‌توان استفاده کرد که روش تفسیر به رأی از زمان پیامبر صلی الله علیه و آله شروع شده بود و از این رو ایشان از این روش یاد کرده و انجام دهندگان آن را سرزنش نموده است و لحن روایات آن نیست که در آینده چنین چیزی اتفاق خواهد افتاد و الآن پیامبر صلی الله علیه و آله پیش‌گویی می‌کند.

ص: ۳۳۰

---

۱- (۱) نک: در آمدی بر تفسیر علمی قرآن، ص ۱۰۹، نگارنده؛ مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، عمید زنجانی، ص ۲۲۸-۲۲۹.  
۲- (۲) نک: امالی، صدوق، ص ۶، ح ۳ و سنن ترمذی، ج ۴؛ کتاب تفسیر القرآن، ح ۲۹۶۰-۲۹۶۱؛ مقدمه تفسیر برهان، ص ۱۶.

بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله در زمان ائمه علیه السلام نیز این مسأله مطرح بوده است از این رو تعدادی از روایات در مورد مذمت تفسیر به رأی از آنان صادر شده است (۱) و حتی حکایت شده که امام علی علیه السلام برخی افراد را مخاطب قرار داده و از تفسیر به رأی نهی کرده است (۲). البته برخی از این احادیث ناظر به افرادی است که مکتبی در برابر اهل بیت صلی الله علیه و آله در تفسیر قرآن گشوده بوده اند (۳).

در عصرهای بعدی نیز تفسیر به رأی در برخی از کتاب های تفسیر راه یافت و گاهی فرقه ها و مفسران همدیگر را متهم به تفسیر به رأی می کردند. برای مثال برخی نویسندگان فخر رازی صاحب تفسیر کبیر و اخوان الصفا و برخی صوفیه و نیز گاهی اشاعره و معتزله را متهم به تفسیر به رأی کرده اند چرا که آیات قرآن را مطابق با عقاید خویش تأویل و تفسیر کرده اند (۴).

و در عصر حاضر این روش تفسیری اوج گرفت، و برخی افراد منافق صفت نیز با ظهور مکاتب الحادی تلاش کردند که با استفاده از آیات قرآن و تفسیر به رأی آن ها جوانان مسلمان را جذب خویش سازند و مقاصد الحادی خود را بپوشانند (۵) که شهید مطهری این روش را ماتریالیسم اغفال شده یا ماتریالیسم منافق می خواند (۶).

دلایل ممنوعیت تفسیر به رأی

مهم ترین دلایل مخالفت با تفسیر به رأی عبارتند از:

یک: آیات قرآن

ص: ۳۳۱

۱- (۱) این روایات در بخش بعدی می آید.

۲- (۲) البرهان، ج ۱، ص ۴۱.

۳- (۳) وسائل الشیعه، الحر العاملی، ج ۱۸، باب ۱۳ من ابواب، صفات القاضی، حدیث ۲۵.

۴- (۴) نک: التفسیر بالرأی، دکتر محمد زغلول، ص ۱۷۷، به بعد و مبانی و روش های تفسیر قرآن، عمید زنجانی، ص ۲۲۳.

۵- (۵) نک: تفسیر به رأی، مکارم شیرازی، ص ۴۹-۵۲.

۶- (۶) نک: مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۱، ص ۴۶۰ (درعلل گرایش به مادیگری).

در این مورد به آیات متعددی استدلال شده است که مهم ترین آنها عبارتند از (۱): قال الله تعالى: (قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ وَ الْإِثْمَ وَ الْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَ أَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَ أَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ) ۲؛ «بگو: پروردگارم، تنها اعمال زشت را، چه آشکار باشد چه پنهان، حرام کرده است، و گناه و ستم به ناحق را؛ و این که چیزی را که خدا دلیلی برای آن فرو نفرستاده، شریک او قرار دهید، و به خدا مطلبی نسبت دهید که نمی دانید». و نیز می فرماید: (وَ لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ) ۳؛ «و از آنچه بدان آگاهی نداری، پیروی مکن».

توضیح: کسانی که به این آیات استدلال کرده اند می گویند:

اولاً تفسیر به رأی سخنی غیر علمی است که به خدا نسبت داده می شود. چون کسی که تفسیر به رأی می کند یقین ندارد که به واقع می رسد، و حداکثر آن است که گمان می کند.

ثانیاً نسبت دادن سخن غیر علمی به خدا حرام است، چرا که در آیات قرآن از آن نهی شده است. همان طور که در دو آیه مذکور هم آمده است.

پس تفسیر به رأی حرام است. (۲) - (۳)

دو: روایات ممنوعیت تفسیر به رأی

در این مورد روایات متعددی در منابع حدیثی شیعه و سنی آمده است که می توان آن ها را به چند دسته تقسیم کرد:

ص: ۳۳۲

۱- (۱) در اصول التفسیر وقواعد، خالد عبدالرحمن العکک، ص ۱۶۸، به آیه ۴۴ / نحل نیز استدلال کرده است ولی از آنجا که ایشان تفسیر عقلی و تفسیر به رأی را خلط کرده، این آیه را آورده است ما استدلال او را در روش تفسیر عقلی مورد بررسی قرار می دهیم.

۲- (۴) این دلیل یک قیاس منطقی است که صغری، کبری و نتیجه دارد.

۳- (۵) نک: الاتقان، سیوطی، الجزء الرابع، ص ۲۱۰ و مناهل العرفان، زرقانی، ج ۲، ص ۶۱ و اصول التفسیر وقواعد، خالد عبدالر، حمن العکک، ص ۱۶۸.



الف) روایاتی که فقط تفسیر به رأی را محکوم و مذمت می کند و مجازات های آن را بر می شمارد:

۱. عن النبی صلی الله علیه و آله: «من فسّر القرآن برأیه فلیتبوأ مقعده من النار»<sup>(۱)</sup>؛ «هر کس قرآن را به رأی خویش تفسیر کند، جایگاهی از آتش برای خود فراهم خواهد کرد».

۲. عن النبی صلی الله علیه و آله: «من قال فی القرآن برأیه فلیتبوء مقعده من النار»<sup>(۲)</sup>؛ «هر کس به رأی خود در قرآن سخن گوید، جایگاهی از آتش برای خود فراهم خواهد کرد».

تذکر: در این روایت مطلق «قول» و سخن به رأی درباره قرآن، سرزنش شده است.

۳. عن الصادق علیه السلام: «من فسّر برأیه آیه من کتاب الله فقد کفر»<sup>(۳)</sup>؛ «هر کس آیه ای از کتاب خدا (قرآن) را تفسیر به رأی کند به یقین کافر شده است».

۴. فی عیون اخبار الرضا علیه السلام للصدوق عن ابن المتوکل (محمد بن موسی بن المتوکل) عن علی بن ابراهیم، عن أبیه، عن الریان بن الصلت عن علی بن موسی الرضا علیه السلام عن أبیه عن آبائه عن امیرالمومنین علیه السلام قال: «قال رسول الله صلی الله علیه و آله قال الله جلّ جلاله ما آمن بی من فسّر برأیه کلامی»<sup>(۴)</sup>؛ «پیامبر صلی الله علیه و آله از خدای متعال حکایت می کند که: هر کس کلام مرا تفسیر به رأی کند، به من ایمان ندارد».

تذکر: این روایت سند آن صحیح و معتبر است<sup>(۵)</sup>.

ص: ۳۳۳

---

۱- (۱) مقدمه تفسیر برهان (مرآه الانوار)، ص ۱۶ و المیزان، ج ۳، ص ۷۵.

۲- (۲) سنن ترمذی، ج ۵، ص ۱۹۹؛ تفسیر قرطبی، ج ۱، ص ۲۷؛ کنز العمال، ج ۲، ص ۱۰ (در سنن ترمذی این حدیث را حسن می دانند).

۳- (۳) تفسیر برهان، ج ۱، ص ۱۹.

۴- (۴) عیون اخبار الرضا علیه السلام، الصدوق، ج ۱، ص ۱۱۶؛ بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۱۰۷؛ امالی، صدوق، ص ۶، حدیث ۳.

۵- (۵) محمد بن موسی بن متوکل ثقة است. (معجم رجال الحدیث، خویی، ج ۱۷، ص ۵-۲۸۴) و علی بن ابراهیم و پدرش وثاقت آنان در رجال مشهور است و اما ریّان بن الصلت نیز ثقة است. (همان، ج ۷، ص ۲۱۰-۲۰۹)

ب) روایاتی که تفسیر به رأی را نوعی سخن ناآگاهانه و دروغ به شمار می آورد:

۱. عن النبی صلی الله علیه و آله: «من فسّر القرآن برأیه فقد افتری علی الله الکذب»<sup>(۱)</sup>؛ «هر کس قرآن را تفسیر به رأی کند به یقین برخدا دروغ بسته است.»

۲. عن النبی صلی الله علیه و آله: «من قال فی القرآن بغير علم فلیتوبء مقعده من النار»<sup>(۲)</sup>؛ «هر کس در مورد قرآن چیزی بدون آگاهی بگوید، جایگاهی از آتش برای خود فراهم خواهد کرد.»

تذکر: مقصود این گونه احادیث آن است که تفسیر به رأی بدان معناست که چیزی بدون علم در تفسیر قرآن گفته شود و نسبت دادن سخنی بدون آگاهی به خدا دروغ بستن و تهمت زدن براوست.

۳. عن امیرالمومنین علیه السلام: «قال لمدعی التناقض فی القرآن: «ایاک أن تفسّر القرآن برأیک حتی تفقهه عن العلماء، فأنه ربّ تنزیل یشبه بکلام البشر وهو کلام الله وتأویله لایشبه کلام البشر»<sup>(۳)</sup>؛ «مراقب باش که قرآن را با رأی خودت تفسیر نکنی (و صبر کن) تا این که آن را از دانشمندان بگیری، چرا که چه بسیار (آیات) نازل شده ای که مشابه سخنان انسان هاست ولی آن کلام خداست و تاویل آن مشابه سخنان بشر نیست.»

ج) روایاتی که تفسیر به رأی را از جهت گمراهی محکوم می سازد:

عن الباقر علیه السلام: «وَيَحْكُكُ يَا قَتَادَةَ ان كنت ائماً فسیرت القرآن من تلقاء نفسك فقد هلکت واهلکت»<sup>(۴)</sup>؛ «(امام باقر علیه السلام به قتاده که مفسّر بصره بود) فرمود: وای بر تو ای قتاده، اگر قرآن را از پیش خود تفسیر کنی، به یقین هلاک می شوی و دیگران را نیز به هلاکت خواهی کشاند.»

ص: ۳۳۴

۱- (۱) مقدمه تفسیر برهان (مرآه الأنوار)، ص ۱۶.

۲- (۲) المیزان، ج ۳، ص ۷۵؛ نقل از منیه المرید.

۳- (۳) کتاب التوحید، للصدوق، باب ۳۶، ص ۲۶۴ (ط بیروت).

۴- (۴) مقدمه تفسیر برهان (مرآه الانوار)، ص ۱۶.

تذکر: هلاکت در این احادیث به معنای گرفتاری در آتش آخرت نیست بلکه به معنای هلاکت دنیوی یعنی گمراهی نیز هست، چرا که شنونده ی تفسیر را نیز اهل هلاکت معرفی می کند.

پس این گونه احادیث، تفسیر به رأی را که بدون استفاده از قراین نقلی (احادیث معصومین علیهم السلام) انجام گرفته است، موجب گمراهی خود مفسر و دیگران و به هلاکت افتادن هر دو معرّفی می کند و از این رو آن را محکوم می کند.

(د) احادیثی که تفسیر به رأی را هرچند که نتیجه آن صحیح باشد، محکوم می کند.

۱. عن الصادق علیه السلام: «من فسّر القرآن برأیه، ان اصاب لم یؤجر وان اخطأ فهو أبعد من السماء»<sup>(۱)</sup>؛ «کسی که قرآن را تفسیر به رأی کند، اگر (به واقع) برسد، پاداشی داده نمی شود، و اگر به خطا رود، پس او (از مرز حق) بیش از فاصله آسمان (از همدیگر) دور شده است».

۲. عن النبی صلی الله علیه و آله: «من قال فی القرآن برأیه فاصاب فقد اخطأ»<sup>(۲)</sup>؛ «هر کس در مورد قرآن به رأی خود سخن گوید و (به واقع) برسد، یقیناً خطا کرده است».

بررسی احادیث

احادیث مذمت تفسیر به رأی از دو جهت قابل بررسی است:

اوّل: از جهت سند

بسیاری از این احادیث ضعیف، یا مرسل هستند و در میان احادیث شیعه حدیث ۴ / الف صحیح السند بود و در احادیث اهل سنت حدیث ۲ / الف را حسن دانسته اند.

ص: ۳۳۵

۱- (۱) مقدمه تفسیر برهان (مرآه الانوار)، ص ۱۶ و مشابه آن در ص ۲۸؛ بحار الانوار ج ۸۹، ص ۱۱۰.

۲- (۲) سنن ترمذی، ابوداود سجستانی، ج ۴، کتاب تفسیرالقرآن، حدیث ۲۹۶۱ (البته ایشان این حدیث را غریب می دانند.) و مشابه آن در همان، حدیث ۲۹۶۰ و نیز المیزان، ج ۳، ص ۷۵.

ولی از آن جا که این روایات در منابع حدیثی شیعه و سنی زیاد هستند، برخی از بزرگان (۱) و صاحب نظران (۲) در مورد آن ها ادعای تواتر کرده اند، که ظاهراً مقصود تواتر معنوی است.

اما به هر حال با توجه به کثرت روایات و وجود روایات معتبر در بین آن ها از بحث سندی بی نیاز هستیم.

دوم: از جهت متن

از مجموع احادیث نکات زیر به دست می آید:

۱. تفسیر به رأی، گناه کبیره است چرا که وعده ی آتش بر آن داده شده است. از این رو خطر بزرگی به شمار می آید.
۲. تفسیر به رأی یک «روش خطا» در تفسیر است و محکومیت آن از آن جهت نیست که نتیجه آن غلط است، چرا که گاهی ممکن است نتیجه تفسیر به رأی صحیح باشد اما باز هم در احادیث (ردیف د) مذموم و خطا شمرده شده است.
- به عبارت دیگر: خود روش تفسیر موضوعیت دارد و اگر روشی غلط باشد (هرچند که گاهی به نتیجه درست برسد باز هم محکوم است) (۳).
- چون که در صورت صحیح بودن نتایج هم، مفسر مطلبی را به خدا نسبت داده که هیچ گونه حجّتی برای آن نداشته است و از این رو باز هم خطا کرده است. (مفاد احادیث ردیف ب و د).
- البته این یک مطلب عقلایی است، برای مثال: اگر کسی به دروغ ادعای پزشکی بودن کند، سپس اقدام به مداوای مردم نماید و اتفاقاً کسی را از

ص: ۳۳۶

---

۱- (۱) البیان فی تفسیر القرآن، آیه الله خوئی، ص ۲۶۹؛ فراید الاصول، شیخ انصاری، ج ۱، ص ۱۳۹.

۲- (۲) مبانی و روش های تفسیر قرآن، عمید زنجانی، ص ۲۲۱.

۳- (۳) علامه طباطبایی به همین نکته در مورد روایات تفسیر به رأی تصریح کرده و می فرماید: «فالتفسیر بالرأی المنهی عنه أمر راجع الی طریق الکشف دون المکشف»، (المیزان، ج ۳، ص ۷۶).

مرگ نجات دهد، باز هم عقلا او را سرزنش می کنند و برطبق قوانین عقلایی بشری که در دنیا رایج است پاداش به اوداده نمی شود بلکه به جریمه یا زندان محکوم می شود، چرا که روش او غلط است و معمولاً به خطا می رود (هر چند که اتفاقاً یک مورد صحیح باشد و به واقع برسد).

تذکر: از آنجا که احادیث تفسیری مهدویت از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله صادر شده است و پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام در روایات متعدد روش تفسیر به رأی را ممنوع اعلام کرده اند. بنابراین در روایات تفسیری مهدویت از روش تفسیر به رأی استفاده نشده است و در نتیجه استفاده از این روش در احادیث تفسیری مهدویت برای مفسران و محدثان ممنوع است.

### جمع بندی و نتیجه گیری

بنابر آنچه بیان شد در احادیث تفسیری مهدویت از روش های تفسیری قرآن به قرآن - روایی، علمی، اشاری، عقلی و اجتهادی استفاده شده و از روش تفسیر به رأی استفاده نشده است. البته نمونه های اینگونه روایات زیاد بود که ما به ذکر نمونه ها اکتفا کردیم و در مقالات بعدی ابعاد دیگر آنها را بررسی می کنیم.



۱. ابن ادريس حلی، ابو عبدالله محمد بن احمد بن ادريس حلی، مستطرفات السرائر، موسسه انتظارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسین حوزه قم، دوم، ۱۴۱۱ ق.
۲. ابن جریر طبری آملی مازندرانی، ابو جعفر محمد بن جریر، دلائل الامامه، دارالذخائر للمطبوعات، قم، کتاب حاضر از نسخه نشر حیدریه نجف به سال ۱۳۸۳ قمری است.
۳. ابن حنبل، احمد، مسند احمد، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۵، الطبعة الثالثة.
۴. ابن جریر طبری آملی مازندرانی، ابو جعفر محمد بن جریر، دلائل الامامه، دارالذخائر للمطبوعات، قم، کتاب حاضر از نسخه نشر حیدریه نجف به سال ۱۳۸۳ قمری است.
۵. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه علیهم السلام، انتشارات مکتبه بنی هاشمی، تبریز، بی نو ۱۳۸۱ قمری.
۶. انجمن کتاب مقدس ایران، ۱۹۳۲ م، کتاب مقدس، تهران، (شامل، تورات، انجیل و ملحقات آنها).
۷. البحرانی، سید هاشم الحسینی (م ۱۱۰۷ یا ۱۱۰۹ ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، قم - ایران، دار الکتب العلمیه، ۱۳۳۴ ش، پنج جلد.
۸. بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) فارس، نرم افزار رایحه عشق، بخش مقالات، مقاله اتفاق مذاهب در موضوع موعود.
۹. بهشتی، محمد، ادیان و مهدویت، انتشارات امیر، تهران ۱۳۴۴ ه. ش (چاپ دوم).
۱۰. ترمذی، محمد بن عیسی، الجامع الصحیح سنن الترمذی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ ق.
۱۱. تهرانی، دکتر محمد صادقی، الفرقان فی تفسیر القرآن، انتشارات فرهنگ اسلامی، الطبعة الثانية، ۱۴۰۸ ق، ۳۰ جلدی.

۸. توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران، ۱۳۹.
۹. توفیقی، حسین، مجله موعود، ش ۱۷، مقاله هزاره گرایی در مسیحیت، مؤسسه فرهنگی موعود.
۱۰. حسینی استرآبادی، سید شرف‌الدین علی، تأویل الآيات الظاهره فی فضائل العتره الطاهره، موسسه نشر الاسلام، وابسته به جامعه مدرسین قم، اول، ۱۴۰۹ قمری.
۱۱. حکیمی، محمد رضا، خورشید مغرب، محمدرضا حکیمی، نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۰ ه. ش.
۱۲. حویزی عروسی، عبد علی بن جمعه، نورالثقلین، قم، المطبعه العلمیه، الطبعة الثانية، ۱۳۸۳ ق، پنج جلدی.
۱۳. حیدری، عزیزالله، مهدی تجسم امید و نجات، انتشارات مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۰.
- خزار قمی، علی بن محمد، کفایه الاثر فی نص علی الائمه الاثنی عشر، انتشارات بیدار، قم، بی نو، ۱۴۰۱ قمری.
۱۴. خوئی، آیه الله سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، المطبعه العلمیه، قم، ۱۳۹۴ ق.
۱۵. خوئی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث.
۱۶. دستغیب، شهید عبدالحسین، ۱۳۶۱ ش، گناهان کبیره، کانون ابلاغ اندیشه های اسلامی، بی جا، دو جلدی.
- رازی، فخر الدین (۵۴۴-۶۰۴ ق)، تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۱ ق - ۱۹۹۰ م، ۳۲ جلد.
۱۷. الراغب الاصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، تهران، المكتبه المرتضویه، ۱۳۳۲ ش، ۵۵۴ ص.
۱۸. رضایی اصفهانی، دکتر محمد علی، تفسیر قرآن مهر، پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، قم، ۱۳۸۷.



رضایی اصفهانی، دکتر محمد علی، منطق تفسیر قرآن (۲) روش ها و گرایش های تفسیر قرآن، نشر جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله العالمیه، قم، ۱۳۸۵ ش.

۱۹. رضایی اصفهانی، محمد علی و جمعی از پژوهشگران قرآنی، تفسیر قرآن مهر (سوره توبه)، انتشارات پژوهشهای تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۵ ش، قم.

۲۰. ری شهری، محمد محمدی، ۱۳۶۷، میزان الحکمه، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ سوم، ده جلد.

۲۱. السمرقندی، بن عیاش، تفسیر عیاشی، ابی النفر محمد بن مسعود، مکتبه العلمیه الاسلامیه، تهران، بی تا.

۲۲. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۳ ق.

۲۳. سید قطب، تفسیر فی ظلال القرآن، بیروت داراحیاء التراث العربی، الطبعة الخامسة، ۱۳۸۶ ق

۲۴. السیوطی، جلال الدین عبدالرحمن ابن ابی بکر، الدر المنثور فی تفسیر الماتور، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ ق.

۲۵. شوشتری، قاضی نورالله، الصوارم المهرقه فی نقد الصواعق المحرقة، انتشارات چاپخانه نهضت، تهران، بی نو، ۱۳۷۶ قمری.

۲۶. صدوق (محمد بن علی ابن بابویه)، عیون اخبار الرضا علیه السلام، قم، مشهدی، ۱۳۶۳ ش.

۲۷. صدوق ابوجعفر، شیخ محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، کمال الدین و تمام النعمه، انتشارات دارالکتب الاسلامیه قم، دوم، ۱۳۹۵ قمری.

صدوق، شیخ ابوجعفر، ابن بابویه محمد بن علی، الخصال، جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه، قم، ۱۴۱۶ ق.

۲۸. صفار، محمد بن حسن بن فروخ، بصائر الدرجات الكبرى فی فضائل آل محمد صلی الله علیه و آله، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، دوم، ۱۴۰۴ ق.

۲۹. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۹ ش، چاپ سوم.

۳۰. الطبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، المكتبه الاسلامیه، چاپ پنجم، ۱۳۹۵ ق، ده جلدی.
۳۱. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، نشر مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ قمری (نسخه حاضر از چاپ ۱۴۰۱ قمری مؤسسه جواد، بیروت عکسی برداری شده است).
۳۲. طبرسی، امین الاسلام، ابوعلی فضل بن حسن، اعلام الوری بأعلم المهدی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، قم، سوم، بی تا.
- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۹۳ ق، دار المعرفه، بیروت، ۳۰ جلد در ۱۲ مجلد.
۳۳. طوسی، خواجه نصیرالدین و علامه حلّی، ۱۴۰۷ ق، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، قم.
۳۴. عبدالحمید بن هبه الله، ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، طهران، انتشارات کتاب آوند دانش، ۱۳۷۹ ش.
۳۵. قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۵ ق، چاپ دوم.
۳۶. قرطبی، محمد بن احمد، تفسیر قرطبی، (الجامع لاحکام القرآن)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ ق.
۳۷. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر علی بن ابراهیم القمی، مؤسسه دارالکتاب، قم، سوم، ۱۴۰۴ قمری.
- کاشانی، محمد محسن الفیض (م ۱۰۹۱ ق)، تفسیر صافی، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۲ ق، الطبعة الثانیه، ۵ جلد.
۳۸. کاشانی، ملا فتح الله، تفسیر منهج الصادقین، تهران، کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۴۶ ش.
۳۹. کوفی، فات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، مؤسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت ارشاد اسلامی، اول، ۱۴۱۰ قمری.
۴۰. گات ها، ابراهیم پورداود، انجمن زرتشتیان ایران، بمبئی، ۱۹۳۸.
۴۱. مجلسی، علامه محمد تقی، بحار الانوار، المكتبه الاسلامیه، تهران، ۱۱۰ جلد، ۱۳۸۵ ش.

۴۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعه لدرراخبار الائمه الاطهار عليهم السلام، مؤسسه الوفاء بیروت، لبنان، بی نو ۱۴۰۴ قمری.

۴۳. مجله هفت آسمان، ش ۱۲ و ۱۳ مقاله گونه شناسی موعود در ادیان مختلف.

۴۴. المحاسن، برقی، احمد بن ابی عبدالله، دارالکتب الاسلامیه، دوم، ۱۳۳۰، هجری شمسی (۱۳۷۱ قمری).

۴۵. محمد بن محمد بن اشعث، الجعفریات (الاشعثیات)، مکتبه النینوی الحدیثه، تهران، بی نو، بی تا.

۴۶. مرجع مهدویت، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، مؤلف، تهران، ۱۳۸۲.

۴۷. مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه علمیه قم، معارف مهدوی، ناشر: دبیرخانه دائمی اجلاس حضرت مهدی علیه السلام، قم، چاپ اول، بهار، ۱۳۸۵.

معرفت، محمد هادی، التفسیر الاثری الجامع، مؤسسه التمهید، قم، ۱۳۸۳ ش، الطبعة الاولى.

۴۸. مفید، شیخ محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، کنگره جهانی هزاره مفید قم، دوم، ۱۴۱۳ ه. ق.

۴۹. مکارم شیرازی، ناصر (با همکاری جمعی از نویسندگان)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۴ ش، ۲۷ جلد.

۵۰. مهدی پور، علی اکبر، کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام، ناشر: مؤلف، قم، ۱۳۷۵.

۵۱. موسوی گیلانی، سید رضی، مهدویت از دیدگاه دین پژوهان غربی، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، قم، ۱۳۸۵، چاپ اول.

۵۲. میبدی، احمد بن محمد، کشف الاسرار و عده الابرار (تفسیر خواجه عبدالله انصاری)، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۶ ش.

۵۳. الهامی، داوود، خدمات متقابل اسلامی و ایران، مکتب الاسلام، بی جا، ۱۳۷۳.

۵۴. الهیه العلمیه فی مؤسسه المعارف الاسلامیه، معجم احادیث الامام المهدی، مؤسسه المعارف الاسلامیه مسجد جمکران، ۱۴۲۸ ق.

۵۵. الواحدی، النیشابوری، ابوالحسن علی بن احمد، اسباب النزول، المکتبه العصریه، بیروت، ۱۴۲۵ ق.



لیست آثار انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن

۱۷-۱. پرسش های قرآنی جوانان ج ۱-۱۷، محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران

۱۸. فلسفه احکام (۲) حکمت ها و اسرار نماز، احمد اهتمام

۱۹. آموزه های عاشورا، محمدعلی رضایی اصفهانی

۲۰. تفسیر قرآن مهر، سوره یوسف علیه السلام، محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران

۲۱. تفسیر قرآن مهر، سوره توبه، محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران

۲۲-۴۳. تفسیر قرآن مهر (ج ۱-۲۲)، محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران

۴۴. مراحل انس با قرآن - دکتر محمد فاکر میدی

۴۵-۴۶. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن (جلد ۱ و ۲)، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی

۴۷. مستشرقان و تاریخگذاری قرآن، دکتر محمدجواد اسکندرلو

۴۸. قرآن و هنر، دکتر علی نصیری

۴۹. قرآن و بهداشت روان، دکتر احمد صادقیان

۵۰. اعجازها و شگفتی های علمی قرآن - محمدعلی رضایی اصفهانی و محسن ملاکاظمی

۵۱. قرآن و ریاضیات، سید مرتضی علوی

۵۲. پژوهشی در روایات تفسیری امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام، دکتر لاله افتخاری.

۵۳. قرآن و کیهان شناسی، سید عیسی مسترحمی.

۵۴. پژوهشی تطبیقی در بطون قرآن، سید حیدر طباطبایی.

۵۵. شگفتی های پزشکی در قرآن، حسن رضا رضایی.

۵۶. انس با قرآن، دکتر محمد علی رضایی اصفهانی.

۵۷. مدیریت علوی (حکمت ها و آموزه های مدیریتی عهدنامه مالک اشتر)، حسن علی اکبری.

۵۸-۶۶. مجله تخصصی قرآن و علم (۱-۹).

۶۷-۷۷. مجله تخصصی قرآن پژوهی خاورشناسان (۱-۱۱).

۷۸. شگفتی های پزشکی در نهج البلاغه، حسن رضا رضایی.

۷۹. تعارضات عقاید وهابیت با قرآن، ابوالمصطفی.

۸۰. سیمای سوره های قرآن، دکتر محمد علی رضایی اصفهانی.

۸۱. فلسفه احکام (۱) حکمت ها و اسرار احکام بهداشتی اسلام - احمد اهتمام

۸۲. ترجمه آموزشی قرآن، محمد علی رضایی اصفهانی و جمعی از اساتید حوزه و دانشگاه.

۸۳. تفسیر قرآن مجید، (خلاصه تفسیر مهر تک جلدی) دکتر محمد علی رضایی اصفهانی.

ب. کتاب های در دست انتشار:

۱. پرسش های قرآنی جوانان (۲۱) «شبهات (۲): قرآن شناسی، خداشناسی و معادشناسی» - دکتر محمد علی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران.

۲. پرسش های قرآنی جوانان (۲۲) «شبهات (۳): تربیت و تاریخ» - دکتر محمد علی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران.

۳. پرسش های قرآنی جوانان (۲۳) «شبهات (۴): کیهان شناسی و پزشکی» - دکتر محمد علی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران.

۴. پرسش های قرآنی جوانان (۲۴) «تعارضات وهابیت، یهود و مسیحیت» - دکتر محمد علی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران.

۵. فلسفه احکام (۳)، خداشناسی از راه کیهان شناسی - احمد اهتمام.

۶. ترجمه تفسیری قرآن - دکتر محمد علی رضایی اصفهانی و جمعی از اساتید حوزه و دانشگاه.

۷. قرآن و مدیریت، محسن ملاکاظمی.

۸. تفسیر آیات حج، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی

۹. تفسیر آیات الحسین علیه السلام، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی

۱۰. دانشنامه میان رشته ای قرآن و علوم، (ج ۱-۶) جمعی از پژوهشگران

ص: ۳۴۷





راه های تهیه کتاب های انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن

الف. خرید حضوری:

به مراکز پخش که در ذیل به آن ها اشاره می شود:

۱. پخش مرکزی: قم، انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن: قم، خیابان سمیه، خیابان شهید رجایی، کوچه ۴، پلاک ۷۷، تلفن: ۰۲۵۱-۷۷۳۴۰۹۴

۲. آذربایجان شرقی، کتاب فروشی اهل بیت علیهم السلام: تبریز، شهرستان مرند، خیابان پروین اعتصامی روبه روی بانک صادرات، پلاک ۳۴، کتابفروشی اهل بیت: ۰۴۹۱-۲۲۵۷۴۴۷

۳. آذربایجان شرقی، کتاب فروشی شهید شفیع زاده: تبریز، خیابان امام خمینی قدس سره نرسیده به میدان ساعت، روبه روی خیابان تربیت، ۰۴۱۱-۵۵۶۳۴۶۷۰

۴. آذربایجان غربی، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام صادق علیه السلام: آذربایجان غربی، ارومیه، جاده سلماس، پشت ماکارونی چی چست، کوچه ناوایی، ۰۹۱۴۳۸۸۷۶۶۹

۵. اردبیل، نمایشگاه دائمی ولایت: اردبیل، مابین عالی قاپو و باغیشه، روبروی دبیرستان بهار، ۰۴۵۱-۲۲۵۳۸۰۰

۶. اصفهان، انتشارات انصار الامام المنتظر: اصفهان، نجف آباد، خیابان منتظری شمالی، جنب حوزه علمیه امام المنتظر، نمایشگاه و فروشگاه، انتشارات انصار الامام المنتظر، ۰۳۳۱-۲۵۱۲۶۰۰

۷. اصفهان، انتشارات قانون مدار: کاشان، میدان امام خمینی، ابتدای خیابان ابوذر ۲، جنب بیمه البرز مرکزی، پلاک ۳۲، ۰۳۶۱-۴۴۷۱۰۱۴

۸. اصفهان، فروشگاه کتاب شهر ایران: اصفهان، شهررضا، خیابان شهید بهشتی، مجتمع علی ابن ابیطالب، فروشگاه کتاب شهر ایران، ۰۳۲۱-۲۲۳۹۶۹۳

۹. اصفهان، کتابسرای حکمت: اصفهان، چهارباغ پایین، روبه روی اداره کل تربیت بدنی، جنب بانک صادرات، ۰۲۲۴۰۶۰۸-۰۳۱۱

ص: ۳۴۹

۱۰. اصفهان، کتاب فروشی اندیشه: اصفهان، خیابان شهرداری، اول خیابان ابوذر، روبه روی بازار حمام قدیم، کتاب فروشی اندیشه اصفهان، ۰۹۱۳۹۹۹۲۵۹۰.
۱۱. افغانستان، کتاب فروشی مدرسه رسالت: افغانستان، کابل، پل سرخ، قلعه وزیر، مدرسه رسالت، ۰۰۹۳۷۷۷۵۵۶۵۵۷-۰۹۱۲۵۵۱۸۵۸۰-۰۰۹۳۷۹۹۵۵۶۵۵۷.
۱۲. ایلام، مؤسسه فرهنگی غدیر خم ایلام: ایلام، خیابان فردوسی، بالاتر از تعاونی ۱۵، ۳۳۳۲۸۸۸-۰۸۴۱.
۱۳. تهران، پکتا: تهران، خیابان حافظ، نرسیده به چهار راه کالج، نبش کوچه بامشاد، پلاک ۵۲۵، تلفن: ۵-۸۸۹۴۰۳۰۳-۰۲۱.
۱۴. تهران، فروشگاه آستان قدس رضوی - به نشر: تهران، خیابان انقلاب، مقابل درب اصلی دانشگاه تهران، فروشگاه آستان قدس رضوی به نشر، ۸۸۹۶۰۴۶۶-۶۶۴۶۵۷۳۵-۰۲۱.
۱۵. تهران، کتاب و محصولات فرهنگی صوت العظیم: تهران، شهر ری، میدان شهید مدرس، جنب حوزه علمیه حضرت عبدالعظیم، ۵۱۲۲۳۳۸۱-۰۲۱.
۱۶. خراسان جنوبی، نمایشگاه دائمی کتاب: خراسان جنوبی، بیرجند، میدان شهداء، نبش حکیم نزاری ۱، ۲۲۲۴۴۹۵-۰۵۶۱.
۱۷. خراسان رضوی، انتشارات به نشر: مشهد، میدان بیمارستان امام رضا (علیه السلام)، ابتدای خیابان رازی، انتشارات آستان قدس رضوی، شرکت به نشر، تلفن: ۳۷-۸۵۱۱۱۳۶-۰۵۱۱.
۱۸. خراسان رضوی، انتشارات دیانت: خراسان رضوی، مشهد، چهار راه شهداء، کوچه آیت الله بهجت ۲، مجتمع گنجینه کتاب، طبقه منهای یک، پلاک ۶۰۴، ۲۲۲۶۸۹۷-۰۵۱۱.
۱۹. خوزستان، مؤسسه قرآنی بصیرت: خوزستان، شهرستان آبادان، ایستگاه ذوالفقاری، ۴۰ متری، روبه روی جایگاه گاز، ۴۴۵۶۰۶ و ۴۴۵۱۴۵۰-۰۶۳۱.

۲۰. شیراز، کتابفروشی موعود: استان فارس، شیراز، خیابان زند، جنب هلال احمر، ساختمان مرکزی علوم پزشکی شیراز، کتابفروشی موعود، ۰۷۱۱-۲۱۲۲۰۵۸

۲۱. فارس، کتاب سرای قائم شیراز: شیراز، میدان دانشجو، جنب خوابگاه قدس، کتابسرای قائم، ۰۷۱۱-۶۲۹۴۱۱۱

۲۲. قزوین، کتاب شهر ایران: قزوین، خیابان فلسطین، چهار راه عمران، فروشگاه کتاب شهر ایران، ۰۲۸۱-۳۳۵۷۵۳۴

۲۳. قم، انتشارات المصطفی: قم، خیابان حجتیه، روبروی درب مدرسه حجتیه، جنب بنیاد نهج البلاغه، تلفن: ۰۲۵۱-۷۷۳۰۵۱۷

۲۴. قم، انتشارات زمزم هدایت: قم، میدان دورشهر (جانبازان)، خیابان شهید فاطمی، نبش کوچه ۳، تلفن: ۰۲۵۱-۷۷۳۰۷۳۵

۲۵. قم، انتشارات نسیم حیات: قم، بلوار سمیه، میدان معلم، خیابان شهیدین، جنب مدرسه علمیه شهیدین، ۰۲۵۱-۷۷۴۹۷۵۰

۲۶. قم، کتاب فروشی مجتمع آموزش عالی امام خمینی: قم، خیابان ۱۹ دی (باجک) میدان جهاد، کتابفروشی مجتمع آموزش عالی امام خمینی رحمه الله - ۰۲۵۱-۷۱۱۰۵۹۹

۲۷. لرستان، کتاب شهر ایران: لرستان، خرم آباد، خیابان آیت الله کمال وند، جنب سینما استقلال، ۰۶۶۱-۲۲۳۲۷۸۰

۲۸. مازندران، کتاب فروشی نوشت افزار دانش: شهرستان جویبار، خیابان امام، روبروی کفش ملی، ۰۱۲۴-۳۲۲۵۶۲۴

۲۹. مازندران، محصولات فرهنگی حاج بصیر: مازندران، شهرستان بابل، جنب مسجد جامع، سازمان تبلیغات اسلامی شهرستان بابل، مرکز فرهنگی شهید حاج بصیر، ۰۱۱۱-۲۲۹۸۱۵۵

۳۰. مرکزی، کتابفروشی سادات: استان مرکزی، اراک، خیابان پاسداران، بعد از چهارسو، روبروی کامپیوتر مرکزی، کتابفروشی سادات، ۰۸۶۱-۲۲۲۷۳۹۱

۳۱. همدان، کتابفروشی منتظران نور: همدان، خیابان شهدا، کوچه آخوند، کتابفروشی منتظران نور، ۰۸۱۱-۲۵۱۷۴۰۵.

۳۲. یزد، کتاب فروشی نیکو روش: یزد، خیابان امام خمینی قدس سره، کتابفروشی نیکو روش، ۰۳۵۱-۶۲۶۴۶۹۹.

ب. خرید غیر حضوری:

۱. از طریق فاکس: ۰۲۵۱-۷۷۳۴۰۹۴.

۲. خرید اینترنتی: [www.quransc.com](http://www.quransc.com)

ص: ۳۵۲

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

